

آرمینیان

ترجمه مسعود رجوب‌نیا

نوشته سیراچی درنرسیسیان

مجموعه
فرهنگ
آسیا



**"THE
ARMENIANS"**

SIRAPIE DER NERSESSIAN
TRANSLATED BY MASUD RAJABNIA

**Asian
Cultures
Series**



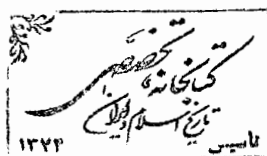
ارمنیان

اسکن شد

مجموعه فرهنگ آسیا / ۲

مجموعه فرهنگ آسیا
جلد دوم
تأليف: د. محمد علی...

ارمنیان



نوشته سیرابی در نوسپان
ترجمه مسعود رجب نیا



مرکز اسناد فرهنگی آسیا

۲۵۳۷

- ارمنیان
- نوشتهٔ سیرارپی درنرسیان
- ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا
- مسئول تولید فنی: فرامرز طالبی
- مرکز اسناد فرهنگی آسیا
- این کتاب در تابستان ۲۵۳۷ در چاپخانه رامین به چاپ رسیده است
- همهٔ حقوق برای مرکز اسناد فرهنگی آسیا محفوظ است
- تهران، خیابان کورش‌کبیر، خیابان ثریا شماره ۱/۳۴

مرکز اسناد فرهنگی آسیا که با یاریهای وزارت فرهنگ و هنر و در ارتباط با سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) برای کمک به تحقیقات آسیایی و معرفی و ترویج فرهنگهای کشورهای آسیا تشکیل یافته، از همان آغاز کار، فعالیتهای خود را در جهت اشاعه اطلاعات فرهنگی به منزله بنیانیترین پشتوانه فعالیتهای تحقیقی متمرکز کرده کتابها و نشریههای متعدد در مجموعههای گوناگون انتشار داده است.

اینک انتشار مجموعه تازه‌ای با عنوان "مجموعه فرهنگ آسیا" آغاز می‌شود. غرض از انتشار این مجموعه معرفی فرهنگهای متنوع و غنی این قاره پهناور است و شناسایی مظاهر گوناگون آن از هنر و فلسفه و تاریخ گرفته تا مظاهر و نمونه‌های دیگر.

مرکز اسناد فرهنگی آسیا آرزومند است با همکاری صاحب‌نظران و دوستداران فرهنگ آسیا به غنای هرچه بیشتر این مجموعه بیفزاید و توفیق آن را بیابد که در حد توان مظاهر و جنبه‌های ناشناخته فرهنگ این قاره پهناور را، با یاری و همکاری همگان، به هموطنان گرامی معرفی کند.

مرکز اسناد فرهنگی آسیا

فهرست مطالب

۳	مقدمه مترجم
۵	سرزمین ونخستین ساکنان آن
۱۵	تاریخ ارمنستان
۳۸	پادشاهی کیلیکیه
۴۳	جامعه و اقتصاد
۶۰	دین
۶۷	ادبیات و علوم
۸۵	معماری
۱۰۳	حجاری

۱۲۳	نقاشی
۱۳۷	کتابشناسی
۱۵۵	شرح تصویرها
۱۶۵	تصویرها
۱۹۷	فهرست اعلام

مقدمه مترجم

این کتاب ترجمه:

Sirarpie Der Nersessian, the Armenians

است از رشته انتشارات:

Ancient Peoples and Places, Thames and Hudson

است.

ارمنیان از کهنترین روزگاران یا بهتر بگوییم از سپیده دم تاریخ ایران یعنی پس از مهاجرت آریاها به نجد ایران با ایران پیوندها و روابط گوناگون - بویژه فرهنگی - داشته اند. در زمان پارتیان این پیوندها افزون و استوارتر گشت. شاهزادگان اشکانی بر اورنگ ارمنستان می نشستند: و زبان فارسی میانه یا پهلوی اشکانی در ارمنی کهن تأثیری شگرف یافت. آنچه آنکه هنوز هم آثار آن در زبان ارمنی جدید مشاهده می شود.

تاریخ دولت ایرانی و ارمنی با هم گره خورده است. در پیکارهای هشتصد ساله ایران و روم که زمینه اقتصادی داشت و بر سر جاده های ابریشم و ادویه در گرفت، ارمنستان اهمیتی فراوان یافت. از این رو این سرزمین پیوسته پهنه کارزار و کشمکش گردید.

بعد از حوادثی چند، نفوذ فرهنگ ایران در ارمنستان چنانکه در این کتاب هم مندرج است ادامه یافت.

استقلال ارمنستان در قرن چهاردهم میلادی برابر با - سده نهم هجری پایان یافت، ولی روابط ایرانیان با ایشان قطع نگردید. شاه عباس اول ارمنیان را به ایران آورد و در جلفای

جدید جای داد و این گروه که مردمی کاری و کاردان بودند
در ایران در بسیاری از امور مؤثر واقع گشتند.
طرحهای آمده در صفحات متن کتاب شکل و عکسهای
بیرون از متن تصویر خوانده شده و بدانها تحت این عنوانها
ارجاع داده شده است.
حواشی مترجم با «م.» مشخص شده است.
از خوانندگان ارجمند خواهش می شود تا مترجم را
بر لغزشهایی که در ترجمه از وی سرزده است آگاه سازند.

مسعود رجب نیا

سرزمین و نخستین ساکنان آن

ارمنستان دشتی است در حدود ۳۷ و ۴۹ درجه طول شرقی و ۳۷ و ۴۱ درجه عرض شمالی و شامل مساحتی است در حدود ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع. این دشت که پاره‌ای از سرزمین گسترده از آسیای صغیر تا ایران را تشکیل می‌دهد، بر بخشهای پیرامون سرکوب است و بلندی آن از ۸۰۰ تا تقریباً ۲۰۰۰ متر می‌رسد. از شمال محدود است به رشته کوههای پنطوس و از جنوب به کوههای تاوروس که سدهای شگرفی ایجاد می‌کنند. میان این دوحد چند رشته کوه از این سرزمین می‌گذرد و آن را به چند پاره با گذارهای سخت از شمال تا جنوب بخش می‌کند. قله‌های بلند آتشفشانی کهن سرکوب این دشت هستند. عمده‌ترین آنها عبارتند از مخروط چشمگیر آرات بزرگ (۵۲۰۵ متر) با آرات کوچک که در کنار آن است (۳۹۱۴ متر) واقع در دل این سرزمین و آلاگوز (آراکاتس ۴۱۸۰ متر) (۱) در شمال آرات و تندورک (۳۵۴۸ متر) در جنوب. در سوی مغرب کوه پینگول داغ (۲) یعنی «هزار آبگیر» واقع است که از آن ارس و

1. Alagöz (Aragates).
2. Bingöl dagh.

شاخه‌های اصلی فرات سرچشمه می‌گیرد. کوه سیپان (۴۱۷۶ متر) در شمال دریاچه وان و کوه انبوه نمرو دداغ (۲۹۱۰ متر) بادریاچه‌ای در قله پهناور آن در سمت مغرب همین کوه گسترده شده است. بسیاری از رودها نهرهای سیلابی هستند که میان گردنه‌های ژرف و میان صخره‌ها روانند و درازترین آنها ارس است که در دشت آارات جاری است به سوی جنوب و سپس شمال شرقی تابه کر می‌پیوندد و به دریای خزر می‌ریزد. در دشت آارات که پهناورترین و حاصلخیزترین دشت به شمار است آثاری از شهرکهن پیدا شده است. دریاچه وان که پاره‌ای به مساحت ۳۷۳۳ کیلومتر مربع را می‌پوشاند در بلندی ۱۵۹۰ متر قرار دارد و آب آن پراست از سودا، در شمال شرقی دریاچه کوهستانی سوان ارتفاع کوهها به ۱۹۱۶ متر می‌رسد و وسعت این دریاچه ۱۴۱۶ کیلومتر مربع است. دریاچه اورمیه در جنوب شرقی از محدوده ارمنستان تاریخی فراتر واقع شده است اما از نظر جغرافیایی پیوسته به شمار می‌رود.

زمستانها بلند است و سخت و در دشتهای مرتفع برف تا هشت ماه دوام دارد. ولی در مدت تابستان کوتاه و بسیار گرم سراسر این سرزمین باروئیدن گیاهها زنده می‌شود. بر اثر این فاصله کوتاه و حاصلخیزی طبیعی زمین در آنجا که عوامل آتشفشانی تجزیه شده است به انضمام رسوبات میوسن و پلیوسن که مایه وجود «خاک سیاه» گشته‌اند حبوبات کاشته و برای احشام مرغزارهای خوبی پیدا می‌شود دره ارس و پیرامون دریاچه وان پراست از تاکستانها و باغستانهای میوه و در کرانه‌های شمالی این دریاچه حتی زیتون می‌تواند رشد کند.

در زیر زمین فلزات گوناگون بسیار است: زر و سیم و مس و آهن و معدنهای عمده نمک و براکس و آرسنیک در پیرامون دریاچه وان فراوان است به سبب وجود آتشفشانها سنگهای شیشه‌ای سیاه (۳) و سنگهای رسوبی (۴) آتشفشانی برای ساختمان فراوان در آنجا پیدا

می‌شود. «قرمز» کرمی که در ریشه بعضی گیاهان کنار چشمه‌زارهای دامنه کوههای آرارات پیدا می‌شود ماده گرانبهائی است که برای رنگ کردن پارچه‌های پشمی و ابریشمی به کار می‌رود.

کوهستانهای ارمنستان که حصارهای طبیعی سرکوب برپیرامون هستند در جانب شرقی و غربی چندان استوار نیستند. در همین پاره‌ها است که راههای تاخت و تاز باز است و از همانجایم راههای عمده بازرگانی می‌گذرد. پس این پاره از زمین بسیاری از جنبه‌های تاریخ ارمنستان را بازگو می‌کند.

کاوشهای منظمی که در جاهای بسیار در دامنه‌های کوههای آراگاتس و آرارات در ساتانیدار (۵) و در کنار رود هرازدان (۶) شده است آشکار گشته است که ارتفاعات ارمنستان از دورانهای پارینه سنگی مسکون بوده است. ابزارهای سنگی پیدا شده در طبقات مختلف این بخشها نمودار صفات بارز هنر این دوران و نیز تکنیک عصر پارینه‌سنگی کهن و متوسط است. صحنه‌های شکار که بر صخره‌ها توسط غارنشینان نگاشته شده است مردمی را با تیر و کمان و همراه با سگ به دنبال گوزن نشان می‌دهد. در دوران نوسنگی مردم از بیابانگردی به آبادی نشینی گرائیدند و کشاورزی کردند و گاو و گوسفند پرورش دادند و در خانه‌های خشتی و گاهی سنگی زیستند.

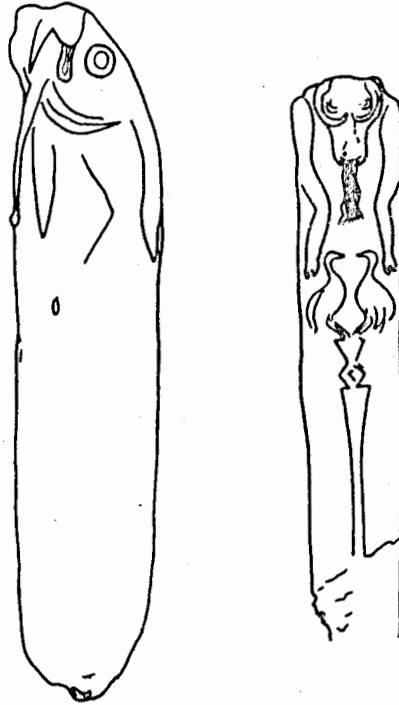
اشیاء مسین که در خانه‌های سنگاویت و گولتپه و گرنی (۷) به دست آمده است همانند آنهایی است که در گورستان سلطنتی او در رکده پیدا شده است. فرهنگ مس سنگی که در سراسر سرزمین ارمنستان رواج یافت با فرهنگ معاصر همسایگان این سرزمین در آسیای غربی در قفقاز و ایران و بین‌النهرین مشابه است. سفالها دارای صفت خاص رنگ سیاه است با نقشهای هندسی. دوران مفرغ

5. Stanidar.

6. Hrazdan.

7. Shengavit, Kültepe, Garni.

ارمنستان از اواسط هزاره دوم تا قرن دهم پیش از میلاد ادامه یافت. از اشیاء این دوران کاسه‌ای است زرین ازگوری باصورت دوشیر (۸). در این دوران همچنین بسیاری سنگهای بزرگ افقی وعمودی پیدا شده است (۹). مانند سنگهای ماهی شکل که بانام ویشاپس (به زبان ارمنی یعنی اژدها) (۱۰) معروف است که نظیر آنها در گرجستان هم هست. بر بعضی از آنها سروزست‌های گاوکنده‌اند و بر بعضی دیگر نقش مرغ یا حتی انسان. این گرانسنگها غالباً در



شماره‌های ۲ و ۳ ویشاپس پیدا شده در ایمرزک (به نقل از مارد وسمیرنو)

۸. ر. ک. تصویر ۴.

۹. ر. ک. شکل ۲.

۱۰. Vishaps ر. ک. شکل ۳

کوهها پیدا می‌شوند نزدیک دریاچه‌ها یا جویبارها. شاید با گونه‌ای تشریفات پرستش آب پیوندی داشته‌اند. این تصور با خط‌های موجی که بر بعضی از این سنگها کشیده شده است تأیید می‌شود. پاره‌هایی از ویشاپسها را برای راه آب مجوف و خالی کرده‌اند و این شاید تدبیری بوده است برای کارهای آبیاری که در ارمنستان ترقی فراوان کرده بود. نخستین آثار نوشته که راجع به مردم سرزمین ارمنستان یافته‌اند همانا کتیبه‌های حتی یاهیتی بغازکوی است. سالنامه‌های سوپیلولیوماس (۱۱) (حدود ۱۳۸۸-۱۳۴۷ پ.م.) و آنها که از آن مارسیلیس اول (۱۲) (حدود ۱۳۴۷-۱۳۲۰ پ.م.) است از پیکارهایی که بادودمان هیاسا-آزی (۱۳) و نیز مردم جنوبی ترشوما و ایشوا و آلسی (۱۴) در گرفته بود یاد می‌کنند.

باتباهی پادشاهی حتی منابع اطلاعات مربوط به این گروه‌های قبیله‌ای ناپدید شد. سالنامه‌های آشوری به مردم نائیری (۱۵) که اتحادیه‌ای بود از پادشاهان جنوب دریاچه وان که پادشاه آشور توکولتی - نینورتای اول (۱۶) (حدود ۱۲۵۵-۱۲۱۸ پ.م.) راشکست دادند اشاره می‌کند. تیگلات‌پیلسر (۱۷) نیز بر آنان تاخت (۱۱۱۵ پ.م. و ۱۱۱۴) در کتیبه پیدا شده دریونجه‌لو (۱۸) در حدود ۳۰ کیلومتری منازکرت (منتزیکرت)، تیگلات‌پیلسر خویشتن را فاتح سرزمینهای نائیری می‌خواند. این کهنترین کتیبه‌ای است که در خاک ارمنستان پیدا شده است.

دیگراز نائیری یادی نشده است تا تاخت و تازهای آشوریان در سده نهم پ.م. آشور نصیرپال (۱۹) با سرافرازی یاد می‌کند که

- | | |
|---------------------|---------------------------|
| 11. Suppiluliumas. | 12. Marsilis. |
| 13. Hayasa-Azzi. | 14. Shuma, Ishywa, Alshi. |
| 15. Nairi. | 16. Tukulti-ninurta. |
| 17. Tiglat-pileser. | 18. Yoncalu. |
| 19. Ashur-nazirpal. | |

دویست و پنجاه شهر نائیری را که بر سر راه خویش به اورارتو یافته بود تباه کرد. در اینجا نخستین بار به نام پادشاهی که بعدها از حکومت‌های نیرومند شرق نزدیک به شمار آمد برمی‌خوریم. در کهنترین کتیبه‌های آشوری قرن سیزدهم این نام را Uruatri که همانا تلفظ آرات کتاب مقدس باشد برمی‌خوریم و مردم این حکومت سرزمین خود را بیانلی (۲۰) می‌خواندند.

اورارتوها گویا یکی از گروه‌های اتحادیه نائیری از تبار هوریها (۲۱) بودند که بر دیگران سروری یافتند و یک حکومت مرکزی نیرومند بنیاد نهادند. شلم نصر سوم (۲۲) (۸۶۰-۸۲۳ پ.م.) با ایشان بارها به پیکار پرداخت. نقش‌های برجسته دروازه‌های مفرغی بالاوات (۲۳) که درموزه بریتانیا مضبوط است نمودار جنگ‌های پیروزمندانه او است و تباهی شهر ساگونیا (۲۴) «آراموی-اورارتی» (۲۵) و تسخیر دژ ارزاشکو (۲۶) در ۸۳۴ پ.م. شلم نصر بر ساردوری (۲۷) پادشاه اورارتی که تختگاهش توشپه (۶) بود و اکنون شهروان است تاخت.

در زمان سلطنت پسر ساردوای، ایشپوئینی (۲۸) و جانشینانش منوآ و آرگیشتی (۲۹) و ساردوری دوم اورارتوها بر نیرو افزودند. در

20. Biani (li).
21. Hurrian.
22. Shalmaneser.
23. Balawat.
24. Sagunia.
25. Aramu the Urartian.
26. Arzashku
27. Sarduri
28. Tushpa.
29. Ishpuini, Menua, Argishti.

سده هشتم تاسرزمینهای میان دریاچه‌های وان و اورمیه و از شمال تا ارس و از مغرب تا سوریه پیش راندند. آنگاه اورارتو پهناورترین حکومت آسیای غربی گشت و بر راههای بازرگانی مدیترانه مسلط و تهدید بزرگی شد برای اقتصاد آشور. ظرفهای اورارتو را در فریژی و سرزمین اصلی یونان و حتی ایتالیا یافته‌اند. آرگیشتی، دژ اربونی (۳۰) دردشت آرارات را ساخت که نام آن هنوز هم در ایروان پایتخت ارمنستان به یادداشت و نیز دردشت آرارات مرکز عمده دیوانی به نام آرگیشتی‌هینیلی (۳۱) برپا کرد.

در قرن هشتم اوضاع دگرگون گشت و تیگلات پیلسر سوم و بویژه سارگن دوم بر اورارتو تاختند و چند شهر را ویران ساختند و بسیاری از سپاه را تباہ کردند. کوتاه‌زمانی در سلطنت آرگیشتی دوم و روسای دوم که در آن دوران شهرهای نوی بنیاد نهاده شده مانند تنیشبائینی نزدیک ایروان که اکنون کرمیربلور (۳۲) خوانده می‌شود اندک جانی در کالبد اورارتو دمیده شد.

اما حکومت مرکزی خرد خرد از پیکارهای داخلی و جنگهای خانگی و ناخشنودی گروههای وابسته به اتحادیه و گریز انبوهی از بندگان و تاخت و تازهای کیمریان و سکاها به ناتوانی گرائید. اورارتو تا چند سالی پس از تباہی آشور در ۶۱۰/۶۰۹ پ.م. پائید. مادهاتوشیه را ویران ساختند و پس از چند سالی به دشت آرارات درآمدند و تنیشبائینی را با همه پیرامون آن گرفتند.

تا پایان قرن هفتم اورارتو ضمیمه شاهنشاهی ماد گشت و از صحنه تاریخ ناپدید گردید. ولی دردوران وجود خویش حکومتی بود با فرهنگ که اهمیت آن با کاشیهای اخیر روزافزون گشته است. اورارتیان در کارآبادانی و ساختمانهای عام‌المنفعه کارآمد بودند.

30. Erebuni.

31. Argishtihinili.

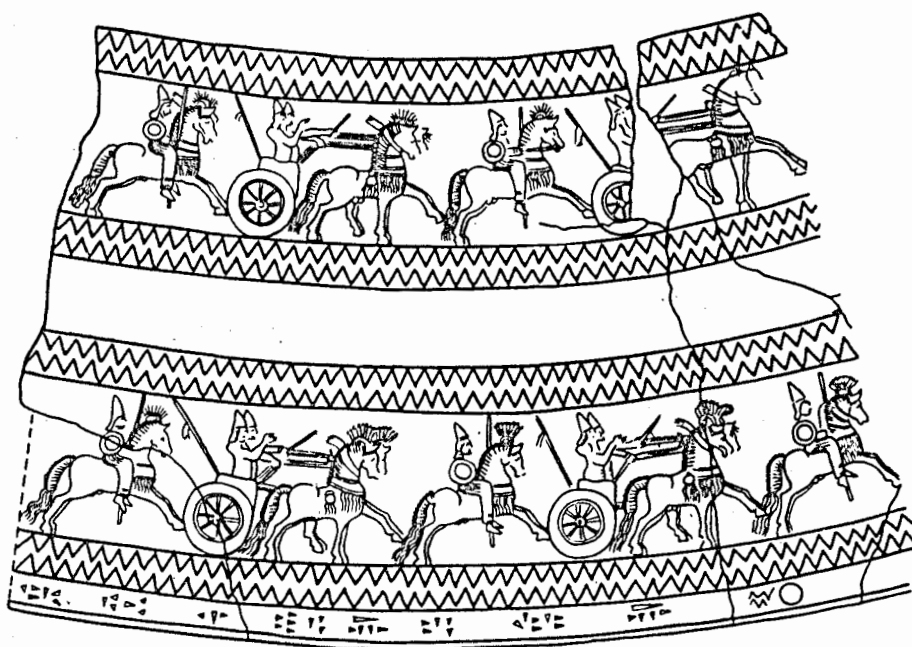
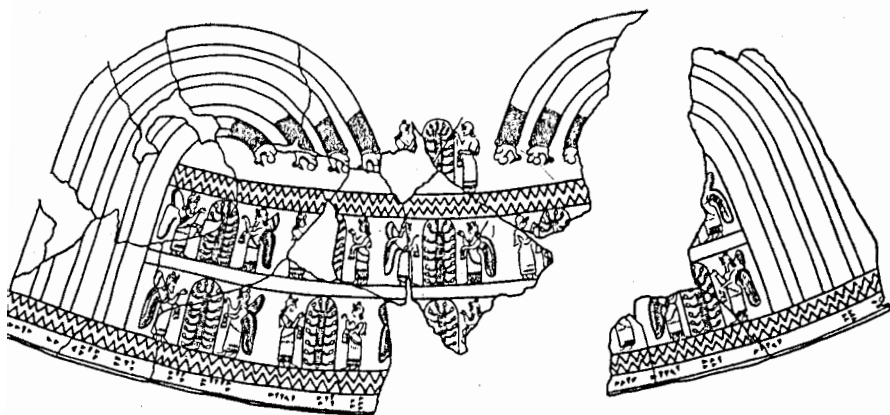
32. Karmir-bluar, Teishebaini.

کتیبه‌ها از دژها و شهرها و پرستشگاهها و کاخهای بسیاری که منوآدر پایان سده نهم و آغاز هشتم پ.م. برپا داشته است یاد کرده‌اند. از همه اینها یک آبراهه ۷۰ کیلومتری مانده است که آب را از کوه به توشپه‌وان می‌برده است. اما از ساختمانهای جانشینانش درجای مختلف اورارتو آثاری مانده است. دراربونی (آرین‌برد) (۳۳) تالاری پرستون با اطاقهای پیرامون آن پیدا شده است که درجنوب غربی آن نیز پرستشگاهی بوده است. پاره‌های نقاشی سرخ و آبی پررنگ برزمینه سفید باهنر آشوری همانندی دارد. اربونی گویارها گشت و بعضی از گنجینه‌های آن به تنیشبائینی (کرمیربلور) که روسای دوم برپا داشت و مرکز دیوانی و اقتصادی قفقاز جنوبی گشت آورده شد. ارک یا کاخ فرمانروا ۱۶۰۰ میل مربع وسعت دارد و دیوارهای خشتی برپیه‌ای استوار تا ارتفاع ۷ متری ساخته شده است و می‌توان از روی مدل مفرغی این ساختمان بوجود باروهای پیراویه و پیربرج آن که در توپراک قلعه پیدا شده است پی‌برد. در طبقه روی زمین ۱۵۰ اطاق بود که در بعضی از آنها تابوها و خمره‌های بسیار بزرگی برای غلات و شراب کار گذاشته بودند. در اطاقی که بانقاشیهای دیواری آراسته شده بود دریکی از خمره‌ها نودوشش فنجان مفرغی بود. اشیائی که در بخشهای مختلف این ساختمان پیدا شده است عبارتند از سپر و خود کمر بند و ناوک و بسیاری تجهیزات دیگر نظامی که بسیاری بانقش برجسته جانوران و نیز خدایان و جنگاوران و درختان مقدس و مانند آنها آراسته شده است (۳۴). این اشیاء و مفرغهای پیدا شده در توپراک قلعه مانند نقشهای آرایشی شیر بالدار که گویا بخشی از اورنگ سلطنت را زینت می‌بخشید و نیز عاج در آلتین‌تپه (۳۵) و تندیسهای کوچک و زروجواهر درجای مختلف

33. Arin-berd.

۳۴. ر. ک. شکل ۴۰هـ.

۳۵. ر. ک. تصویر ۳.



شکل ۴ و ۵- صورتهای نگاشته بر خود مفرغی از دوران ساردوری دوم، ایروان،
موزه تاریخی (به نقل از بیوپروسکی)

نشان می‌دهد که هنر و فرهنگ ایشان با هنر و فرهنگ آشوری پهلوی می‌زده و در زمینه جانور نگاری و گیاه نگاری و نقش آدمیان از آنان نیز پیش افتاده‌تر بوده است. دیگهای بزرگ مفرغی با سر چهارگاو در پیرامون لبه‌های آنها از صفات خاص هنر اورارتو است و به سرزمینهای دیگر هم حتی شاید تا ایتالیا صادر می‌شده است. کاوش در بخشهای غربی و جنوبی اورارتو بویژه در آلتین‌تپه نزدیک ارزنجان در کایالی دره در بخش موش و ورپاتموس در شمال دریایچه وان بر آنچه از آیین بردو کرمیر بلور دستگیر شده بود افزوده است. نخستین کاوشها در ویرانه‌های ستایشگاههای پراکنده در پیرامون موساسیر بر نقشهای برجسته خورساباد حاصل شد. این ستایشگاهها چهارگوش بودند با برجهای در هر گوشه و حیاط سنگفرش در پیرامون بنا و ردیفی ستون. تالار تشریفات (آپادانا) با سه ردیف ستون در آلتین‌تپه پیدا شد که بر دیوارهای آن نقاشیهای دیواری بود و نیز سه اتاق با نقاشیهای دیواری در شمال حیاط ورودی موجود بود. گورهای سنگی که از همین محل پیدا شد در ورودیه‌ای بودند به قربانگاه پیکرها را یا بر زمین گذاشته یا در تابوتهای سنگی نهاده بودند.

همه این کشفیات برای تاریخ هنر ارمنستان مهم به شمار می‌روند. اما هنوز پیوندهای مداوم آنها معلوم نشده است و باز بسته است به پژوهشهای دقیق‌تر و وسیع‌تر تا معلوم شود که از زمان اورارتیان تا زمان ارمنیان سلسله هنر نگارنده و یا هم پیوسته بوده است.

تاریخ ارمنستان

درباره خاستگاه ارمنیان هیچ سندی در دست نیست، ارمنیان از نژاد هند اروپائی هستند. مراحل اول جایگاه ایشان در قلمرو اورارتو و در آمیختن آنان با مردم بومی نیز تاریک است. کهنترین یادی که از ارمنیان شده است با تلفظ Armenoi در آثار هکاتئوس ملطی (حدود ۵۵۰ پ.م.) است که سی سال پیش از کتیبه بیستون داریوش اول می باشد. در بخشی از کتاب ارمیاء که دانشمندان امروزه آن را به حدود ۵۹۴ نسبت می دهند «ممالک آراراط و منی واشکناز» را به اتحاد علیه بابل می خواند. در آن زمان اورارتو (= آارات) جزو شاهنشاهی ماد بود و در متن بابلی بیستون از آنجا با نام اورارتو یاد شده است و نه ارمنستان.

به گفته هرودوت ارمنیان از فریژی به ارمنستان آمدند و سلاحهای ایشان عین سلاحهای فریژیان بود اودوکوس (۱) در سده چهارم به روایت استفان بوزنطی در اقوام (۲) نیز به یگانگی نژاد ایشان با فریژیان اشاره می کند و می افزاید که زبان این ذوگروه

1. Eudoxus.

2. Stephanus Byzantinus, *Ethnica*.

همانند است. تاریخ‌نویسان امروزی برای تبارارمنیان سخن هرودوت را چندان ارزش نمی‌نهند و ایشان را از درآمیختن گروه هیاساآزی (۳) درکرانه‌های بالای فرات با آرمنی‌شوبریا (۴) در بخش غربی دریاچه وان می‌دانند.

مهاجرت ارمنیان به سوی فرات گویا درچند مرحله روی‌داده باشد. ازفریژی آمدند و با هیاساآزی درآمیختند و از ناتوانی و تباهی فقرت اورارتو بهره‌گرفتند و در اورارتو جایگزین گشتند و زبان خویش را که از زبانهای هند و اروپائی بود بر بومیان تحمیل کردند. در روایات ارمنی چند افسانه هست که به ریشه ارمنیان اشاره می‌کند. مهمترین آنها اشاره‌ای است به بعل و هایک (پهلوان همنام با ارمنیان که خویشتن را هایک می‌خوانند و نه ارمنی). موسی خورنی مورخ می‌گوید که هایک از فرزندان یافت پسر نوح است که بر بعل غول آسا پیش از تباهی برج بابل شورید و با خویشتن همه خانواده‌اش را که سیصد تن می‌شدند با گروهی مردم دیگر به سرزمین آرات آورد. در راه درکنار کوهی فرود آمد و مردم آنجا را فرمانبردار ساخت و جایگاهی بنیاد نهاد که آن را برای نوه‌اش آرمناک که پسر کادموس بود گذاشت. سپس به سوی شمال غربی راند و به دشتی مرتفع رسید به نام هارک که در آنجا دهی به نام هایکاشن (هایک ساخته) برپا کرد. چون بعل از نافرمانبرداری هایک آگاه شد پسرش را فرستاد تا او را به اطاعت بخواند. هایک خودداری کرد و بعل سپاهی گرد آورد و براو تاخت. دو گروه در نزدیکی دریاچه شور (وان) باهم پیکار کردند. هایک که تیراندازی قابل بود تیری انداخت که سینه بعل را شکافت. بامرگ بعل سپاهش گریزان گشت. هایک به یادگار این پیروزی روستائی ساخت به نام هایک

3. Hyasa-Azzi.

4. Armeni-Shuberia.

و آن ناحیه هایوتس دزور (۵) (دره ارمنیان) خوانده شد و ارمنیان هم
 هایک نامیده شدند. موسی خورنی سپس از فرزندان هایک سخن
 می‌راند که هریک نام ولایتی از ارمنستان گشتند. نام آرام‌جهانگیر
 شد و در نتیجه مردم پیرامون ایشان را ارمنی یا ارمنیان خواندند.
 به گفته استرابون ارمنیان نخست در بخش آسیلیزن (۶)
 (ارزنجان کنونی) و سرچشمه‌های دجله به سوی شرق تا کلخید و
 آدیابن راندند. از همان آغاز گویا به دشت ارمنستان راه جستند.
 پس از تباهی پادشاهی اورارتو آنجا به دست مادی‌ها و سپس
 هخامنشیان افتاد. بعضی از اورارتوها گویا گروهی جدا تشکیل
 دادند. زیرا هرودوت ارمنیان را در شهربانی سیزدهم شاهنشاهی
 هخامنشی یاد می‌کند و اوراتیان و هوریان را در شهربانی هیجدهم.
 در ۴۰۱-۴۰۰ پ.م. که گزنفون و ده‌هزار تن از این سرزمین‌ها می‌گذشته
 سراسر حوزه دجله و فرات آرسنیاس (۷) گویا در سلطه ارمنیان
 بوده است. گزنفون ارمنستان را در مغرب سنتریت (۸) که
 اورونتس (۹) فرمانروای آنجا بود قرار می‌دهد. ولی تیریپازوس (۱۰)
 در شمال تا وروس (ارمنستان غربی) حکومت داشت.

در آنا‌بازیس نیز گزنفون بعضی اطلاعات درباره نظم اجتماعی
 کشور به دست می‌دهد. قبایل واحدهای اساس اجتماعی بودند و رؤسای
 آنها بر آبادیهای روستائی باروداری که پیرامون خاکریز بود مقر
 داشتند. این ریش‌سفیدان یا comarchs قبیله اوضاع بومی را تنظیم
 می‌کردند و شهربانها مسئول سراسر کشور بودند. پاره‌ای از خراج

5. Hayots'dzor.
6. Acilisene.
7. Arsenias.
8. Centrite.
9. Oroudes.
10. Tiribazus.

تقدیمی به پارسیان اسب بود که به گفته گزنفون از جثه خردتر ولی از اسبان پارس آتشی‌تر بودند. کشاورزی بسیار پیشرفت کرده بود. زیرا در همه روستاها ده هزارتن به فراوانی گندم و جو و سبزیجات و انواع روغن و شراب برخوردارند. از آنان بابر و گوشت بز و خوک و گوساله ماکیان و انواع نان و نوشابه‌ای مخصوص که از یونجه می‌ساختند و باکاه به دهان می‌کشیدند پذیرائی می‌شد، مردم با چارپایان در زیرزمین‌هایی که مدخل آنها تنگ و در بالا قرار داشت و بانردبان داخل می‌شدند و مدخل حیوانات جداگانه بود زندگی می‌کردند. در یک روستا گزنفون خانه شهریان را دیده بود که در میان بسیاری برجها احاطه شده بود.

با وجود آنکه کورشنامه گزنفون تخیلی است باز هم بعضی اطلاعات از آن دستگیر خواننده می‌شود. شرح مفصل در روابط کورش با شاه ارمنستان و صحنه‌دآوری که در آن پسر ارشد پادشاه تیگران که دوست نزدیک کورش است به سود پدرش پادرمیانی می‌کند بی‌گمان کلاً تخیل گزنفون است. با این همه در این داستان هسته‌ای از واقعیت هست. زیرا از تیگران در آثار موسی‌خورنی یاد شده است و می‌توان او را با پسر اورونتس فرمانروای ارمنی تطبیق کرد. کار بی‌سابقه پروفسور فقید ماناندیان که سپس توسط ارمنیان و تیراتسئیان و تومانیف (۱۱) دنبال شد پرتوی بریکی از دورانهای بسیار تاریک تاریخ ارمنستان افکنده است و آن کشف یک دودمان سلطنتی به نام آرتاکسیاد (۱۲) است در ۱۸۹ پ.م. اینک روشن شده است که اورنتیان (۱۳) که خاندانی از تبار هخامنشی بودند بر ارمنستان به عنوان شهریان از حدود ۴۰۱ پ.م. تا ۳۳۱ فرمانروایی کردند و زمانی هم زیر فرمان سلوکیان بودند. نام بیشتر شاهان ایشان

11. Manandion, S. Eremian, G. Tirats'ian, Toumanoff.
12. Artaxiad.
13. Orontids.

در کتیبه یادگاری نمرود داغ که به دست آنتیوکوس اول کماژن برپا شده است که خودش یکی از سلاله همین دودمان هخامنشی بود یاد شده است. هلنیسم در زمان اورونتیان در ارمنستان نفوذ کرد و زبان یونانی در میان بزرگان ارمنی رایج گشت. کتیبه‌های یونانی در آرمویر که نخستین پایتخت اورونتیان و در جایگاه شهر اورارتی آرگیشتی‌هینیلی برپا شده بود پیدا شده است. اینها از وجود یک پرستشگاه یونانی برای آپولون و آرتمیس یاد می‌کنند که بیشتر خادمان آنجا کاهنان یونانی بودند، یک کتیبه پیدا شده در ۱۹۲۷ چنین تعبیر شده است که خطابی است از میژس‌کاهن بزرگ پرستشگاه خورشید و ماه به برادرش شاه اورونتس چهارم و کتیبه‌ای دیگر به سرانجام انخوهبار این پادشاه اشاره می‌کند.

در زمان سلطنت اورونتس چهارم تختگاه از آرمویر به دماغه صخره‌ای محل پیوستن رودهای آخوریان و ارس برده شد این پایتخت‌نو، ارواندشات خوانده شد به نام ارواند که تلفظ ارمنی اورونتس است. این شهر با باروهای بلند استوار شد و در نتیجه سنگها بسیاری نهرا کنده شد تا آب برای مصرف مردم سوار شود. پلکانهای آهنین در کنار دروازه‌های مفرغی برآورده شد و در آنها دیوارها و دامها تعبیه گشت تا شاه را از توطئه‌ها مصون دارد. همه گنجینه‌های آرمویر به ارواندشات برده شد جز بتها که در شهر کوچک برپا شده در شمال درکرانه چپ رود آخوریان نهاده شد. این شهر را باگاران نامیدند که به معنی شهربتها یا خدایان است و اروآزبرادرشاه کاهن بزرگ آنجا شد. اورونتس - ارواند در شمال این رود بیشه بزرگی پرازشکارها فراهم ساخت.

پی افکندن چند شهر دیگر که به دست دودمان اورونتیان انجام گرفت تا حدود زیادی ناشی از رونق بازرگانی و دگرگونیهای روی نموده در وضع اقتصادی کشور است که هنوز کلا پایه کشاورزی داشت. یک شاخه از راه عمده‌ای که آسیای میانه را بادیای سیاه و مدیترانه می‌پیوست از دشت آرارات می‌گذشت و شهرهای آرمویر

واروندشات شاید مراکز روابط بازرگانی بودند. از اورونتیان سکه‌ای به دست نیامده است. اما بسیاری درهم و سه‌درهمی (دراخم و تترادراخم) اسکندر و استاترزرین سلوکی در ارمنستان پیدا شده است که نشانه رونق اقتصادی و افزایش دادوستد با کشورهای همسایه است.

اورونتیان در اواخر سده سوم پ.م. برافتادند. یک دودمان بومی به نام آرتاشس (آرتاگسیاس) که در کتیبه آرامی پیدا شده در زنگور در استان سیونیک نیز از تبار اورونتیان دانسته شده است. بر اورونتیان شورید و تختگاه اروانداشات را گرفت و برپاره بزرگی از قلمرو اورونتیان چیره گشت. پس از شکست آنتیوکوس سوم به دست رومیان در جنگ ماگنزی (۱۹۰ پ.م.) آرتاشس خویشان را مستقل خواند. با آنکه کوششهای او برای گرفتن کشور سوفنه (۱۴) که در همسایگی بود به کامیابی نرسید، قلمرو آرتاشس تقریباً سراسر کوهستانهای ارمنستان را فرا می‌گرفت از فرات گرفته تا دریای خزر و از قفقاز تا کوههای تاوروس.

آرتاشات (آرتاکساتا) یعنی «خوشی آرتاشس» در کرانه ارس در محل پیوستن رود متسامور واقع بود. استرابون از زیبایی این سرزمین سخن می‌راند. رودی که در پیرامون باروی شهر روان بود براستواری آن می‌افزود. پلوتارک روایتی دارد که استرابون هم از آن یاد کرده است که بعد از جنگ ماگنزی آنیبال کارتاژی به پناه دربار آرتاکسیاس رفت. چون آن سرزمین را دلپذیر یافت که بدان توجهی نشده و جاهای اشغال نشده دارد، نقشه‌ای برای شهری ریخت و پادشاه را به ساختن آن تشویق کرد. پادشاه که بسیار خورسند گشته بود از آنیبال درخواست تا در این کار نظارت کند و بدین‌گونه شهری بزرگ و زیبا برپا گشت. بسیاری از مورخان امروزی داستان پلوتارک را با آنکه هیچ سند دیگری دال بر اقامت آنیبال در ارمنستان

دردست نیست پذیرفته‌اند. مجسمه‌های آرتمیس و همه خدایان دیگر از باگاران به آرتاشات برده شد جز از آن آپولون که در کنار راه بیرون شهر برپا گردید.

پادشاهی ارمنستان در زمان تیگران بزرگ به اوج قدرت رسید. تیگران که در برابر واگذاری هفتاد دره در همسایگی آذربایجان از بندیارتیان که او را به گروگان داشتند رها نیده‌اشد، نخستین‌کار او پیش از ۹۵ پ.م. که تاج‌گذاری کرد همانا گرفتن پادشاهی کوچک سوفنه بود. بدین‌گونه دو پادشاهی ارمنی با هم بار دیگر یکی شدند. اما پادشاهی سوم که ارمنستان صغیر باشد در آن سوی فرات دردست مگرداد او پاتورینطوسی (۵) بود. پیمان اتحاد و دوستی میان این دو فرمانروا با ازدواج تیگران با کلتوپاتر دختر مگرداد بسته شد. آشوبی که پس از مرگ مگرداد بزرگ اشکانی در ایران در گرفت به تیگران فرصتی داد تاداره‌های واگذاری را بازگیرد. با پیکارهایی که در سالهای ۸۸ تا ۸۵ پ.م. کرد قلمرو خویش را وسعت بخشید و بر شمال بین‌النهرین و فرمانروایان فرودست اشکانیان مسلط گشت. پس از بستن پیمان صلح با پارتیان برخویشتن عنوان «شاهنشاه» که تاکنون خاص شاهان پارتی بود نهاد. سپس به سوی مغرب راند و شمال سوریه را گرفت و به فینیکیه و کیلیکیه و چند شهر کاپادوکیه دست اندازی کرد. در ۷۰ پ.م. تیگران یکی از فرمانروایان بسیار نیرومند شرق نزدیک شده بود و ملک او از دریای خزر تا مدیترانه و از قفقاز تا فلسطین و کیلیکیه گسترده بود. چون جایگاه سابق پادشاهان ارمنستان از سرزمینهای تازه گرفته شده دور بود یافتن یک پایتخت مناسب ضروری شد. تختگاه جدید در تیگرانوسرت بود که دانشمندان آن را در محل شهر قرون وسطائی مارتیر و پولیس (میا فارقین یا فارقین امروزی) در کوهپایه تاوروس کرانه شمالی دجله می‌دانند. این شهر در مرکز امپراطوری تیگران نزدیک شاهراه

هخامنشی که به شاهراههای بازرگانی می‌پیوست قرار داشت. تیگران برای استواری و آرایش پایتخت خویش از هیچ کوششی فروگذار نکرد. به گفته آپیان (۱۶) حصار شهر که تالارتفاع ۵۰ آرش می‌رسید چنان ضخیم بود که انبارها و اصطبلها در میان آن ساخته شده بود و ارگ شهر هم دیوارهای استواری داشت. تیگرانوسرت هم مانند همه شهرهای هلنیستی دارای ثناتری بود که در آن نمایشنامه‌های یونانی اجرا می‌شد. بیرون حصار شهر کاخی پرشکوه ساخته شد باباغی پیرامون آن و شکارگاه و دیگر جاهای خوشگذرانی. برای آنکه این شهر نوبنیاد را مسکون کنند جمعیت دوازده شهر یونانی را که ویران ساختند به اینجا آوردند و از جمله چند دانشمند یونانی به میل خود آمدند و این شهر مرکز عمده‌ای شد برای گسترش فرهنگ هلنیستی از ارمنستان. در این شهر گروهی از بزرگان ارمنی مسکن داشتند و پلوتارگ می‌گوید که هر مردعامی یا بلند پایگاهی در آراستن شهر به پیروی از پادشاه می‌کوشید.

در زمان پیکارهای پیروزمندانه تیگران روم بی‌طرف ماند. ولی این بی‌طرفی چندان نپائید. زیرا پاگرفتن یک حکومت مقتدر خارجی برخلاف سیاست روم بود و نیز مایه خطر برای متصرفات روم در آسیای صغیر. روم نخست مهرداد اوپاتور پنتوسی را شکست داد و سپس به تیگران پرداخت. بهانه روم خودداری تیگران بود از تسلیم مهرداد که به دربار اوپناه برده بود. سپاه رومی نهانی برمرزهای ارمنستان تاختند و لوکولوس تیکرانوسرت را شهربندان کرد. لشکری که تیگران باشتاب فراهم آورد دچار شکست شد و سربازان مزدور یونانی دروازه‌های تیگرانوسرت را گشودند و شهر را به باد غارت گرفتند. لوکولوس به مناسبت این پیروزی جشنی برپا کرد و از هنرمندان یونانی که تیگران برای بازی در تئاتر شهر دعوت کرده بود بهره گرفت.

سقوط تیگرانوسرت امپراطوری تیگران را برافکند. آنچه تیگران در مغرب به دست آورده بود به جنگ رومیان افتاد و تیگران که در مشرق می‌خواست بالوکولوس پیکار کند با فرستادن سپاهیان جدیدی به سرداری پمپه تسلیم شد (۶۶ پ.م.). آنچه در گذشته یک امپراطوری بزرگ بود مبدل شد به ارمنستان خاص که آن نیز زیر سلطه روم بود.

پاگرفتن قدرت روم در آسیای صغیر وضع سیاسی خاصی پدیدار کرد که در تاریخ آینده ارمنستان مؤثر گشت. اینک ارمنستان کشوری شده بود حائل میان دورقیب نیرومند روم و ایران. این حالت تازمان بیزانس و سپس دوران اسلام ادامه یافت. هریک از این دورقیب بر آن بودند تا بر سنگر طبیعی ارمنستان چیره شوند و بدان دست یابند. نیروهای شرقی اگر بر دره فرات دست می‌یافتند راه گشودن آسیا برایشان آسان می‌شد و نیز دره‌های فرات و شاخه‌های دجله نیز راه آسانی بود برای لشکریان غربی در گشودن ایران و بین‌النهرین. گذشته از این امتیازات استراتژی تسلط بر ارمنستان که مخصوصاً سواران آن به دلیری نام‌آور بودند مایه افزونی قوت هریک از رقیبان که بدان دست یافته بودند می‌گشت. سرانجام با تقویت جناحهای سیاسی مختلف ارمنستان که به دست فتودالها می‌گشت در ناتوانی قدرت مرکزی ارمنستان کوشیدند و استقلال کشور را تباه ساختند.

پس از آنکه بازپسین فرمانروای دودمان آرتاشس نزدیک قرن اول پ.م. بر افتاد، پادشاهان خارجی گاهی به دست روم و گاهی به دست پارتیان بسته به افزونی قدرت هر طرف براریکه سلطنت ارمنستان نشانده می‌شدند. برقراری صلح راندیا (۱۷) (۶۳ م.) تعدیلی پدید آورد. تیرداد برادر بلاش پادشاه اشکانی که به فرمان برادر پادشاه ارمنستان شد و روم هم او را تأیید کرد پایه‌گذار دودمان

اشکانیان ارمنستان گردید. تیرداد باهمراهی ۳۰۰۰ سوار به روم رفت و نرون در طی مراسم پرشکوهی در فوروم (۶۶ م.) تاج بر سر او نهاد. تیرداد اجازه یافت تا آرتاکساتارا برپاکند و بیایاری معماران رومی که نرون فرستاده بود این کار سرگرفت.

جنگی که میان روم و ایران از سرگرفته شد درسرگذشت ارمنستان هم تأثیر داشت. اوضاع با برسرکارآمدن ساسانیان (۲۲۶ م.) دشوارتر شد. دودمان اشکانی ارمنستان که می‌دید خویشان‌ش را که برآورنگ شاهی ایران بودند برانداختند و کشتند بارومیان نزدیک شدند. تیرداد سوم که به پناه روم رفته بود به پادشاهی ارمنستان منصوب شد (حدود ۲۸۷ م.). صلح چهل‌ساله‌ای که در نصیبین (در ۲۹۸ م.) میان روم و ایران بسته شد مایه آرامش بسیار ضروری ارمنستان گشت برای بازسازی ویرانگریهای گذشته. پایتخت جدیدی در دویین نزدیک آزات یکی از شاخه‌های ارس برپا شد که بسیاری از مردم آرتاشات بدانجا آورده شدند. خسرو نیز بیشه بزرگی در دوسوی رود آزات کاشت و در آن جانوران بسیاری را جای‌داد.

هنوز دوران صلح به پایان نرسیده شاپور دوم پسر بیزانته تاخت و به ارمنستان درآمد. جنگ تا پنجاه سال بابعضی فاصله‌های کوتاه ادامه یافت. در سراسر این قرون پیکار دائمی که در آن لشکریان ارمنی کاری عمده داشتند تنها هدف آن شد که تمامیت ارضی و نیز تاحدودی استقلال ملی را حفظ کنند. بازماندگان دودمان اشکانی هموار برآورنگ شاهی نشستند و امور داخلی را اداره می‌کردند و نظم فئودالی کشور هم دست نخورده ماند. پس از آنکه در قرن چهارم میلادی مسیحیت گسترده شد و دین رسمی گشت قدرت کلیسا فرونی گرفت و سران کلیسا در امور کشور مؤثر گشتند. این وضع با امضای پیمان بیزانس و ایران در ۳۸۷ م. دگرگون گشت.

بموجب این قرارداد ارمنستان میان دو کشور دست نشانده بیزانس و ساسانی تقسیم شد. چون ایران از نظر قدرت برتری یافته بود

پاره بزرگتری از کشور را گرفت یعنی سراسر سرزمینهای واقع در مشرق خطی که از مارتیروپولیس (میافارقین) در جنوب تا تنودوزیوپولیس (ارزروم) و شمال می‌گذرد. در ارمنستان بیزانس اشک سوم ظاهراً پادشاه بود و پس از مرگش جانشینی برای او تعیین نشد و آن بخش زیر سرپرستی مقامات Asmeniae و

بعدها در نظارت Armeniamlermilitum Magister

قرار گرفت. در ارمنستان ایران، پادشاهی تا ۴۲۸ رسماً فرمانروا بود. ولی پس از مرگ بازپسین کس از خاندان شاهی کشور به دست مرزبان ایرانی افتاد که از طرف شاه تعیین می‌شد. یک تقسیم دومی هم در ۵۹۱ در پایان جنگی میان دورقوب روی نمود که چون بیزانس نیرومندتر بود سهم بیشتری برد. اینک مرز میان دو کشور از قفلیس در شمال تا دارا در جنوب می‌گذشت و دویزوماکو و دریاچه اورمیه از نقاط مرزی بودند. اوضاع دوباره سرزمین ارمنستان شگفت متفاوت بود. سیاست بیزانس بر نابودی نظام فئودالی ارمنی و کانونهای پایداری که ناخارارها یعنی سران فئودال پی افکنده بودند قرار داشت و می‌کوشید تا نظام دیوانی رومی را در سراسر این سرزمین بگسترده. زنون امپراطور بیزانس ترتیب وراثت را که از آن پسر ارشد بود از میان برانداخت و بر آن نهاد که جانشین فئودال را باید امپراطور تعیین کند، همچنانکه در دیگر بایگاهها رسم چنین بود. ژوستینین دگرگونیهای دیگری هم فراهم ساخت. ارمنستان بیزانس که به نام ارمنستان چهارم خوانده شد زیر فرمان حاکمی گذاشته شد که پایگاه کنسولی داشت. دوفرمان که در ۵۳۵ و ۵۳۶ صادر شد به دختران نیز همان حقوق پسران را اعطا کرد و از مال پدر به دختران حق بردن جهیزیه داده شد. در نتیجه نظام فئودالی گسست و از قدرت رئیس خاندان بسیار کاسته شد.

در ارمنستان ایران فرمانروایان سازمان اجتماعی و سیاسی موجود را محترم شمردند. حتی پس از جایگزینی مرزبان نظام مزبور را برنینداختند. در ترتیب وراثت ناخارارها نیز دگرگونی روی نمود

وبزرگان همان امتیازات و حقوق رانگاه داشتند و سپاه سواره نگاه می‌داشتند. ولی چون فرمانبردار پادشاه ایران بودند به هنگام جنگ می‌بایستی سپاه را در فرمان شاه ایران می‌گذاشتند. چندان از مرزپانان از میان بزرگان ارمنی برگزیده شدند. این اوضاع مساعد ناشی بود از ناتوانی ایرانیان. خردخرد حکومت آنان هم جابرنه‌تر گشت و یک دوره «ایرانی ساختن» بیشتر از راه دین آغاز گشت. به هنگامی که یزدگرد سوم درخواست تا از مسیحیت دست بکشند و آئین مزدائی را بپذیرند کلیسا و بزرگان و مردم به گرد فرمانده کل واردان مامیکونیان فراهم آمدند و بر آن شدند تا با وجود اوضاع نامساعد پایداری مسلحانه کنند. پاره‌ای از سوار نظام ارمنستان به یاری ایران به جنگ باهونها برده شده بود و درخواست یاری از بیزانس هم رد شده بود. پس از بعضی پیکارهای جزئی که ارمنیان بایاری گرجیان و البانیان کردند به کامیابی رسیدند و جنگ نهائی دردشت آوارایار در ۲۶ مه ۳۵۱ م. روی نمود. اغلیش (۱۸) مورخ این جنگ را باشور و هیجان خاص بیان کرده است. سپاه ایران که بر ارمنیان فزونی بسیار داشت عبارت بود از «جاودانان» که سپاهیانی برگزیده بودند و سوار بر پیل. شب پیش از جنگ را که پنطیکاست بود بیدار مانده بودند و نوایمانان تعمید و عشاء ربانی یافتند. سپاه ارمنی با وجود دلیری و تصمیم به پایداری گرفتار کاهش بیشتری شد. بزرگان هواخواه ایران ایشان را فرو گذاشتند. واردان مامیکونیان و نخبه بزرگان ارمنی و بسیاری از مردان دلاور کشته شدند و ارمنیان شکست یافتند. نام همه سران لشکر را مورخان نوشته‌اند و یادایشان هنوز همچون شهیدان به یادهاست و در کلیساها نام آنان در نماز سالانه برده می‌شود.

با آنکه ارمنیان شکست یافتند ولی روح شورش خاموش نشد و جنگهای گروهی در کوهستانها ادامه یافت.

شورش پادشاه گرجستان و اختانگ گورگاسلان که از ارمنیان یاری خواست اخگری بود که باز ارمنستان را شعله‌ور ساخت. در یک مجمع نهانی واهان مامیکونیان از خاندان واردان و همه فئودالها سوگند اکید خوردند تا با دشمن مشترک بجنگند. جنگی که در ۴۸۱ م. شروع شد با فرازونشیبی‌هایی تا ۴۸۴ ادامه یافت. ایرانیان که در جنگ باهونها شکستی سخت خورده بودند ناچار از سازش با ارمنیان گشتند. آزادی مذهب، بازآمد حقوق و امتیازات بزرگان برقرار شد و واهان مامیکونیان مرزبان گشت. در زمان حکومت او جانشینان بلافصلش ارمنستان در واقع دست نشانده بود. اما در ۵۵۵ ایرانیان باردیگر مرزپانی یافتند. صلح ۵۹۱ میان بیزانس و ایران مایه دومین تقسیم‌بندی شد که بدان اشارت رفت.

درفصلهای مربوط به دین و ادبیات و دانش و هنر خواهیم دید که این سالهای پر آشوب پرثمر بودند. پیشروی تازیان و ورود ایشان به صحنه سیاست اوضاع را دگرگون ساخت. تاخت و تازهای آنان از ۶۴۰ آغاز شد و در ۶۵۲ سردار ارمنی تئودور رشتونی ناگزیر به فرمان آنان گردن نهاد.

با از سر گرفته شدن پیکار میان بیزانس و اسلام شهرها و استانها دست به دست می‌گشتند و ضمناً بر اثر نفاق میان بزرگان ارمنی که گروهی هوادار بیزانس شدند و دسته‌ای جانب اسلام را گرفتند اوضاع به وخامت گرائید. مورخ سوری دیونیزیوس تل‌مهری (۱۹) که در ۱۰۷/۷۱۶ ه. از ارمنستان گذشته است می‌گوید این سرزمین که زمانی به بسیاری مردم و فراوانی تاکستان و حبوبات و درختان شکوهمند پر آوازه بود اکنون ویران و خالی گشته است حکومت اسلامی با خلافت عباسی بیشتر به درازدستی و ستم‌گزائید و شورشها با شدت عمل بیشتری سرکوب می‌شدند. بسیاری از بزرگان و فئودالهای ارمنی بازن و فرزند و بستگان و زیردستان به پناه بیزانس

رفتند. این مهاجرت گروهی موجب شد که نه تنها مردم از رهبری سران بومی و پشتیبانی و تدبیر بزرگان خویش محروم شوند بلکه زمینهای رها شده فتودالها به دست مسلمانان افتد و با ایشان مسکون شود. بدینگونه امارت‌های اسلامی پذیرد آمدوسد راه اتحاد و پیوستگی مجدد ارمنستان گردید.

جنگ میان اسلام و بیزانس از اواسط سده نهم میلادی آغاز گشت و کامیابیهای پی‌درپی بیزانس وضع ارمنیان و گرجیانی را که در قلمرو تازیان بودند بهتر کرد. در ۸۵۱ م. ارمنیان سربرداشتند که با شدت سرکوب شدند و همه بزرگان را به اسارت به سامرا بردند. اما بیمی که از پیشرفت‌های سپاه بیزانس در دل تازیان افتاده بود موجب شد که نسبت به ارمنیان با ملایمت بیشتری رفتار شود. در ۲۴۷/۸۶۱ ه. خلیفه بزرگان ارمنی را رها کرد و آشوت باگراتونی را امیرالامرای ارمنستان و گرجستان و بلاد قفقاز ساخت و مأمور گردآوری خراج کرد.

خاندان باگراتونی در آن هنگام از سران فتودالها بودند و چون درشورش ۱۰۵۸/۷۷۴ ه. شرکت نداشتند املاک خود را حفظ کردند و دستگاه خلافت برای سرکوبی امیران عرب مسلط شده بر ارمنستان که در پی جداسری و استقلال بودند به یاری این خاندان نیاز داشت. هارون الرشید به سردودمان باگراتونی لقب امیر ارمنستان داد و برادر کهنتر او را به سرداری لشکر ارمنستان منصوب ساخت. از آن هنگام بروسعت املاک باگراتونیان افزوده شد و شامل تارون در جنوب غربی تاشیرک و ارشرونیک در شمال گردید. آشوت چون به امارت منصوب گشت به قدرت افزود و پس از مرگ بزرگ خاندان مامیکونیان املاک آنان را در استان باگرواندبه دست آورد. اتحادی با خاندان آرتسرونی و واسپوراکان و سران ملاکان استان شرقی سیونیک برپا ساخت و بادستگاه کلیسا و جاثلیق آن که جایگاهش در قلمرو او بود بر پیوند دوستی افزود. در ۲۷۲/۸۸۵ ه. در مجمع بزرگان با حضور جاثلیق آشوت به پادشاهی ارمنستان برداشته شد.

خلیفه گو اینکه هنوز ارمنیان را زیردست خویش می‌دانست و خراج می‌گرفت، این‌گزینش را با فرستادن یک تاج تأیید کرد. آشوت همواره می‌کوشید تا از اختلاف میان اسلام و بیزانس برکنار بماند. اندکی پس از رسیدن او به مقام سلطنت بازیل اول امپراتور بیزانس که خود ارمنی بود برای آشوت تاجی فرستاد.

بدین‌گونه پس از گذشت فترتی به مدت سیصد سال باردیگر سلطنت برقرار شد و چندان نگذشت که دشواریهای بزرگ پدیدار گشت. سمبات (۸۹۰-۹۱۴) خرد و شایستگی پدرش آشوت را نداشت. خاندان آرتسرونی و واسپوراکان که رقیبان باگراتونیها بودند دارای املاک پهناوری از آراغات گرفته تا دریاچه اورمیه بودند. آشوت پشتیبانی ایشان را جلب کرده بود. اما کارهای نابخردانه سمبات این دوستی را برهم زد. شهر نخجوان را به امیر سیونیک واگذاشت. این شهر در قلمرو واسپوراکانها بود. گالیک آرتسرونی از یوسف امیر آذربایجان و دشمن سمبات یاری خواست. تازیان از خدا چنین فرصتی را می‌خواستند تا تفرقه‌اندازند و حکومت کنند. با سفارت یوسف خلیفه تاجی برای گالیک فرستاد و بدین‌گونه یک پادشاهی دیگر پدید آمد و بعدها بر تعداد آنها افزوده گشت. یوسف با گالیک بر باگراتونیان تاختند و در ۹۱۴/۳۰۰ هـ. ایشان را شکست دادند. یوسف سمبات را پس از شکنجه‌های بسیار کشت و پیکر او را به دودین فرستاد تا به چهارمیخ کشیده شود. لشکریان یوسف همچنان پیکار می‌کردند تا سراسر ملک سمبات را بگیرند. اما دلاوری پسر سمبات، آشوت دوم که به جای پدر نشسته بود مانع شد. بسیاری از ملاکان پیرامون شاه را گرفتند و گالیک نیز پشیمان شد و از همدانستانی با یوسف دست کشید. جنگهای پارتیزانی که ایبری و آلبانیان هم در آنها با ارمنیان همدانستانی می‌کردند چند سال کشید. پادشاه ایبری اداریاسه تاج بر سر آشوت نهاد، همچنانکه خود او هم تاج از پدر آشوت گرفته بود. بامیانگیری جاثلیق یحیی که مورخ بود و با بطریق آتیکوس و امپراتور کنستانتین پور فیروگنیوس بابیزانس

نزدیکی حاصل آمد. به دعوت امپراطور آشوت به قسطنطنیه رفت و با احترام فراوان از او پذیرائی کردند و با هدایای بسیار و از آن مهمتر سپاهیان بیزانس بازگشت. آشوت و متحدانش در جنگ با دشمن و نیز بزرگان شورشی پیروزمند گشتند و مسلمانان را راندند. آشوت تاجی بالقب شاهنشاه دریافت داشت. بدین گونه او سرور همه فرمانروایان ارمنی گشت و پس از آشتی با گاییک پذیرفت که تنها پادشاه واسپوراکان باشد.

درواقع شاه باگراتونیان با دیگر امیران برابر بود و فرمان او را تنها در قلمروش می خواندند. سازمان فئودالی ارمنستان هم صفات نیک داشت و هم بد. ملاکان که به دلاوری و اهمیت استقلال بلند آواز بودند از ملک خود بانهایت سرسختی دفاع می کردند. این کانونهای پایداری اشغالگران را از ضبط سراسر کشور باز می داشت. اگر بزرگان همدست می شدند و مطامع و بلندپروازیهای خود را به سود همگان سرکوب می کردند چه بسا که کشور خویش را حتی در برابر همسایگان زورمند از تباهی می رهانیدند.

خوی تیول بخشی به فرزندان کهتر شاه خود وسیله ای بود برای افزایش ناتوانی. شاهزادگان تیول خود را مستقل اعلام می کردند و کشور را به بخشهای کوچک تقسیم می نمودند، در ۹۶۱/۳۵۰ ه. آشوت سوم برادرش را به پادشاهی قارص منصوب نمود و استان واناند را بدو بخشید. به پسر سوم خویش بخش تاشیر و پیرامون آن را اعطا کرد. در ۹۸۲/۳۷۱ ه. این بخش پادشاهیهای مستقلی شد با تختگاه آن در لوری. در حدود پایان فرمانروانی باگراتونیان آنچه از قلمرو پادشاهی مانده بود میان دو برادر آشوت چهارم و سیمبات سوم تقسیم شد. در ۹۶۸/۳۵۸ ه. پادشاهی واسپوراکان نیز میان سه برادر تقسیم شد. برای فهرست باید پادشاهیهای تارون و سیونیک را افزود.

با وجود همه این تقسیمات قرن دهم و یازدهم میلادی کمابیش

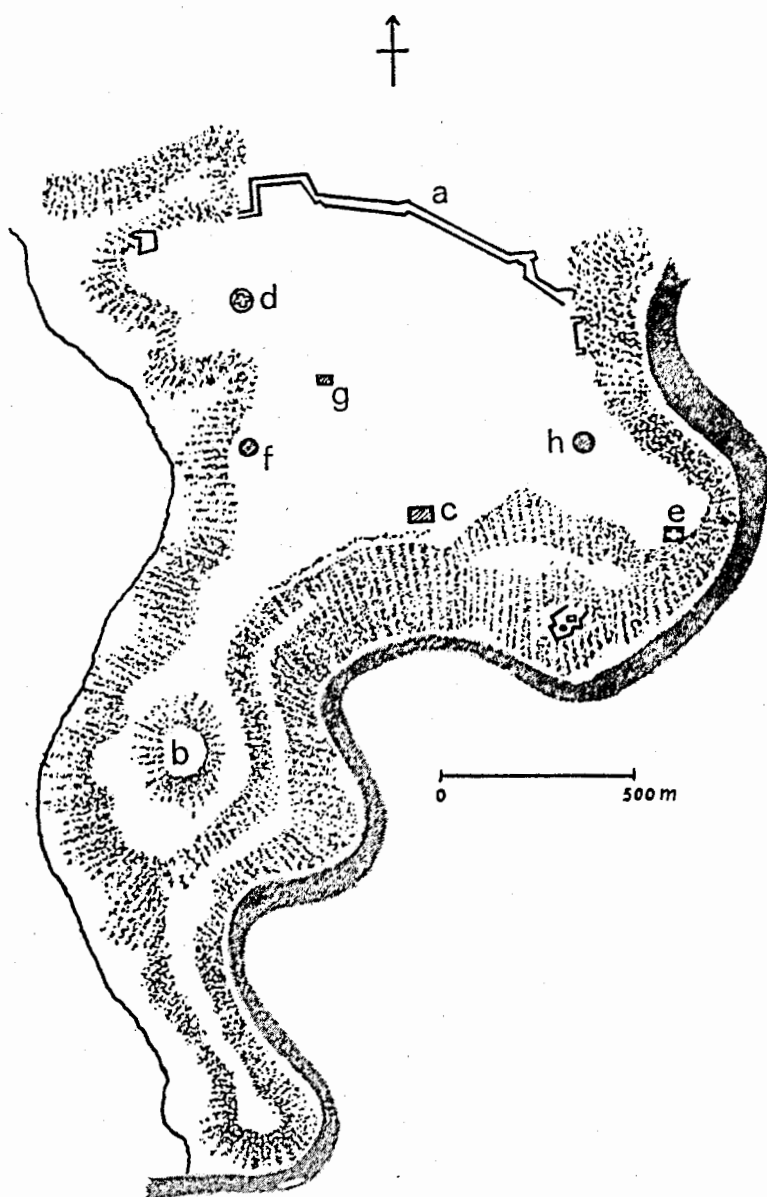
دورانی آرام و پر نعمت بود. گماشتگان حکومت عباسی که در زیر فشار سپاهیان بیزانس بودند در وضعی نبودند که بتوانند به ارمنستان بپردازند و امیران محلی هم فرمانروائی باگراتونیان را شناخته بودند و تاخت و تازهای دودمانهای مسلمان همسایه بویژه دودمان حمدانیان چندان نپایید. بزرگان و بازرگانان و پیشه‌وران از نو جان گرفتن دادوستد سود بردند. ولی در روستاها کشاورزان آزاد به رنج افتادند، ملاکان عمده از جمله دیرهای بزرگ دست به جلب اموال ملاکان خردزدند. بدین گونه آنان رابه پایگاه کشاورز وابسته به زمین یاسرف تنزل دادند. بعضی شورشها بویژه در استان سیونیک در گرفت. در اینجا دیرتوانگر تاتوه باخیرید یا از راه وقف صاحب بعضی روستاها گشت. روستائیان از دادن زمین خویش خودداری کردند و بردیر حمله ور شدند و با دخالت مکرر سپاهیان امیر سیونیک سرانجام سرکوب گشتند. آشوبهای سختی هم گاهی توسط فرقه‌های کفرآمیز تندراکتسی دومی گرفت. این فرقه در سده‌های دهم و یازدهم میلادی پیروان بسیار یافت. از اصول این فرقه انکار عشاء ربانی و بویژه انکار قدرت روحانیان بود که خود نمودی بود از مخالفت با توانگران. افرادی هم با کلیسا دربرافکندن این فرقه همدستان شدند. ولی باز هم بقایای این فرقه تادمته‌ها برجای ماندند.

سلطنت طولانی گاگیک اول (۹۸۹-۱۰۲۰ م.) دوران اوج با-گراتوتیان بود. ارمنستان آرام و پر نعمت بود و شاه آنی را با ساختمانهای نو آراست. پایتخت در ۹۶۱ بدین شهر منتقل شده بود (۲۰). این شهر بردشت مرتفعی بود که از جهت شرق و جنوب شرقی با دره‌های ژرف آرپاچای (آخوریان) که از شاخه‌های ارس بود و از غرب بادره آلاچای یعنی «دره‌باغهای گل» که به آرپاچای می‌ریخت صیانت می‌شد. گسترش شهر آنچنان سریع بود که کمتر

ازچهل سال پس از ساختمان باروی شهرکشیدن یک دیوار دیگر لازم آمد (۲۱) و مساحت شهر سه برابر اول شد. کاخها و کلیساهای بسیار برپاگشت. چنانکه آنی به نام شهر هزارویک کلیسا شناخته شد.

پس از مرگ گاگیک تباهی سریعی دامنگیر ارمنستان شد. رقابت میان دو پسرش مایه تقسیم کشور گشت. فقدان کسان توانا و نبودن اتحاد در میان پادشاهها و امیرنشینهای مختلف در هنگامی که سیاست بیزانس به سرعت متوجه گسترش قلمرو خویش بود و از جانب مشرق ترکان سلجوقی می رسیدند اوضاع را بدتر کرد. در ۹۶۶ بیزانس امیرنشین تارون را گرفت و لشکریان بیزانس به جنوب غربی کشور راه جستند. بیزانس قلمرو داود دوم از باگراتونیان ایبری را گرفت و سپس استان اپاهونیک را در شمال دریاچه وان با شهر منازکرت که تختگاه بود مسخر ساختند. در ۱۰۲۱ پادشاه واسپوراکان در فشار سلجوقیان قرار گرفت و بازیل دوم کشورش را وا گذاشت. سپس زبردستان بازیل و پیرامونیانش با بسیاری از مردم کوچ کردند. بدین گونه سراسر استانهای شرقی و جنوبی ارمنستان جزو امپراطوری بیزانس گشت. پادشاهیهای دیگر نیز در مخاطره بودند و امید نداشتند که در برابر فشار مستقیم یا غیر مستقیم بیزانس ایستادگی کنند.

سمبات سوم با گراتونسی بیمناک از کینه ای که بایاری به فرمانروای گرجستان برانگیخته بود بازیل دوم را وارث خویش ساخت. پس از مرگ او ادعای امپراطور را هواخواهان بیزانس در آنی دنبال کردند. در پیکاری که دو سال زمان گرفت گروه ملی سرانجام پیروزمند شده لشکریان بیزانس را پس راندند و امیرگاگیک جوان تاج بر سر نهاد (۱۰۴۲). تا سه سال او بادلیری با بیزانس و امیر



شکل ۶- نقشه آنی- (a) استحکامات درجداره (b) (c) کلیسای اعظم (d) کلیسای
 سن گراگوار گایک اول (e) کلیسای سن گراگوار تیگ-ران هوننتس (f) کلیسای
 سن گراگوار ابوغامرننتس (g) کلیسای رسولان مقدس (h) کلیسای ناجی (i)
 نمازخانه شبان در بیرون باردی شهر (به نقل از مورگان)

دوین که با تحریک بیزانس براو تاخته بود پیکار کرد و سپاه پادشاه لوری را پس راند. دشمنان خانگی و خارجی اورا فریب دادند و به قسطنطنیه اش کشیدند و به استعفا مجبورش ساختند. پایداری مردم آنی و سران ایشان سودی نداشت. لشکریان بیزانس شهر و سراسر کشور را گرفتند. پس از این وقایع گریگوری ماگیستروس نیز بزودی ملک خود را به بیزانس واگذاشت و در ۱۰۶۴ نیز گالیک شاه قارص هم ناگزیر از واگذاشتن ملک خویش شد، تنها پادشاهیهای خرد لوری و سیونیک استقلال گونه‌ای داشتند، شیوه کشورستانی بیزانس که برای ارمنستان تباهی آوربود برای خودش هم زیان خیز شد. امپراطوری توان آن را نداشت که سپاهی جایگزین لشکر ارمنی که پریشان گشته و از هم کسبخته بود بنماید و راه برای پیشروی سلجوقیان بازبود. در ۱۰۴۸/۴۴۱ ه. سلجوقیان به ارمنستان حمله‌ور شدند و در ۱۰۶۴ به آنی دست یافته بودند و سپس قارص را گرفتند. پس از واقعه هراسناک منازکرت در ۱۰۷۱/۴۶۳ ه. سراسر ارمنستان به چنگ سلجوقیان افتاد.

افزایش قدرت گرجستان در زمان سلطنت داود چهارم (۱۰۸۹-۱۱۲۵) که لقب «سازنده» یافت آغاز شد و در زمان نواده اش شاهبانو تامارا (۱۱۸۴-۱۲۱۳) به اوج گرایید. گرجیان پس از آنکه کشور خویش را از سلجوقیان ببردافتند به ارمنستان روی نهادند و مناطقی را از جمله آنی و قارص و لوری و امیرنشینهای بنجی و سیونیک و شهر عمده دوین را رهائی بخشیدند. خلاصه آنکه سراسر استانهای شمالی و مرکزی و شرقی ارمنستان در فرمان گرجیان و نظارت مستقیم ارمنیان یا ملاکان ارمنی شده بود. زاکاریانها که فرماندهی کل سپاه گرجیان و ارمنیان با آنان بود در میان بزرگان قدرتی فراوان داشتند و تیول آنان از دشت آرارات تا دریاچه سوان ادامه داشت و محل اقامت آنان آنی بود. خاندان اوربلی که چنین وضعی داشت صاحب استان سیونیک بودند. گروهی سران فتودال فرودست این خاندانها به شمار می‌رفتند. در پایان قرن دوازدهم میلادی و ربع اول قرن

سیزدهم تافراسیدن مغولان ارمنستان عملاً مستقل و شکوفان بود. به پیروی از رسم بزرگان کهن، بزرگان و بازرگانان همچون تیگران هوننتس اهل آنی به دیرها مال می‌بخشیدند و ساختمانها دینی و غیردینی برپا می‌ساختند. کارهای ادبی که در زمان اشغال سلجوقیان بی‌رونق شده بود باز جان گرفت و حتی در زمان مغولان ادامه یافت. با آنکه مغولان ویرانگر بودند و از ۱۲۲۰ به تاخت و تاز پرداختند تا ۱۲۳۶ به ارمنستان درآمدند چندان گزند به این ملک نرسانیدند. ارمنستان چون گرجستان به فرمان قآن درآمده بود و بدو خراج و سپاهی می‌داد. امیرانی که به ذریارمغول رفته بودند در پایگاه خویش برقرار گشتند. ولی از آنان خواسته شد که هرگاه احضار شدند به ذریارقآن بشتابند. ارمنستان از بازرگانی جهانی پر رونق آن روزگار سود برد و وضع اقتصادی آن رونق گرفت. اما دیگر شهرهای شمالی دویز و آنی و قارص مقام اول نداشتند. زیرا راه جنوبی که از کرانه دریاچه وان می‌گذشت بیشتر آمد و رفت داشت. در قلمرو مغول آزادی مذهب رواج داشت و آزارهای دینی از زمانی آغاز شد که مغولان مسلمان گشتند.

بدین‌گونه ارمنستان تا حدودی در سده سیزدهم میلادی و پاره‌ای از چهاردهم مستقل بود. روابط صمیمانه‌ای میان مغول و بزرگان ارمنی برقرار بود. چندتن از امیران ارمنی در تشریفات گزینش گیوک خان به عنوان قآن در ۱۲۴۶ حضور داشتند. واردان مورخ از ذریار مغول چندین بار دین کرد و مخصوصاً در ژوئیه ۱۲۶۴ هولاکواورا به مجمع بزرگی خواند. یک مورخ دیگر استفن اوریلیان استقفاً اعظم سیونیک در مراسم تعمید گرفتن پسر ارغون خان حضور داشت و از او خواسته شد تا نمازخانه‌ای را که پاپ فرستاده بود تبرک کند. ارمنیان که به زبانهای شرقی آشنائی داشتند غالباً مترجمی می‌کردند. امیر سمبات سیونیکی به گرجی و اویغوری و فارسی و مغولی سخن می‌گفت. ویلیام روبروک مبشر فرانسیسی در اردوی مغول کشیش ارمنیان را که ترکی و عربی می‌دانست دید و در ذریار منگوقاآن با

دیرنشینی ارمنی دیدار کرد که نامش سرگیس بود و برای او ترجمه می‌کرد. اتحاد میان مغولان و پادشاهان ارمنی کیلیکیه نیز برداشته این پیوندهای دوستی می‌افزود.

باوجود این روابط، امیران ارمنی در آن مقام نبودند که از بسیاری از درازدستیها و ستمهای سران مغول که دخالت ایشان در امور روزافزون می‌گشت جلوگیری کنند. پس از سرشماری ۱۲۵۴/۶۵۰ هـ. خراج خاص وضع شد و دست‌عمال مغول بر مردم گشوده گشت. جنگهایی که مغولان برپا می‌کردند و ارمنیان ناگزیر از شرکت در آنها بودند کشور را از مردان کاری خالی کرد. اوضاع حتی باضعف حکومت مغول و افزونی قدرت قبایل بیابانگرد ترکمان که در گروههای انبوه به ارمنستان می‌آمدند و دارائی روستائیان ارمنی را مصادره می‌کردند وخیم‌تر گشت. ضربه کاری باتاخت و تازهای و یگرانه تیمور در پایان قرن چهاردهم / هشتم هجری فرود آمد. بازمانده‌های آثار استقلال ملی ناپدید گشت.

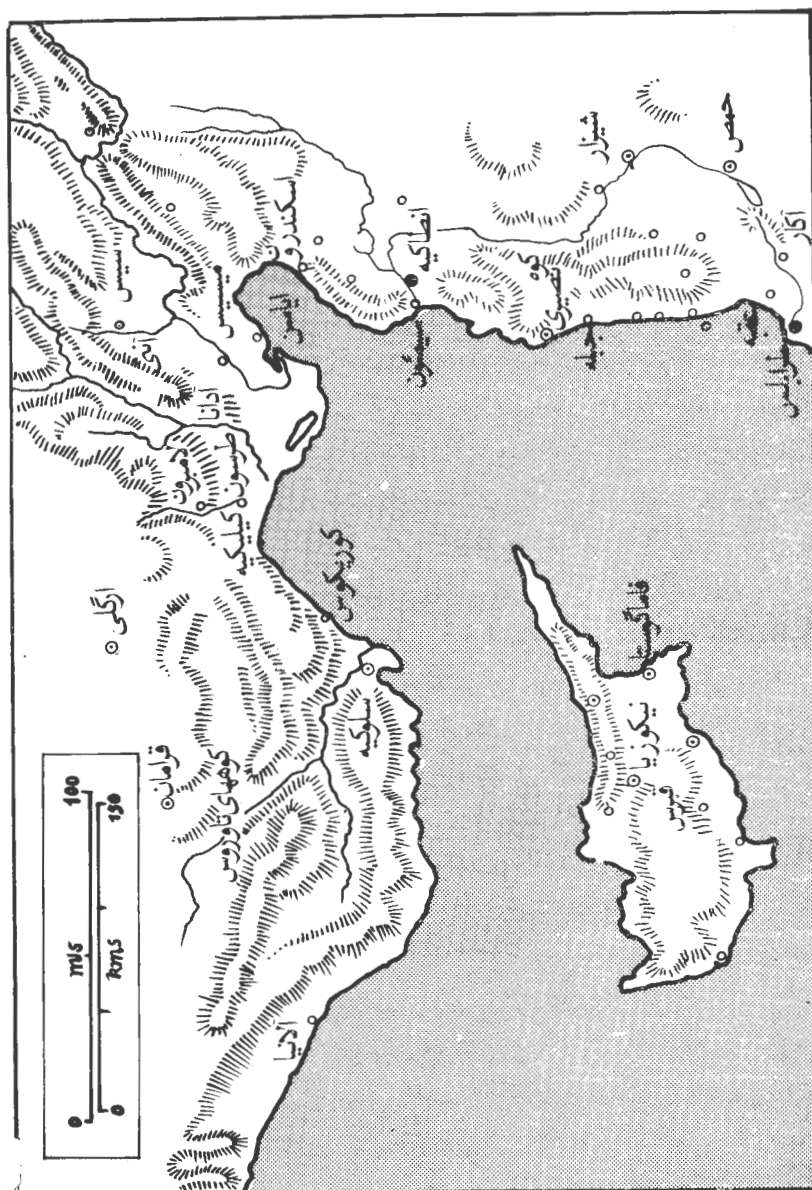
در گذشته برگسترش قلمرو بیزانس در سرزمین ارمنستان اشارتی رفت و گفته شد که گروه انبوهی از ارمنیان بر اثر مهاجرت یا تبعید دسته جمعی در قلمرو بیزانس جایگزین گشتند. کارهای آنان در این خطه در تاریخ بیزانس ثبت شده و موضوع بسیاری گفتارهای برجسته و کتابها گشته است. این آثار خود بخشی است از تاریخ ارمنیان که باید در اینجا مختصراً بررسی شود.

ارمنیان یکی از گروههای برجسته و مؤثر در میان مردم کثیرالمله بیزانس به شمار می‌روند. در سپاه عامل مهمی هم از نظر شمار و هم از لحاظ دلاوری داشتن و سران برجسته محسوب می‌شدند. پروکوپئوس از ۱۶ سردار ارمنی نام می‌برد که در سپاه ژوستینین بودند. حتی گروه بیشتری در سپاه در قرون هشتم تا یازدهم میلادی پایگاههای بلند داشتند و بیزانس پیروزیهای خود را در برابر تازیان مرهون دلاوریهای سرداران ارمنی مانند پطروناس برادر شاهبائو تنودورا و بویژه ژان کورکوآس (گورگن) است. آکسیوس موصلی که

در زمان امپراطوری رومانوس لکانوس دریاسالاری یافت ارمنی بود. در امور دیوانی هم ارمنیان پایگاههای بلندی یافتند و در برپاساختن کانونهای علمی مانند دانشگاه قسطنطنیه مؤثر بودند.

پادشاهی کیلیکیه

در نیمه دوم سده دهم پس از آنکه امپراتور بیزانس نیسفوروس فوکاس کیلیکیه و شمال شام را گرفت، مهاجران مسیحی را که بیشترشان ارمنی بودند در آبادیها و دژهای تخلیه شده از مسلمانان جای دادند. تا پایان قرن شمار ارمنیان چنان شد که وجود اسقفی را در طرسوس و دیگری را در انطاکیه ایجاب می کرد. در طی قرن یازدهم مهاجران دیگری از کپادوکیه که به جای زمینهای گرفته شده از آنان در این بخش اراضی دیگری به آنان اعطا شده بود و نیز آنان که از گزند سلجوقیان گریخته بودند در این پیرامون جایگزین شدند (۱). جایگزین شدن ارمنیان در کیلیکیه فصل تازه ای در تاریخ ایشان گشود. نخستین بار ارمنیان به دریا دست یافتند و با ملتهای جدیدی سروکار پیدا کردند. زیرا آمدن ارمنیان به کیلیکیه همزمان شد با جنگهای صلیبی و پیدایش پادشاهی لاتین و امیرنشینهای صلیبیان در شام. به سبب بروز این وضع تمدنی که در کیلیکیه پدیدار شد با آنچه در سرزمین مادر بود متفاوت گشت.



شکل ۷-۷ - کرمشاه و سرزمینهای پیرامون آن

خاندانهای ارمنی در کیلیکیه قدرت یافتند. هتومیان (۲) یا حاتمیان صاحب دژهای بابرون و لومبارون در کیلیکیه غربی بردروازه‌های کیلیکیه و راهی که از دشت آناتولی به طرسوس می‌رسید تسلط داشتند. امیران فرودست بیزانس که نسبت بدانان فرمانبرداری می‌کردند مکرر باخاندان فتوذالی دیگر که روبنیان نام داشتند زد و خورد می‌کردند. روبنیان که دربخش کوهستانی شرق دروازه‌های کیلیکیه جای داشتند و مقرشان درواکا بود از نظر سیاسی بلندپروازیهای بیشتری داشتند و می‌خواستند همه آن‌پیرامون را به دست آورند. تاریخ نخستین صدسال پراست از کوشش و تلاش روبنیان که می‌خواستند از کوهستان به کوهپایه‌ها و زمینهای حاصلخیز دست یابند و شهرهای واقع برسرراه بازرگانی را بگیرند و به ساحل دریا برسند. روبنیان برای آنکه از گزند دست‌اندازیهای همسایه شمال غربی خویش یعنی سلجوقیان قونیه برکنار بمانند سعی داشتند بردروازه‌های کیلیکیه چیره شوند و این موجب اختلاف آنان می‌گشت با حاتمیان. همچنین تلاش روبنیان برای حفظ مرزهای شرقی خویش یعنی گذارهای کوهستان آمانوس مایه جنگهائی می‌گشت با امیران انطاکیه. از اینها گذشته ناگزیر بودند خود را در برابر امیران دیگر حکومت لاتین که در پی گسترش قلمرو خویش با تعرض به اراضی ارمنیان بودند حفظ کنند. ولی در سراسر این دوران بیزانس که کیلیکیه هنوز از آن او بود خود رقیبی اصلی و عمده به شمار می‌رفت.

دست‌اندازیهای نخستین کسان خاندان روبنیان از جمله تئوروس اول (۱۱۰۰-۱۲۹) و برادرش لئون اول (۱۱۲۹-۱۱۳۷) که چندشهر را در دست گرفته بودند دربار بیزانس را به هراس افکند. یک لشکرکشی که به فرماندهی ژان کومنفوس روی نمود همه این شهرها را بازآورد و پیشروی لشکر به سوی شام در زمستان ۸-۱۱۳۷

سراسر کیلیکیه را به فرمان آورد. لئون و همسرش بادوپسرش به اسارت به قسطنطنیه برده شدند و حکومت ارمنیان بر کیلیکیه پایان یافته می‌نمود. چند سالی بعد که توروس پسر گهترلئون اول از بیزانس گریخت باب جدیدی براین حوادث افزوده گشت. توروس ارمنیان بخش شرقی کیلیکیه را بازگرد خویش فراهم آورد و بیاری برادرش استفن و یکی از بستگانش ژوسلن که کنت ادس بود در بازگرفتن بخشی از آنچه از دست رفته بود کامیاب شد. قدرت ارمنیان باری دیگر بردشت کیلیکیه گسترده شد و بیزانس باری دیگر دست به کاربرد. چون اقدامات غیر مستقیم نتیجه بخش نشد سپاهی که در نهایت رازگونی و نهانکاری فراهم شده بود در ۱۱۵۸ به حرکت آمد و توروس را غافلگیر کرد و سراسر دشت کیلیکیه را مسخر ساخت. این بار سختگیری کمتر بود. به توروس اجازه داده شد که در دژهای کوهستانی خویش باشد و امیرنشین ارمنی کیلیکیه در فرمان بیزانس ادامه یافت. توروس با وجود نگو نبختیهائی که دامگیرش شد پایه‌ای نهاد برای قدرت جانشینانش. روبن سوم (۱۱۷۵-۱۱۸۷) شهرهای دشت کیلیکیه را که لشکریان بیزانس توانائی دفاع از آنها را نداشتند گرفت. در زمان لئون دوم برادر روبن سراسر قلمرو غرب کوهستان آمانوس مسخره شد و این امیرنشین به پادشاهی مبدل گشت. در ۱۱۹۸ لئون در کلیسای اعظم طرسوس تاجگذاری کرد و جاثلیق ارمنی اوراندهین کرد و از دست کنراد اسقف اعظم مایانس که نماینده پاپ و امپراطور روم مقدس یعنی هانری چهارم بود نشان پادشاهی گرفت. بطریق یعقوبی شام یعنی اسقف اعظم طرسوس و دیگر بزرگان و سران یونانی و ارمنی در این مراسم حضور داشتند. امپراطور بیزانس هم این پادشاهی را بافرستادن تاج رسمیت داد. از نظر اروپائیان هم این ارتقاء امیرنشینی به پادشاهی و پدید آمدن یک حکومت نیرومند مسیحی امری برجسته بود. زیرا با پیروزیهای مسلمانان وضع حکومت لاتین پیرامون شام و فلسطین به مخاطره افتاده بود. ادس چون در ۱۱۴۴ مسخر گشت آن پیرامون

ویران شد در ۱۱۸۷ نیز اورشلیم به دست دشمن افتاد و سپس صلاح‌الدین ایوبی بر شهرهای انطاکیه و صورو طرابلس فشار می‌آورد. لئون پابرا نداشتن قدرت سران حاتمیان در قلمرو خویش یکپارچگی ایجاد کرد. با ازدواج دوم خویش و ازدواج دخترانش و بستگانش پیوندهای سودمندی با پادشاه قبرس و اورشلیم و امپراطور بیزانس در نیقیه پدیدار ساخت. برای یاری جستن در دفاع از مرزهایش بخشهایی از قلمرو خویش را به پهلوانان صلیبی هوسپیتالیه و توتونیک وا گذاشت. برای تشویق بازرگانی بندرهای کیلیکیه را به روی بازرگانان جمهوریهای ایتالیایی گشود و امتیازاتی به سوداگران ژنی و ونیزی و پیزی داد. ولی در پیکار با سلجوقیان قونیه چندان کامروا نبود. با اینهمه در حفظ تمامیت ارضی خویش کامیاب گشت.

لئون نقشه‌های جاه‌طلبانه و دورودرازی برای اتحاد با پادشاهی فرانک انطاکیه کشیده بود که حوادث آن رانقش برآب ساخت. دخترش زابل (ایزابل) را به حاتم اول (۱۲۲۶-۱۳۶۹) از خاندان حاتمیان به زنی داد و کینه دیرین میان دو خانواده را پایان بخشید. در این هنگام مغولان ارمنستان و گرجستان را تا آناتولی در میان متصرفات خود گرفته بودند. حاتم اول دریافت که برای نجات تاج و تخت خویش ضروری است با مغولان روابط نیکو داشته باشد. برادرش سمبات را در ۱۲۴۷ به سفارت به قراقروم فرستاد. شرح مختصر این سفر در نامه‌ای که سمبات برای برادرزنش هانری اول قبرس نگاشته است و آن را گیوم تانگیس در زندگی لوئی مقدس (۳) ترجمه کرده است برجای مانده است. حاتم خود نیز در ۱۲۵۳ به دیدار منگوقاآن رفت. وی نخستین فرمانروای مسیحی است که به میل خویش به دربار مغول رفت و سپس بعد از فتح بغداد هم به اردوی ایلخان رفت. ارمنیان که فرمانبردار مغول گشته بودند

می‌بایستی سپاهی و خراج می‌دادند. مغول‌هم در برابر قول دفاع از ایشان را داده بود. حاتم نقشه‌های بزرگی در سرداشت و می‌خواست بلکه با این اتحاد بامغول و حکومت‌های مسیحی شرق بتواند بر مسلمانان پیروز شود.

اتحاد بامغولان تازمانی سودمند بود که سپاه مغول پیروزمند بود. از هنگامی که لشکریان مغول درشام شکسته شدند، کیلیکیه یکی از هدف‌های عمده سلطانان ممالیک گردید. بارها این سرزمین پایکوب اسبان سواران مصری شد تا آنکه تبه‌گشت. ولی این نکته نیز گفتنی است که بازشدن پای صلیبیان به شرق و پدیدارشدن روابط میان ارمنیان و امیران اروپائی حکومت‌های لاتینی برپا شده در شام و فلسطین پیوندهای خانوادگی بسیاری میان خاندانهای شاهی فرانسه و بلژیک با خاندانهای حاتمیان و روبنیان بسته شد و زبان فرانسوی در بین اشراف ارمنی رایج گشت و مذهب کاتولیک در آنان مؤثر واقع شد. این‌دگرگونی مذهب باعث بیگانگی بزرگان و سران نئودال شد با کلیسای اصلی ارمنی که باملیت این مردم بستگی داشت.

جامعه و اقتصاد

اطلاعات درباره وضع اجتماعی و سازمان سیاسی ارمنستان در زمان هخامنشیان بسیار کم است و جریان تدریجی امور در نظام فئودالی اشکانیان هم دشوار قابل گردآوری و بازسازی است. بعضی عوامل این نظام دردستگاه دودمان ارتاکسیان آشکار است و این عوامل تاپایان پادشاهی یکپارچه ارمنی بویژه در بخش واقع در فرمان ایرانیان و تازیان دوام یافت.

بزرترین پایگاه از آن چهار بدشخ یا بیتخش (۱) بود که نایب السلطنه‌های مدافع مرزها بودند. اینان بسی‌گمان با چهارشاه منطبق شده‌اند که پلوتارک می‌گوید همواره درپیشگاه تیگران بزرگ بودند و فرمانهای او را به مردم ابلاغ می‌کردند. پس از تباهی دودمان اشکانی دیگر نامی از بدشیخ درمیانه نیست. معلوم است که با برافتادن پادشاهی یکپارچه ارمنستان آن‌هم از میان رفت.

سپس **ناخارارها** (۲) یاسران موروثی خاندانهای امیرنشین که مشتمل بودند برگروههای بسیار مهم اجتماعی در تاریخ کشور مؤثر

1. Vitaxae, bdeashkh.
2. Nakharars.

بودند. ملک موروثی عبارت بود از سرزمینی خودمختار که برطبق قانون دیرین به پسر ارشد می‌رسید. یا اگر پسر ارشد در حیات پدر می‌مرد یا شایستگی سلطنت از او سلب می‌شد به برادر بعدی می‌رسید. حق زنان به سلطنت تنها زمانی ملحوظ می‌شد که درخاندان شاهی بازمانده پسری نبوده باشد یا درشاخه اصلی چنین فرزندی نباشد. شاهان حقوق مسلم وارثان را می‌شناختند. زیرا هرگاه که یک تن از **ناخارارها** به سببی ملک ناخارار دیگر را مسخر می‌کرد، بی‌درنگ آن را به وارث اوباز می‌گردانید. ناخارارها در ملک خویش حقوق وضع مالیات و داوری و اداره دیوان را داشتند و سپاهی می‌گرفتند و آن را فرماندهی می‌کردند. تنها نسبت به شاه سوگند وفاداری می‌خوردند. به نمک سوگند می‌خوردند و شاه هم قول می‌داد که از ملک آنان دفاع کند. دراین مراسم نشان و تیمتاج و انگشتر و گویا یک درفش از جانب شاه به **ناخارار** داده می‌شد. خدماتی که شاه از **ناخارار** انتظار داشت در درجه اول فراهم ساختن سوره نظام بود به هنگام جنگ. ایشان متعهد بودند که بعضی از دژهای شاه را پاسداری کنند و در هنگام ضرورت اجازه دهند تا شاه سپاهیان خود را در دژهای ایشان جای دهد. ضمناً شاه گذشته از یاری سپاهی، انتظار دریافت کمک مالی هم از **ناخارارها** داشت. و گاهی شاه **ناخارارها** را برای رایزنی به مجمعی می‌خواند.

ناخارارها در امور و تشریفات دربار شرکت می‌کردند و پایگاههای مهمی در آنجا داشتند که گاهی موروثی بود. پایگاه تاج‌گذار (۳) که در کتیبه آرامی آرتاشس پیدا شده در زانگزور وابسته بود به خاندان باگراتونی. خاندان مامیکونیان سرداران کل یا فرماندهان کل (سپهبدان Sparaket) بودند. خاندان گنونی (۴) مسئول امور مالی و اقتصاد کشور بودند و لقب ایشان **هزارپت** بود. ولی حدود اختیارات

۳. coronant یکی از اشراف بلندپایگاه که تاج را بر سر شاه می‌گذاشت. م.

آنها بسیار کمتر از هزاربذ دوران ساسانی بود که برابر بود با نخست‌وزیری امروز. پیشخدمت‌خاص (۵) (Mardget) که پدرشاه‌هم خوانده می‌شد سرپرستی دژها و خزانه‌ها و گنجها و اداره امور دربار را برعهده داشت. این سمت همواره از آن یک خواجه بود.

درعالم فرض همه **ناخارارها** باهم برابر بودند. ولی در عمل چنین نبود. بعضی عالی و بعضی دانی بودند. چنانکه از آثارمورخان برمی‌آید این امر بستگی داشت به شمار سپاهیانی که می‌توانستند فراهم‌کنند. ترتیب تقدم ایشان در دربار تابع نظم خاصی بود. فهرست تاج (گاهنامک) (۶) که این ترتیب در آن مندرج است بدبختانه از گردآوریهای دوران اخیر است و با آنچه مورخان در مورد حضور ایشان در شورای سلطنتی به دست داده‌اند اختلاف دارد. گویا ترتیب تقدم در زمانهای مختلف و برحسب ثروت‌خاندانها متفاوت بوده است. تنها خادمان اصطبل اهمیت خود را همواره حفظ می‌کردند. دفتر سپاهیان (زوره‌نامک) (۷) که متضمن بنیجه امیرنشینهای مختلف است نیز از گردآوریهای نسبتاً اخیر است. اما مقایسه آنان با اطلاعات رسیده از مورخان معاصر در موارد مختلف دقت آن را کلاً نمودار می‌سازد. براساس این منابع گوناگون مورخان امروزی برآورد کرده‌اند که قدرتمندترین **ناخارار** می‌توانست تا حدود ۱۰۰۰۰ سوار و کمترین آنان ۱۰۰ سوار فراهم آورد. در زمان سلطنت دودمان اشکانی ارمنی شمار سواران از ۷۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ تن درنوسان بود که لشکری انبوه به شمار می‌رفت. در زمان اسلام اختلاف این شمار بسیار فراوان بود. پس از **ناخارارها** در ترتیب مراتب اجتماعی سپاهها (۸) می‌آمدند.

5. Grand Chamberlain.

6. Gahnamak.

7. Zoranamak.

8. Sepuhs.

اینان امیرکانی بودند که وابسته به دودمانها به شمار می‌آمدند. پس از برافتادن دودمان اشکانی ارمنی بدیشان از املاک خاصه تیول واگذار شد.

آزادان (آزاتان) همانا بزرگان نازل مرتبت بودند که املاک کوچکی داشتند و فرمانبردار شاه یا **ناخارارها** بودند و جزو سواران به شمار می‌آمدند. بسیاری از مرتبه‌داران درباری را از میان ایشان برمی‌گزیدند. ایشان در اداره امور املاک امیران دست داشتند و گاهی **ناخارارها** آنان را برای رایزنی می‌خواندند. همچنانکه شاه **ناخارارها** را برای این منظور می‌خواند. اینان خراج می‌پرداختند ولی از تنبیهات بدنی معاف بودند.

راه‌یکها (۹) فرو دست‌ترین طبقه در نظام فئودالی بودند. این اصطلاح کلی مشتمل است بر دو گروه تنگ‌دست ساکنان شهر و روستا (**شیناکانها**) (۱۰) شیناکانها گوا اینکه خود آزاد بودند و وابسته به زمین محسوب می‌شدند، می‌توانستند چند حیوان و وسایل کشاورزی داشته باشند. وضع مالی آنان بسیار متفاوت بود. بسیاری در تنگ‌دستی‌روزگار به سر می‌بردند و بعضی هم توانگر بودند. زیرا بعضی اشارات به املایی که ایشان خریده‌اند در دست هست، اینان عمده پردازندگان خراج و نیز عشریه کلیسا بودند. در برابر زمینی که در اجاره داشتند بیگاری می‌کردند و در ساختمان راه و پل و دژها و مانند آنها همکاری می‌کردند. در زمان جنگ این طبقه به زیر سلاح می‌رفتند و پیاده‌نظام را تشکیل می‌دادند. بدیشان چیزی بابت خدمت سربازی پرداخته نمی‌شد و از غنائم هم سهمی نداشتند. بعضی از ایشان که اسب داشتند در جزو واحدهای سوارنظام بزرگان و اشراف به شمار می‌آمدند.

مردم شهری بویژه پیشه‌وران و کاسبان که بسیاری از ایشان

9. ramiks.

10. shinakans.

خارجی بودند از آزادی بیشتری برخوردار بودند. شهرهای بزرگ دارای قواعد حکومتی خاص بودند و خود سپاهی می‌گرفتند. درباره وضع بندگان چندان اطلاعی در دست نیست و شمار ایشان بالنسبه اندک بود. بیشتر آنان از اسیران جنگی و کسان فرو دست بودند که برای ادای وامی که برگردن داشتند فروخته می‌شدند.

سازمان کلیسا بانظام فئودالی همسازی داشت. روحانیان جزو آزادان بودند و کشیشان از اسقف تیول می‌گرفتند. این تیول موروثی بود. دارنده تیول اگر گناه بزرگی مرتکب می‌شد آن تیول از او گرفته می‌شد. اصولاً جاثلیق را که همانا بالاترین مقام کلیسایی باشد از خاندان گرگوار درخشنده (۱۱) برمی‌گزیدند و اعضای دایره اسقفی را از میان خاندانهای بزرگ منصوب می‌کردند. قلمرو اسقفها برابر بود با املاک امیران و از همان امتیازات برخوردار بودند. جاثلیق برترین داور کشور به شمار می‌رفت و اسقفان و کشیشان این وظیفه را در امور خردتر انجام می‌دادند. در بیشتر دوران قرون وسطی تنها مجموعه قوانین همانا قواعد و آئینهایی بود که در شورا های کلیساهای مختلف رایج بود و مجموعه کل آنها به امرژان- اودزون (۱۲) گردآوری شد (۱۳). مجموعه قوانین شوراهای کلیسا که بویژه در شاهاپیوان در سده پنجم بایگانی می‌شد دارای چند تبصره مربوط به عضو عادی کلیسا است. ولی گذشته از قوانین مدون بعضی قوانین شفاهی و سنتی هم در میان بوده است. کتاب قوانین یا کتاب دادگایان (۱۴) که در اواخر قرن سیزدهم به دست مخیتازگوش (۱۵) گردآوری شد مجموعه‌ای است بیشتر از قوانین مدون و شفاهی.

11. Gregori the Illuminator.
12. Odzun.
13. Kanonagirk'
14. Datastanagirk'
15. Mkhit'ar Gosh.

این مجموعه که نخستین و تنها مجموعه کامل قوانین ارمنی است هم در داخل و هم در خارج ارمنستان رایج گشت. آن را داروغه سمبات برادر شاه حاتم اول به زبان رایج در کیلیکیه ترجمه کرد و رواج داد. ارمنیانی که در سده چهاردهم به لهستان مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شده بودند از پادشاه لهستان فرمانی گرفتند تا بر حسب قوانین خودشان که همین مجموعه اخیر باشد داوری شوند. به فرمان زیگیسموند (۱۶) این مجموعه به لاتین ترجمه شد (۱۵۱۸). این مجموعه برای ارمنیان مقیم کریمه به مغولی ترجمه شد و در سده هیجدهم و اختانگ ششم پادشاه کرجستان بعضی از بخشهای آنرا در مجموعه قوانین خود آورد.

نظام فئودالی ارمنستان بزرگ در پادشاهی کیلیکیه با فشار فرانکها تعدیل شد. سروران فئودالی که اینک بالقب بارون (که در ارمنی امروزی برای آقا به کار می‌رود) شناخته می‌شدند دیگر سران موروثی ملک خود مختار خویش نبودند. ایشان همچون فئودال فرمانبردار نسبت به پادشاه مطیع بودند و املاک آنان هم بر حسب همان قوانین جاری در اروپای غربی اداره می‌شد. قدرت پادشاه کیلیکیه بر بارونهای زیر دست افزونتر از آن گشت که در ارمنستان بزرگ رایج بود. در کیلیکیه شاه در میان همگنان برتر بود (۱۷) و لقب شاه «دارنده فیض خدا» بود، که پادشاهان کیلیکیه بر سکه‌هایشان و در منشورهایشان قید می‌کردند. این لقب در ارمنستان هرگز استعمال نمی‌شد و خود حاکی از تفاوت است.

لقاب اروپائی در کیلیکیه برای چند پایگاه عالی که خود آنها هم از نظام خارجی تقلید شده بودند رایج گشت. رئیس دبیرخانه را به تقلید از Chancellor چانتسلر (۱۸) (به تلفظ ارمنیان کیلیکیه) خواند.

16. Sigismund.

17. Primus inter pares.

18. Chantsler.

وزیردست او گروهی دبیر و مترجم شفاهی و کتبی بودند. زیرا زبان فرانسه و لاتین را در دبیرخانه بسیار به کار می‌بردند. بویژه در فرمانهائی که برای شرکتهای خارجی صادر می‌شد بسیاری از این گونه القاب فرنگی به کار می‌رفت، آداب و رسوم شوالیه‌گری خاص اروپا توسط حکومت‌های لاتینی برپا شده در شرق در میان ارمنیان رایج گشت.

در آثار تاریخی و آثار دینی اشاراتی به زندگانی روزانه بزرگان وجود دارد. شاهان کهن بویژه دودمان ارمنی اشکانی دلبستگی فراوانی به شکار داشتند و شکارگاه‌هایی با پدید آوردن بیشه‌ها می‌ساختند و در آنها انواع جانوران را جای می‌دادند. از باز و شکار بهره می‌گرفتند و بازارهای ارمنستان معروف بودند. تئاتر تفریح دیگرشان بود. پانتومیم و کم‌دی و سرودهای گوناگون ورقص رایج بود. به گفته روحانیان بزرگان به تئاتر بیشتر از کلیسا رفتن توجه داشتند. در مهمانیها هنرمندان پانتومیم و رقصندگان و نوازندگان دوره‌گرد که حماسه‌های مشرکان را می‌خواندند حاضر می‌شدند. در یکی از این مهمانیها که در دربار آرتسرونیان برپا گشته بود امیر شخصاً خواست تامهمانان را سرگرم کند و چنگ از دست نوازندگان ربود. بزرگان چنان شیفته تفریح و خوشگذرانی بودند که گاهی همراه بانوازدگان و رقصندگان به دیرها می‌رفتند. سرزنشهای بزرگان برای زیاده‌رویها و کارهای ناپسندشان بسیار نوشته شده است. در کیلیکیه به تقلید فرانکها مسابقات جنگاوری (۱۹) رایج گشت.

شاهان فرودست می‌کوشیدند تا از شکوه و حشمت به پای دربار شاهان عمده برسند. پروکوپیوس از این رسم شهریانها یاد می‌کند که جامه‌های گرانبها و آرایشهای پرتکلف می‌پوشیدند. چنانکه از امپراطور روم یا شاهنشاه ایران چیزی کم نداشتند. چون واساک امپرسیونیک به دربار پادشاه ایران رفت خلعتی را

که از شاه ایران یافته بود برتن داشت نیمتاجی زرین برسر گذاشته بود و کمربزرین جواهرنشان برکمر داشت باگوشواره‌های گرانبها و بسیاری تکلفات دیگر. نقش شاهان و امیرانی که در پیکره‌ها و نقاشیها مانده است مارا به این جامه‌های شگرف رهبری می‌کند (۲۰).

در کیلیکیه شاهان و بزرگان شیوه جامه و پوشش ایرانی و اسلامی را فرو گذاشتند و به تقلید از فرانکها پرداختند. این تغییر از همان پایان قرن دوازدهم میلادی آغاز گشت. در نامه‌ای که نرسس لامبروفی اسقف اعظم به عنوان لئون اول (دوم) نگاشته است نرسس که به سبب رواج رسوم لاتینی از تشریفات کلیسایی مورد خردگیری و انتقاد قرار گرفته بود می‌نویسد: «همچنانکه به ما دستور فرمودید که به سنتهای پدران وفادار باشیم و نیز پدران آنان را مراعات کنیم، پس شما نیز باسر برهنه مانند امیران و شاهان لاتینی که می‌گویند ارمنیان پنداری برص دارند و مانند پدرانشان سرپوش (۲۱) می‌پوشند بیرون نروید و نگذارید موی سر و ریش شما مانند ایشان بلند شود. همان تورای (۲۲) پشمنه را به جای شنل چسب فرانکها برتن کنید». این سخنان با تصویری که از فرمانروایان کیلیکیه بر سکه‌ها و نسخه‌های خطی در دست داریم همانند است. پادشاهان کیلیکیه بسیاری از فرمانروایان قرون وسطانی از رسم بیزانس نیز پیروی می‌کردند و در تشریفات از جامه‌های آنان تقلید می‌کردند (۲۳).

ساختمانهای غیر دینی ارمنیان همه ویران گشته است. اما توصیفی که از کاخ شاه گآگیک آرتسرونی که در جزیره

۲۰. ر. ک. تصویر ۵۵ و ۳۶.

21. sharpash.

22. tura.

۲۳. ر. ک. تصویر ۷۴.

آغتامار (۲۴) دردست داریم می‌تواند مارابه شکوه آن‌رهنمون شود. گرداگرد تالار عمده کاخ را بسیاری رواقها واطاقهای چهارگوش احاطه کرده بود که همه باتکلف آراسته شده بود و برفراز تالار گنبدی بود بلند که پوشش زرین آن چشمها را خیره می‌کرد. دراین محل هنرمندان اورنگ زرینی تعبیه کرده بودند که شاه باشکوه فراوان برآن می‌نشست درمیان پسران جوان خوبچهر که شاهد خوشیهای او بودند ونیز گروهائی از نوازندگان ودختران جوان که به شیوه‌ای دلپسند می‌رقصیدند. گروهی نیز مردان شمشیر برهنه دست ونیز کشتی‌گیران وشیران وجانوران وحشی ودسته مرغان گرانبها وخوش منظر وزیباپر در حضور بودند.

زنان درکاخها وخانه‌های توانگران جای خاص داشتند ولی می‌توانستند بیرون بیایند ودرکارهای اجتماعی شرکت کنند. به تئاتر می‌رفتند ودرمهمانیهای که شوهرانشان می‌دادند شرکت می‌کردند بویژه در قرون اولیه. درارمنستان یاکیلیکیه هرگز زنی تنها سلطنت نکرد ولی مواردی از حکومت شاهبانوان برای مدت کوتاهی در غیبت شوهرانشان یا دردوران کودکی پسرشان پس از مرگ شوهرشان دیده شده است. گاهی هم زنان به عنوان سفیر یامیانجی کار می‌کردند. در ۸۵۱/۲۴۰ه. که یوسف برارمنستان تاخت آشوت واسپوراکان از مادرش خواست تا نامه‌ای به یوسف ببرد. این سفارت با کامیابی پایان یافت وصلحی کوتاه برقرار گشت. در بسیاری از کتیبه‌ها یادشده است که زنان کشتزارها وروستاها به دیرها بخشیده‌اند. چند کلیسا کاملاً باوجوه زنان برپاشده است ونیز ظروف گرانبها وپرده‌های قیمتی به کلیساها می‌دادند. در ۱۱۹۱ زن ودختران یکی از سران فتودال به دیرگتیک پوشش شبستانی هدیه کردند که خود برآن مناظری از زندگی مسیح وقديسان رابانخهای رنگی دوخته بودند.

کلیساها و دیرها و کاخهای شاهان و سران فئودال و جامعه‌های گرانبهای آنان نشانه فراخی زندگانی طبقات عالی است به هنگامی که کشور از جنگها و تاخت و تازها در گزند نبود. ولی اگر تصویری از زندگی طبقات پائین اجتماع به دست ندهیم تصویر ما کامل نخواهد بود. وقایعنامه‌ها به مردم فرودست چندان توجهی مبذول نداشته‌اند. ولی اشارات پراکنده حاکی از تنگدستی انبوه مردم است حتی به روزگار فراخی نعمت. از مجموعه‌های ضرب‌المثل‌های سده سیزدهم میلادی که در آنها شیوه زندگانی توانگران و تنگدستان در برابرهم نهاده شده است بسیاری مطالب می‌توان دریافت نه تنها در زمان اشغال خارجی بلکه همیشه مردم تنگدست زیربار مالیات بالا دوتا داشتند. شورشهای روستائیان که بارها روی‌نمود حاصل مستقیم فشار تنگدستی واضطرار بود. آنان که به شهرها می‌گریختند سرگذشتی بهتر نمی‌یافتند. از کاوشهای شهرآنی اوضاع نامساعد خانه‌ها و زندگی تنگدستان آشکار می‌شود. چنانکه بعضی به غارها و بیغوله‌ها پناه می‌جستند. بارونق سوداگری انواع رباخواری رواج یافت و فروش کلانسالان و کودکان امری عادی شد.

اساس عمده اقتصاد ارمنستان بردادودسته گذاشته شد در زمان سلطنت تیگران بزرگ و پیش از کشور گشائیهای روم چنانکه در آثار پلوتارک مندرج است دوران رونق و بسیاری نعمت‌بود پلوتارک گوید که چون لوکولوس تیگرانوسرت را گرفت هشت هزار تالان سکه درخزانه یافت و از غارت شهر به هر جنگاوری هشتصد درآخم رسید. چون پیمان صلح با پمپه بسته شد تیگران شش هزار تالان پرداخت.

هیچگاه ارمنستان از نظر اقتصادی و سیاسی در چنین وضع مساعدی نبوده است. اصولاً موقع ارمنستان چنان است که مناسب تجارت ترانزیتی است. در زمان پارتیان راه عمده مدیترانه از کرانه جنوب دریای خزر می‌گذشت و راه شام هم از اکباتان و طیسفون و سلوکیه بود. ضمناً یک راه به دریای سیاه از شمال بین‌النهرین و

ارمنستان می‌گذشت که بسیاری از بازرگانان از آن بهره می‌گرفتند. پایه‌گذاری شهرهای نوین یاد ارمنستان دوران اشکانی همزمان است با گسترش بازرگانی جهانی در زمان امپراطوری روم و بیزانس و ارمنیان در این تجارت همچون واسطه عمل می‌کردند. آرتاکساتا یکی از سه شهری است که در فرمان امپراطوری ۹-۴۰۸ ذکر شده است که در آن پیمان بیزانس و ساسانیان برای ادامه بازرگانی بین‌المللی بسته شد. تئودوزیوپولیس (۲۵) ودوین در شمال ونخجوان در جنوب برسر راه اکباتان به آرتاکساتا از شهرهای عمده تجارتی بودند. پروکوپئوس از سوداگران بسیاری یاد می‌کند که درودین و روستا-های پیرامون آن تجارتخانه داشتند. «زیرا از هند و نواحی پیرامون ایبیریا و عملاً همه ملت‌های ایرانی و بعضی که زیر فرمان روم هستند کالای آورند و باهم در اینجا دادوستد می‌کنند». (تاریخ جنگها، ج ۲ فصل بیست و پنجم).

با آمدن عربان تجارت ترانزیتی از رونق افتاد و باخراجهای گزافی که عباسیان بستند کشور تباہ گشت. نقره کاملاً ناپدید گشت. با آنان که از عهده پرداخت خراج بر نمی‌آمدند رفتاری درشت و سخت پیش گرفته می‌شد چنانکه منجر به خودکشی افراد می‌گردید. بابر سرکار آمدن باگراتونیان اوضاع بهتر شد. در آن هنگام ارمنستان میان بیزانس و سرزمین خلافت سرزمینی بی‌طرف شمرده شد تا این دودولت که باهم در جنگ بودند بتوانند تجارت بکنند. این دادوستد بین‌المللی سرچشمه عمده درآمد شهرهایی بود مانند آنی و قارص و آرتسن نزدیک تئودوزیوپولیس که از آنجاها شاهراه ملک خلیفه به طرابوزان امتداد می‌یافت. یک راه دیگر هم آنی و قارص را بامرکز عمده تجارت گرجستان آردانوچ می‌پیوست و از آنجا تاکرانه‌های شرقی دریای سیاه می‌رفت. آرتسن با انتقال مردم تئودوزیوپولیس بدانجا شهر آزاد اعلام شد و از برکت سوداگری پرنعمت گشت. این

شهرها طرابوزان و ارزنجان و شهرهای دیگر بیزانس رابطه مستقیم داشت. تاریخ ارمنستان اثر آریتاکس لاستیورقی (۲۶) که گواه گرفتن و غارت شهر به دست سلجوقیان در ۱۰۴۹/۴۴۰ ه. بود نیز از بسیاری ثروت گرد آمده در این شهر سخن می‌گوید. رباخواری با گسترش اقتصاد پولی در آرتسن و دیگر شهرها افزونی گرفت.

باکشورگشائیهای سلجوقیان ارمنستان تازمانی اهمیت خود را در باززرگانی جهانی از دست داد. در سده سیزدهم میلادی در زمان تسلط گرجستان که همزمان بود با برقراری روابط بازرگانی میان ونیزوژن و بندرهای دریای سیاه رونق گرفت. پیدایش امپراطوری پهناور مغول کار مبادلات کالا را میان شرق دور و آسیای میانه و سرزمین قفقاز آسان کرد. یکی از شاهراها از ترکستان نزدیک دریای خزر و شمال دریای سیاه می‌گذشت و دیگری از ارمنستان به سوی طرابوزان می‌رفت.

ساختمانهای بسیاری که در قرن سیزدهم و آغاز چهاردهم در ارمنستان برپا گشت و دهشهایی که به دیرها شد گواه ثروت فراوان ملاکان و از ایشان بیشتر بازرگانان است. در کتیبه هدایای کلیسای سن‌گرگوار که در ۱۲۱۵ نصب شده است فهرستی از روستاها و کاروانسراها و حمامها و آسیاها و همانندهای آنها که توسط تیگران هونتس پیشکش شده بود به دست داده‌اند. ساهمادین نامی پسر آوتیک در ۱۲۶۱ گزارش می‌دهد که ۴۰۰۰۰ دوکای طلا صرف کاخ خویش در مرمن کرده است. یک بازرگان توانگر دیگر به نام اومک‌دیرگتیک را در حدود همین مبلغ خریداری کرد. بهای یک دوکای طلای ونیز را برابر با ۱۲ فرانک طلا برآورد کرده‌اند. با این طریق می‌توان به بسیاری ثروت ایشان پی‌برد.

شگفتا که از این هنگام هیچ سکه‌ای از باگراتونیان به دست

نیامده است. تنها سکه‌هایی از پادشاه لوری در دست است (۲۷). برای دادوستدهای بازرگانی و روزمره از سکه‌های بیزانس و سکه‌های اسلامی بهره می‌گرفتند. در قرن سیزدهم در زمان رونق بازرگانی دریائی در دریای سیاه چنانکه از کتیبه‌های اخیرالذکر برمی‌آید سکه‌های طلای ونیزی در ارمنستان رواج یافت. بی‌گمان سکه‌های گرجی و نیز سکه‌های مغولان در اواخر قرن سیزدهم و قرن چهاردهم در ارمنستان رواج داشته است.

بازرگانی ترافزیتی نه تنها سرچشمه ثروت بود، خود ارمنستان نیز مواد خام از معدنها و احشام و حبوبات و اشیاء ساخته شده صادر می‌کرد. در منابع اسلامی از صادرات سیم و مس و آهن و آرسنیک و براکس و نمک یاد شده است. اسبان و استران ارمنی طلب فراوان داشت و مایه دریاچه وان و رود ارس به بین‌النهرین و شام و ایران صادر می‌شد و پاره‌ای از خراج خلیفه باماهی و استران بازپرداخته می‌شد. جغرافیایانگاران اسلامی از درختان تناور جنگلهای ارمنستان بویژه درختان گردو یاد می‌کنند. به گفته طبری گندم به بغداد صادر می‌شد.

ارمنستان پارچه فراوان تولید می‌کرد و در تولید رنگهای معدنی و گیاهی از روزگار باستان نام آور بود. در دوران اسلامی رنگ ارغوانی را از قره‌ز می‌ساختند که بدان اشارت رفت و آن را به بهای گران دادوستد می‌کردند. آرتاکساتا مرکز صنعت رنگسازی بود در ارمنستان و بلاذری آنجا را قریة القره‌ز یعنی روستای قرمز می‌نامد. پارچه‌ها و فرشهای ارمنستان نیز از اقلام خراج سالانه به شمار می‌رفتند. ابن‌خلدون از ۲۰ فرش بته برجسته و ماهی و استر و باز یاد می‌کند که برای خراج داده شده بود. ارمنیان گذشته از خراج ارضی برای پادشاهان بویهی ۳۰ پارچه فرش بته برجسته و ۵۰۰ طاقه ابریشم راه‌راه و ۳۰ باز می‌فرستادند. به گفته ابن‌حوقل

این فرشهای بته برجسته در کمتر جایی نظیر داشت. جاحظ در قرن نهم میلادی/ سوم هجری می‌گوید که بهترین و گرانبهاترین پرده‌ها را که ارغوانی بودند با پشم بز ارمنستان می‌بافتند و او آنها را از ابریشم راه‌راه و زربفت ساسانی و بیزانس برتر می‌داند. در آثار اسلامی از بند شلوار بافت ارمنستان یاد شده است که همانندی در جهان ندارد. مورخان ارمنی از ابریشم زربفت یاد می‌کنند بانقشهای شگفت. در آنی پرده‌ای پیدا شده است بانقش ببری و شیری که برپارچه ابریشمین بانخ زرین دوخته بودند (۲۸). چندنه‌ونه پارچه‌ای که در صحافی‌نسخه‌های خطی و شمایل شاهان مانند گاگیک قارصی به کار رفته است گواه است بر انواع طرحهای رایج آن روزگار (۲۹). ارمنستان خز و چرم هم صادر می‌کرد. کنستانتین یورفیرروگنیتوس از یک وان حمام چرمین ذکری می‌کند که به شیوه ارمنستان ساخته بودند و امپراتوران بیزانس آن را به هنگام جنگ با خود می‌بردند.

تجارت برای اقتصاد پادشاهی کیلیکیه پایه و اساس شمرده می‌شد. کیلیکیه آغاز شاهراهی بود به طرابوزان و داخل آسیا. از ایاس این راه به میان کوههای تاوروس می‌رفت و سپس به سیواس و ارزنجان و به موازات دره ارس و کرانه‌های دریای خزر به تبریز منتهی می‌شد. یک راه دیگر از ارزنجان جدامی‌شد و در کنار دره فرات و دجله می‌رفت، یکپارچگی ملک مغول سفر را برای بازرگانان و جهانگردانی مانند مارکوپولو که از کیلیکیه سفر خود را شروع کرد آسان ساخت. بندر ایاس یکی از بازارهای عمده شرق نزدیک گشت و پس از تسخیر شام و فلسطین به دست مصریان بندر عمده صدور کالای آورده شده از آسیای میانه شد. مارکوپولو می‌نویسد «باید بدانید که همه ادویه و پارچه‌های ابریشم و زربفت و دیگر اشیاء گرانها که از داخل می‌آید بدین شهر می‌آورند و بازرگانان و نیزی

۲۸. ر. ک. تصویر ۷.

۲۹. ر. ک. تصویر ۵۵.

وژنی و دیگر سرزمینها برای دادوستد آنچه دارند و آنچه می‌خواهند بدینجا می‌آیند. کوریکوس (۲۹) در مغرب کیلیکیه بندر عمده دیگری بود. طرسوس نیز شهر دریائی قرون وسطائی و کیدنوس (۳۰) همچنین بود تا آنکه راهش با شن بسته شد.

بر اثر یک پیمان که در مارس ۱۲۰۱ بسته شد لئون اول (دوم) به بازرگانان ژن امتیازهایی داد. ایشان از پرداخت عوارض آنچه صادر یا وارد می‌کردند معاف شدند و اجازه یافتند تا در پایتخت درسیس (۳۱) و در مامیستر و طرسوس تجارتخانه دائر کنند. امتیازات مشابهی به ونیزیان به موجب پیمان امضاء شده در سامبر همین سال داده شد با این تفاوت که تنها ما میستر را برای تجارتخانه ذکر کرده بودند. در سده‌های سیزدهم و چهاردهم همواره این پیمانها تجدید و امتیازات تازه‌ای به ایتالیائیان بویژه ونیزیان داده شد. بازرگانان خارجی که کشتیهایشان به ایاس می‌آمدند و در کارهای تجارتی این بندر شرکت داشتند عبارت بودند از سوداگران پیزو فلورانس و سیسیلی و کاتالان و مونیلیه و مارسلی.

این اسناد و مدارک که شرح تفصیلی کارهای تجارتی کیلیکیه باشد در اثر یک نویسنده فلورانس آیده است (۳۲) و نیز اسنادی از زبانها در آن اثر هست که ما را توانا می‌سازد تا کالاهای صادراتی و وارداتی را بشناسیم و میزان شگرف دادوستدی را که در کیلیکیه انجام می‌شد دریابیم. ارمنیان مقدار فراوانی احشام، اسب و استرو گاو و گوسفند و مرغ خانگی و نیز چرم گاو میش و پشم و پنبه صادر می‌کردند. پارچه‌هایی که از پشم بزمی بافتند به سبب طول وضخامت

29. Corycus.

30. Cydnus.

31. Sis.

32. Francesco di Balducci Pegolotti, Pralica della --
mercatura.

خواهان بسیار داشت. از جنگهای واقع بردامنه تا وروس بسیاری الوار برای صدور فراهم می‌کردند. در کیلیکیه آهن و معادن مس بسیار بود و گندم و شراب و کشمش و ابریشم خام به دست می‌آمد و صادر می‌شد. اما از اشیاء ساخته شده چندان نامی به دست نیست و معلوم نیست که از صنعت پارچه‌بافی پر رونق ارمنستان در کیلیکیه هم اثری بود یا نه. فروش بندگان نیز یک سرچشمه عمده دیگر درآمد بود. تنها قاعده آن بود که اگر بنده‌ای مسیحی بود به مسلمانان یا کسانی که احتمال می‌دادند به مسلمانان خواهند فروخت نفروشدند. فرمانروایان کیلیکیه برخلاف فرمانروایان ارمنستان سکه می‌زدند و چند سکه‌ای هم به درون امپراتورستان این پیرامون نسبت داده شده است (۳۳). سکه‌های زر کمیاب است و بیشتر سکه‌های کیلیکیه سیم است و مس. کلا نقشهای زیر بسیار رایج بود و روی سکه غالباً شاه را برآورنگ یا براسب می‌نمودند یا گاهی تنها سر شاه را می‌نگاشتند. در چند سکه‌ای که به مناسبت تاجگذاری لئون اول (دوم) زده شده است او را زانورده در برابر مسیح نمودار ساخته‌اند. بر روی یکی از سکه‌های سیمین حاتم اول شاه و شاهبانو نقش شده‌اند که روبرو هستند و یک صلیب را نگاه می‌دارند. شاهبانو را از آنجهت بر سکه نموده‌اند که تنها او از تبار شاهان بوده است و حاتم در واقع همسر فرمانروا به شمار می‌رفت. در میان نقشهای پشت سکه صلیب را میان دوشیر یا شیر که گام می‌زند یا شیر که صلیبی را نگاه داشته است یا یک صلیب تنها یا صلیبی با چند ستاره با برگهای آرایشی درپائین نمودار ساخته‌اند. در پشت سکه‌های زرین کنستانتین دوم درژی بایک برج یا سه برج نموده شده است. در سکه‌های سیمین همین شاه را که شمشیری بردست راست و صلیبی بردست چپ دارد نمودار ساخته‌اند. پیکارها و تاخت و تازها موجب مهاجرت‌های گروهی ارمنیان گشت.

با رونق بازرگانی بین‌المللی بسیاری از ایشان به سوداگری به سرزمینهای دیگر رفتند. از بعضی مهمانخانه‌ها در شهرهای مختلف ایتالیا درسده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی آگاهی داریم که بیشتر جنبه مذهبی داشتند ولی از بازرگانان و جهانگردان هم پذیرائی می‌کردند. بعضی از مردان حتی خانواده‌ها به سرزمینهای دوردست‌ها به چین رفتند. درنامه‌ای به سال ۱۳۱۸ یک اسقف کاتولیک به نام پرگرین (۳۴) گزارش می‌دهد که نسطوریان چین به مسیحیان اجازه برپاساختن کلیسا در خانبالغ نداده‌اند. ولی چون اسقف اعظم یحیی آمد چند کلیسا ساخت. «و دیگر ملل مسیحی که از نسطوریان بدعت‌گذار بیزارند از یحیی پیروی کردند بویژه ارمنیان که سرگرم ساختن یک کلیسای زیبا هستند و آن را در نظر دارند بدو اهداء کنند». در همین نامه اشاره‌ای هست به یک «کلیسای جنوبی با اقامتگاهی که یک باذوی ارمنی در شهر زیتون برپا ساخته بود. مبشر فرانسویسی به نام آندره پروژیا (۳۵) از یک کلیسای بزرگ زیبا یاد می‌کند که همان بانو در شهر زیتون ساخته است و بعدها به دست اسقف اعظم به پایگاه کلیسای عظمی برداشته شد و آن بانو موقوفه‌های بسیاری به دست برادر ژرار (۳۶) اسقف سپرد که او نخستین کرسی اسقفی را در آن پیرامون برپا داشت. زیتون (۳۷) نزدیک بندر آزادآمو (۳۸) در فوجین (۳۹) بود و این بانوی ثروتمند یکی از کسان خاندان بازرگانانی بود که به پشتیبانی مغولان در چین جای گزین گشتند و از راه کاروانهای کالا که از چین به کیلیکیه می‌بردند توانگر شدند.

34. Peregrine.

35. Perugia.

36. Gerard.

37. Ch'u'an-chou.

38. Amoy.

39. Fu-chen.

دین

از دین بسیار کهن ارمنیان چندان چیزی دانسته نیست. داستانهای پهلوانان افسانه‌ای دارای نکته‌هایی است که برای توجیه آنها دانشمندان دست‌به‌دامان داستانهای اساطیری دیگری شده‌اند. بدین گونه که هایک تیراندازی که بعل را کشت با آپولون همانند شده است. تورک غول پیکر از بازماندگان هایک با خدای طوفان و تندر از خدایان مردم حتی که هوریان او را تشوب خوانده‌اند همانند گشته است. اساطیر آتیس و سیبل (۱) با آراشخصیت زیبا و محبوب شاهبانوی آشوری و افسانه‌ای سمیرامیس برابر گشته است. در دوران تاریخی خدایان ایرانی را ارمنیان می‌پرستیدند. اهورامزدا پدر خدایان و آفریننده آسمان و زمین بانام ارمزپرستیده می‌شد و «بزرگ و توانا» و «گستراننده باروری بر زمین» و «بخشاینده نعمات» بود و زیارتگاه عمده او درآنی کاماخ بود. میترا خدای قادر خورشید و روشنایی و آتش و پشتیبان راستی و داد را ارمنیان مهر می‌خواندند. آناهیتا (اناهیت) الهه باروری و مادر همه دانشها الهه محبوب و پشتیبان ارمنیان شمرده می‌شد. جشن او را در بهار

1. Attis and Cybele.

و پائیز بابسیاری سرودها ورقصها برگزار می‌کردند و چند نیایشگاه بدو اختصاص داده شده بود که مهمترین آن ارژ بود که در آن تندبسی زرین برپا بود و از اینرو آنجا را «مادر زرین» می‌خواندند. ورثرغنه خدای جنگ و پیروزی را ارمنیان بانام واهاکان می‌پرستیدند و زیارتگاه بزرگ او در آشتیشات بود که در آن الاهی دادرش آستغیک یا خدای عشق شریک بود. تیردبیر ارزد خدای خرد و دانش بود که اعمال نیک و بد مردم را می‌نوشت. گروهی اهل تفال و نبوت به پرستشگاه او وابسته بودند و در آنجا می‌آموختند و خوابگزاری می‌کردند. بارشامین و الاهی ننه که گویا از آشور سر چشمه گرفته باشند نیز مورد پرستش ارمنیان بودند.

در تاریخ تبدیل دین در ارمنستان تألیف آکاتانگلوس (۲) که در آن شرح ویران ساختن همه پرستشگاههای مشرکان آمده است این خدایان بانام محلی ارمنی که از ریشه ایرانی گرفته شده است ذکر شده‌اند. اما موسی خورنی اینان را بامعادل یونانی آورده است: ارزد = ژئوس و مهر = هفائستوس و اناهیت = آرتمیس و واهاکان = هرقل و آستغیک = آفرودیت و تیر = آپولون و ننه = آتنا. تنها بارشامین همان نام اصلی خود را حفظ کرده است. این صفت ممتاز در آمیختگی دینی است که در شرق نزدیک در دوران هلنیستی روی داد. با آنکه بعضی نامهای کهنتر هم بازمانده است بیشتر در نوشته‌های ارمنی ذکر شده و معادل یونانی آنها در دست نیست. در جاهای دیگر هم مظاهری از اینگونه التفاظ دینی دیده شده است. در ویرانه‌های یک پرستشگاه زرتشتی در تخت جمشید اندکی پس از ویرانگری اسکندر در کتیبه‌ای نام اهورامزدا و مهر و آناهیتا را با نامهای ژئوس و آپولون و آتنا برابر نگاشته‌اند. در نمرود داغ آنتیوکوس اول کماژن را با خدایان ژئوس و اوروماسدس (اهورامزدا و هرقل - ورثرغنه و آپولون - مهر نموده‌اند.

درآمد عناصر یونانی در دینی که ریشه ایرانی داشته است در آثار موسی خورنی هم منعکس است، آنجا که از آئینهای پرستش آورده شده از یونان برای تندیسها و پیکره‌های مقدس و نیز آمدن کاهنان یونانی به ارمنستان یاد می‌کند. موسی خورنی آنچه در حقیقت به تیگران بزرگ مربوط است به آرتاشس نسبت می‌دهد که از «آسیا» مجسمه‌های زرین آرتیمیس و آپولون و هرقل که مجسمه‌های اخیر کار سکیلیس و دیپونوس کرتی (۳) بود و مجسمه‌های زئوس المپ و آرتیمیس و آتنا و هفائستوس و آفرودیت را که به ارمنستان آورد. اندکی بعد از کاهنی یاد می‌کند که همراه مجسمه‌ها آمده بود.

دشوار می‌توان دریافت که چه میزان از اطلاعات رسیده درباره آئین پرستش این تندیسها درست باشد. ولی کلاً نمی‌توان حقیقت آن را انکار کرد. حضور کاهنان یونانی در ارمنستان را کتیبه‌های یونانی پیدا شده در آرماویر تأیید می‌کنند. سکیلیس و دیپونوس سابق‌الذکر که تنها نام این پیکره‌سازان در منابع کهن آمده است در کرت چشم به جهان گشودند و در آرگوس و سیکون (۴) در حدود اواسط سده ششم پ. م. کار می‌کردند. گویند که ایشان مکتب خاصی در پیکرتراش در پلوپونز بنیاد نهادند و پلینی از مجسمه‌ای از هرقل یاد می‌کند که از آنان بوده است. سرانجام سر مفرغی یک مجسمه آرتیمیس - اناهیتا که اینک در موزه بریتانیا مضبوط است و در ارز (ارزنجان) پیدا شده است کار یونانیان است (۵).

بدین شیوه گونه‌ای بت‌پرستی ایران و یونانی در ارمنستان راه یافت و مدت‌ها اعتقاد بدان در فرهنگ عامه و رسوم و آداب ارمنیان برجای ماند.

3. Scyllis and Dipoenus.

4. Sicyon.

برطبق روایات ارمنی انجیل را تادئوس (۶) در جنوب ارمنستان وبارتلمی از رسولان در شمال پراکندند. از همیثرو بدیشان نخستین روشنگران ارمنستان گفته‌اند. شمار نو مسیحیان در سده‌های دوم و سوم گویا بسیار افزون گردیده بود. زیرا که در زمان سلطنت آرتاشس در ۱۱۰م. و خسرو در ۲۳۰م. آزار مسیحیان شدت یافت. در کتب شهیدان ارمنی نام چندتن از این روزگار ثبت است. ترتولیان (۷) از نمایندگان ارمنستان در میان نمایندگان کشورهای مختلفی که روز پنتیکااست در اورشلیم حاضر بودند یاد می‌کند و می‌گوید در ارمنستان مسیحی بسیار است. اوسبیوس از نامه‌ای مورخ ۲۵۴م. نقل می‌کند که از بطریق دیونیسیوس اسکندریه است خطاب به مروژان (میتروزانس) اسقف ارمنستان.

در ۲۸۷م. در زمان سلطنت تیرداد آزار مسیحیان بار دیگر آغاز شد و در زمان سلطنت او بود که مسیحیت سرانجام پیروزمند شد. پس از تیرداد مسیحیت به عنوان مذهب رسمی ارمنستان توسط سن‌گرگوار «دومین روشنگر» ارمنستان اعلام شد، گرگوار پسر شاهزاده اشکانی آن‌اک بود که خسرو اوراکشت و در قیصریه در کپادوکیه به آئین مسیحی پرورش یافته بود. او چون به ارمنستان باز آمد خبر به تیرداد پسر خسرو دادند که پس از شکنجه او را در زندان زیرزمینی آرتاشس انداخت. در آنجا تا پانزده سال معجزآسا زنده ماند و او را بیوه زنی مقدس خوراک می‌داد. پس از شهادت دختر دوشیزه‌ای به نام هریپسیمه که در برابر خواهشهای پادشاه ایستادگی کرده بود و نیز شهادت همراهان او و گایانه و سرپرست دیرزنان تیرداد به بیماری روانی دچار آمد که خویشان را گراز می‌پنداشت یا چنانکه در داستان آمده است به صورت گراز درآمد. تیرداد بازور خواهرش که می‌پنداشت گرگوار می‌تواند او را

6. Thaddeus.

7. Tertullian.

رهائی بخشد آن مرد مقدس را از زندران آزاد کرد. تیرداد شفایافت و بی‌درنگ مسیحی شد. در همان هنگام مردم گروه‌گروه مسیحی شدند. به موجب فرمانی مسیحیت مذهب رسمی ارمنستان اعلام شد. برطبق روایات این حوادث در ۳۰۱ م. روی نمود. اما برحسب پژوهشهای اخیر این امر پیش از ۳۱۴ م. روی نموده است با اینهمه ارمنستان نخستین کشوری بود که مسیحیت را رسمی کرد. زیرا که فرمان قسطنطین در ۳۱۳ م. تنها برای بردباری و مسامحه صادر شده بود و هنوز روم شرقی رسماً مسیحی نشده بود.

گرگوار که عضو ساده کلیسا بود به دست لئونتیوس اسقف اعظم قیصریه دست‌گذاری شد و از طرف تیردار و مردم به ریاست کلیسای ارمنی برداشته شد. تیرداد و گرگوار با ایمان فراوان دست‌بردند به ویران ساختن پرستشگاههای بت‌پرستان و بتان و ساختمان کلیسا به جای آنها، یک کلیسای اعظم در پایتخت برپا گشت که به نام اچمیادزین مشهور است یعنی «آنجا که تنها فرزند حلول کرد». به گفته آگاثانگوس هم جایگاه و هم طرح ساختمان در خوابی به گرگوار الهام شد که در آن سر خدا را در میان فرشتگان دید که چکشی زرین به دست داشت و چهار صلیب نور نیز ظاهر شد که جایگاه پیکر سه شهید را که عبارت باشند از هریمسیمه و گایانه و ماریانه و چهارمی که از همه بلندتر بود جایگاه کلیسای اعظم را تعیین می‌کرد.

تاریخهای کهن درباره کلیسای ارمنستان نمودار آن است که مشرکان فراوان بودند و در میان مسیحیان هم فرقه‌ها و انشعابات بسیار بود. اما بزرگترین تهدید از جانب پادشاهان ساسانی بود که می‌کوشیدند آئین زرتشت را جایگزین مسیحیت سازند. پایداری قهرمانانه ارمنیان در جنگ آوارایر که در ۲۶ مه ۴۵۱ م. روی نمود یکی از چشمه کارهای ارمنیان بود برای حفظ دین خود. اختراع الفبای ارمنی که در قرن پنجم میلادی رخداد و شرح آن در فصل ادبیات و علوم بیاید در استواری بنیان کلیسا بسیار مؤثر واقع شد.

در آغاز سده ششم کلیسای ارمنی از هم پاشید. ایمان موجود برپایه قطعنامه شورای نیقیه استوار بود که به موجب آن قطعنامه‌های سه گانه نیقیه و قسطنطنیه و افسوس را کلیسای ارمنی پذیرفته بود. از نظر تعبیر این فکر همانند شیوه تعبیر کلیسای اسکندریه بود که «یک سرشت یکپارچه شده در جهان جسم‌آمده». آثار قرن پنجم همه با جداساختن جنبه انسانی و روحانی مسیح مخالفت شدید کرده‌اند. نسطوریان که این فکر را داشتند و از طرف پادشاهان ایران پشتیبانی می‌شدند کوشیدند که در نیمه دوم قرن پنجم در ارمنستان رخنه کنند. مخالفت سخت ارمنیان با اندیشه نسطوریان ایشان را به مخالفت با افکار حاصل از شورای خالسدون گرایش داد. زیرا اینان آنچه از این شورا حاصل شده بود میان دو جنبه وجودی مسیح جدائی قائل بودند آن را با افکار نسطوریان کافرکیش یکی می‌دیدند. در شورائی که در دویین به سال ۵۰۶ م. برپا شد هم افکار نسطوریان و هم نتایج شورای خالسدون مردود شناخته شد. در فهرست کسانی که از کلیسا رانده شدند نام اوتیکس (۸) مندرج است که نشان می‌دهد شورای دویین عملی قاطعانه علیه اندیشه‌های یعقوبیان اجرا کرده است.

کلیساهای ارتودوکس و کاتولیک رومی کلیسای ارمنی را دارای اندیشه‌های نسطوری‌شمرده‌اند. در صورتی که کلیسای ارمنی همواره دو جنبه قائل شدن برای مسیح را رد کرده است و بر آن بوده است که «یک سرشت یکپارچه شده در جهان جسمانی» و با جدائی دو جنبه پس از یکپارچگی که شورای خالسدون پیشنهاد نموده است مخالف است و آن را با اندیشه‌های نسطوریان همانند گرفته است.

این اندیشه‌ها موجب شد که همواره کلیسای بیزانس با کلیسای ارمنی در بدگمانی باشد و بدان به دشمنی بنگرد. در زمان حکومت کیلیکیه همچنین حالتی بین دستگاه پاپ و کلیسای ارمنی آنجا

پدیدار گشت.

باری کلیسای ارمنستان مایه‌یگانگی ارمنیان و حفظ زبان
وسننهای ایشان به شمار می‌رود.

ادبیات و علوم

زبان ارمنی شاخه مستقلی است از خاندان زبانی هندواروپایی مانند یونانی یا آلبانی و نسبت آن با شاخه اصلی مانند دوزبانی که برشمرده شد مستقیم است، به گفته مورخ یونانی اودوکسوس (۱) ارمنیان زبانی داشتند شبیه فریژیان. اما به نظر غالب زبانشناسان امروزی با آنکه بعضی همانندیهای تصادفی در میان دوزبان هست اما نمی‌توان آنها را باهم خویشاوند گرفت.

به علت فقدان مدارک کتبی نمی‌توان مراحل پیشرفت زبان ارمنی را از زبان هند و اروپائیان تا قرن پنجم میلادی که الفبای ارمنی اختراع شد دنبال کرد. بعضی از پژوهندگان برآنند که خطوط تصویری نگاشته شده بر محلی از دره ارس چه‌بسا نوعی ارمنی باستانی باشد. اما این نظر بسیار فرضی است. زیرا که این خطوط تصویری خوانده نشده‌اند. موسی خورنی مورخ می‌گوید که در ارمنستان نوشته‌های پرستشگاهی و دینی در معبد‌های بت‌پرستان رواج داشته است. اما هیچ اطلاعی از نوع خط نمی‌دهد.

درجای دیگری اشاره می‌کند که دانشمندان ارمنی آثار علمی را

1. Eudoxus.

باحروف فارسی یا یونانی می‌نوشتند. اما هیچ مدرکی برای این مطلب پیدانشده است. کتیبه‌های کهن پیدا شده در ارمنستان یا یونانی هستند یا آرامی و معدودی که ذورانهای اخیر است لاتینی است (۲).

تا هنگامی که زبان ارمنی به کتابت درآمد این زبان پیشرفت بسیار کرده و واژگان بسیار و دقیق و دستور زبانی مرتب یافته بود. بعضی از انحرافات در وضع آواها و دستور زبان هند و اروپائی که مشاهده می‌شود حاصل تأثیر زبان اورارتی است و نیز دیگر زبانهای که ارمنی با آنها برخورد کرده است در آن مؤثر بوده‌اند. با آنکه ارمنی اساس روابط هند و اروپائی را حفظ کرد جنسیت آن را فروهشت. در دوران بلندی که اشکانیان در ارمنستان فرمانروائی کردند بسیاری واژه‌های فارسی پارتی و بویژه پسوندها به ارمنی راه یافت. ولی در دستور زبان آنچنان تأثیر نکرد.

واژه‌های یونانی و سریانی از پارتی هم بیشتر است و اینها پس از مسیحیت در ارمنی رسوخ کردند. گوا اینکه یونانی از زمان سلوکیان نفوذ داشت. در زمان تیگران بزرگ و جانشینانش بسیاری از بزرگان به یونانی سخن می‌گفتند بسیاری از نام‌آوران یونانی به تیگرانوسرت پناهنده شده بودند. پلوتارک از یک سخنور نامی آتنی به نام آمفیکراتس (۳) و نیز از متروودوروس (۴) که ناطقی دانشمند بود یاد می‌کند که از دوستان شاه بودند و او را پدر می‌خواندند. نمایشنامه‌های یونانی در تیکرانوسرت و در آرتاشات به صحنه آورده می‌شد. در مراسم عروسی پسر پادشاه ایران با خواهر آرتاواسد پادشاه ارمنستان (پسر تیگران بزرگ) با جشن و سرور فراوانی برگزار شد و در برابر عروس و داماد شعرها و عبارات

۲. اما باید گفت کتیبه‌های اورارتی هم پیداشده است. م.

3. Amphicrates.

4. Metrodorus of Scepsis.

مناسبی به یونانی خوانده شد.

این واقعه از مندرجات شرح حال کراسوس است نگاشته پلوتارک. در هنگامی که یک صحنه از نمایش **باکائنه** اثر اوریپیدراژاسون هنرمند بازی می‌کرد، ناگهان سرکراسوس را آوردند و بر صحنه افکندند. ژاسون سر را گرفت و به لحنی مناسب این شعر را سرود:

امروز شکاری قوی افکنده‌ایم و از کوه آن شکار را بیاورید
به گفته پلوتارک پارتیان با یونانی آشنا بودند و آرتاواسد چنان تسلطی به این زبان داشت که تراژدیها و سخنرانیها و تاریخها بدان زبان پرداخته بود که بعضی از آنها هنوز هم موجود است. یک دانشمند دیگر ارمنی این زمان که نامش به مارسیده است تیران بود. او را لوکولوس به اسارت به روم برد و از دوستان نزدیک سیسرون شد و به سخنوری و تبحر در دستور زبان بلند آوازه گشت و کتابخانه‌ای بنیاد افکند. در سده‌های بعدهم دانش یونان در ارمنستان ارج بسیار داشت. در آتن در میان همشاگردان گرگوارناز- یانزوس و بازیل قیصری، ارمنیان دیگری هم بودند. یکی از استادان ایشان درگذشت و گرگوار رثائی پرداخت. این استاد که ارمنی بود پروهرسیوس نام داشت که سوزومنوس او را نام‌آورترین سوفیست آن روزگار می‌شمارد. پروهرسیوس بنا بر اظهار شاگردانش از آن گوشه‌از ارمنستان که با ایران هم‌مرز است برخاسته بود و در جوانی به انطاکیه رفته بود و سپس به یونان. اوناپیوس (۴) شرح مفصلی از کارهای مفید استادش به دست می‌دهد. از جمله به دعوت کنستانس (۵) امپراتور به استانهای گال رفت و سپس امپراتور او را به رم فرستاد. به گفته اوناپیوس رومیان مجسمه‌ای برابر باپیکراو از مفرغ ساختند و به افتخار اوزیرش نوشتند «تقدیمی رم ملکه

4. Eunapius.

5. Constans.

شهرها به شاه سخنوری». به گفته لیبانیوس در آتن نیز مجسمه‌ای به افتخار پروهرسیوس برپا داشته بودند.



شکل ۸- سکه کیوریکه دوم پادشاه لوری در ارمنستان (به نقل از لنگ)

لیبانیوس خودشمار شاگردان ارمنی خود را در انطاکیه به دست داده است. در یکی از نامه‌هایش می‌نویسد که بسیاری از شاگردان او در شهرهای غلاطیه و نیز ارمنستان هستند. پتی (۶) در کتابی درباره شاگردان لیبانیوس که براساس نامه‌های او فراهم ساخته است نام بیست تن شاگرد ارمنی را می‌برد که بعضی از آنان مسیحی بودند مانند پروهرسیوس سوفیست و بعضی دیگر که بت‌پرست بودند. ارمنیان بزرگترین گروه‌های شاگردان شرقی بودند. در میان شاگردان هم‌شاگردیهای لیبانیوس هم ارمنی وجود داشته است. لئونتیوس که در ارمنستان به استادی رسید بعضی از شاگردانش را به انطاکیه برای تکمیل معلومات به نزد لیبانیوس فرستاد. لئونتیوس بعدها به فرمان ژولین امپراتور به حکومت فلسطین و سپس به حکومت غلاطیه گمارده شد، چندی از شاگردان ارمنی لیبانیوس هم به کارهای گران در دستگاه حکومتی بیزانس گماشته شدند. این مقامات مستلزم تسلط دریونانی بود. در سده چهارم میلادی علوم سریانی هم بایونانی برابر گشته بود. بویژه بسیاری به بخش شرقی ارمنستان یعنی ادس و نصیبی برای این مقصود می‌رفتند.

اما اگر از پیش از اختراع الفبای ارمنی متنی به دست نمانده است، ادبیات شفاهی سینه به سینه منتقل شده است. پاره‌هایی از شعرها نگهداری شده است که بیشتر آنها را موسی خورنی نوشته است. یکی از اینها اشاره است به میلاد خدای واهگان.

آسمان وزمین آشفته بودند

ودریای سرخ نیز آشفته بود.

ودردریا نیهای سرخ درآشفته‌گی بود.

ازدهان ذیها دود برمی‌خاست

ودردود کوذکی می‌دوید

موهایش آتشین بود

ریشش شعله‌ور بود

ودیدگانش خورشید بودند.

شعرهای دیگری به نام سرودهای کوغتن پاره‌ای هستند از شعرهای حماسی در وصف کارهای بنام شاهانی مانند آرتاشس و پسرش ارتاواسد: به هنگامی که آرتاشس شهر آرتاشات را می‌ساخت، آلانیان برسرزمین ارمنستان تاختند. آرتاشس به جنگ آنان رفت و به آن سوی رودکر راندشان و پسر پادشاهشان را اسیر ساخت. شاه‌الانیان صلح خواست و پذیرفت که درازای پسرش آنچه آرتاشس خواست بدهد. آرتاشس این را نپذیرفت. پس دختر پادشاه ساتنیک (۷) به کرانه رودآمد و از زبان مترجم گفت:

«سخن من باتو است ای آرتاشس دلاور

که شکست داده است ملت دلیر آلانیان را

بیاوبشنو درخواست دختر چشم‌رخشان آلانیان را

پس بده آن جوان را

زیرا این آئین پهلوانان درکین خواهی نیست

که جان پسران پهلوانان دیگر را بگیرند

یا بازندانی ساختن ایشان آنان را چون بندگان نگاه دارند
ودشمنی جاویدان برپاسازند
میان مردان دولت دلیر

آرتاشس باشنیدن سخنان خردمندانه شاهزاده‌خانم ودل به
کمند اودادن پیامی به شاه آلانیان فرستاد ودختر اورا خواستگاری
کرد. شاه گفت:

چه می‌تواند آرتاشس دلاور بدهد.
هزاران ازپی هزاران وده‌هزاران بربالای ده‌هزاران
درازای این دختر دوشیزه دختر اصیل آلانیان.
شاه آرتاشس سوار چرمه خویش گشت
وریسمان چرم سرخ خود را که با انگشتریهای زرین (آراسته)
شده بود.

چون شاهینی تیزپیر از رودگذشت
ریسمان سرخ پرانگشتری زرین را انداخت
بردور سینه دختر آلانیان
دردبسیاری به گرد سینه دختر نازک انداخت
وبه سرعت اورا به اردوی خویشتن برد.
ودرجشن عروسی آنان مردم می‌سرودند:
باران زرین بارید به هنگامی که آرتاشس داماد شد
مرواریدها فروریخت چون ساتنیک عروس شد.

بعضی از این سرودها سینه به سینه نقل شدند تا آنکه در
سده یازدهم میلادی گرگوار ماگیستروس پاره‌هائی از آن را که درباره
مرگ آرتاشس است واو از بعضی ازروستائیان شنیده بود نقل کرد.
از طریق همین ادبیات شفاهی بود که تنها پاره‌هائی پراکنده
برجای مانده است که زبان ارمنی پیشرفت کرد وبه چنان اوجی
رسید که آثار قرن پنجم دوران زرین ادبیات ارمنی به شمار می‌آید.
ادبیات مدون از زمان اختراع الفبای ارمنی آغازمی‌شود که بیشتر

دانشمندان آن را از ۴۰۶ م. گرفته‌اند. پس از رواج مسیحیت در ارمنستان مراسم نماز بسته به موقعیت محل یا به یونانی یا به سریانی اجرا می‌شد و در سہائی از کتاب مقدس را گروهی کشیشان آموزش یافته شفاهاً به ارمنی ترجمه می‌کردند. چون این چنین وضعی نیازهای روحانی مردم را برآورده نمی‌کرد امکان دوام آن نبود. اما حوادثی پیش آمد که بر ضرورت تغییر این وضع افزود. در آغاز سده پنجم تبلیغات آئین مزدائی شدت یافت و ناگزیر می‌بایستی اقدامات جدی در پیش گرفته می‌شد. بهترین راه گسترش ادبیات ارمنی همانا داشتن یک خط ارمنی بود که در ضمن می‌توانست بانیازهای کلیساهم در روشن ساختن مردم همدستانی کند و سدی بشود در برابر انتشار آئین مزدائی.

جاثلیق ساهاک و شاه ورامشاپوه که حساسیت موقع را دریافته بودند امر اختراع الفبای ارمنی را به یک روحانی دانشمند به نام مسروپ- ماشتوتس که زبانهای یونانی و سریانی را خوب می‌دانست و گذاشتند. بعضی از حروف ارمنی که استقفی سریانی به نام دانیال اختراع کرده بود دردست بود. اما این حروف ملایم و مناسب این زبان نبود و به کار نرفته بود. پس مسروپ می‌بایستی از ابتدا شروع می‌کرد. برای بررسی و رایزنی به همراه شاگردانش سفری کرد به آمد و سپس ادس و ساموزات. در شهر اخیر با روفینوس خوشنویس دیدار کرد که به او در فراهم ساختن شکل نهائی حروف یاری کرد. چون مسروپ به ارمنستان بازگشت باخویشتن الفبائی آورد مشتمل بر سی و شش حرف و دارای یک رشته کامل حروف مصوت که کاملاً با دگرگونیهای آواهای زبان ارمنی متناسب بود (۸) طرح ۲۲ حرف از این ۳۶ حرف براساس شکل حروف یونانی بود و بعضی دیگر هم براساس شکل حروف سریانی طرح ریزی شده بود. اما در همه این طرحها برای وحدت شکل کلی حروف دگرگونیهای پدیدار ساخته

بودند. سپس مسروپ یک دسته شکل حروف برای الفبای گرجی و نیز آلبانیائی تفقازی پیشنهاد کرد.

Ա ա	Կ կ	Ռ ռ
Բ բ	Հ հ	Ս ս
Գ գ	Ձ ձ	Վ վ
Դ դ	Ղ ղ	Տ տ
Ե ե	Ճ ճ	Ր ը
Զ շ	Մ մ	Ծ ծ
Է է	Թ թ	Խ խ
Ը լ	Ն ն	Փ փ
Թ թ	Շ շ	Գ գ
Ճ ճ	Ո ո	Օ օ
Խ խ	Չ չ	Ֆ ֆ
Լ լ	Պ պ	
Խ խ	Ջ յ	
Տ տ		

شکل ۹- الفبای ارمنی و برابر لاتینی آنها

یک کار بزرگ در پیش بود و آن ترجمه کتاب مقدس و دعاها و گفتارهای برجسته آباء یونانی و سریانی کلیسا و آموزش دانش‌پژوهانی بود که براین کار بزرگ توانا باشند. مسروپ شاگردان خود را برای آموزش بیشتر در سریانی و یونانی به ادس و قیصریه و قسطنطنیه فرستاده و تأکید کرد که نسخه‌های خطی

برگزیده رابا خود بیاورند و چند مدرسه در ارمنستان پی افکنند. نخستین مدرسه واغارشاپات در حوزه روحانی جاثلیق بود و مدرسه‌های دیگری نیز در مراکز دیرهای بخش شرقی ارمنستان که هنوز در فرمان‌شاه ورامشاپوه بود قرار داشت. در بخش غربی که زیر تسلط بیزانس بود و پس از مرگ بازپسین فرمانروای ارمنی پادشاهی بر آنجا گمارده نشده بود پی افکندن مدرسه بادشواریه‌های بیشتری روبرو شد. ولی پس از دیدار مسروپ با امپراطور تئودوزیوس و بطریق آنتیکوس اجازه حاصل شد.

همچنانکه طبیعی می‌نماید نخستین اثری که برای ترجمه به دست گرفته شد کتاب مقدس بود. یک متن سریانی اساس ترجمه شد. ولی چون ترجمه مزبور چندان خشنود کننده نبود بار دیگر از متن یونانی که از قسطنطنیه فرستاده شده بود ترجمه به عمل آمد. این ترجمه را جاثلیق ساهاک که خود دریونانی دستی به کمال داشت تأیید کرد. ترجمه ارمنی کتاب مقدس به سبب وفاداری به متن اصلی و شیوائی بیان از بهترین ترجمه‌های کتاب مقدس شمرده می‌شود. سپس کتابهای دعا نیز برای کلیسا ترجمه شد.

در دوران دو قرن بعد از اختراع الفبا بسیاری آثار سریانی و یونانی ترجمه شد. دو مطلب را باید در این باره یادآور شد. نخست آنکه این ترجمه‌ها در چند مورد مضمون یونانی و سریانی آثاری را که اصل آنها از دست رفته است آشکار می‌کنند. بدین شیوه در روشن شدن ادبیات عمومی این دوران کهن یاری می‌دهند. از جمله این آثار گم‌شده باید از **وقایع‌نامه اوسیبیوس** (۹) مورخ مشهور کلیسائی قرن چهارم میلادی و **تفاسیر دعاهای موسی** اثر هیپولیتوس (۱۰) و **ردیه بر تعریف شورای خالسدون** نوشته تیموتائوس الوروس (۱۱) را نام برد. تا

9. Eusebius, Chronicle.
10. Hippolytus, Comentararies on the Benediction of Moses.
11. Timothy Aelurus, Refutation of the Definition of the Council of Chalcedon.

۱۹۵۷ که تفسیر بردیانتسرون اثر افرایم (۱۲) پیدا نشده بود تنها نسخه‌ای که از آن در دست بود ترجمه ارمنی بود. حتی پس از پیداشدن هم ترجمه ارمنی اهمیت خود را حفظ کرد. زیرا که متن پیدا شده ناقص است.

مطلب دوم ترجمه از متنهای منقح و برگزیده اصلی است که کار دانشمندان دلسوز ارمنی می‌باشد. گذشته از آثار یونانی و سریانی آباء کلیسا از آثاری نظیر **ماجراهای اسکندر** کالیستنس کاذب (۱۳) و دستور زبان دیونیسیوس تراکسی (۱۴) و رسالات فیلون یهودی و بسیاری آثار فلسفی بویژه نوافلاطونیان مانند پورفیریوس و پروپوس و دیودوکوس و اولیمپیودوروس کهتر (۱۵) و دیگران بهره گرفتند. ارسطو در افکار ارمنیان اثری ژرفتر از دیگران گذاشته است و ترجمه آثار او به ارمنی عبارتند از **قائیه و ریاس و ماوراء الطبیعه و انالوطیقا** و چند اثر کوچکتر. میزان دلبستگی مداوم به آثار ارسطو را می‌توان از شرحهائی که در قرون وسطی بر آثار او به ارمنی نوشته شده و نیز از نسخه‌های بسیاری که از آثار او فراهم شده دانست. در کتابخانه ایروان به تنهائی در گنجینه ماتناداران تقریباً سیصد نسخه خطی از آثار ارسطو مضبوط است.

آثار ادبی و علمی منحصر به ترجمه نبود بلکه بسیاری آثار دینی و تاریخی اصیل پرداخته شد. رسالات **ضدفرقه‌ها** اثر از نیک - کوغب که از نخستین مترجمان و شاگردان مسروپ شمرده می‌شود ردیه‌ای است بر آئین زرتشت و عرفان یونانی و مانویگری و مرغیون آگاثانگلوس (۱۶) (که ظاهراً نامی مستعار است) که خود را دبیر

12. Ephraim, Comentary on the Diatssaron.
13. Pseudo-Callisthenes, Alexander Romance.
14. Dionysius Thrax.
15. Porphyrius, Probus, Diodochus, Olympiodorus.
16. Agathangelus.

تیرداد شاه معرفی می‌کند تاریخ گرایش ارمنستان را به مسیحیت توسط گرگوار روشنگر نوشته است که باوجود بعضی ضعفها از نظر تاریخ آغاز مسیحیت در ارمنستان و تاریخ سیاسی این سرزمین اثری است برجسته. یکی از نخستین مترجمان کوریون شرح احوال استاد خویش مسروپ - ماشتوتس را نوشت. تاریخ واردان و جنگ ارمنیان اثر اغیشه شامل تاریخ ارمنستان است از ۴۳۰ تا ۴۶۵ میلادی و بخش عمده آن شرح حماسی جنگ آرواری است و پیکار با آئین مزدائی. همین وقایع در تاریخ غازار پارپتسی که متضمن حوادث ۳۸۴ تا ۴۸۵ است آمده است. موسی خورنی که از او بسیار یاد کرده‌ایم هدفی گزاف برای اثر خویش برگزید و تاریخ او با آنکه محدود به دوران پیش از ۴۴۰ م. است از آغاز تاریخ ارمنیان شروع می‌کند. موسی خورنی که گویا از خویشان مسروپ - ماشتوتس باشد می‌گوید که این تاریخ را به درخواست امیرساکاک باگراتونی نگاشته است. اما قرن پنجم که عموماً آن را تاریخ نگارش این کتاب گرفته‌اند از طرف بعضی نکته‌گیران و ناقدان مورد تردید قرار گرفته است و آن را کارسده هشتم یا نهم گرفته‌اند. این تاریخ باوجود ابهام کلی آن باسبکی شاعرانه و لطیف نگاشته شده است و از نظر اطلاعات مربوط به آغاز تاریخ ارمنیان غنی است.

تاریخ نگاری در سده‌های بعدی هم پایگاهی برجسته داشت. بعضی از این آثار تاریخی با آنکه حیطه نظری محدود دارند چون کمابیش حاوی وقایع معاصر می‌باشند برجسته به شمار می‌روند. از آن جمله باید از تاریخ هرقل یا هراگلیوس نام برد که منسوب است به سبئوس (۱۷) و متضمن تاریخ مفصل تاخت و تاز عرب است به ایران و ارمنستان و بیزانس تا ۶۶۱ م. کشیشی به نام غوند نیز شرح مفصلی از حمله عرب به ارمنستان و اشغال آنجا به دست می‌دهد از ۶۶۱ تا ۷۸۸. آریستاکس لازتیورتی که شاهد تاخت و تاز-

های سلجوقیان بود تاریخی نگاشت پرارزش چه از نظر بیزانس و چه از لحاظ تاریخ ارمنستان. آریستاکس یکی از مورخانی است که در قرون دهم و یازدهم درخسیدند. سپس نوشتن تاریخ عمومی جهان از آفرینش، به بعد مرسوم گشت. بخشهای اول اینگونه تاریخها عاری از واقعیت است. زیرا اینها خلاصه نوشته پیشینیان است. بعضی از این آثار مطالبی از آثاری نقل کرده‌اند که آن آثار ناپدید شده است و از این جهت ارزش دارند. مانند تاریخ شاپوه باگراتونی که پاره‌هایی از وقایع دوران دودمان باگراتونی را نقل کرده است و اهمیت آن به شرحهائی است که از معاصران دست‌اندرکار آورده است مانند یادداشتهای جاثلیق‌زان پنجم که به سفارت نزد امیر یوسف رفت و به زندانش افکندند. در همین تاریخ نامه‌های بطریق قسطنطنیه نیکولای میستیکوس نقل شده که پربها است. اینها اسناد برجسته‌ای هستند از روابط ارمنستان و بیزانس. استفن تارون که بر او نام مستعار آسویگیک نهاده‌اند تاریخ خود را به سال ۱۰۰۴ رسانید. وی مورخی است دقیق و وقایع‌نامه او از نظایر خویش بدین صفت ممتاز است و منابع مطالب خود را هم ذکر کرده است. این‌همه مورخ اخیر به تاریخ باگراتونیان نظر داشتند. یکی از معاصران ایشان توماس آرتسرونی بیشتر به فرمانروایان استان واسپوراکان که خود نیز یکی از آنان بوده است پرداخته است. پهلوان داستان او گاگیک شاه است و در توصیف کاخ و کلیسای او احساس سربلندی می‌کند. اما توماس همه منابع مربوط به تاریخ آرتسرونی و استان واسپوراکان را گردآوری کرده است. شرحی از سفرهای طولانی خویش در طلب منابع مربوط به آئین و رسوم مردم کوهستانی آن پیرامون آورده است. این تاریخ اخیر همانند تاریخ خاندان واسپوراکان است که قرن سیزدهم استفن اوربلیان اسقف سیونیک و عضو آن خاندان نگاشته است. استفن اسناد نگاهداری شده در دیرتاتو (۱۸) را در دسترس داشته است و نیز از نوشته‌ها و کتیبه‌ها

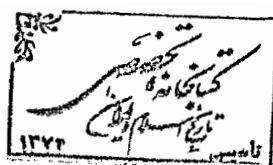
های کلیساها و دیرها برخوردار شده است.

به سبب موقعیت خاص ارمنستان تاریخش از بسیاری لحاظ پیوستگی دارد به تاریخ عمومی شرق نزدیک و اطلاعات مندرج در کتابهای تاریخ این سرزمین باتاریخ کشورهای پیرامون مرتبط است. مهمترین تاریخهایی که مورخان ارمنی درباره ملتهای پیرامون نوشته‌اند عبارتند از: **تاریخ آلبانیان** نوشته موسس دراسخورانتسی که تنها منبعی است که درباره این ملت قفقازی نگاشته شده است. دومین تاریخ را اوختانس درباره جداسدن کلیسای گرجی از کلیسای ارمنی در قرن ششم نوشته است و مطالبی در زمینه اصل گرجیان و تاریخ و تبار و نژاد قبایل مختلف ایشان آورده است. **تاریخ مردم تیرانداز** (یعنی مغولان) اثر گرگوار آکانتس از مورخان قرن سیزدهم واردان و کیراکوس و **گل داستانهای سرزمین شرق** اثر هیتون یا حاتم (۱۹) دارای مطالب برجسته‌ای است از تاریخ و رسوم و حتی زبان مغولان. همچنین **تواریخ مانتئوس ادسی** و سمبات داروغه بسیاری مطالب در زمینه سلجوقیان قونیه و جنگهای صلیبی دارد و بدین گونه آثار ارمنیان قرون وسطائی از مرزهای سرزمین ایشان درمی‌گذرد. از تاریخ که بگذریم آثار ادبی این دوران همه دینی است و شامل دعاها و تفسیرهای کتاب مقدس و مانند آنها. اما همین آثار پرتوی برسوم و آئین جاری مردم و وضع نابسامان عدالت و نظم اجتماعی می‌اندازند. حتی اشعار هم جز معدودی رنگ مذهبی دارند، تاریخ دعای گرگوارنارک در ۱۰۰۲ متضمن ۹۵ بند شعر است. که همه با این عبارت شروع می‌شود که «از ته دل با خدا راز و نیاز می‌کنم». اینها حاکی از عمق ایمان و عرفان است. گرگوارنارک آثاری هم به نثر در زمینه مذهب نوشته است. بطریق نرسس نیز در قرن یازدهم سرودهای مذهبی و اشعار دیگری سروده است که حاکی از ایمان استوار او است. مرثیه او بر سقوط ادس نشان می‌دهد که این حادثه

تاچه‌حد برارمنیان ناگوار آمده است.

فریک که عضو ساده کلیسا بود به زبانی عامیانه در دوران فرمانروائی مغول از شوربختیهای مردم و درازدستیهای فرمانروایان ندبه می‌کند و گله‌سرمی‌دهد. بسیاری آثار از مردم ساده و نوازندگان دوره گرد به نظم و نثر هست که هنوز بررسی دقیق نشده‌اند. از جمله این گونه‌آثار یکی از داودساسون است که سینه به سینه نقل می‌شد تا آنکه در قرن نوزدهم دیدند چندمتن مختلف از آن‌پدیدار شده بود. مضمون این منظومه عشق به میهن و پیکار برای آن است.

اینک باید از ادبیات چشم‌پوشیم و علوم را بررسی کنیم. شروح ارمنی بر آثار ارسطو خود زمینه‌ای برای پیشرفت علوم نیز بوده است. اما گروهی هم کارهای مستقلی در علوم انجام داده‌اند. از جمله آنانیاس شیراکی است از دانشمندان قرن هفتم میلادی. خود او شرح مختصری از زندگی خویش‌نگاشته و آرزوهای خویش را بیان کرده است. در روستای آنانیا در ولایت، شیراک چشم به جهان گشود و در کودکی به فلسفه پرداخت. می‌نویسد که «نیاز بسیاری به علم اعداد داشتم چه آن را مادر همه علوم می‌دانم و برآن بودم که بدون آن هیچ هماهنگی وجود نخواهد داشت». چون استادی در ارمنستان پیدا نمی‌شد راهی طرابوزان شد و در آنجا بدو گفته شد که استاد بزرگی هست به نام تیخیکوس که شهرتش موجب جلب شاگردان از قسطنطنیه شده است. تیخیکوس اورانیک پذیره شد و تا هشت سال به او آموخت تا در حساب صاحب‌نظر شد و بعضی اصول از علوم دیگر هم یادگرفت. همه کتابهای کتابخانه استادش را که به ارمنی ترجمه نشده بود خواند چه در زمینه امور مختلف دینی و چه علوم و تاریخ و پزشکی و هیئت و گاهشماری. پس از بازگشت به ارمنستان آثاری درباره ریاضیات و هیئت و گردش ماه و گاهشماری و اوزان و مقادیر و جغرافیا نگاشت. جهان به تصور او آنانیاس تخم‌مرغی بود که در مرکز آن به‌جای زرده زمین قرار داشت و در پیرامون آن، هوا به منزله سفیده گسترده شده بود. برخلاف نظریه جاری زمان ما



که اقیانوسها خشکیها را احاطه کرده‌اند وی برآن بود که دریاها در میان خشکیها هستند.

از رسالات گوناگون آنانیاس یکی دارای اهمیت جاودانی است و آن در **جغرافیا** است که تاکنون تصور می‌رفت از آن موسی خورنی باشد. این رساله مشتمل است بر جغرافیای سه قاره اروپا و آفریقا و آسیا که بیشتر آن براساس جغرافیای بطلمیوس و نیز پاپوس اسکندرانی (۲۰) قرار دارد و چندان مطلبی از اینها بیشتر ندارد. تنها درباره ارمنستان و سرزمینهای پیرامون آن یعنی گرجستان و قفقاز و آلبانی و ایران و بین‌النهرین بسیاری اطلاعات به دست می‌دهد که در دیگر رسالات نیست. برای تکمیل مطلب باید از **سفرنامه** آنانیاس نام ببریم که شاهرهاها بامسافات میان شهرهای عمده را به دست داده است و نیز از رساله **اوزان و مقادیر** که متضمن جدول مقایسه‌ای اوزان بیزانسی و ایران است.

پژوهشهای علمی که صدها سال پس از اشغال اعراب متوقف گشته بود در زمان دودمان باگراتونی از نورونق گرفت. یکی از مشوقان عمده این رشته گرگوار یا گرگور پاهلاونی صاحب ملک بجنی بود که بانام بیزانسی گرگوار ماگیستروس (۲۱) شناخته‌تر بود. در نامه‌ای به عنوان جاثلیق پطروس او را تشویق می‌کند به خواندن آثار آنانیاس که متأسفانه فراموش شده است و درخواست امانت دادن چند نسخه خطی می‌کند که دارای اطلاعات مهمی در علوم کمی و موسیقی هستند. گرگوار به سبب دلبستگی به ریاضیات **عوامل** اقلیدس را مستقیماً از اصل یونانی نه به واسطه زبان سریانی ترجمه کرده بود. زیرا ترجمه عربی با واسطه سریانی صورت گرفته بود. گرگوار که به فلسفه هم دلبستگی داشت دوتا از مکالمات افلاطون تیمائوس و فیدون را ترجمه کرد و با آثار فلسفی دیگر یونانی هم آشنا بود. در

20. Pappus of Alexandra.

21. Gregory Magistrus.

نامه‌ای به دوتن از شاگردانش که دردایره کلیسایی جاثلیق پطروس اول سابق‌الذکر بودند گفته است که شنیده است جاثلیق آثار ارسطو را بدیشان داده است «اگر این مجموعه همان است که در آن ارسطو از اجرام سماوی یاد می‌کند و جهان را گرد می‌پندارد آن را برای من بفرستید. اما اگر آن دیباچه پورفیریوس به قاطیقوریاس باشد بدان نیازی ندارم و نفرستید. زیرا با آن از آغاز جوانی آشنا هستم».

در میان ارمنیان دیگری که با علوم کمی آشنا بودند برجسته‌ترین ایشان ژان کشیش یا هوانس سارکاواگ (۲۲) است که معاصرانش او را سوفیست یا فیلسوف می‌خواندند. وی مؤلف چند پژوهش است از جمله رساله گرانبهائی درباره اعداد چند چند ضریبی (۲۳). در تقویم ارمنی هم اصلاحی کرده است.

از شرح زندگانی ژان و اطلاعاتی که در نامه‌های گرگوار ماگیستروس مندرج است چنین برمی‌آید که مدرسه‌ها و آموزشگاهی در ارمنستان قرون وسطی برقرار بوده است. در قرن هفتم آنانیاس شیراکی چنانکه گفته شد ناگزیر به رفتن به طرابوزان شد تا استادی بیابد. در نیمه دوم قرن دهم ژان در دیوها غایب نه تنها «استادانی برای فراگرفتن علوم پیدا کرد بلکه در کتابخانه بزرگ آن دیر نسخه‌هایی از دانشهای کهن و آثار فلسفی یافت. چون تحصیل خویش را تکمیل کرد به آنی رفت و در آنجا مدرسه‌ای بنیاد نهاد که از سراسر ارمنستان بدانجا می‌شتافتند. بدبختانه چندان چیزی از این مدرسه که گویا نخستین سازمان آموزش عالی وابسته به دیر بود نمی‌دانیم. در میان موضوعهای درس آنجا از اینها آگاهی داریم: دستور زبان با توجه خاص به آثار دیونیزیوس تراکسی و فلسفه با توجه به آثار ارسطو و ریاضیات و گاه شماری و معانی بیان و نیز الهیات که جای خود داشت. اندکی پیشتر گرگوار ماگیستروس نیز شاگردانی

22. John the Deacon (Hohanes Sar Kavag).

23. Polygonal.

تعلیم داده بود. گوا اینکه آشکار نیست که مدرسه مرتبی در بجنی برپا بوده است یا به احتمال بیشتر جوانانی می‌آمدند آنجا تا به راهنمایی استاد درس بخوانند و از خرمن پربار دانش استاد در رشته‌های بسیارگونگون بهره‌گیرند. درسهائی که در نامه‌ای برای تدریس به شاگردانش برمی‌شمرد عبارتند از: باید نخست از کتاب مقدس آغاز کرد و سپس به اساطیر و افسانه‌های کهن پرداخت و آنگاه قطعاتی از هومر و افلاطون و دیگر نویسندگان کهن و تحصیل ریاضیات موسیقی و هندسه و هیئت کوشید. چون این رشته‌ها تکمیل شد می‌توان به بخش آسانتر دستور زبان و معانی بیان و فلسفه گام نهاد. چنانکه ملاحظه می‌شود این نقشه همان برنامه درس قرون وسطائی اروپا است.

دیرها کانونهای روشنفکری عمده بودند و کهنترین آنها در سیونیک برای علوم دینی پی‌افکنده شد. می‌توان گفته مورخ قرن سیزدهم استفن اوربلیان که جاثلیق‌سهاک و مسروپ ماشتوتس امتیاز ترجمه کتاب مقدس و تفسیر کلام خدا را تنها بدان دیر اعطا کردند با تردید تلقی کرد. با اینهمه دانشمندان برجسته‌ای بدین مدرسه علوم دینی وابسته بودند. از جمله اسقف سیونیک قرن ششم پطروس که فیلسوف بود و به هلنیستی شهرت داشت و اسقف استفن از قرن هشتم که آثار دیرنیز یوس اریاگیتی (۲۴) و گرگوارنیسائی (۲۵) را ترجمه کرده و بسیاری دعا و تفسیر و توضیح دستور زبانی نوشت. پس از آنکه در مدرسه علوم دینی سیونیک به آموزش پرداخت به آتن رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و سپس به قسطنطنیه رفت و چند نسخه خطی یونانی با خود آورد. درباره دیرتاتو در استان سیونیک نیز بعدها استفن اوربلیان نوشت: «این دیر همچون خورشیدی در میان ستارگان می‌درخشید. در میان همه نه به سبب

24. Dionysius the Areopag'te.

25. Giegry of Nyssa.

ساختمانش بلکه به علت کشیشان و دیرنشینانش که در حدود پانصد تن می شدند بلند آوازه گشته بود. آنجا پربود از فیلسوفان ژرف پنداری چون دریا ... و دانشکده آن از دانشمند و نقاشان ماهر و کاتبان بی همانند پربود. در فضای این دیر یک ساختمان مخصوص نسخه‌های خطی برپا گشته بود. کتابخانه دیرها غایت گفته‌اند بسیار غنی بود و هرگاه نسخه‌ای در آنجا پیدا نمی‌شد دیرنشینان می‌کوشیدند تا آن را به دست آرند و نسخه‌برداری کنند و بر مجموعه بیفزایند. در اواخر قرن سیزدهم و آغاز چهاردهم مدرسه و دیر گلاذور شاگردان را از جاهای مختلف ارمنستان بزرگ و نیز کیلیکیه جذب می‌کردند. در زمانی که مبشران دومینیکی بعضی از ارمنیان را به آئین خود در آوردند کشیش **و واردایت** گلاذور مدافع سرسخت کلیسای ملی باقی ماندند. مراکز دیرنشینی مهم در کیلیکیه هم پدیدار گشت و در برقراری پیوند با سرزمین مادر سهم عمده‌ای یافتند و تأثیر آنها در ادامه حیات ملی رامی‌توان از کلام جاثلیق نرسس بیان کرد که «دیرها ستونهای کشور و دژهای پایداری در برابر دشمن و ستارگانی درخشان بودند».

معماری

نخستین بار توجه دانشمندان اروپا را جهانگردان فرانسوی و انگلیسی قرن نوزدهم به بناهای ارمنیان معطوف داشتند. براساس توصیف و طرحها و نقشه‌های آنان اوگوست شوازی نخستین بار پژوهشی در معماری ارمنی به جای آورد و منتشر ساخت (۱). با آنکه شوازی این معماری را از مظاهر پیرامونی هنر بیزانس گرفته بود به بعضی جنبه‌های خاص ساختمانی آن و نیز امکان تأثیر معماری ارمنی در معماری بالکان و بویژه صربستان اشاره کرد. روابط میان معماری ارمنیان و بیزانس را میه در ۱۹۱۶ بررسی کرد (۲). تا آن هنگام بسیاری ساختمانها بر اثر کاوشی که در آنی و جاهای دیگر ارمنستان اجرا شده بود و بویژه حاصل کار باستانشناسان روسی و پژوهشهای دانشمندان ارمنی مخصوصاً آرشیتکت تورامانیان شناخته شده بود. از این بررسیها استرزیگوسکی حد اعلاى بهره‌برداری را کرد (۳). از آن پس معماری ارمنی در همه آثار مربوط به معماری قرون

1. Auguste Choisy, *Histoire de l'Architecture*, 1899.
2. G. Millet, *L'Ecole grecque dans l'architecture byzantine*.
3. J. Strzygowski, *Die Baukunst der Armenier und Europa*, 1918.

وسطانی جای خاصی یافت و بسیاری از دانشمندان خارجی در طی چهل سال اخیر در این رشته به پژوهش پرداخته و مطالب فراوانی فراهم ساخته‌اند.

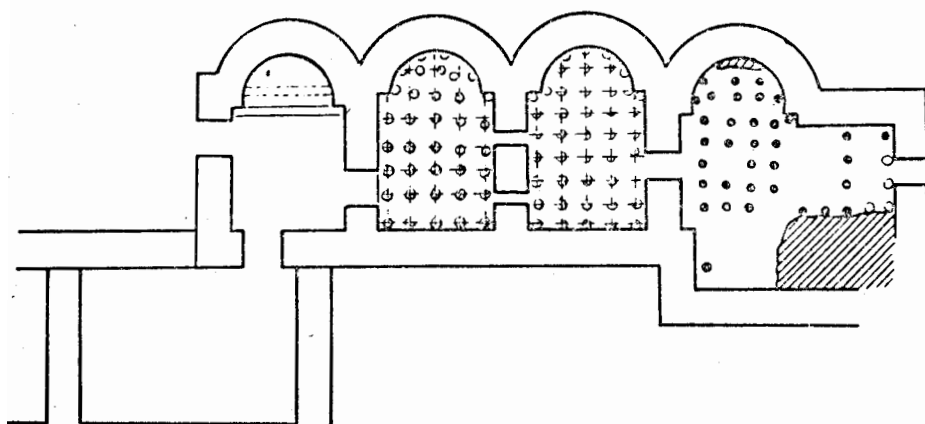
استرزیگوسکی بر آن بود که ارمنستان در پایه‌گذاری و گسترش معماری مسیحی اثری شگرف داشته است. به نظر او ارمنیان نخستین کسانی بودند که گنبد‌های سنگی بر پایه‌های مقرنس را که در معماری شمال ایران رایج بود به ساختمان کلیساها درآوردند و نخستین کسانی بودند که کلیسا را به شکل مربع باطاقچه‌های محراب‌وار و سقف گنبدی برآوردند. استرزیگوسکی نیز بر آن بود که ارمنیان دیگر انواع ساختمانهای گنبد را نه تنها در معماری بیزانس و دیگر سرزمینهای مسیحی و شرق میانه وارد ساختند بلکه در اروپای غربی هم چه در قرون وسطی و چه در رنسانس تأثیر کردند. استرزیگوسکی گوید که «نبوغ یونانی در کلیسای ایاصوفیه و نبوغ ایتالیائی در کلیسای سن‌پتر حاصل تکمیل یافته‌ای بود از آنچه ارمنیان آغاز نهاده بودند».

با آنکه شایستگی اثر استرزیگوسکی بر همگان آشکار است بیشتر دانشمندان بعضی سخنان او را مبالغه پنداشته‌اند. با گسترش کاوش در چند سرزمین مختلف و پیداشدن ساختمانهای کهن مسیحی معلوم شده است که این شیوه‌ها در جاهای دوردست از یکدیگر در معماری مسیحی وجود داشته است. بررسیهای گرابار (۴) **بره‌شاهد** (۵) (نمازخانه‌هایی که به یادگار شهیدان مسیحی برپا داشته شده‌است) و روابط آنها با آرامگاههای اخیر دوران باستان این موضوع را براساس دیگر نهاده است و پایه‌های معماری مسیحی را در سرزمینی بسیار وسیع نهاده است. هیچ یک از سرزمینها را نمی‌توان سرچشمه معماری کلیسا دانست.

4. A. Grabar.

5. martyria.

چوبیناشویلی اخیراً نظریه‌ای پیشنهاد کرده است. وی باپائین-آوردن تاریخ بعضی از ساختمانهای ارمنی حتی تا چندصد سال کوشیده است ثابت کند که سرمشقهای معماری گرجی هم از لحاظ قدمت و هم از نظر کیفیت دارای برتری است و کلیساهای ارمنی تنها تقلیدهای نامطلوبی هستند از کلیساهای گرجی. اینگونه اظهارات که اطلاعات تاریخی را نادیده می‌گیرد پذیرفتنی نیستند و دانشمندان طراز اول آنها را رد کرده‌اند، در واقع در دوسرزمین همسایه ارمنستان و گرجستان پیشرفت‌ها باهم یکسان بود. بویژه در قرون نخستین که کلیسای ارمنیان و گرجیان باهم یکی بودند و پیوند ایشان باهم نزدیک و فراوان بود. بی‌گمان رابطه از هردوسو بود. از کتیبه‌های ارمنی در کلیساهای دجاری و آتنی‌سیون گرجی براین امر می‌توان پی‌برد. در این کتیبه‌ها یکجا اسم معماری تودوساک نام را با دستیارانش نگاشته‌اند. نه تنها با قراردادن آثار معماری دوسرزمین در برابرهم بلکه با مقایسه اجزاء آنها بسیاری از مسائل حل و آشکار می‌شود.



شکل ۱۰- نقشه گرمابه‌های گارنی (به نقل از آراکلیان)

آثار ساختمانی گارنی تنها یادگاری است از معماری ارمنستان دوران شبرک که تاکنون شناسائی شده است. کاوشهای اجرا شده در سالهای اخیر باروهای استحکامات و نیز چهارده برج قائم‌الزوایا و یک تالار بزرگ و چند اطاق کوچک جایگاه خاندان سلطنت و همچنین بخشی از یک گرمابه که در شمال کاخ ساخته شده بود آشکار ساخته است (۶) مهمترین ویرانه‌های آشکار شده از پرستشگاهی است که در زمان تیرداد اول اندکی پس از ۶۶م. برپا شده و در زلزله‌ای به سال ۱۶۷۹ فرو ریخته است (۷).

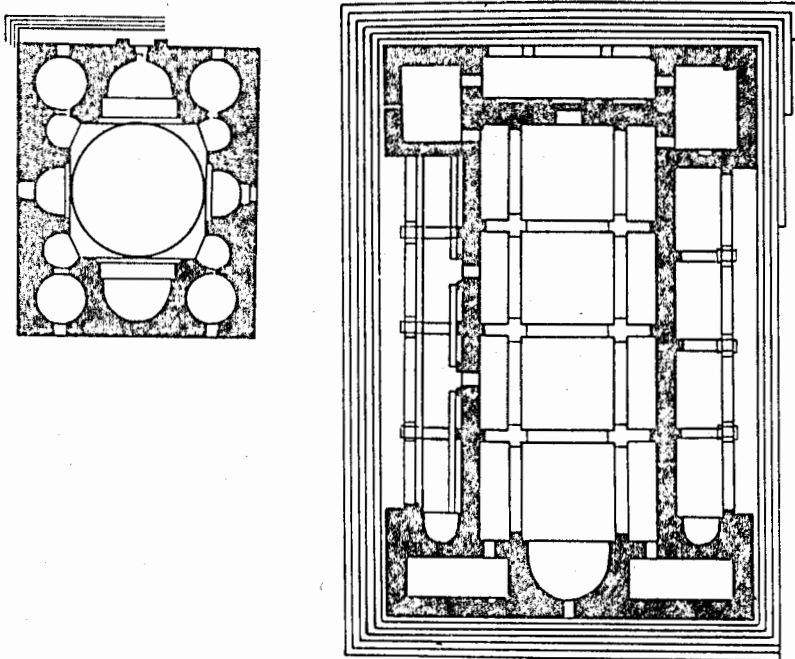
میان پرستشگاه گارنی و بناهای مسیحی که کهنترین آنها از قرن پنجم پیشتر نیست چندصد سال فاصله است. و تازمانی که آثار دیگری کاوش نشود نمی‌توانیم به مراحل اولیه پیشرفت معماری مسیحی در ارمنستان دست یابیم. اما دورانی که از پایان قرن پنجم است تا اواسط قرن هفتم دورانی است شکوفان که بسیاری آثار ساختمانی گواه برآنند. اگر در نظر اول شگفت‌نماید که باوجود آنکه ارمنستان استقلال خود را از دست داده بود و سرزمینش میان بیزانس و ایران بخش شده بود چنین امری روی نموده است باید به یاد آورد که **ناخارارها** در این زمان چه ثروتی و نعمتی یافتند و کلیسا چه قدرتی. بنیادگذاران این ساختمانها که نامشان در کتیبه‌های مخصوص اهداء یا در آثار مورخان مندرج است بیشتر جاثلیقان و سران خاندانهای عمده فئودال مانند آمائونیان و مامیکونیان و کامساراکانیان و ساهارونیان بودند. سازمان فئودالی بدین شیوه خواستار برپاساختن کلیساهای بسیار در جاهای کشور بود. فقدان مرکزیت که اگر وجود داشت شیوه معماری را یکسان می‌ساخت خود توجیهی است برای وجود سبکهای گوناگونی که در این دوران پدیدار شد.

کلیساهای ارمنی با سنگهای آتشفشانی موجود در محل که به

۶. ر. ک. شکل ۱۰.

۷. ر. ک. تصویر ۸.

رنگهای زرد و سرخ و رنگهای تیره‌تر هستند ساخته می‌شد. دیوارها با قطعات کوچک خوشتراش سنگ پوشانیده می‌شد. تنها قطعات گوشه‌ها یکپارچه و بزرگ است. این شیوه ساختمانی برای جرزهای سنگین و طاقچه‌ها و مقرنسکاریها معمول می‌شد. کلیساها با آنکه غالباً کوچک بودند در بیننده اثری از استواری و استحکام ایجاد می‌کردند. با آنکه در آرایشهای درونی گوناگونی بسیار بود در بیرون غالباً تزئینات یکسان می‌نمود (۸). نمای بیرونی چهارگوش شکلهای درونی منحنی و کشیده‌الاضلاع و غیره را می‌پوشانید و تنها پنجره‌ها و طاقچه‌های فرو رفته در دیوارها گاهی نشانی از ماوراء دیوارها می‌داد. گاهی آرایشهای



شکل ۱۲۱۱- طرف چپ کلیسای آوان که بانی آن جاثلیق یوحنا (۵۹۰-۶۱۱) بود در سمت راست بازلیک ارروک از قرن ششم (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس

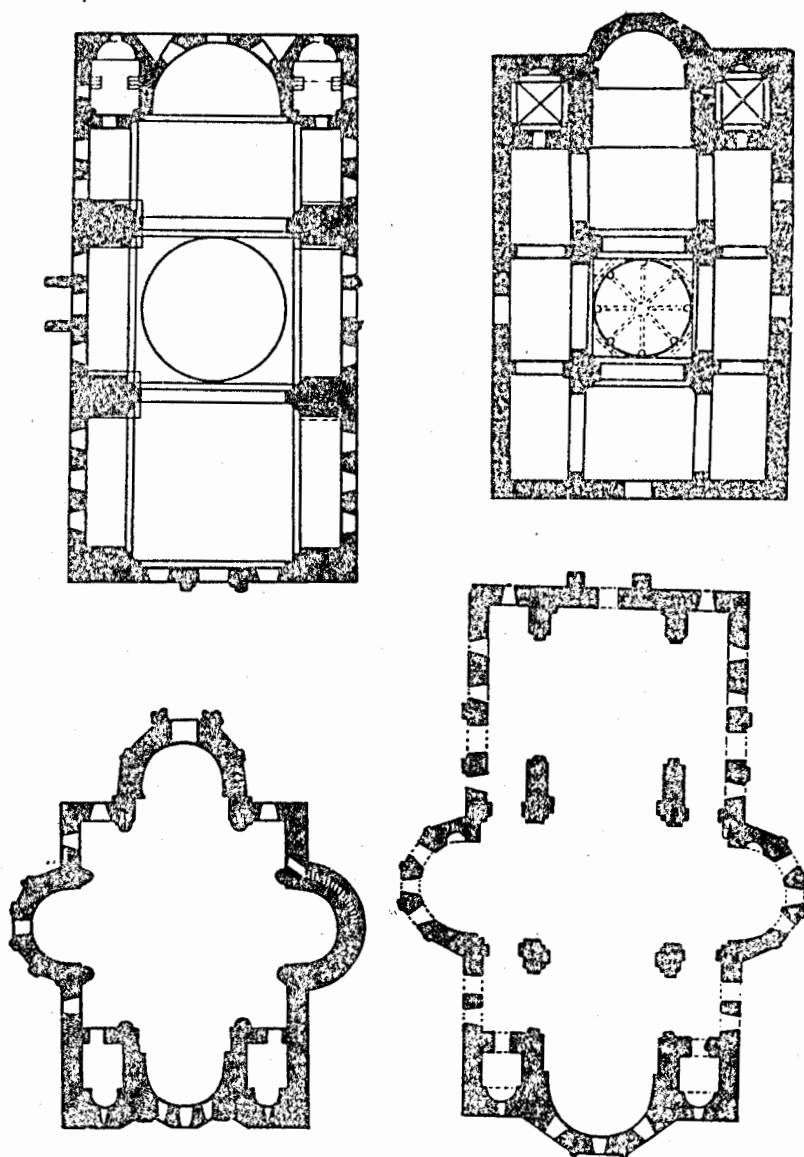
۵۰۰:۱

کنده‌کاری و طاقنماهای پیرامون دیوارها به ملایم ساختن نمای درشت و خشن بناها یاری می‌دهد. تعداد پنجره‌ها در نماهای کلیساها کم است. از سده هفتم به بعد که بناهای گنبدی رواج عمومی گرفت پوشش هرمی یا مخروطی درپایه گنبدها در نماهای بناهای کلیساهای ارمنی رایج گشت. در ساختن گنبدها بر فراز یک ساختمان مربع یا هشت ضلعی معماران ارمنی دست به دامان مقرنسکاری می‌زدند و نیز باطاقهای کوچک یا طاقچه‌های مخروطی در پیرامون گنبد مربع یا هشت ضلعی را به تدریج به پایه گنبد می‌رسانیدند. هرجا که گنبد را باستونها استوار می‌ساختند نیز از مقرنسکاری درپایه گنبد بهره گرفته می‌شد.

کهنترین کلیسای موجود در ارمنستان همه دارای نقشه بازیلیک (۹) هستند که نخست از ساختمانهای بت‌پرستان گرفته شده است. بازیلیک ارمنی چه دو دالان جنبی را داشته باشد و چه نداشته باشد دارای فرورفتگی دایره مانند در انتهای می‌باشد، در فضای داخلی کلیسا هیچ دیوار بابرآمدگی که فاصله‌ای در یکپارچگی فضائی ایجاد کند دیده نمی‌شود. طاقهای عمودبرهم که غالباً نیمرخی نعل‌وار دارند و برپایه‌های سه ضلعی قائم‌الزویا گذاشته شده‌اند سقف پهناور شبستان را استوار می‌کنند. در یکی از نخستین بازیلیکها در کاساخ سقف سراسر سه دالان زیرین یکپارچه ساخته شده است. در کلیساهای دیگر سقف دالان مرکزی بالاتر از سقف دالانهای جنبی هستند و جداگانه بنا شده‌اند. بازیلیک در کلیسای ارروک و نقشه‌های اصلی کلیساهای تک‌رودوین که بزرگتر از کلیساهای معمولی بودند فضاهای اضافی با محرابهایی در دوانتهای دالانها افزوده شده بودند (۱۰). کلیسای ارروک دارای یک نمای دوبرجه بود که تنها سرمشقی است از یک کلیسای ارمنی به جای مانده

۹. بازیلیک دارای یک دالان مانند اصلی مرکزی و دو دالان در پیرامون آن است. م.

۱۰. ر. ک. شکل ۱۲.



شکل ۱۳-۱۶- دربالا سمت چپ، کلیسای اعظم تالیش در حدود ۶۶۸ در پائین سمت چپ، کلیسای اعظم مرن، ۶۳۸ تا ۶۴۰- در بالا سمت راست: کلیسای اعظم تالین از قرن هفتم در پائین سمت راست کلیسای ارتیک از قرن هفتم (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس ۱ : ۵۰۰

که در کلیساهای سریانی به کاررفته است. اما این برجها بعدها در بناهای آناتولی درنما برآمدگی آشکار ساختند.

کلیسای شکل بازلیک چندان مدتی رایج نمانده از قرن ششم به بعد به انواع بسیار گوناگونی از سقف گنبدی مرکزی جای پرداخت. سرچشمه دوردست این طرح را باید در بنای آرامگاهها و مشاهد کهن مسیحیان اولیه دنبال کرد اما ظهور ناگهانی آن در ارمنستان و گوناگونی طرحها نمودار آن است که این نقشه از مدتها پیش از قرن ششم در محل آزمایش شده، بوده است. این امر در کاوش اخیر کلیسای اعظم اچمیادزین تأیید شده است. پی یک کلیسای سده پنجم نمودی می دهد از طرحی مشابه کلیسای موجود قرن هفتم بامربعی که در چهارگوشه به فضاهای جدا شده از بقیه شبستان منتهی می شود و گنبد برپایه های ساخته شده در میان شبستان تکیه دارد.

در سده های ششم و هفتم استفاده بسیار از گنبد نقشه بازلیک را معتدل ساخت در کلیساهای بی دالان طاقهایی که پایه گنبد بر آنها قرار دارد جزوهای ترکیبی هستند (زوونی) یا بردیوارهای برآمده از شمال و جنوب تکیه دارند (پتغنی درتالیش) (۱۱). در بازلیک سه دالانی جزوهای که طاقها بر آنها تکیه دارند بر زمین استوارند (ادزون، باگاوان، مرن، سن گایانه در واغارشاپات) که خود صلیبی در مربعی می سازند (۱۲). بخشهای پیرامون گنبد مرکزی با طاقهای بلندتر از طاقهای دالانهای جنبی پوشیده شده اند و در نتیجه شکل صلیب نیز در فراز سقف آشکار می شود (۱۳). در کلیسای اعظم تالین که اخیراً مرمت شده است بازوهای شمالی و جنوبی صلیب امتداد داده شده تا به گوشواره ها یا محرابهای کوچکی منتهی شده است (۱۴).

۱۱. ر. ک. شکل ۱۳.

۱۲. ر. ک. شکل ۱۴ و تصویر ۹.

۱۳. ر. ک. شکل ۱۵.

۱۴. ر. ک. تصویر ۱۰.

این نقشه کاملاً تمرکزدار در انواع گوناگونی اجرا شده است. ساده‌ترین آنها مربع مرکزی است که به چهاربرآمدگی منتهی می‌شود و گنبدی همه فضای مرکزی را دربر می‌گیرد (آگراک). چون گوشواره‌های پیرامون به شکل قائم‌الزوایا در محیط بیرونی آشکار می‌شوند و در بخش انتهای شرقی فضای محدودی بناشد صلیب از خارج کاملاً آشکار می‌شود (۱۵). گاهی چنانکه در لمبات و کلیسای اشتاراک که بانام خارواور معروف است جناح صلیب جز در جانب شرقی نیز در درون دارای نمای قائم‌الزوایا است. در بعضی بناها فضاهای جنبی مربع مرکزی از دوطرف دیگر کوچکتر است (۱۶) در همه این کلیساها گنبد سراسر بخش مرکزی را می‌پوشاند. ولی در کلیسای یحیی قدیس تعمید دهنده در باگاران که اینک تقریباً تباہ گشته است یک شیوه دیگر به کار بسته شده است. دوجناح کوچکتر از دوجناح مقابل دیگر است ولی گنبد که بر هر چهار جناح مشرف است همه فضای مرکزی را نمی‌پوشاند. این نقشه در اچمیادزین به کار بسته شده است.

در کلیسای زوارتفوتس که از ۶۴۴ تا ۶۵۲ به دست جاثلیق نرسس سوم ملقب به «سازنده» برپاشده است این طرح کاملتر گشته است (۱۷). بر طبق روایات، تیردادشاه از این راه که به واغارشاپات می‌رفت با گراگوار روشن‌گر روبرو شد. بنابراین، این کلیسا به فرشتگان تقدیم شده و «نیروهای ایمانداران» (۱۸) نامیده‌اند که برگرگوار قدیس ظاهر گشت. از قرن چهارم به بعد این گونه نقشه در مشاهد و بسیاری جاها به کار رفته است مانند سان‌لورنزو در میلان و پیروشتیکا (۱۹).

۱۵. ر. ک. تصویر ۱۱.

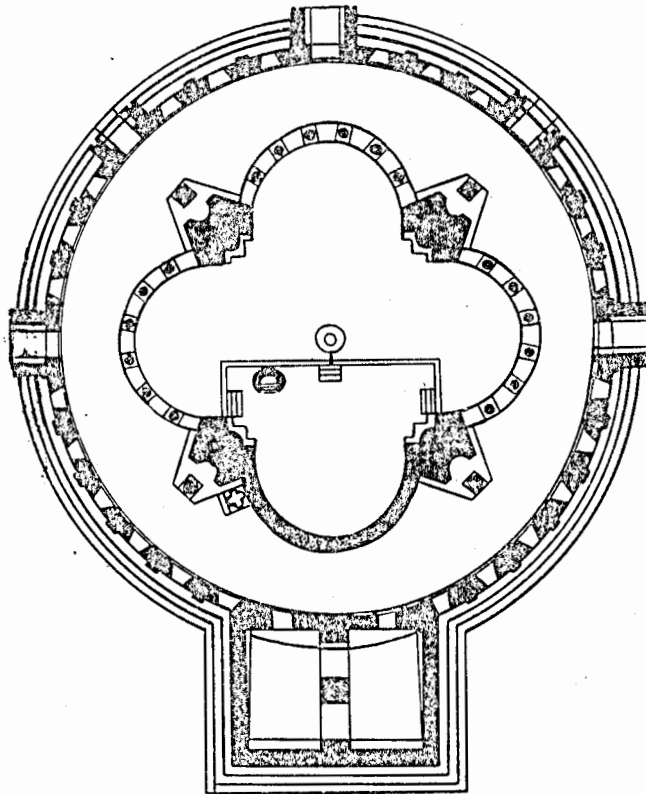
۱۶. ر. ک. تصویر ۱۲ و شکل ۱۶.

۱۷. ر. ک. شکل ۱۷.

18. Zvart'nots.

19. Perustica.

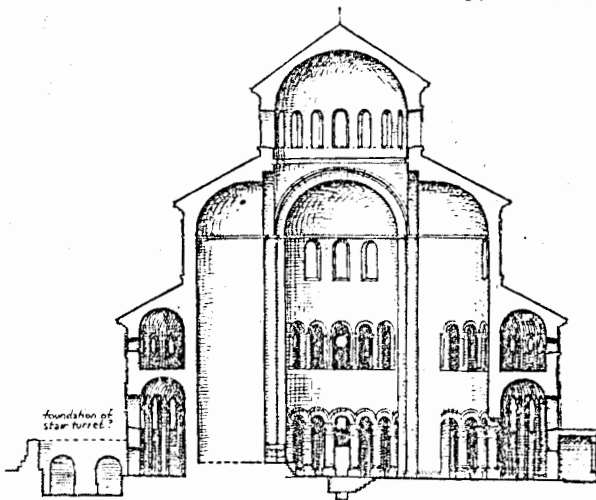
در بالکان و همچنین در سلوکیه شام به کار بسته شده است. کلا زوارتنوتس با این ساختمانها شباهت دارد ولی اندکی متفاوت است.



شکل ۱۷- نقشه کلیسای زوارتنوتس، ۶۴۴ تا ۶۵۲ (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس ۱:۵۰۰

کلیسای زوارتنوتس در سده دهم ویران گشت. امروزه پی آن و بخشی از دیوارها و پایه‌های ستونها و قسمتهائی از ستونها باقی است. تورامانیان با مقایسه با بناهای مشابه توانست پیشنهاد کند که این کلیسا بازسازی شود و بیشتر دانشمندان هم آن را پذیرفتند (۲۰).

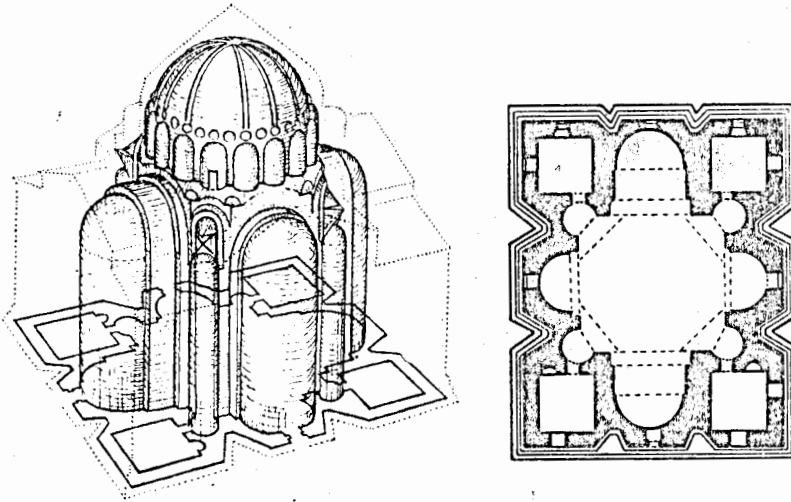
ارتفاع کلیسا بسیار بود باطاقهایی که به دالانهای جنبی مشرف بود و در دیوارها پنجره‌های باریک و درازی تعبیه شده بود. گنبد آن بایایه گردش که در پیرامون آن پنجره‌هایی گذاشته شده بود برطاقها و جرزهای اطراف تکیه داشت. در پیرامون گنبد اصلی نیمه گنبدهایی برافراشته بودند.



شکل ۱۸- مقطع عمودی کلیسای زوار تنوتس (نقاشی Kenneth J. Conant)

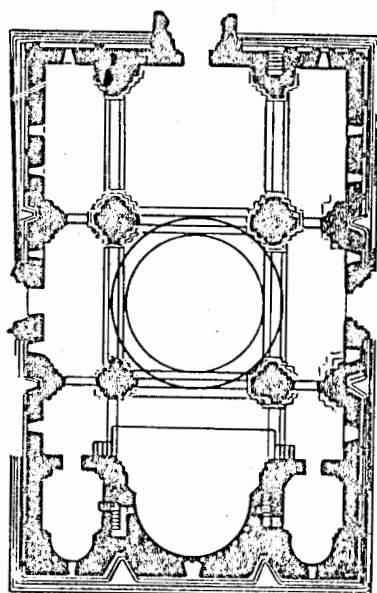
نقشه‌ای که از همه نقشه‌های کلیساهای ارمنی اصیل‌تر پنداشته شده است کلیسای هرپینهجه قدیس است در واغارشاپات (۲۱) بایک گنبد مرکزی و فضاهای جناحهای چهارگانه و اطاقهای چهارسوی ساختمان این بررسی اختصاری نمودار ابتکارات معماران ارمنی سده‌های ششم و هفتم است. در این دوران ارمنستان با ایران همواره سروکار داشت و نیز از آنچه در استانهای شرقی امپراطوری بیزانس و گرجستان جریان داشت و در این سرزمینها این گونه تجربیات ادامه داشت آگاه می‌گشت. مسائل و مشکلاتی که در برابر معماران سرزمینهای آن پیرامون قرار داشت همان بود که در مقابل معماران ارمنی بود و مصالح عمده همه آنها سنگ بود. نمی‌توان ابتکار یکی

رابرشمرد و دنباله روی دیگری را تعیین کرد. زیرا که بسیاری از آثار آن روزگار ناپدید و ویران گشته است.



شکل ۱۹ و ۲۰- واغارشاپات سمت چپ کلیسای سن مرپیمه از ۶۱۸ (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس ۱:۵۰۰- سمت راست نقشه فضائی همان کلیسا نقاشی Kenneth J. Canont)

چون دردوران سلطنت باگراتونیان فعالیت ساختمانی از نو گرفته شد، معماران سابقه ممتدی از تجربیات گذشتگان را در دسترس داشتند. آنی که به نام شهر هزار و یک کلیسا مشهور بود و دوبار داشت از مهمترین مراکز به شمار می رفت. گذشته از اینها شاه گاگیک اول معماری بزرگ در دسترس داشت که تیرداد نام داشت. وی رادولت بیزانس برای مرمت گنبد کلیسای اعظم سن صوفی یا ایاصوفیه امروز در قسطنطنیه که از زلزله ۹۸۹ گزنده دیده بود خواست. این امر دلیل است بر بلند نامی تیرداد. در آنی تیرداد میان سالهای ۹۸۹ تا ۱۰۰۱ یک کلیسای اعظم برپا کرد (۲۲).



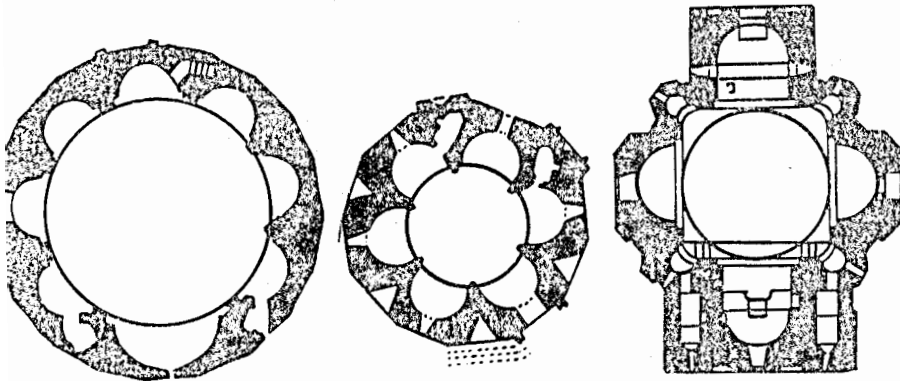
شکل ۲۱- آنی، کلیسای اعظم، ۹۸۹-۲۰۰۱ (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس ۱: ۵۰۰
در کلیسای گرگوار مقدس که به فرمان گایگیک در آنی به دست
تیرداد برپا شد از نقشه کلیسای زوار تنوتس تقلید شد. کلیساهای
دیگری با سبکهای شش گوش و هشت گوش و غیره برافراشته
شد (۲۳).

در کلیسای اعظم قارص که به کوه برت کیلیسه مشهور است
جناحها و فضاها داخلی آنها شکل بدیعی دارد (۲۴). نقشه کلیسای
صلیب مقدس در اغتامار که بنای آن به فرمان شاه گایگیک و اسپوراگان
در میان سالهای ۹۱۵ تا ۹۲۱ برآورده شد نیز دارای نکات برجسته
ابتکاری است (۲۵). در کلیسای اعظم مارماشن گنبد برج‌های عمود

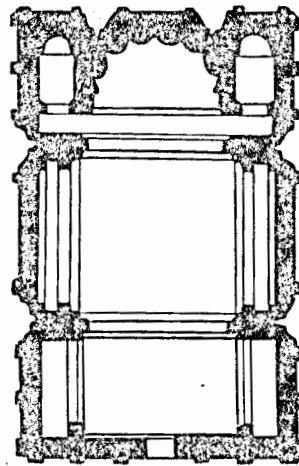
۲۳. ر.ک. ۲۲ و ۲۳ و تصویر ۱۵.

۲۴. ر.ک. تصویر ۱۶.

۲۵. ر.ک. شکل ۲۴ و تصویر ۱۷.



شکل‌های ۲۲- ۲۴- از سمت چپ، کلیسای ناجی در آنی در ۱۰۳۵-۱۰۳۶ و در وسط کلیسای سن‌گرگوار ابیرغام‌رنتس در آنسی و در سمت راست، کلیسای صلیب مقدس در آغتامار در ۹۱۵-۹۲۱ (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس ۱ : ۳۵۰

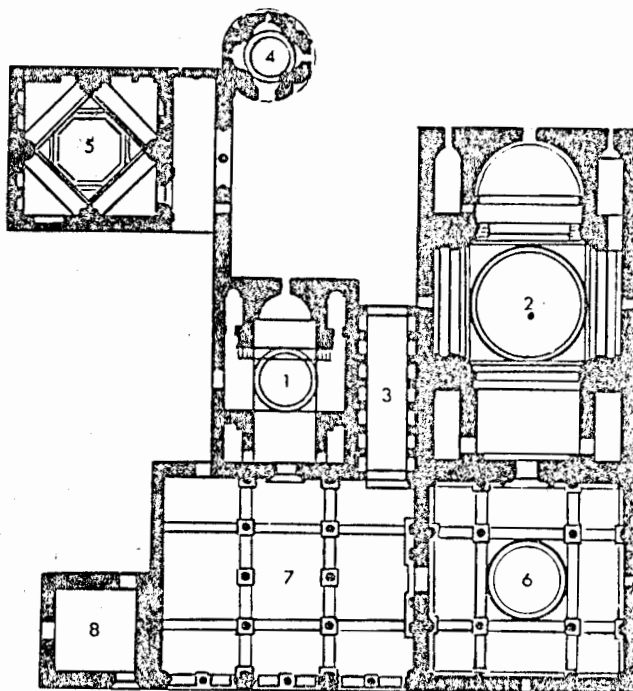


شکل ۲۵- کلیسای مارماشن، در حدود ۹۸۶-۱۰۲۹ (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس ۱ : ۳۵۰

بردیوارهای اطراف شبستان گذاشته شده است (۲۶).

۲۶. ر.ک. شکل ۲۵ و تصویر ۱۸.

معماران سده دهم و سده‌های بعدی همیشه از سرمشک‌های کهن تقلید نمی‌کردند و گاهی به شیوه‌های پیشرفته‌ای متشبث می‌شدند. در این دوران بناهای شگرفی برپا شد مانند ساختمان تارتو در استان سیونیک و ساناهین و هاغیات در شمال ارمنستان (۲۷). این بناها مشتمل بود بر حجرات دیرنشینان و کتابخانه و غذاخوری و برج ناقوس

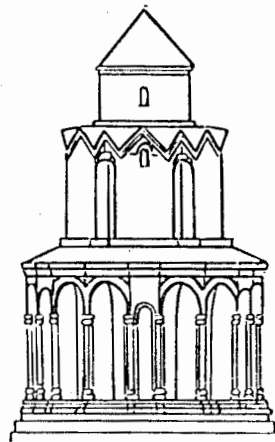


شکل ۲۶- دیرساناهین: ۱- کلیسای مادر مقدس از قرن دهم و ۲- کلیسای ناجی از ۹۶۶ و ۳- تالار طاقچه دار معروف به آکادمی گراگوارماگیستروس و ۴- نمازخانه سن‌گرگوان در ۱۰۶۳ و ۵- کتابخانه در ۱۰۶۳ و ۶- نمازخانه (زاماتون) در ۱۱۸۱ و ۷- نمازخانه در ۱۱۲۱ و ۸- برج ناقوس در قرن سیزدهم (به نقل از خاچاطوریان) به مقیاس ۱: ۵۰۰

و چند نمازخانه. کهنترین نمونه ساده اینگونه ساختمانها که برای شبان نمازخانه در ابتدا ساخته می‌شد در قرن یازدهم در بیرون حصار آنی دیده می‌شود (۲۸). نقشه زمینی این ساختمان سه طبقه به شکل کثیرالاضلاع است با جزرها و پی‌های درشت و استوار. برفراز آن طبقه‌ای است شش گوش و طبقه سوم دایره است با گنبدی مخروطی شکل.

در کلیسای هاغیات از قرن سیزدهم طبقات مختلفی از گنبد و نیم‌گنبد ساخته شده است (۲۹).

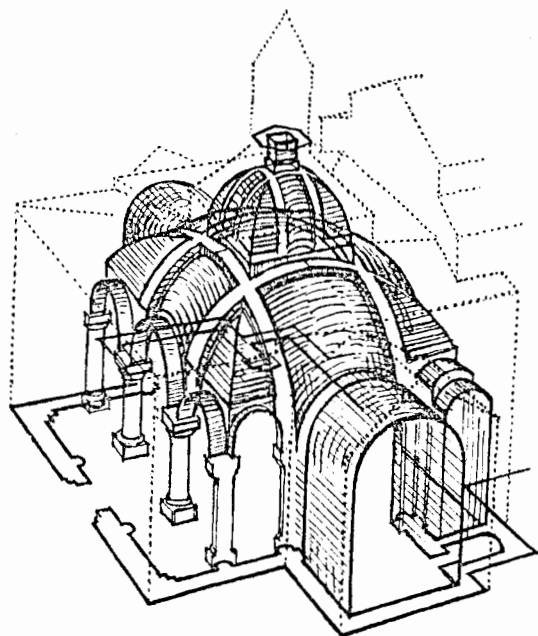
این گونه گنبدها و نیمه‌گنبدها و تکیه‌گاه آنها گواهی هستند بر تجربیات و آزمایشهای معماران ارمنی از کهنترین زمانها و دستیابی آنان به شیوه‌های مطلوب.



شکل ۲۷ و ۲۸ - نمازخانه شبان در آنی از قرن یازدهم. و همین نمازخانه از پهلوی (به نقل از استرزیگوسکی) به مقیاس ۱: ۲۰۰

با این تجربیات سرانجام ساختمانهای سنگین و استوار دوتاسه طبقه هم رواج یافت. در قرن یازدهم تا چهاردهم چندتا از اینگونه

ساختمانها در سیونیک برپا گشت. یکی از این ساختمانها که آرایشی متکلفانه دارد نمازخانه نوراوانک در اماغواست (۳۰) یک نوع ساختمان سه طبقه که دارای برجهای ناقوس است دردیورها برپا می شد (۳۱). دردیور هاغبات در طبقه زیرین چندین نمازخانه ساخته شده است و برج ناقوس با سقف مخروطی پوشیده شده است. در همه این ساختمانها اثر خطهای عمودی موازی به چشم می خورد و معلوم است که معمار خواسته است از تأثیر درشتی ساختمان با کاستن از نمای پهنای آن بکاهد.



شکل ۲۹- نمازخانه (ژاماتون) در هاغبات از قرن سیزدهم، تصویر فضائی نقاشی از (Kehhathy cohaht.)

بایبشرفت بازرگانی ترانزیتی در زمان باگراتونیان و دورانه‌های

۳۰. ر.ک. تصویر ۲۰.

۳۱. ر.ک. تصویر ۲۱.

بعدی ساختن کاروانسراها در راهها رواج یافت. کاروانسراها عمدتاً تالار سه‌دالانه‌بازیلیک مانند است که سقفی یکپارچه آنرا پوشانیده است. در دیوارها پنجره‌ای نیست و راه هوا و روشنایی از سوراخی است که در سقف تعبیه کرده‌اند. ویرانه‌های کاروانسرای نزدیک تالین از ساختمانی ترکیبی‌تر از معمول خبر می‌دهد: یک محوطه بزرگ مرکزی که از سه سو بادالانی سرپوشیده محاط شده است و پنج اطاق کوچک درسوی شمال که در همه به محوطه مرکزی باز می‌شد. یک تالار سه‌دالانه‌ای در کنار محوطه مرکزی وجود داشت که با آن مرتبط نمی‌شد. کاروانسرای بزرگ آنی عبارت بود از دوساختمان پیوسته ولی جدا ازهم. در هریک از این دو یک تالار مرکزی بود که اطاقها از دوسو بدان باز می‌شد. اطاق بزرگ انتهای تالار را تصور می‌کنند که دکان بوده باشد. در گوشه شمال غربی شهر آنی ویرانه‌های یک کاخ هست که شاید در قرن سیزدهم برپا شده بود. در اینجا هم شیوه براساس تالار مرکزی بزرگ است که اطاقها بدان باز می‌شود. سردربزرگ آن هنوز آثاری از آرایشهای متکلف سنگهای سرخ‌وسپاهی که در میان سنگهای دیگر کار گذاشته‌اند و انواع کارهای هنری دیگر را دربردارد.

معماری ارمنی یکی از برجسته‌ترین انواع معماری مسیحی است. در طی قرون گواه انواع ابتکارات ساختمانی شده است که در ساختمانهای گنبددار سنگی به شیوه‌ای اصیل به کار زده‌اند. ارمنستان که بر سر راه شرق و غرب قرار داشت از همه انواع شیوه‌های رایج پیرامون خویش برخوردار شد ولی آنها را با ابتکارهای خویش به گونه‌ای اصیل و بدیع درآورد. به نظر کارشناسان بی‌طرف شیوه‌های معماری ارمنستان در سرزمینهای پیرامون اثر گذاشت. به گفته کراوتهایمر (۳۲). «از همه سرزمینهای تابع امپراطوری بیزانس تنها ارمنستان توانست از لحاظ معماری با آن امپراطوری پهلوزند. اما تفاوت میان ساختمانهای بیزانس و ارمنیان را از لحاظ طرح و ساختمان و مقدار و آرایش نمی‌توان چندان قابل ملاحظه دانست».

حجاری

تباهی کامل پرستشگاهها و بتها پس از استقرار مسیحیت ما را تقریباً از بررسی همه آثار هنری شرک محروم ساخت. سرمفزی آفرودیت که در ارزنجان پیدا شده است تنها نمونه‌ای است از مجسمه‌هایی که بر طبق روایات از شهرهای هلنیستی توسط تیگران بزرگ آورده شد (۱). بعضی آثار یونانی شاید در دوران اوروئنتیان که کشور در فرمان سلوکیان بود شناخته بود ولی از آنها هم اثری به ما نرسیده است. نخستین اثر هنر هلنیستی بر سکه‌های تیگران بزرگ و جانشینان بلا فصلش دیده می‌شود. در روی این سکه‌ها صورت فرمانروا ضرب شده است به نیم رخ و تقریباً همیشه بی‌ریش با کلاهی معروف به تاج ارمنی که مرکب است از استوانه مانندی که پیرامون آن را نیم‌تاج آراسته است. بانقش مرغانی نشسته و پشت برهم کرده در دوسوی یک ستاره (۲). در نمونه‌های دقیق‌تر سرباز جزئیات باز شناخته می‌شود و در دیگر نمونه‌ها مبهم و فرسوده شده است. بر پشت سکه صورتهای یونانی رایج آن روزگار مانند تیخه انطاکیه مطابق تندیس-

۱. ر.ک. تصویره.

۲. ر.ک. تصویر ۲۴.

کار اوتیکید(۳) که شاگرد لیسپیوس(۴) بود و صورت زنوس و هرقل که به گرزش تکیه داده است نقش بسته است. بابررسیهای اخیر سکه- تیگران بزرگ را به سه قسمت بخش کرده اند: ۱- سکه های دارای سجع basileos Tigranou و صورت تیخه انطاکیه که در شهر انطاکیه ضرب شده است و ۲- سکه های باسجع basileos basileon Tigranou با همان نقش تیخه که در ارمنستان ضرب شده است و ۳- سکه های باسجع basileos Tigranou با صورت دیگری از تیخه ضرب شده در دمشق. به گفته سیریگ (۵) گروه دوم بایستی در آرتاکساتا ضرب شده باشد. آرتاکساتا در کنار رود ارس برپا شده بود و تیخه نمودار این شهر و ارس است که زیرپایش جاری است. بدین گونه یک الامه یونانی برای نشانی یک محل در ارمنستان علم شد. دوسکه مفرغی تیگران بزرگ که در نصیبی پیدا شده است نقش یک درخت تناور را دارد. سیرینگ می گوید که این نقش شگفت شاید نمودار یک درخت پیش گوئی کننده باشد و رسم کهن ارمنی پیش گوئی از روی حرکت برگهای درخت Sosi را که در بیشه مقدس آرماویر کاشته بودند به یاد می آورد. بر پشت یک سکه مفرغی کوچک که شاید از آن تیگران بزرگ باشد نقشی است از یک اسب که آشکارا پارتی است نه یونانی.

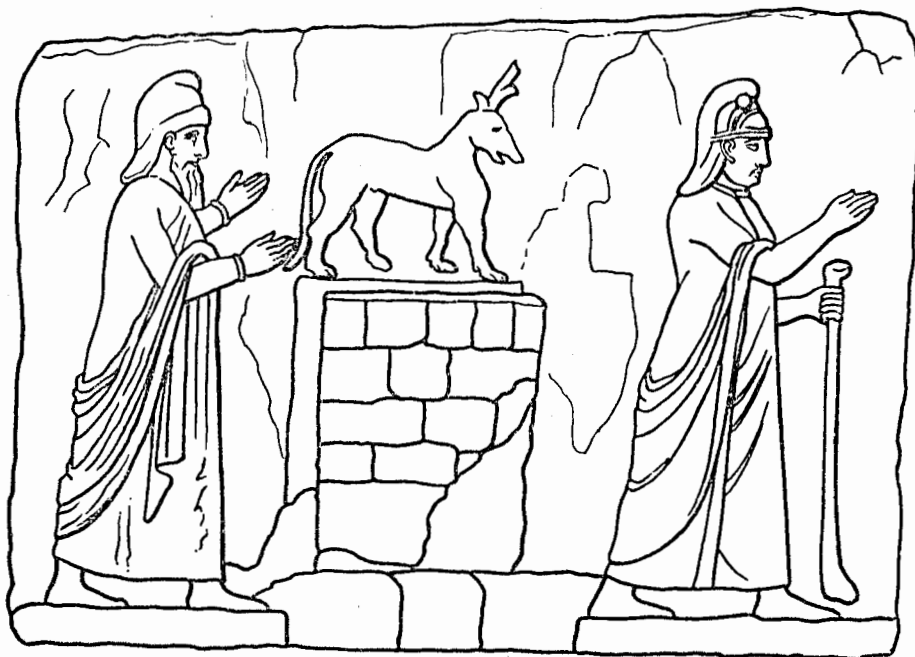
با آنکه دگرگونیها ناچیز است باز هم می توان سه نوع مختلف از تعدیلهائی که ارمنیان در سرمشقه های یونانی وارد ساخته اند دریافت. یکی دادن یک مفهوم دیگر به یک شخصیت یونانی و یکی جایگزین ساختن شمایل بایک اسطوره یا جایگاه ارمنی و سوم جایگزین ساختن آن بایک صورت پارتی.

وضع کلی هنر در دوران دودمان آرتاشس بایستی همانند اوضاع

3. Eutychides
4. Lysippus
5. H. Seyrig

کماژن باشد که در آرامگاه آنتیوکوس اول درنمرود داغ منعکس گشته است. نقش برجسته آنتیوکوس که تاج ارمنی برسر دارد و در برابر یکی از خدایان ایستاده است و دست او را می‌فشارد نمودار در آمیختگی و شکوفانی سابقه هنری هخامنشی و یونانی است. ترکیب مزبور از خواص صحنه‌های سپردن ودیعه سلطنت به جانشین یا گزیدن و برکشیدن جانشین برخوردار است و جامه‌ها ایرانی است و شیوه کهن یونانی هم چنان تعدیل شده است که باموازين زیبایی ایرانی همساز باشد.

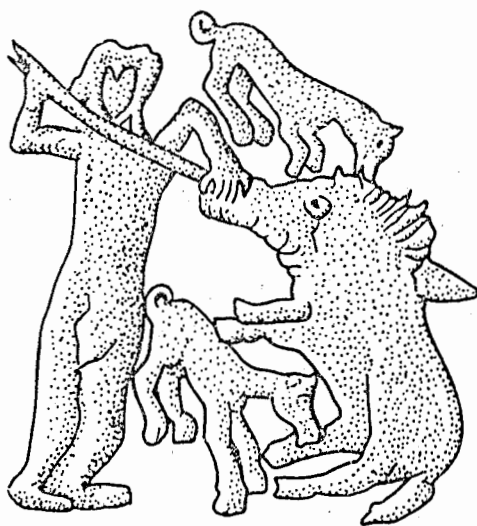
چند مدال زرین بانقش نیمتنه زنان در آرماویر پیدا شده است که حاکی از تعدیلاتی است مشابه. اما آرماویر که مدتهای مدیدی در فرمان ایران بود بایستی از نفوذ هنر ایران و نیز بیشتر از کماژن تأثیر پذیرفته باشد. از آثار هخامنشی چیزی در ارمنستان پیدا نشده است



شکل ۳۰- نقش برجسته از بایانیریده

جز چند نقش برجسته بر صخره‌ها که نظریه‌ی از جهانگردان را در قرن نوزدهم جلب کرده است. در بایزید دوتن (موبد؟) در دوسوی یک مذبح که بر آن حیوانی است نقش کرده‌اند (۶). بر تخته سنگی نزدیک دریاچه اورمیه نقش دو پادشاه ایران شاید اردشیر اول و شاپور اول براسب نقش شده‌اند که در برابر آنان مردی ایستاده است که شاید پادشاه ارمنستان باشد. در بوشات (۷) نقشی است از یک پادشاه براسب و مردی ریش‌دار پیاده او را دنبال می‌کند.

این چند نمونه نمودار زمینه کلی آغاز هنر سنگتراشی است در ارمنستان. در سده اول مسیحی نفوذ کهن همچنان آشکار بود در نیایشگاه گارنی (۸) نقش‌های گل و بته با نقش شیروگاهی شاخه خرما و سر ستون‌های ایونیک با نقش گل و بته و دیگر انواع آرایش‌های گیاهی و هندسی که از نقوش رایج آن روزگار آسیای صغیر هستند، دیده می‌شود.



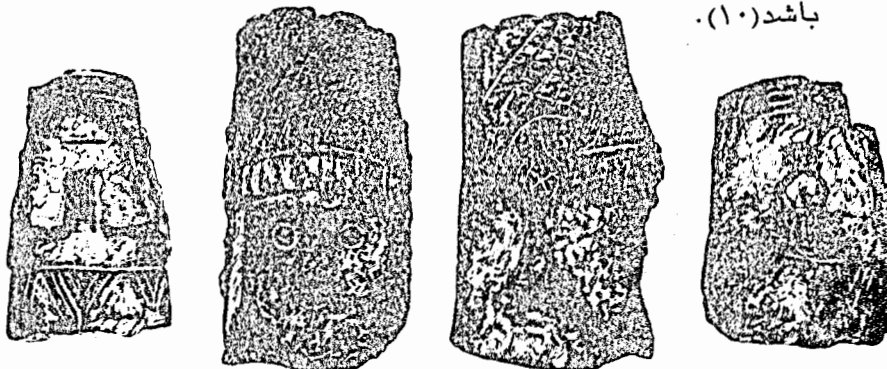
شکل ۳۱- نقش برجسته از میدان اسپدوانی اغتس از ۳۶۴ (به نقل از آراکلیان).

۶. ر.ک. شکل ۳۰.

7. Boshat

۸. ر.ک. تصویر ۲۲ و ۲۳.

چند نقش مذهبی کهن در دوران مسیحیت ادامه یافته بود. بر صفحه‌ای از میدان اسب‌دوانی یا اسپریس پادشاهان اشکانی که در اگتس در ۳۶۴م. برپا شده است نقشی است از یک مرد برهنه که زوبین خود را در پیکر گرازی فرو می‌کند و دوسگ هم بدان جانور آویخته‌اند. این صحنه از نقش‌های خاکسپاری هلنیستی است و نمونه‌هایی از نقش پهلوانی که جانوری را شکار می‌کند در نمازخانه کرچ در کریمه و ماریسا در فلسطین برتابوتی در صیدون و بر بسیاری آثار دیگر دیده شده است. اما درکنده‌کاری سست اگتس اصول شیوه هنری کهن از یاد برده شده است و نقش مرد شکارگر که برجستگی آن بسیار کم است از روبرو نموده شده است. تنها پاهایش حالت نیم‌رخ را دارد (۹). سر از سنگ رسوبی آتشفشانی پیدا شده در پیرامون دوین که در اصل از آن پیکره بزرگی بوده است دارای همین بی‌توجهیها و ضعفها است. کلاه آن یادآور تاج ارمنی است ولی نیم‌تاج یا پارچه افشان پشت سر را ندارد. با آنکه هیچ ارزش هنری ندارد ولی اثری است از نخستین سنگتراشیها و شاید هم نمودار صورت یکی از شاهان ارمنی باشد (۱۰).



شکل ۳۲- سرهای سنگی پیدا شده در دوین، شاید از شمایل‌های سلطنتی باشد، بلندی به ترتیب ۲۸ و ۲۸ سانتیمتر (به نقل از آراکلیان).

۹. ر.ک. شکل ۳۱.

۱۰. ر.ک. شکل ۳۲.

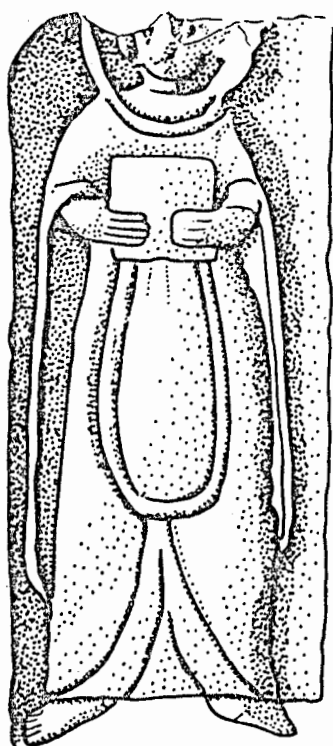
در آثار حجاری قرن پنجم تا هفتم گرایشی به سوی هنر شرقی دیده می‌شود. با آنکه نمودار ساختن چهره از روبرو نسبت به آثار پارسی کمتر به کار بسته شده است عناصر مختلف یک مجلس با هم همسازی ندارند و هم حالت نیستند توجه به آرایش از مهمترین عوامل است. گاهی دیده شده است که نقش برای آنکه همه فواصل و زوایای یک سطح با تزئینات پوشیده شود به تنباهی کشیده شده است. شیارهای موازی در زوایای مختلف و سایه روشن در حجاریها نمودار شده است. هنرمند در عین اینکه در بند درست نمودار ساختن پیکر مردمان نیست جزئیات جامه‌ها را نیک نمودار ساخته است.

قطعات حجاری شده سنگ مزارها از دورانهای کهن مانده است و از اصیل‌ترین آثار شمرده می‌شوند. بیش از هفتاد قطعه از این‌گونه سنگها بویژه در نزدیکی کلیساها پیدا شده است. اینها به شکل ستونهای قائم‌الزوا یا هستند که برپایه‌ای مکعب گذاشته شده‌اند. اندک فرورفتگی در بالای ستون هست که تصور می‌کنند اصلا در آنجا صلیبی سنگی یا آهنی نصب می‌کردند.

بر چهار جانب این ستونها و پایه‌های آنها نقشهائی از مسیح و پاكان و فرشتگان و مریم عذرا تنها با مسیح کودک یا در میان فرشتگان و مجالسی از وقایع عهد عتیق و عهد جدید و صلیبهای بزرگ در میان نقش برگ و انواع گل و شکلهای هندسی می‌پرداختند. از مجالس کتاب مقدس بیشتر به صحنه دانیال در قفس شیران و قربانی کردن اسحاق و سه جوان یهودی در کوره آتش را می‌ساختند (۱۱). جالب توجه‌تر منظره‌ای است که کاملاً صفت ملی دارد و آن از داستان ایمان آوردن شاه تیرداد است که او را با سرخوک نمودار ساخته‌اند که خودش پیش از تبدیل مذهب خویشتن را چنین می‌دید (۱۲).

۱۱. ر.ک. تصویر ۲۵ تا ۲۷.

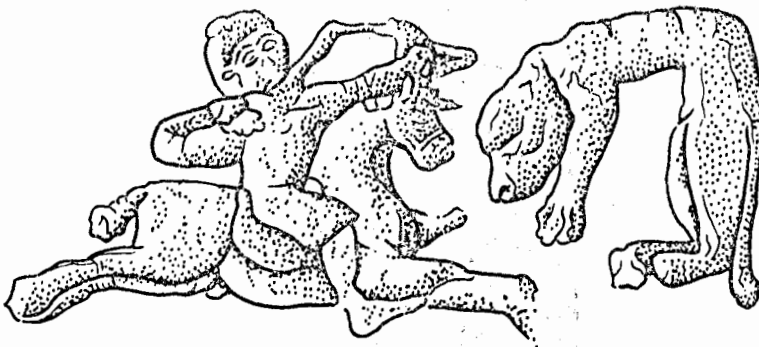
۱۲. ر.ک. تصویر ۲۸.



شکل ۳۳- لوح ازتالین (به نقل از موسپیان).

ذریعگی از نقشها شیران درکنار دانیال نموده شده‌اند که برپاها ایستاده‌اند یا برنشیمین نشسته‌اند و بدین گونه نقشهای گیلگمیش را به یاد می‌آورند. نفوذ شرق درنقشی از مردی که دستها برافراشته است و نگرنده رابه یاد نقش اناهیتا درطاق بستان می‌اندازد و نیز نقش مردی که کتابی به دست و برتن جامه ایرانی دارد (۱۳) آشکار است. معماران ارمنی مانند گرجیان نمای بناهای سنگی را با سنگتراشان و نقش برجسته آرایش می‌دادند. نقشهای جانوران و انسانها و گیاهان

و نیز نقشهای تزئینی مایه امتیاز کلیساهای قفقاز از دیگر آثار مسیحی جهان مشرق گشته است. در موارد نادری که اینگونه تزئینات در کلیساهای بیزانس دیده می شود بیشتر قطعات مرمرین حجاری شده



شکل ۳- کلیسای پتغنی، تصویر بانی آن که آماتونی نام داشت از قرن ششم (به نقل از آراکلیان).

است که در آجرکار گذاشته اند. در آسیای صغیر با آنکه مصالح معماری بیشتر سنگی بود ولی چندان سنگتراشی نمی کردند. نقشهای باریک پدید آمده در کلیساهای شام بیشتر تزئینی هستند و در مصر قبطی صورتهای حجاری شده اولیه بزودی منسوخ شد و از رواج افتاد.

صورتهای آدمیان و جانوران برنمای ساختمانها از مضمونهای کهن کلیسایی است که در نقاشی و موزائیک در درون کلیساهای به کار می رفت. بدین ترتیب نقشهای برجسته درگاه غربی مرن که مسیح رامیان پاکان و نزدیک اهداء کنندگان نمودار می سازد نقشی است که در محرابها بسیار بکار می رفته است. فرشتگان پران که تصویر مسیح را می برند و نیم تنه پاکان در میان قابهائی که در پیرامون پنجره کلیسا پتغنی نقش شده است همانا تزئین رایج بر پیرامون طاقهای محرابها است. نقش مسیح و مریم عذرا و کودک نیز از نقشهای رایج در نقاشیهای محرابها است.

ناخارارها چون کلیسائی را بنیاد می‌نهادند می‌خواستند یاد خود را بانقش صورت خویش جاویدان سازند. مضمونهای تمثالنگاری گوناگونی برای این کار تمهید شده است. در مرن برپاکننده کلیسائی که نامش داود ساهارونی بود ونیز مرد دیگری که شاید ملاک عمده آن استان بود به نام نرسه کامساراکان دست به دعا برداشته‌اند و روبه سوی گروهی که مسیح وپاکان هستند دارند (۱۴). در ماهمودچوغ نزدیک هاریچ اهداء کننده در کنار نقش بزرگی ازمریم عذرا وکودک که فرشتگان به تسبیح وپرستش آنان ایستاده‌اند نمودار شده‌است. درپتغنی، مانوئل آماطونی براسب تیری به شیرری می‌اندازد ویک جوان نیز بازوبین شیرری می‌افکند (۱۵). پهلوانی از اغتس برهنه نموده شده است که گرازی را می‌کشد. این نقش شیوه هلنیستی‌دارد. ولی مضمون شکار شیرباهر ساسانیان پیوند دارد. استثنائات نقشیهای نموده شده در طاقهای کلیسای زوارتنوتس از آن بنیاد نهندگان کلیسا نیستند بلکه این مردانی که چکش و بیل به دست دارند به احتمال قوی کارگرانی هستند که درساختمان کلیسا همکاری کرده‌اند و یوهان روحانی هم که نامش در کنار تصویرش نوشته شده است باید معمار این کلیسا باشد (۱۶).

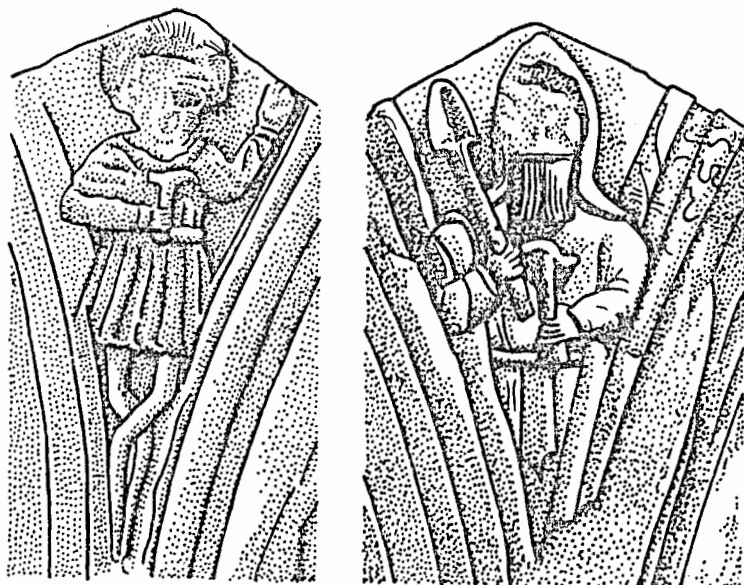
گاهی نقش طبیعت بی‌جان بر سر ستونها و فراز کتیبه‌های ذر و پنجره هم نگاشته شده است. در بالای پنجره‌ای در دوین نقشی است از خوشه‌های انگوری که برای پرکردن سطح موردنظر به اندازه‌ای بسیار بزرگ نموده شده است (۱۷). اصولا هنرمند ارمنی هراس داشت که پاره‌ای از سطح رابی تزئین یا نقش‌رهاکند و این امر در سراسر شرق نزدیک رواج کامل داشت در دوران پیشرفت و شکل‌گیری

۱۴. ر.ک. تصویر ۳۰.

۱۵. ر.ک. شکل ۳۴.

۱۶. ر.ک. شکل ۳۵ و ۳۶.

۱۷. ر.ک. تصویر ۲۹.



شکل ۳۵ و ۳۶- کلیسای زوارتنوتس از قرن هفتم- در سمت چپ، صورت کارگری است در بالای یکی از سردرها و در سمت راست، صورت معماریوهان (به نقل از آراکلیان).

هنر سنگتراشی در ارمنستان شیوه‌های گوناگون رایج گشت. شاهین پرشکوه بر سرستون زوارتنوتس از زیباترین نمونه‌های حجاری قرن هفتم ارمنستان (۱۸) و نقش برجسته پربرآمدگی سبذوار خاص ایونی بر سر ستونی در زوارتنوتس (۱۹) و نیز نظیر آن از همین قرن سرستونی در دوین پیدا شده است.

مضمونهای تزئینی در این دوران بسیار محدود بوده است. شاخه‌های خرما و خوشه‌های انگور بابرگهای بزرگ و دانه‌های درشت بسیار معمول بوده است. شاخه‌های انار پربرابر بر فراز طاقها یا طاقنماها نگاشته می‌شد (۲۰). اما هنوز در این دوران نقش پیچک و خطوط درهم

۱۸. ر.ک. تصویر ۳۱.

۱۹. ر.ک. تصویر ۳۲.

۲۰. ر.ک. تصویر ۳۴.

رسم نشده بود. طاقهای کوچک نعلوار بانقش یک مرغ درزیر هرطاق از طرحهای بسیار رایج این دوران است. سادگی نسبی تزئینات با شیوه ساختمانی همسازی و مناسبت کامل دارد و حجاری پیرو معماری است و آن را جلوه می‌بخشد.

کلیسای صلیب مقدس برپا شده توسط گایک شاه آرتسرونی در جزیره اغتامار در دریایچه وان میان سالهای ۹۱۴ تا ۹۲۱ م. نمودار از سرگرفتن کارهای ساختمانی است در این پیرامون. این ساختمان برجسته نمونه بی‌مانندی است از بناهای مسیحی با پوشش تزئیناتی سراسر نمای ساختمان (۲۱). درزیر سقف هرموار گنبد کلیسا یک سطح تزئینی از نقش جانوران دهنده است و در زیر به فاصله‌ای باز هم این نقش تکرار می‌شود (۲۲). برفراز پنجره‌ها و سینه دیوارها نقشهای برجسته خوشه‌های انگور و نقش جانوران و مجالس شکارگاه و زندگی روستائی و نیز صورت شاهان نشسته چهار زانو که می‌نوشند و انگور می‌چینند و خدمتکاران در پیرامون ایشان ملازم خدمتند نگاشته شده است.

بردیوارهای بلندتر نقشهای بزرگتری نگاشته شده است. برنمای غربی، گایک شاه را پرداخته‌اند که ماکت کلیسای اهدائی را به مسیح ارائه می‌کند (۲۳) و در هریک از دوسو یک ملک مقرب ایستاده است و چند صلیب بزرگ نموده شده است که یکی از آنها رافرشتگان می‌برند، به نشانه آنکه کلیسای اهدائی همانا صلیب مقدس است. صورت رسولانی که کلام خدا را در ارمنستان ترویج می‌دادند با گروار روشنگر و دیگر پاکان درنمای شرقی نمودار گشته است. مجالسی از عهد عتیق و تصاویری از مسیح و مریم عذرا و پیامبران و رسولان و پاکان سراسر دیوار شمال را پوشانیده‌اند (۲۴). در وسط هر قسمت

۲۱. ر.ک. تصویر ۱۷.

۲۲. ر.ک. تصویر ۳۴.

۲۳. ر.ک. تصویر ۳۶.

۲۴. ر.ک. تصویر ۳۵.

از نما صورتی از یکی از مبشران پرداخته شده است. جانوران راستین و خیالی در جاهای مختلفی ساخته‌اند و گرداگرد پنجره‌ها و طاقچه‌های مثلثی شکل را با تزئینات مختلف آراسته‌اند. چینه‌های جامه‌ها با تناسب پیکر سازگار است و نقشهای لباس‌ها هم به تناسب شکل داده شده است. سنگتراشان اغتامار با استادی بیشتری این شیوه را به کار بسته‌اند تاج‌های دیگر که ساده‌تر و استیلیزه‌تر نموده‌اند. با وجود بعضی ناشیگریها این نقشها که بعضی از روبرود و بعضی با سه چهارم رخ‌نمودار شده‌اند نگرنده را تحت تأثیر وقار و شخصیت خویش قرار می‌دهند و نگاهشان نافذ و چشم‌هاشان بزرگ و بادامی شکل است. روحانیت این نقشها از استادی و مهارت بکاررفته بسیار درمی‌گذرد.

ظهور ناگهانی این مجموعه بایستی حاصل ابتکار شخصی گاگیک شاه باشد که می‌خواست کلیسائی داشته باشد که با کاخ با شکوهی که در همین جزیره اغتامار برپا ساخته بود پهلوزند. آثار معماری کهن ارمنستان دارای مضامین محدودی است. مجلس جشن و سرور در میان خوشه‌های انگور از یک مضمون رایج تمثال‌نگاری سلطنتی ساسانیان گرفته شده است که بعدها این مضمون در هنر اسلامی هم جاویدان گشت (۲۵). این نقشها دلیل است بر اینکه این کلیسا درباری بوده است و مضمونهای همانندی نیز در تالار تختگاه کاخ نمودار شده است. برجای ماندن نقشهای ساسانی مخصوصاً در پرداختن صورت ماهی بزرگ داستان یونس آشکار است (۲۶). نفوذ هنر اسلامی معاصر در نقش بعضی جانوران و نیز از آن بیزانس در مجالس دینی آشکار است. این عوامل با هم در آمیخته و با ابتکار هنرمندان ارمنی اصالتی پدیدار ساخته است. جزئیات جامه‌ها نیز مانند آثار کهن ارمنی با دقت نمودار شده است (۲۷). تاج شاه گاگیک

۲۵. ر.ک. تصویر ۳۴.

۲۶. ر.ک. تصویر ۳۵.

۲۷. ر.ک. تصویر ۳۶.

که همانند تاجهای بالدار ساسانی است بی‌گمان همان است که از خلیفه دریافت داشته است. ردای بلندش باردیفهای دوایر متحدالمركز و درهم‌پیچیده آراسته شده است و نقشهای روپوش سنگینش عبارت است از دوایری که درهریک مرغی پرداخته‌اند و فاصله میان دوایر که لوزی شکل است برگهائی ساخته‌اند. صورت دوا میر ارتسرونی که برای ایمان خویش به دست عربان کشته شدند برنمای جنوبی نقش شده است. ایشان ردائی بلند ازپارچه‌ای گرانبها و پرنقش برتن دارند. همین نوع جامه شرقی را درارمنستان آن‌زمان دربرمی‌کردند و درمجلس پیکار داود و جولیات برتن سائول نیزنقش شده است. سائول دستاری بزرگ برسر دارد.

کلیسای اغتامار نمونه‌ای دورافتاده است که نه با آثار گذشته پیوندی دارد نه در آینده از آن تقلیدی شده است. چند مجلس کتاب مقدس و پیکره مسیح و پاکان و فرشتگان کلیسای نوراونک بغن در استان سیونیک را که از آثار قرن دوازدهم است زینت می‌دهد. این کلیسانه از نظر کیفیت حجاری به پای اغتامار می‌رسد و نه از لحاظ میزان تزئینات. پیکره‌ها کوتاه بالا و ضخیم هستند با چهره‌های بسی‌حالت و میان آنها پیوندی نیست.

هنرمندان پیکرتراش قرن سیزدهم و چهاردهم به آئین کهن جای‌دادن پیکره آدمیان برفراز درها دست بردند. مسیح در میان پاکان و مریم عذرا و کودک و گاهی درمیان دوفرشته مضمونهای جالب‌ایشان بوده است. گاهی مجلسی از کتاب مقدس نگاشته‌اند. مثلاً در کلیسای هو هانا وانک دودختر خردمند و نادان در دوسوی مسیح برتخت نشسته نگاشته شده‌اند. در چند مورد معدود چهره حواریون را در کنار درها یا فراز آنها پرداخته‌اند. در درون ساختمان هم چهره‌های آدمیان را می‌نگاشتند. در کلیسای مریم سفید دریبزانس شمایل‌های مختلفی نگاشته‌اند مانند مسیح که برتخت نشسته است و درکنارش مریم و یحیی تعمید دهنده و دوحواری باسه چهارم رخ پرستش‌کنان ایستاده‌اند.

همچنانکه در گذشته گفته شد در اینجا هم پیکره بخشنده و مدیه کننده جالب توجه است. تصویر شاه گاییک اول آنی که امروزه ناپدید گشته است وزمانی زیب پیکر کلیسای گرگوارقدیس بود تنها مجسمه تکی ارمنی است که کاملاً مجزا از دیوار پرداخته شده است. (۲۸) از روی تصاویر کهن می توان گفت که این یک اثر هنری شایان است وچهره اورا هم بایستی همانند چهره واقعی شاه پرداخته باشند. در سه کلیسای هاغابات وساناهین و هاریچ پیکره هائی به ترتیب از دوبخشنده که ماکت کلیسا یا شمایل مریم عذرا را در دست دارند در یک طاقچه در گوشه شرقی نمای کلیسا ساخته اند. با آنکه اینهارا مجزا از دیوار پرداخته اند ولی باز هم مانند نقش برجسته می نماید (۲۹). زیرا که جامه آنان نقش وچین ندارد. بر سر در کلیسای آیساسی (۱۲۷۰م). بانیان در دوسوی مریم عذرا و کودک به دعا ایستاده اند. اختصار پیکرها وجامه ها در اینجا به منتهی حد مراعات شده است. در کلیسای کوچک مریم در نوروانک که در ۱۳۳۹ برپا شده بانیان که یکی از ایشان ماکت کلیسارا به دست دارد در دوسوی مریم و کودک ایستاده اند ولی در اینجا پیکره ها نقش برجسته و برستون نگاشته شده اند. اینها نمونه های منحصری از حجاری ارمنی هستند که بیننده را به یاد پیکره های ستونی نماهای کلیساهای رومانسک می اندازد.

در قرن سیزدهم و چهاردهم تمثالنگاری کهن شاهنشاهی ساسانی که در هنر اسلامی جاودان گشته بود در هنر ارمنی هم برای نمودن پیکر بانیان کلیساها به کار گرفته می شد به صورت سواری که پیکرش را بر فراز دروازه کلیسا می گذاشتند که با نیزه گاهی جانوری وحشی را می کشد یا سر شیری را از تن جدا می کند یا با کمان قیقاجی تیر می اندازد (۳۰). در این پیکره ها اندیشه بخشندگی که بانمودن

۲۸. ر.ک. تصویر ۳۷.

۲۹. ر.ک. تصویر ۳۸.

۳۰. ر.ک. شکل ۳۷.



شکل ۳۷- کلیسای مریم عذرای سفید در سیونیک. تصویر بانی آن امیر حسن دوم، پیروشیان از قرن چهاردهم (به نقل از هوسپیان).

ماکت کلیسا یا مسیح بامریم عذرا که کلیسا برای ایشان ساخته شده بود به فراموشی سپرده شده است. دلبستگی به تزئین که در این روزگار بسیار رواج داشته است موجب بعضی تعدیلات در ترکیب اشکال شده است، در کلیسای تاناهاات نقش یک طاووس و یک مرغ کوچک و یک چهارپا فضای بالای سوار و شیر را پر کرده اند.

قوانین لطیف و دقیق میان تزئینات نقش برجسته و وضع کلی اثر معماری که در قرن دهم و یازدهم هنوز به کار می آمد اینک تناسب خود را از دست داده و در واقع تزئین هدف شده و نه ایجاد تناسب و متابعت با ساختمان.

نقوش ساده تری در تزئینات خطوط درهم فرو رفته در قرن پنجم تا هفتم در دوران باگراتونی نقوش خطوط درهم رفته ای که در قرن پنجم و ششم معمول گشته بود در دوران باگراتونی رو به تکامل گذاشت. خطهای درهم رفته و اشکال هندسی مثلث و لوزی و دایره و قائم الزوایا را بی آنکه تناسب و همسازی کلی به هم بخورد پذیردار کرده اند. در

قرون بعدهم این شیوه نیز در متن به کار رفته است و گاهی قسمتهائی از آن را پنهان داشته‌اند و نقوش چند ضلعی و متناسب باهم به چشم می‌خورند. در زمان سلجوقیان این تزئینات به صورت نقش ستارگانی که در آنها خرما بنی کوچک با مرغان طبیعی یا تخیلی ساخته می‌شد. گاهی هم به جای مرغ نقش زنی نیمه مرغ یا شیردال با سر آدمی نقش می‌کردند. در قرون سیزدهم و چهاردهم مقرنسکاری برای تزئین فضای زیر گنبد و بویژه تزئین کلیساهای درسنگ کنده شده گگارد (۳۱) و گاهی درگاهیا و سردرها به کار می‌رفته است.

در آرایش گل و بته هم ابتکارات و دگرگونیهای جذیدی پیدا شد. در چند مورد که نقش کوکب‌الیهود به کار برده شده است برگها غالباً عمودی و گسترده در کنار هم قرار داده شده است و با شیارهای موازی پوشیده شده‌اند. به جای نقوش درهم شاخه‌های نازک تاک، شاخه‌های کلفت باتنه‌های برگ تاک باخوشه‌های درهم رفته انگور دیده می‌شود که سطحهای پهناوری را مانند سردرها آراسته‌اند. اینک خرما بن رواج بسیاری یافته است که به صورت ساده برای آرایش یک نوار نازک بنا یا به صورت درهم ریخته جهت تزئین یک سطح پهناور به کار می‌رفته است، این‌گونه تزئین با خرما بن گاهی سراسر زمینه فی‌المثل نقش مریم عذرا و فرزند با نقوش دیگر را پوشانیده است.

جانورانی که تک نقش شده‌اند یا روبروی هم قرار گرفته‌اند یا باهم پیکار می‌کنند غالباً برسنگ در این دوران متأخر پرداخته شده‌اند. اینان گاهی در میان گل و بته نمودار گشته‌اند آنچنانکه در کلیسای سن‌گرگوار که از بناهای تیکران آنی در ۱۲۱۵ برپا گشته است دیده می‌شود. گاهی نیز این نقوش را زیر طاقهائی که زیر گنبد قرار دارند یا برکتیبه سردر می‌بینید.

همه این تزئینات هندسی و گل و بته و جانوران را در آرایش درون

کلیساها نیز می‌توان یافت که گاهی بانقوش طراحی است. مثلاً در دیر هوروموس نزدیک آنی که در ۱۰۳۸ م. ساخته شده است هشت کتیبه پرنگاری بر دیواره پایه گنبد قرار داده‌اند چنین نقوشی هست. یک طرح گونه مختصری از بازپسین داوری در کتیبه میانی است در جانب شرق که مسیح براورنگ نشسته است و چهار ردیف مبشران و دوردیف مردم در برابر او هستند. دوصلیب تزئینی در دوجانب کتیبه اصلی وسط است و دیگر کتیبه‌ها با نقوش شاخه‌های نازک تاک درهم رفته تزئین شده‌اند. برطاق‌های نمای کلیسا نقوش مختلفی کنده‌اند. این‌گونه تزئین‌نما در کلیساهای دیگر هم دیده می‌شود. و برای تزئین همچنین از ستون و طاقچه بهره‌گرفته شده‌است. پرآرایش‌ترین طرحها بر سنگهای صلیب (خاچکار) پدیدار شده است که از سده نهم به بعد اینها سطوح قائم‌الزوایائی هستند که تنها یک روی آن کنده‌کاری شده است (۳۲). یک صلیب بزرگ در مرکز می‌نگاشتند که با خطها و ستاره‌ها آراسته شده‌بود و با یک ترنج تزئین شده و دوبرگ در دوسوی آن و گل و بته‌های درهم رفته پوشیده شده است. حاشیه قائم‌الزوایای پیرامون سطح مذکور با خطوط اسلیمی و درهم فرو رفته که در آنها انواع شکلهای تزئینی مربع و قائم‌الزوایا و گل و بته و اشکال هندسی آراسته گشته است. گاهی مسیح بر بالای سطح نگاشته شده‌است با حواریون صلیب و تزئینات آن در برابر زمینه سایه و تاریک جلوه‌ای خاص دارد.

نیروی تخیل سنگتراشان ارمنی در تزئین و مهارت فنی ایشان در اجرای نقوش بر سنگ که پیوسته تکرار شده است بر سنگهای صلیب نیکو جلوه‌گر گشته است. بعضی قطعات بزرگتر صلیب که بر آن منظره مسیح مصلوب نقش شده است جای صلیب را گرفته و سراسر سطح با شاخه‌های درهم خرما بین و نقش مسیح و مریم عذرا و یوحنا ی قدیس پوشانیده شده است. عین همین آرایشها در هنر

اسلامی درفلزکاری یاکندهکاری برعاج یاچوب بکار رفته است (۳۳). طرحهای هندسی که اصلاً چند ضلعی و درهم رفته هستند و نیز نقش جانوران واقعی و تخیلی بر گچ در کاخهای و خانههای بازرگانان توانگر پدید آمده است. چند نمونه از این تزئینات درآنی و حتی تعداد بیشتری در دویین که تاریخ بیشتر آنها از سده دوازدهم و سیزدهم است پیدا شده است. شیردال و شیر و سگ دوان در میان گل و بته یادختران با سرآدمی و تن مرغ و چهارپایان آدمی سربالدار که بیننده را به یاد نقوش هنرمندان سلجوقی می‌اندازد پیدا شده‌اند. ولی این نقوش درارمنستان از دورانهای کهنتر در نسخه‌های خطی و گاهی کندهکاری روی چوب دیده شده است. نقش جانورانی که در میان تزئین گل و بته دنبال هم کرده‌اند درهای دیر حواریون مقدس را درموش که در ۱۱۳۴ پدیدار شده است آراسته است (۳۴). پاکان سوار که شاید یکی از آنان نمودار گرگین یاسنژر باشد که ازدها می‌کشد سر در را آراسته است. بر در نقوش هندسی چند ضلعی درهم رفته و ستارگان شش گوش پدیدار کرده‌اند. تنها چند در کندهکاری شده باقی مانده است. بر بعضی از اینها نقش کلی عبارت است از یک صلیب که در مرکز سطح قرار دارد بازمینه‌ای از گل و بته و نقشهای هندسی همانند آنچه بر سنگها پدیدار کرده‌اند.

بیشتر ظرفهای گرانجا که به کلیساها و دیرها اهداء شده است تباه گشته و تنها چند نمونه از جایگاه اشیاء یادگاری و ظرفهای نقره مانده است. از مشاهده همین چند نمونه می‌توان هنر مختصر پادشاهی کیلیکیه را که در آنجا هیچ اثر حجاری‌شایان توجهی پیدا نشده است بازشناخت (۳۵). بر در یک ظرف جای یادگاری سه پارچه ساخت دیر اسکورا در ۱۲۹۳ مسیح نمودار شده است بر صلیب به شیوه

۳۳. ر.ک. تصویر ۴۱ و ۴۰.

۳۴. ر.ک. تصویر ۴۲.

۳۵. ر.ک. تصویر ۴۳ و ۴۴.

نقش برجسته که در وسط ظرف قرار دارد و شمایل پاکان که ایستاده یا در دوایری پرداخته‌اند بر جانبین دیده می‌شوند. شیوه ظریف این شمایل و واقعیت‌گرایی در نمودار ساختن آنان از صفات ممتاز نقاشی مینیاتور نسخه‌های خطی کیلیکیه است. دو جلد سیمین از سالهای ۱۲۵۴ و ۱۲۵۵ نمودار مهارت زرگران مقیم خلیفه‌گری یا قلمرو اسقف هرومکا است. بخش بالائی جلد ساخت ۱۲۵۴ با شمایل مسیح بر صلیب آراسته شده است که چهار مؤلف اناجیل در چهارسوی او و نیمتنه هشت تن از رسولان در دوایری در گرداگرد او پرداخته شده‌اند. در بخش پائین جلد مسیح بر اورنگ نشسته و چهارسوی او علامات و نشانه‌های مذهبی نمودار شده است (۳۶). ترکیبات بانظم مطلوبی در هم آمیخته است بویژه هنگامی که صلیب‌هایی را که بعدها در متن افزوده شده‌اند حذف کنیم. بر جلد ۱۲۵۵ (ایروان، ماتناداران شماره ۷۶۹۰) شکلهای بسیار بزرگتر هستند و تقریباً سراسر صفحه را دربر می‌گیرند. در بخش بالای این جلد مسیح ایستاده در میان مریم عذرا و یحیی تعمید دهنده نمودار شده است و چهارمؤلف اناجیل را در پائین با سه چهارم رخ یا تمام‌رخ در یک ردیف پرداخته‌اند. ترکیبات مناظر صلیب و کودکی مسیح که زرنشان بر جلد سیمین کتاب مقدس ساخته شده در سیس در ۱۳۳۴ (اورشلیم، خلیفه‌گری ارمنیان شماره ۲۶۴۹) به صورت نقش برجسته نشان داده شده است. به سبب بسیاری نقشها با آنکه صورتها افراداً خوب ترسیم شده‌اند تأثیر کلی آن چندان مطلوب نیست.

چند جلد سیمین و جای اشیاء یادگاری ساخت ارمنستان کبیر نیز برجای مانده است. جالب‌ترین آنها یک سه پارچه‌ای است (۳۷) از ۱۳۰۰ که به فرمایش یک ملاک به نام اچی‌پروشیان پرداخته شده است با شکل مسیح و فرشتگان و پاکان و نیمتنه اهداء کننده در

۳۶. ر.ک. تصویر ۴

۳۷. ر.ک. تصویر ۴۳

حال پرستش. ظرافت شیوه‌کار نقره‌کاران این شیئی را ممتاز و مانند نمونه‌های کیلیکیه می‌سازد. سرانجام باید از چند بخوردان مفرغی پیداشده درآنی یادکرد که با رویدادهای برجسته زندگانی مسیح آراسته شده است. گواينکه شکلهای پرداخته شده برآن چندان ظریف نیست ولی چون تنها بخوردانی است که برجای مانده و یک دوره وقایع انجیل را به صورت نقش برجسته نه نقاشی بر آن نموده‌اند جالب توجه است (۳۸).

نقاشی

در کاوشهای انجام داده شده در گرمابه‌های گارنی که در سده سوم میلادی بناشده است موزائیکی برکف یکی از اطاقها به دست آمد که تنها نمونه موجود از هنرنگارگری پیش از مسیحیت ارمنستان به شمار می‌رود. این موزائیک ۲۹۰ × ۲۹۰ متر است. مظاهر اقیانوس و دریانیمتنه نمودار شده‌اند. این موزائیک سخت گزند دیده است. زمینه آن به رنگ سبز است که رنگ دریاها است و در پیرامون نقش‌خدایان و شخصیت‌های اساطیری و تمثیلی نشان‌داده شده است. نام آنها را با حروف یونانی نوشته‌اند. بیشتر این موزائیک تباه گشته است. تنها چند دختر اساطیری که برماهی سوارند و خدایان دریا و نظایر آنها مانده‌اند. اینها را به شیوه خام و ناشیانه دورانهای اخیر عصر کهن پرداخته‌اند (۱).

آثار کاوش شده در دوین و جاهای دیگر نشان می‌دهد که ارمنیان این شیوه آرایش را در قرنهای بعد هم بکار بستند. بهترین نمونه‌ای که برجای مانده است درخارج از ارمنستان پیدا شده در کلیساها و دیرهای برپا شده در اورشلیم در آغاز مسیحیت. بزرگترین موزائیک

کاری کف اطاق با کتیبه‌های ارمنی در کلیسائی یافته شده است در نزدیک دروازه دمشق که شاخه‌های تاک را به نحوی متکلفانه نمودار ساخته است که از کوزه شرابی برآمده‌اند و در میان شاخه‌ها مرغان آشیانه کرده‌اند. برای آرایش دیوارها هم از موزائیک بهره گرفته می‌شد. پاره‌هایی از نقش مریم عذرا و کودک در کلیسای اعظم دوین از سده هفتم میلادی پیدا شده است و نیز موزائیکی تقریباً مشابه آن در زوارتنوتس بوده است. ولی این موزائیک پیدا نشده است. بلکه مقدسی جغرافیا نگار سده دهم میلادی/چهارم هجری از آن توصیف کرده است که به هنگام ورود به کلیسا مشاهده می‌شود. پس این نقش آرایش طاقچه آستانه کلیسای دوین و نیز کلیساهای بیزانس بوده است.



شکل ۳۸- گارنی، گرمابه، نقشی از موزائیک از قرن سوم (به نقل از اسماعیل و آیوازیان)

موزائیک‌گویی در کلیساهای بسیار مهم بکار می‌رفت. غالباً از نقاشی بیشتر استفاده می‌شد. در رساله ردیه‌ای که بریک فرقه کفرآمیز در آغاز قرن هفتم توسط ورتانس کرتوغ نوشته شده است به این گفتار اشاره رفته است که «آنچه در اناجیل حکایت شده است در کلیساهای

نگاشته‌اند». وی بویژه از تولد و تعمید و مصائب و صلیب و تدفین و رستاخیز و صعود و تصویر مریم عذرا و فرزند و مناظری از زندگانی پاکان بویژه سنگسار کردن استیفان مقدس و ماجرای شهادت گرگوار روشنگر و هریپسیمه و گایانه قدیس یاد می‌کند. این چنین دوره کامل و مفصلی در هیپچیک از آثار این دوران دیده نشده است. در چند کلیسا درهم آمیخته‌ای از مکاشفات حزقیال و اشعیا در آستانه پرداخته‌اند. درامبات مسیح را بر اورنگ پرداخته‌اند که برگردونه‌ای دوچرخه در میان آتش می‌راند و موجودات اساطیری با او می‌رانند. تنها شاهی که به گفته ورتانس کرتوغ براینکه دوره‌ای از رویدادهای اناجیل را پرداخته‌اند درست است همانا تصویری است در تالین که گویا ورود عیسی را به اورشلیم می‌نماید. در کلیسای تالیش برگرداگرذ محراب صورت پاکان را ایستاده نگاشته‌اند. در پیرامون محراب کلیساهای تالین و مرن نیمتنه پاکان را در دوایری کشیده‌اند.

تحولات کلی نقاشی ارمنی را نخست بایید در نسخه‌های خطی مصور بررسی کرد. خوشبختانه این نسخه‌ها بسیارند. چون خطرات ناشی از جنگهای پی‌درپی و آزارهای دینی را مشاهده می‌کنیم از اینکه این همه آثار مانده است دچار شگفتی می‌شویم. مورخان گاهی اشاره به تبااهی مجموعه‌های شگرف می‌کنند. برای پی‌بردن به میزان این گونه زیانها اشاره می‌کنیم که به گفته استیفان اوربلیان چون سلجوقیان به دژ باغابرد در ۱۱۷۰ درآمدند در حدود ده هزار نسخه خطی را که برای حفاظت و مصونیت از نابودی از کلیساها و دیرهای سیونیک بدانجا آورده بودند نابود ساختند. علت نوشتن این همه نسخه‌های خطی همانا اهمیت است که ارمنیان به این آثار می‌دادند. یک نسخه از اناجیل یا کتاب دعا در نظر صاحب آن گنجینه‌ای می‌نمود که جاویدان در آسمان گذاشته شده باشد و چون آن را به کلیسا یا دیر اهداء می‌کرد امید رهایی و نجات دردش قوت می‌گرفت. زیرا که نام او از آن هنگام باز روزانه در دعاها برده

می‌شد. نسخه‌برداری یا نویساندن نسخه برابر داشته می‌شد با صواب بنای یک کلیسا یا برپا ساختن یک صلیب. به بعضی از نسخه‌های کلام خدا قدرت معجزآسا و کراماتی نسبت داده می‌شد. در قرون اخیر مخصوصاً می‌بینیم که بعضی از آنها را با لقب «ناجی همه» یا «برخیزاننده مردگان» می‌خواندند. نسخه‌ای که به دست کافران می‌افتاد همچون اسیر تلقی می‌شد و باز خرید آن را بر مؤمنان همچون دیه‌ای که برای خرید اسیران داده می‌شد واجب می‌شمردند. بارها ناسخان در حاشیه می‌نوشتند و با استدعا می‌خواستند تا چون صاحبان نسخه‌ها آنها را در خطر افتادن به چنگ دشمن دیدند در خاک دفن کنند. مؤمنان و مؤمنات طبقات مختلف مردم آرزو داشتند که نسخه‌ای از اناجیل یا سرود و دعا داشته باشند که حتی الامکان مصور باشد. بر آنها گاهی عبارات هیجان‌انگیز و پرشوری از افراد خانواده و حتی دوستان ایشان نگاشته شده است که چگونه با کوشش دسته‌جمعی بدین گنجینه شگرف دست یافتند و آن را فراهم ساختند. این عبارات گاهی نمودار دشواری کار نسخه بردار نیز هست. مثلاً نشان می‌دهد که دیرنشینی نسخه‌ای را که می‌نوشتند است به هنگام درآمدن دشمن به جایگاهش باخویشتن به دیردگیری برده است و به کار خود همچنان ادامه داده است و گاهی آن را در دیر سومی به اتمام رسانیده است.

بسیار محتمل است که در دورانهای پرشور و فعالیت پس از اختراع الفبا نگارگران گاهی با ناسخان در تقلید از نسخه‌های یونانی که به ارمنستان آورده شده بود همکاری می‌کردند. ورتانس کرتوغ در ردیه‌ای که بدان اشارت رفت از نسخه‌هائی از اناجیل یاد می‌کند که با پوشش ارغوانی جلد شده و با آبزر و سیم نگاشته‌اند و بر آن صفحاتی از عاج کشیده‌اند. یک نمونه از چنین نسخه نفیسی که به دست ما رسیده است انجیل اچمیادزین است که گواهی است بر صدق گفتار ورتانس (۲). گذشته از اینها حواشی تزیینی فهرست مندرجات

انجیل اچمیادزین نسبت به نسخه‌های خطی یونانی ولاتینی اصالت تزئینی خاص متنهای مقدس اوسیبیوس را بیشتر حفظ کرده است و نمودار آن است که از روزگار کهن نسخه‌های خطی یونانی مصور در ارمنستان موجود بوده است.

طبیعی بود که ارمنستان مسیحی از لحاظ هنر دینی مقلد شهرهای عمده امپراطوری بیزانس شود و شیوه‌های غربی که از زمان تیگران بزرگ رایج گردید همچنان ادامه یابد. اما آثار نقاشیهای دیواری وحتى آشکارا دو برگ از یک انجیل مصور پایان سده ششم یا آغاز هفتم که تنها نمونه مصور موجود بشمارند از این دوران صریحاً نمودار تاثیر هنر پارتی و ساسانی نیز هست. پرستش مجوسان از یکی از مجالس چهار انجیل که برجای مانده است در آمیختن این دوشیوه غربی و شرقی را در ارمنستان بخوبی نشان می‌دهد. شمایل مریم عذرا نشسته (۳) در میان مجوسان که فرشته‌ای آنان را معرفی می‌کند، و همچنین وضع معماری پیرامون و ردیف ستونها از سر مشقهای کهن مسیحی گرفته شده است. ولی خود مجوسان از نظر قیافه و جامه و وضع رفتار بازانوان خم شده و پاشنه‌های به هم پیوسته تقلیدی هستند از سرمشقهای ساسانی. پیوند خاصی از این دو گرایش هنری نمودار شیوه هنری ارمنستان است. کلاهنرندان ارمنی می‌کوشند تا قیافه آدمیان را ساده و استیلیزه کنند. آنان چندان با تقلید واقعیت طبیعت دلبستگی ندارند و بیشتر در بند نمودار ساختن قیافه افراد و ترکیب کلی مجلس هستند و نمی‌توان انکار کرد که غالب آثار آنان با این شیوه دارای تأثیری شدید بوده‌اند.

یک اثر برجسته نمودار از سرگرفتن فعالیت‌های هنری است پس از صدها سال حکومت عرب و آن اثر معروف به انجیل شاهبازانو ملکه (۴) همسر شاه‌گایک واسپوراکان است که نسخه‌ای است

۳. رک. تصویر ۵۰.

۴. Miké. رک. تصویر ۵۳.

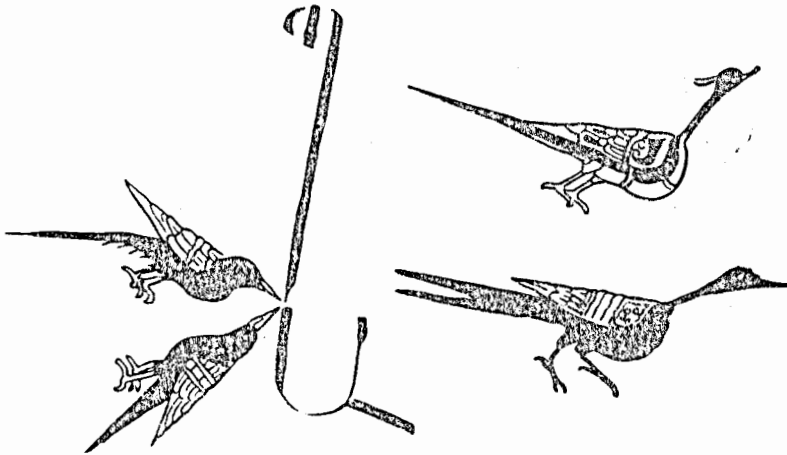
مصور پرداخته شده در ۸۶۲ و شاید برای فردی از خاندان ارسترونی که بعدها شاهبانو آن را به دیروارگ اهداء کرد. مناظر شکار نهنگ تمساح و اوکتوپوس و طاقهای متکی به ستونهای تنومند که در فهرست مندرجات این انجیل کشیده شده همه حکایت از تقلید از سرمشقهای کهن مسیحی می‌کند و شاید سرچشمه آنها به اسکندریه می‌رسد. صورت مبشران و صعود که بی شک یکی از مناظر چندگانه انجیل است که در اصل در نسخه خطی نگاشته بودند براساس سرمشقهای هنرکهن وبا استفاده از رنگهای ضد نگاشته شده است (۵). اما در شکوه و هیمنه قیافه مسیح که برآورنگی نشسته است در میان دوفرشته مقرب با جامه‌های بیزانسی، گرایش خاص ارمنی به استیلیزه کردن صورتها جلوه‌گر است.

این تمایل باصراحت بیشتری در نقاشیهای کلیسای جزیره آغتامار دیده می‌شود که نیم قرن پس از انجیل مذکور و توسط گاگیک واسپوراکان برپا گشت و تنها کلیسای ارمنی است که تقریباً همه تزئینات نقاشی آن برجای مانده است. یک دوره از رویدادهای اناجیل از پرستش کودک گرفته تا بازپسین داوری بر دو بخش از دیوارهای کلیسا نگاشته شده است و برجرزها و طاقچه‌ها نیز صورت استفان را نمودار ساخته‌اند. صورتهای نگاشته شده بر محراب کلیسا محو شده است و تنها صورت رسولان بردیواری نیمه‌دایره‌ای مانده است. گنبد اصلی کلیسا تباه گشته. ولی بردیواره پایه گنبد می‌توان چند مجلس را بازشناخت که مربوط است به آفرینش آدم و حوا و راندن آنان از باغ عدن که تنها نمونه‌ای است از رویدادهای عهد عتیق است که در نقاشیهای این دروان دیده شده است.

همه این مجلسها به سبکی پرهیمنه و رازگونه پرداخته شده‌اند همانند نقش برجسته‌ای که نمای کلیسا بدان آراسته شده است. جزئیات رویدادها و مناظر هرگاه که بخشی اصلی از داستان نبوده‌اند

یابه فهم مطلب یاری نمی‌کردند حذف شده است. اندامهای ایستاده و بی‌حرکت از روبرو یاسه چهارم چهره نمودار گشته‌اند، و گروه‌ها به هم فشرده باردیف سرها در کنار هم و بدون رعایت سایه روشن و برجستگی اندامها و جامه‌ها نگاشته شده‌اند. هنرمندان از نمودن هیجان حتی در مجالسی مانند به صلیب کشیدن عیسی خودداری کرده‌اند بالینهمه این نقاشیها علی‌رغم سادگی به سبب وقار و هیبت و همین‌ای که در آنها است شگرف موثرند.

این شیوه نقاشیهای قرن دهم میلادی را می‌شناساند. گاهی کیفیتهای تزئینی و آبستری آنها به منتها حد می‌رسد. آنچنانکه در انجیل مصور ۹۶۶ که اینک در گالری هنری والترز مضبوط است دیده می‌شود. مریم عذرا و کودک نشسته‌اند و مبشران ایستاده باقیافه‌های عروسک‌وار بر زمینه پارشمن و پرده‌های اوخته موازی یا اریب یا با طرحهای تزئینی شطرنجی به رنگهای گوناگون که چندان با جامه‌های آنان سازگاری ندارد نمودار آن است که نقاشان بیشتر در بند نقشهای تزئینی و رنگ بوده‌اند. گاهی هم‌درکارهای نقاشان ماهرتر به جای استیلز کردن نقشها تاحدودی هم رعایت اشکال واقعی و طبیعی و صورت کسان به گونه رآلیسم شده است. انجیل اچمیادزین که در ۹۸۹ ساخته شده است بهترین نمونه از این‌گونه است (۶). مجالس مریم عذرا و کودک و مسیح در میان دوتن حواری و مبشران ایستاده با رعایت اصول مناظر و مرایا پرداخته شده‌اند. با همه اینها استیلز کردن سرمشقهای کهن بر اساس نمونه نقاشیهای کلیسای آغتامار بکاررفته است. در نسخه خطی و تصاویر دیواری صورتها از روبرو نمودار شده بی‌حرکت. حتی در مجلس قربانی کردن اسحاق هم حرکتی نیست. برخلاف این تصاویر در آرایشهای فهرست مندرجات انجیل طاقها و ستونهای پرداخته شده همه استوار و تنومند و نقش برجسته می‌نمایند.



چند نمونه برجای مانده از سده دهم میلادی نمی‌تواند دیدی کافی برای هنر این دوران به دست دهد و بنابراین دشوار می‌توان گفت که سخن استیفان اوربلیان مورخ در ۱۳۰۰ میلادی مبنی بر اینکه نقاشی دیواری بسیار زیبای دیرتاتو بناشده در ۹۳۰ میلادی کار هنرمندان خارجی است درست است یا نه. مجلس بازپسین داوری با مردگان از گوربرخاسته شیوه‌ای شگفت دارد و می‌توان گفت که این مجلس و مجلس تولد عیسی کاملاً با سبکهای شناخته شده ارمنی متفاوت است.

در زمان اوج قدرت باگراتونیان در سده یازدهم میلادی امیران و بلندپایگان این پادشاهی سفارشی‌تهیه نسخه‌های نفیس می‌دادند. این دوران همراه است با گسترش بیزانس و نفوذ آن در هنر نقاشی که بسیار بیشتر از آن است که سابقاً بود. بعضی از مینیاتورهای بزرگ انجیل کتابخانه مخیتارها در ونیز که به نام انجیل طرابوزان مشهور شده است (چون از این شهر به ونیز آورده شده بود) چه‌بسا که کار یک نقاش یونانی باشد. مجلس تعمید فی‌المثل بسیار با آثار بیزانسی همانند است بویژه پیکر یحیی تعمید دهنده و مسیح که حالت طبیعی و متناسب دارند. در مجلسهای دیگر مانند تجسم مسیح صورتها با خشکی و بی حرکتی نمودار شده که نشان می‌دهد دست هنرمندان ارمنی در کار بوده است. صفحات فهرستهای مطالب این



شکل ۳۹- مینیاتورهای حواشی انجیل شاه‌گایک قارصی (به نقل از چوبانیان).

انجیل دارای تزئینات مفصل و متکلف مرغان و گیاهان است که با رنگهای گوناگون بویژه آبی و آب زر پرداخته شده‌اند. دربرابر این نسخه چنانکه احتمال می‌رود که پاره‌ای از آن به دست یونانیان پرداخته شده باشد، انجیلی است که شاه‌گایک قارصی سفارش داده بود و سراسر کار ارمنیان است که از آثار بیزانسی و تزئینات مجالس نسخه‌های بیزانسی تقلید کرده‌اند. اینها به صورت بوته‌های تاک که درحاشیه نگاشته‌اند نمودار شده است. دسته‌ای از مرغان پران حاشیه‌ها را زنده می‌کند که گاهی هم مرغان نشسته درکنارهم نشان داده شده‌اند یا درهنگام برخوردنمودارگشته‌اند. انواع گوناگون این مرغان را گویانکه استیلیزه شده‌اند می‌توان بازشناخت. چه بسا که هنرمند مرغان تخیلی هم پرداخته است. در بعضی حواشی نقش فرشهای کوچک وقالیچه‌ها یا پارچه‌ها نموده شده است که بر آنها خطوطی به تقلید از کوفی کشیده‌اند.

در نسخه‌های انجیل معمولی ارمنی مجالس رویدادهای مهم زندگانی مسیح بر صفحات جداگانه نموده شده و یکجا در ابتدای کتاب جای داده شده‌اند. اما در نسخه گایک مینیاتورها در میان متن آمده است. این مجلسها متضمن رویدادهای انجیل است با جزئیات و تفصیل. ولی دستی تباکار آنها را کنده است و تنها چند نمونه‌ای برجای گذاشته که به ما فرصتی می‌دهد تا به شیوه لطیف نگارش این نقاشیها پی ببریم. بهترین آنها تصویری است دسته‌جمعی از شاه و شاهبانو و دختران آنان که چهار زانو بر یک نیمکت کوتاه

نشسته‌اند. ردای شاه که سبک شرقی دارد از ابریشم است که بر آن نقش‌های جانوران دوان‌ازپی هم به‌شیوه آثار ساسانی که چندین قرن دوام کرد، بافته‌اند. طرح همانندی بافیلان و مرغان دوان در پی هم پوشش نیمکت را آرایش کرده است.

باید یادی از نسخه نفیس‌دیگری از همین دوران بکنیم. زیرا نمایشگر جنبه دیگری از کارهایی است که به سفارش حامیان انجام می‌شد و به ما می‌آموزد که نمونه‌های گوناگون این کارها را طبقه‌بندی کنیم. این انجیل همانا انجیل مضبوط در مجموعه ماتن‌داران درایروان است و به نام انجیل موغنی مشهور است. در آن مظاهر کهن هنوز قابل بازشناختن است. ولی کاملاً دگرگون گشته‌اند. بدین‌گونه یک مجلس شکارگاه نخستین فهرست مطالب را مانند آنچه در انجیل ملکه مندرج است تشکیل می‌دهد. اما تنها یک نهنگ مانده است و دیگران مبدل به شیردال یا چهارپایان آدمی سرگشته‌اند و دریا حذف شده و با اشکال پیکره‌های مختلف پر شده است. زمینه معماری بعضی از مجالس انجیل‌های گوناگون از آثار معماری پمپئی در آغاز مسیحیت است که زمینه پرستش مجوسان در مینیاتور سده‌های ششم و هفتم میلادی از این‌گونه است. اما در این مورد دگرگونی آشکارتر است (۷). سرانجام در مجالس این انجیل با آنکه ترکیب کار عمدتاً همانند شما یلنگاری بیزانسی است، گرایش به سوی شیوه اشکال نموده شده با خطوط و بدون سایه بیشتر از دوانجیل سابق‌الذکر است، چهره‌ها بویژه چهره زنان غالباً یادآور قیافه‌های ارمنی است. بدین‌گونه این سه نسخه با آنکه همزمان هستند سه مرحله گوناگون از جداسدن از شیوه بیزانسی و پیدایش سبک ملی رانمودار می‌سازد. سبک ملی در نسخه‌های خطی دیرهای دورافتاده و پای‌بند شیوه‌های کهن بهتر حفظ شده بود تا نسخه‌های پرتکلف سفارشی وابستگان خودنمای دربارهای پرشکوه. در این نسخه‌ها زمینه زرین و



شکل ۴۰ تا ۴۲- انجیل هاغیات مورخ ۱۲۱۱. صورتهای پرداخته در حاشیه فهرست مندرجات انجیل. مشتمل بر صحاف و خادم کلیسا (بانوشته‌ای بدین مضمون: شرنیک هر زمان که بیایید ماهی می‌آورد) و کشیش دیر (به نقل از دورنوو).

آرایشهای پرتکلف وجود ندارد و تعداد رنگهای به کار رفته و شکلهای نگاشته شده در هر مجلس محدود است. بسیاری از اینگونه نسخه‌ها به دست کسان کم‌مهارت پرداخته شده است. اما اگر کار یکی از استادان چیره‌دست باشد نقوشها بر دلها می‌نشیند و احساسی در بیننده القاء می‌کند.

چون پس از زمان فترتی که با هجوم سلجوقیان پدیدار شد در سده‌های سیزدهم و چهاردهم دستها به کار افتادند دیگر آن تقلید سابق که در بعضی نسخه‌های مجل از سبک بیزانس می‌شد وجود نداشت در بعضی از نسخه‌های مصور حالتی آشنا تر و دلنشین‌تر پدیدار گشته است و شکل کسانی از مردم عادی در داستانهای انجیل منتها با جامه‌های معاصر این قرون ساخته شده‌اند مانند اعضای ساده کلیسا

وکشیشان و روحانیان نه به عنوان اعطاکنندگان هدایا بلکه همچون پاره‌ای از متن ضروری تصویر (۸). درکنار فهرستهای مندرجات نقش ایشان را می‌بینیم که یک عضو ساده کلیسا کوزه‌ای آب می‌آورد و دیگری ماهی بزرگ و در صفحه دیگر جوانی زیر درختی نشسته است و می‌خواند و می‌نوازد. این شیوه در استان واسپوراکان رایج‌تر شد و پیشرفت بیشتری کرد.

ساخته‌های این دوران دارای گوناگونی بسیار است و نسخه-



شکل ۴۳ و ۴۴- انجیل هاغبات، صورتهای پرداخته در فهرست مندرجات انجیل مشتمل بر یک نوازنده و یک خادم دیر (به نقل از دورنوو).

برداران پرکار در شهرهای بزرگی چون ارزنجان و تئودوزیوپولیس و نیز آموزشگاههای دیرها بویژه دیرکلادزور به کار مشغول بودند. (۹) در مجموعه کارهای آرایشی نقشهای هندسی درهم رفته و پیچیده

۸. ر.ک. شکلهای ۴۰-۴۴.

۹. ر.ک. تصویر ۵۸.

نسبت به نقشهای گل و بته که بیشتر انواع خرما بن هستند برتری دارد و نیز نقشهای مرغان در حاشیه‌ها همچون روزگار گذشته پرداخته می‌شد (۱۰). ولی این مرغان بیشتر استیلیزه شده‌اند و با گل و بته درآمیخته‌اند.

شمایلنگاری مجالس انجیل که در آغاز نسخه‌های خطی پرداخته می‌شد با شیوه سنتی سازگار است. ولی ضمناً مناظر جدیدی هم ساخته می‌شد. مثلاً در کتاب مصور کار ارزنجان مکاشفات حزقیال مجلسی است بسیار مؤثر و اصیل (۱۱). نقاشیهای بزرگ نیز در این دوران تشویق می‌شد. این امر شاید پاره‌ای ناشی از نفوذ گرجیان باشد. نقاشیها کلیسای سن‌گرگوار که در ۱۲۱۵ به دستور تیگران هوننتس پرداخته شده دارای کتیبه‌های گرجی است. سبک آرایش عمدتاً از شیوه کلیساهای بیزانس پیروی می‌کرد. مجلس صعود عیسی سراسر داخل گنبد را پر کرده است که در آن ردیفی از پیامبران ایستاده‌اند و مجلس برآورنگ نشینی مسیح محراب کلیسا را پر کرده است و مجلس عشاء ربانی رسولان بردیوارهای نیمدایره‌ای نقش شده است. مجالسی از زندگانی مسیح و مریم‌عذرا بردیوارهای جنوبی و شمالی کلیسا (۱۲) و بردیوار غربی مناظری از زندگانی سن‌گرگوار روشن‌گر ساخته شده است. در کلیساهای دیگری در آنی نقاشیهای دیواری پرداخته بودند که پاره‌ای از آنها برجای مانده است (۱۳) و در آنها سبک ارمنی آشکارتر است. تصاویر اهدا کنندگان در بعضی کلیساهای نگاشته شده‌اند مانند کلیسای هاغبات و کلیسای مریم‌عذرا که در ذل صخره‌ای در گغار پدید آمده است و در آن اهداکننده با دیگر افراد خانواده‌اش نمودار شده‌اند.

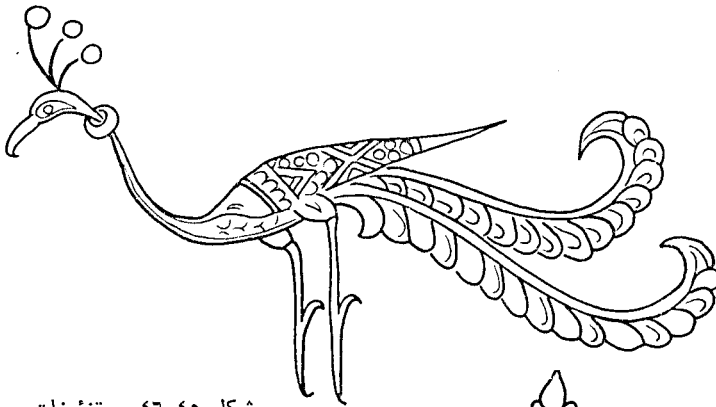
در پادشاهی کیلیکیه نقاشی مینیاتور به درجه‌ای عالی رسید .

۱۰. ر.ک. شکل ۴۵ و ۴۶.

۱۱. ر.ک. تصویر ۶۰.

۱۲. ر.ک. تصویر ۶۱.

۱۳. ر.ک. تصویر ۶۲.



شکل ۴۵ و ۴۶ - تزئینات

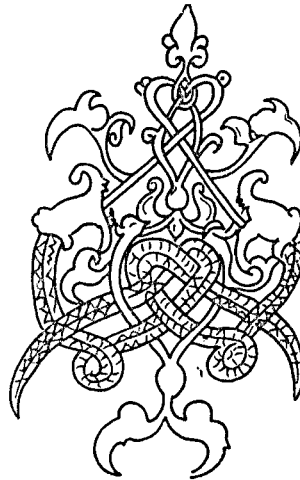
حواشی یک نسخه

خطی مصور در موش در

۱۲۰۴ مضبوط درایروان،

ماتناداران شماره ۷۷۲۹

(به نقل از دورنوو).



صفحات مزین نسخه‌های خطی سده‌های دوازدهم و سیزدهم به‌سبب رنگهای فراوان برزمینه مذهب و بسیاری نقشها ممتاز است. گنجینه هنر تزئینی نسخه‌های ارمنی از آن‌بیزانس غنی‌تر و گوناگونتر است. درعین‌حال در تزئینات نسخه‌های ارمنی از تکلفات فراوان نسخه‌های اسلامی هم پرمیز شده است (۱۴). مرغان درمیان پیچهای تاک و شوکت‌الیهود یاخرمابن درحرکتند و حواشی فهرستهای مطالب و آغاز

درسهای انجیل را مزین می‌سازند (۱۵). جانوران و موجودات تخیلی مانند مردان با سر بز و زنان برهنه باگیسوان بلند افشان یا مردان برهنه‌سوار بر شیران فهرستهای مندرجات را آراسته‌اند. سرهای آدمیان و جانوران و نیز مرغان جایگزین گل و بته شده و آثار شگفتی در یکی از نسخه‌ها از جانوری که با ترکیب تنها برهنه و نیز از شکل جانوران تشکیل شده است دیده می‌شود (۱۶).



شکل ۴۷- آغاز انجیل لوقا که در ۱۰۶۶ در سبایسته مصور شد. مضبوط در ایروان درماتناداران شماره ۳۱۱ (به نقل از دورنوو)

در تصویرسازی داستانهای انجیل دورانهای مختلف و وسیعی که پیوندی اصیل و ابتکاری دارند مشاهده می‌شود. آثار توروس روسلین نگارگر استاد قرن سیزدهم که بردارالصنایع تزئین و نسخه‌برداری کتاب در قلمرو استقفی هرومکلا نظارت می‌کرد بسیار جالب توجه است (۱۷). وقار و ثبات آثار سده دوازدهم جای به گونه‌ای تحرک و جنبش زندگی و واقعیت که متناسب و آشنا بود با تمثالنگاری پرداخته بود. توروس روسلین غالباً تفسیرهای کهن و سنتی و مورد قبول عام را فرو می‌گذاشت و داستانها را با شیوه خاص خود تعبیر

۱۵. ر.ک. شکل ۴۷ و تصویر ۶۴.

۱۶. ر.ک. تصویر ۶۵.

۱۷. ر.ک. تصویر ۶۶.

می‌کرد و می‌نگاشت. مظاهر زندگی روزمره معاصر هنرمند نه تنها در جامه‌های کسانی که در مجالس داستانی در درجه دوم اهمیت قرار دارند دیده می‌شود بلکه وضع و رفتار زندگی هم نموده شده است. مثلاً در آنجا که یهود سی سکه سیمین به یهودا می‌دهند ایشان را همچون سوداگرانی نمودار ساخته است که در بازارهای زمان هنرمند دیده می‌شدند و نقره به ترازو می‌کشیدند (۱۸). یا آنکه مجوس چون باز می‌گردند با سربازانی همراه هستند که درفشهائی مانند پهلوانان سوار در رکاب پادشاهان معاصر هنرمند با خود می‌بردند. تئوروس روسلین بی آنکه کاملاً با گذشته ببرد مناظر کهن را تعدیل کرده و بعضی از مظاهر زندگی معاصر و واقعیت را هم بدان افزوده است. آثار او نمودار خواهش شدید او است به نشان دادن احساسات لطیف و پرمهر در قالب اندامهای متناسب و متوازن (۱۹). ولی در نمودن مجالس مصیبت و آزار نیز اندوه و ملالت را بی‌مبالغه و غلو نشان می‌دهد. خشکی و سادگی گذشته جای به شیوه‌ای طبیعی و واقع‌گرا داده بود و سایه روشنهای دقیق و باریک و نمودار ساختن چین‌ها و تاهای جامه‌ها حاکی از اشتیاق به نشان دادن اندام آدمیان است به نحوی نزدیک به واقعیت با انحنای و برآمدگیها (۲۰). مردان و زنان باحالتی مناسب و زیبا نمودار شده‌اند. ولی از فدا کردن مظاهر واقعیت در قبال هم آهنگ‌سازی و نظم ترتیب خشک خودداری شده است. بعضی از مظاهر آثار تئوروس روسلین دلیل است بر اینکه اونسخه‌های مصور اروپائی رادیده بوده است. آشنائی با آثار هنری بی‌گمان موجب افزایش وسعت دید او شده است. اما وسایل و راههائی که این گسترش را باعث شده است و او را بر میراث قرون و اعصار نقاشی مذهبی رهنمون گشته است از رازهای خاصی است که خود

۱۸. ر.ک. تصویر ۶۹.

۱۹. ر.ک. تصویر ۶۸.

۲۰. ر.ک. تصویر ۶۸.

هنرمند بدان آگاه است.



شکل ۴۸- شبان، انجیل توروس تارائون در ۱۳۰۷، مضبوط در مدرسه علوم بین‌هارتفورد.

مکتبی از نقاشان که در ربع سوم قرن سیزدهم میلادی فعالیت داشت شیوه‌ای خاص در نقاشی کیلیکیه پدیدار ساخت. در میان نسخه‌های خطی تاریخ‌دار این شیوه‌نو در یک انجیل مصور مورخ ۱۲۷۲ که برای شاه‌بانو کران همسر لئون دوم (سوم) (اورشلیم شماره ۲۵۶۳) ساخته شده بود پدیدار شد و بعدها در چند نسخه دیگر هم تکرار شد که بیشتر آنها متعلق به مجموعه ماتناداران در ایروان است (۲۱). جنبشی حتی در مجالسی که حاکی از حرکت خاص نیست دیده می‌شود و نیز احساس شدیدی از مشاهده

شخصیتهای برجسته و حتی کم‌اهمیتی که کارشان باقهرمانان داستان بستگی دارد دربیننده پیدا می‌شود. احساسات و اندوه رها و آزاد می‌شود. در مجلس مصلوب ساختن عیسی فرشتگان درغم و ماتم به سوی زمین سرازیر می‌شوند و پیکر مسیح بر فراز صلیب آویخته نمودار می‌شود و مریم عذرا از ضعف غش می‌کند و توانائی کشیدن بارسنگین اندوه خود را ندارد و بر همراهانش تکیه کرده است. (۲۲) در چنین مجالسی مانند صعود مسیح یا از مردگان برخاستن ایلعاذر نوکهای پرسنگ کوهها برای نمودار ساختن هراس رویداد خارق‌العاده‌ای که درپیش است خم شده‌اند (۲۳). شیوه تصویرنگاری با بهره‌گیری فراوان از آب زر و رنگهای شگفت درپارچه‌ها موجب بازشناختن این نقاشیها از آثار توروس روسلین و شاگردانش می‌شود. ضمناً گنجینه‌تزیین و آرایش رواجی و رونقی کامل دارد و نیز موجودات تخیلی فراوان جلوه‌گری می‌کنند.



شکل ۴۹ - حرف اول E در انجیل مصور توروس تارون

بسیاری از نسخه‌های کیلیکیه‌ای به سفارش اعضای خاندان

۲۲ ر.ک. تصویر ۷۱.

۲۳. ر.ک. تصویر ۷۶.

سلطنت ساخته شده است که تصویر سفارش دهنده آنها خود مجموعه جالب توجهی را تشکیل می‌دهد. پرداختن این صورتها به انحاء گوناگونی انجام شده است. امیرلئون و همسر جوانش کران با جامه‌های تشریفاتی بیزانس نمودار شده‌اند که مسیح آنان را برکت می‌دهد و درانجیل مورخ ۱۲۷۲ که پس از تاجگذاری پرداخته شده شده است همه خانواده را زانورده نمودار ساخته است باتاجهای کوچکی که نشانه پشتیبانی الاهی است و اشعه‌ای از مسیح درمیان مریم عذرا و یحیی تعمید دهنده به سوی آنان فرود آمده است (۲۴). در مجالس دیگر سفارش دهنده زانورده را مریم عذرا که ردایش بر پیکر او به علامت پشتیبانی افتاده است به مسیح معرفی می‌کند یا آنکه استغفی به شفاعت او که زانو زده است در پیشگاه مریم عذرا و کودک پرداخته است (۲۵). دربخش پیشین مجلس دادگاه انطاکیه داوری دربرابر اورنگ برای کسی که به زانوافتاده است التماس و شفاعت می‌کند. در انجیلی که به سفارش اسقف یحیی برادر شاه حاتم اول ساخته شده است سفارش دهنده را درحال انجام دادن یکی از وظایف یعنی دست‌گذاری یک کشیش (۲۶) نشان می‌دهد. سبک ظریف نقاشان کیلیکیه در بعضی نسخه‌های سده چهاردهم نیز دیده شده است (۲۷). نقاش پراثر سرکیس پیتسا دارای شهرتی فراوان بود. ولی آثارش با آنکه از نظر فن نقاشی مقرون به مهارت است از اصالت و جاننداری مینیاتورهای قرن پیشین عاری است (۲۸). با پیروزی ممالیک مصر همه کوششهای هنری در کیلیکیه پایان یافت. ولی در ارمنستان کبیر تا قرن هفدهم ادامه یافت. نفوذ کیلیکیه

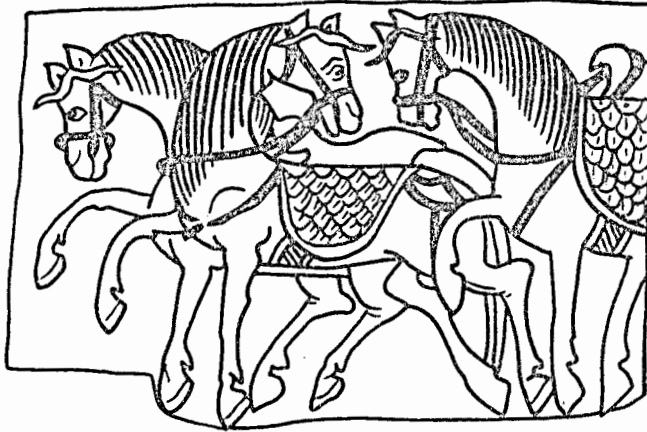
۲۴. ر.ک. تصویر ۷۴ و ۷۷.

۲۵. ر.ک. تصویر ۷۸.

۲۶. ر.ک. تصویر ۷۲.

۲۷. ر.ک. تصویر ۷۰.

۲۸. ر.ک. تصویر ۷۳.



شکل ۵۰- اسبهای مجوسان، از داستان تولد به سبک خیزان مورخ ۱۳۳۲. مضبوط درایروان، ماتناداران شماره ۹۴۲۳ (به نقل از دورنوو).

در این بخش گسترده شده بود و در محافل کاتبان مانند دیرکلادزور رواجی شگرف داشت. نسخه‌های خطی مصور پرداخته نقاش استاد توروس تارونی از یک سو نمودار شیوه و تمثال‌نگاری ارمنستان کبیر است در قرن پیشین و از سوی دیگر نشان دهنده نفوذ نقاشی کیلیکیه است بویژه در کار تزئین (۲۹). نفوذ کیلیکیه در مینیاتورهای پرداخته آواک که آثارش چنانکه باید چندان مشهور نیست دیده می‌شود (۳۰). در این هنگام مکتبهای منطقه‌ای نیز پایه گرفت بویژه مکتب پیرامون دریاچه وان که در آن گرایشهای گوناگونی دیده می‌شود. برجسته‌ترین نمونه آن نسخه خطی مصور موجود در خیزان است که دارای شیوه‌ای جالب توجه است که اثری عمیق از شرق دارد (۲۹).
تا این اواخر بسیاری نسخه‌های خطی منتشر شده از آن قرون

۲۹. ر.ک. تصویر ۴۸ و ۴۹.

۳۰. ر.ک. تصویر ۵۹.

۲۹. ر.ک. شکل ۵۰.

اخیر هستند و آثاری نازل می‌نمایند. اما آشنائی بیشتر بانسجه‌های
مصور شده در ارمنستان کبیر در سده‌های نهم و دهم میلادی و نیز در
کیلکیه در قرون دوازدهم و سیزدهم آشنائی روزافزونی از کیفیت
مینیاتورهای ارمنی و پایگاه آنها در تاریخ کلی تصویرسازی قرون
وسطی به‌دست می‌دهد .

Bibliography

CHAPTER I

- ADONTZ, N. *Histoire d'Arménie. Les origines du Xe siècle au VIe av.J.C.* Paris, 1946.
- AKURGAL, E. Urartäische Kunst, in *Anatolia*, IV. Ankara, 1959, pp. 77-114.
- BARNETT, R. D. The excavations of the British Museum at Toprak Kale, near Van, in *Iraq*, XII, 1, 1950, pp. 1-43 and XVI, 1, 1954, pp. 3-22.
- LEHMANN-HAUPT, C. F. *Armenien einst und jetzt*, I-II.2. Berlin, 1910-1931.
- MARR, N. and SMIRNOV, J. *Les Vichaps*. Leningrad, 1931.
- MELLINK, M. J. Anatolia: Old and New Perspectives, in *Proceedings of the American Philosophical Society*, 110.2, 1966.
- OGANESIAN, K. L. *Karmir Blur IV. The architecture of Teishebaini* (in Russian). Erevan, 1955.
- OZGÜÇ, T. The Urartian Architecture on the Summit of Altintepe, in *Anatolia*, VII, 1963, pp. 43-49.
- PIOTROVSKII, B. B. *The history and civilization of Urartu* (in Russian). Erevan, 1944.
- *Karmir Blur I-III* (in Russian). Erevan, 1950-1955.
- *The Kingdom of Van (Urartu)* (in Russian). Moscow, 1959.
- *Urartu. The Kingdom of Van and its Art*. Translated from the Russian and ed. by Peter S. Gelling. London and New York, 1967.
- SARDARIAN, S. H. *Primitive Society in Armenia* (in Armenian with English summary). Erevan, 1967.
- TREVER, K. V. *Essays on the History and Culture of Ancient Armenia* (in Russian). Moscow, 1953.

CHAPTER II

- ADONTZ, N. *Armenia at the time of Justinian* (in Russian). St Petersburg, 1908.
- ASLAN, K. *Etudes historiques sur le peuple arménien*. Paris, 1928.

- CHARANIS, P. *The Armenians in the Byzantine Empire* (Calouste Gulbenkian Foundation Armenian Library). Lisbon, 1964.
- DER NERSESSIAN, S. *Armenia and the Byzantine Empire*. Cambridge (Mass.), 1947.
- Between East and West: Armenia and its divided history, in *The Dark Ages*, ed. by D. Talbot Rice. London, 1965, pp. 63–82.
- EREMIAN, S. T. Principal features of the social regime of Armenia during the Hellenistic period (in Russian), in *Izvestija of the Armenian Academy of Sciences*, no. 11. Erevan, 1948.
- GROUSSET, R. *Histoire de l'Arménie des origines à 1071*. Paris, 1947.
- KURKDJIAN, V. M. *History of Armenia*. New York, 1962.
- LAURENT, J. *L'Arménie entre Byzance et l'Islam depuis la conquête arabe jusqu'en 886*. Paris, 1919.
- LYNCH, H. *Armenia: Travels and Studies*, 2 vols. London, 1901, and Connecticut, 1965.
- MANANDIAN, H. *Critical Survey of the History of the Armenian people* (in Armenian), 4 vols. Erevan, 1945–1952.
- *Tigrane II et Rome*. Translated from the Armenian by H. Thorossian (Calouste Gulbenkian Foundation Armenian Library). Lisbon, 1963.
- MORGAN, J. DE. *Histoire du peuple arménien*. Paris, 1919.
- TIRATS'IAN, G. The Ervandunis in Armenia (in Armenian), in *Izvestija of the Armenian Academy of Sciences*, no. 6. Erevan, 1958.
- TOUMANOFF, C. Armenia and Georgia, in *The Cambridge Medieval History*, vol. IV, ch. XIV. Cambridge, 1966.
- *Studies in Christian Caucasian History*. Georgetown University Press. Washington, D.C., 1963.
- TOURNEBISE, F. *Histoire politique et religieuse de l'Arménie*. Paris, 1910.

CHAPTER III

- ALISHAN, L. *Sissouan ou l'Arméno-Cilicie*. Venice, 1899.
- *Léon le Magnifique, premier roi de Sissouan ou de l'Arméno-Cilicie*. Venice, 1888.
- CAHEN, CL. *La Syrie du Nord à l'époque des Croisades et la principauté franque d'Antioche*. Paris, 1940.
- CANARD, M. *Le royaume d'Arménie-Cilicie et les Mamelouks jusqu'au*

- traité de ۱۲۸۵ in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.IV, ۱۹۶۷, pp. ۲۱۷-۵۹.
- DER NERSESSIAN, S. The Armenian Chronicle of the Constable Smpad or of the 'Royal Historian', in *Dumbarton Oaks Papers* XIII, ۱۹۵۹, pp. ۱۴۳-۶۸.
- The Kingdom of Cilician Armenia in K. H. Setton, *A History of the Crusades*, vol. II, pp. ۶۳۰-۵۹. Philadelphia, ۱۹۶۲.
- DULAURIER, E. *Etude sur l'organisation politique, religieuse et administrative du royaume de la Petite-Arménie*. Paris, ۱۸۶۱.
- GROUSSET, R. *Histoire des Croisades*. ۳ vols. Paris, ۱۹۳۱-۱۹۳۶.
- *L'Empire du Levant*. Paris, ۱۹۴۹.
- IORGA, N. *Brève histoire de la Petite Arménie*. Paris, ۱۹۳۰.
- MIK'AEIAN, G. G. *History of the Armenian Cilician Kingdom* (in Russian). Erevan, ۱۹۵۲.
- RÜDT-COLLEBERG, W. H. *The Rupenides, Hethumides and Lusignans. The structure of the Armeno-Cilician dynasties* (Calouste Gulbenkian Foundation Armenian Library). Paris, ۱۹۶۳.
- RUNCIMAN, S. *A History of the Crusades*. ۳ vols. Cambridge, ۱۹۵۳-۱۹۵۵, and New York, ۱۹۵۷, ۱۹۵۸.

CHAPTER IV

- ALISHAN, L. *Assises d'Antioche reproduites en français et publiées au sixième centenaire de la mort de Sempad le Connétable*. Venice, ۱۸۷۶.
- ARAK'ELIAN, B. *The cities and trades in Armenia in the IXth-XIIIth centuries* (in Armenian). Erevan, ۱۹۵۸.
- BEDOUKIAN, P. Z. *Coinage of Cilician Armenia* (American Numismatic Society Numismatic Notes and Monographs, no. ۱۴۷). New York, ۱۹۶۲.
- DESIMONI, C. Actes passés en ۱۲۷۱, ۱۲۷۴ et ۱۲۷۹ à l'Aïas (Petite Arménie) et à Beyrouth par devant des notaires génois, in *Archives de l'Orient Latin*, ۱۸۸۱, pp. ۴۳۴-۵۳۴.
- HAKOBIAN, S. E. *History of the Armenian peasantry. Period of early feudalism* (in Armenian). Erevan, ۱۹۵۷.
- HEYD, W. *Histoire du commerce du Levant au Moyen Age*. ۲ vols. Leipzig, ۱۹۳۶.
- KHERUMIAN, R. Esquisse d'une féodalité oubliée, in *Vostan*, I, ۱۹۴۸-۴۹, pp. ۷-۵۶.

- *The trade and cities of Armenia in relation to ancient world trade*. Translated from the second revised edition by N. G. Garsoian (Calouste Gulbenkian Foundation Armenian Library). Lisbon, 1965.
- LANGLOIS, V. *Le Trésor des chartes d'Arménie*. Paris, 1863.
- MANANDIAN, H. A. *Feudalism in ancient Armenia* (in Armenian). Erevan, 1934.
- SERJEANT, R. B. Material for a history of Islamic textiles up to the Mongol conquest, in *Ars Islamica*, X, 1943, pp. 91-100.

CHAPTER V

- ARPEE, L. *A History of Armenian Christianity*. New York, 1946.
- CARRIERE, A. *Les huit sanctuaires de l'Arménie payenne d'après Agathange et Moïse de Khoren*. Paris, 1899.
- KARST, J. *Mythologie arméno-caucasienne et hétéro-asianique*. Strasbourg-Zurich, 1948.
- ORMANIAN, M. *Azgapatum. History of the Armenian nation* (in Armenian), 3 vols. Constantinople-Jerusalem, 1913-1927.
- *The church of Armenia*. Translated from the French by G. M. Gregory. Oxford, 1912, and Illinois, 1955.
- SARKISSIAN, K. *The Council of Chalcedon and the Armenian Church*. London, 1965, and Illinois, 1965.

CHAPTER VI

- ABEGHIAN, M. *History of ancient Armenian literature* (in Armenian), vol. I. Erevan, 1944.
- BONFANTE, G. Armenians and Phrygians, in *Armenian Quarterly*, I, 1946, pp. 82-97.
- BOYAJIAN, Z. C. *Armenian legends and poems*. London-New York, 1958, and New York, 1959.
- DAVID OF SASSOUN: *The Armenian Folk Epic in Four Cycles*, Edited and translated by A. K. Shalian. Athens (Ohio), 1964.
- DOWSETT, C. J. F. *The History of the Caucasian Albanians by Movses Dasxuranci*. London, 1961.
- GARITTE, G. *Documents pour l'étude du livre d'Agathange*. Studi e testi, 127. Vatican City, 1946.
- GREGOIRE DE NAREK, *Le livre de prières*. Introduction, traduction de l'arménien et notes par I. Kéchichian, S.J. Paris, 1961.

- GREGORY OF AKNER, *History of the Nation of the Archers (the Mongols)*. Edited with an English translation and notes by R. P. Blake and R. N. Frye. Cambridge (Mass.), 1954.
- LANGLOIS, V. Mémoire sur la vie et les écrits du prince Grégoire Magistros, in *Journal asiatique*, I, 1869.
- LEROY, M. Grégoire Magistros et les traductions arméniennes d'auteurs grecs, in *Annuaire de l'Institut de philologie et d'histoire orientale*. Brussels, III, 1935.
- MEILLET, A. *Esquisse d'une grammaire comparée de l'Arménien classique*. Vienna, 1936.
- PEETERS, P. Pour l'histoire des origines de l'alphabet arménien, in *Revue des Etudes Arméniennes*, IX, 1929, pp. 203-37.
- TCHOBANIAN, A. *La Roseraie d'Arménie*. 3 vols. Paris, 1918-1929.
- THOROSSIAN, H. *Histoire de la littérature arménienne des origines jusqu'à nos jours*. Paris, 1951. (All the translations of the Armenian historians published before 1951 are listed in this work.)

CHAPTER VII

- Architettura medievale armena*. Roma, Palazzo Venezia, 10-30 giugno 1968. Rome, 1968 (Catalogue with articles by G. de Francovich, F. de Maffei, H. Kh. Vahramian, T. B. Fratadocchi, P. Cuneo, E. Costa).
- ARAK'ELIAN, B. *Garni. Results of the excavations* (in Armenian). Erevan, I-III, 1951, 1957, 1962.
- BACHMANN, W. *Kirchen und Moscheen in Armenien und Kurdistan*. Leipzig, 1913.
- BALTRUSAÏTIS, J. *Le problème de l'ogive et l'Arménie*. Paris, 1936.
- BROSSET, M. F. *Les ruines d'Ani*. St Petersburg, 1861.
- BUNIATIAN, N. G. *The pagan temple near the palace of Trdat at the fortress of Garni* (in Russian). Erevan, 1933.
- CUNEO, P. La basilique de Tsitsernakavank dans Karabagh, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.IV, 1967, pp. 203-16.
- EREMIAN, A. *The church of Ripsimé* (in Russian). Erevan, 1955.
- GRABAR, A. *Martyrium. Recherches sur le culte des reliques et l'art chrétien antique*. 2 vols. Paris, 1946.
- HARUTIUNIAN, V. M. and SAFARIAN, S. A. *Monuments of Armenian architecture* (in Russian). Moscow, 1951.

- KAFADARIAN, K. *Haghat. Architectural monuments and inscriptions* (in Armenian). Erevan, 1963.
- *The monastery of Sanahin and its inscriptions* (in Armenian). Erevan, 1957.
- *The town of Dvin and its excavations* (in Armenian). Erevan, 1952.
- KHATCHATRIAN, A. *L'architecture arménienne*. Paris, 1949.
- Les églises cruciformes du Tayq, in *Cahiers Archéologiques*, XVII, 1967, pp. 203–208.
- Les monuments funéraires des IV^e–VII^e siècles et leurs analogies syriennes, in *Byzantinische Forschungen*, I, 1966, pp. 179–92.
- A propos des niches extérieures dans l'architecture arménienne, in *Synthronon. Bibliothèque des Cahiers Archéologiques II*. Paris, 1968, pp. 69–73.
- KRAUTHEIMER, R. *Early Christian and Byzantine Architecture*. Harmondsworth and New York, 1965.
- MILLET, G. *L'école grecque dans l'architecture byzantine*. Paris, 1916.
- MNATSAKIAN, S. Kh. *The architecture of the Armenian ante-chapels* (in Russian), Erevan, 1952.
- *The school of Siunik' of Armenian architecture* (in Armenian). Erevan, 1960.
- SAHINIAN, A. *The architecture of the basilica of K'asakh* (in Armenian with Russian summary). Erevan, 1955.
- Recherches scientifiques sous les voûtes de la cathédrale d'Etchmiadzine, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.III, 1966, pp. 41–71.
- STRZYGOWSKI, J. *Die Baukunst der Armenier und Europa*, 2 vols. Vienna, 1918.
- TCHUBINASHVILI, G. P. *Researches in Armenian architecture* (in Russian with German summary). Tbilisi, 1967.
- THIERRY, J. M. Monastères arméniens du Vaspurakan, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.IV, 1967, pp. 167–86.
- THIERRY, N. and M. Notes sur des monuments arméniens en Turquie (1964), in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.II, 1965, pp. 165–84.
- THORAMANIAN, Th. *Materials for the history of Armenian architecture* (in Armenian), 2 vols. Erevan, 1942, 1948.
- TOKARSKI, N. M. *The architecture of Armenia. IVth–XIVth centuries* (in Russian). Erevan, 1961.

CHAPTER VIII

ARAK'ELIAN, B. *Armenian figurative sculpture from the IVth to the VIIth century* (in Armenian). Erevan, 1949.

BALTRUSAÏTIS, J. *Etudes sur l'art médiéval en Géorgie et en Arménie*. Paris, 1929.

BEDOUKIAN, P. Z. A classification of the coins of the Artaxiad dynasty of Armenia, in *The American Numismatic Society. Museum Notes* 14, 1968.

DER NERSESSIAN, S. *Aght'amar. Church of the Holy Cross*. Cambridge (Mass.), 1965.

— Le reliquaire de Skevra et l'orfèvrerie cilicienne aux XIIIe et XIVe siècles, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.I, 1964, pp. 121-47.

HOVSEP'IAN, G. *Materials and studies on the history of Armenian art and culture* (in Armenian with English summary), vol. II. New York, 1944.

İPŞİROĞLU, M. S. *Die Kirche von Achtamar. Bauplastik im Leben des Lichtes*. Berlin und Mainz, 1963.

IZMAILOVA, T. and AIVAZIAN, M. *Armenian art* (in Russian). Moscow, 1962.

SAKISIAN, A. *Pages d'art arménien*. Paris, 1940.

SEYRIG, H. Trésor monétaire de Nisibe, in *Revue numismatique*, 1955, pp. 85-128.

CHAPTER IX

ARAK'ELIAN, R. The newly discovered mosaic of Garni (in Russian), in *Izvestija of the Armenian Academy of Sciences*, no. 7, pp. 111-18. Erevan, 1954.

AZARIAN, L. *Cilician miniature painting* (in Armenian). Erevan, 1964.

BANATEANU, Gl. La fresque en Arménie à l'époque ancienne et au Moyen Age, in *Studia et Acta Orientalia*, I, 1957, pp. 49-63.

— Ein vernachlässigter Zweig der armenischen Kunst: die Mosaik, in *Byzantinoslavica*, XIX, 1958, pp. 107-18.

DER NERSESSIAN, S. *Armenian Manuscripts in the Freer Gallery of Art*. Smithsonian Institution. Freer Gallery of Art. Oriental Studies, no. 6. Washington D.C., 1963.

- *The Chester Beatty Library. Catalogue of the Armenian Manuscripts with an Introduction on the History of Armenian Art.* 2 vols. Dublin, 1958.
- The Date of the Initial Miniatures of the Etchmiadzin Gospel, in *The Art Bulletin*, 15, 1933, pp. 327–60.
- Un Evangile cilicien du XIIIe siècle, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.IV, 1967, pp. 103–19.
- *Manuscrits arméniens illustrés des 12e, 13e, et 14e siècles de la Bibliothèque des Pères Mekhitharistes de Venise*, 2 vols. Paris, 1937.
- La peinture arménienne au VIIe siècle et les miniatures de l'évangile d'Etchmiadzin, in *Actes du XIIe Congrès International des Etudes Byzantines*. Belgrade, 1964, vol. III, pp. 49–57.
- DJANACHIAN, M. *Armenian miniatures at the monastic Library of S. Lazzaro*. Venice, 1964.
- DURNOVO, L. A. *Brief history of ancient Armenian painting* (in Russian). Erevan, 1957.
- *Miniatures Arméniennes*. Paris, 1960.
- DURNOVO L. A. and DRAMPIAN, R. *Armenian Miniatures* (in Armenian, Russian and French). Erevan, 1967.
- GRABAR, A. Etudes sur la tradition arménienne dans l'art médiéval, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.III, 1966, pp. 31–37.
- IZMAILOVA, T. A. The artistic decoration of the Armenian manuscript of the year 1053 (in Russian), in *Vestnik Matenadarana*, 5, 1960, pp. 239–76.
- L'Iconographie du cycle des fêtes d'un groupe de codex arméniens d'Asie Mineure, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S.IV, 1967, pp. 125–66.
- L'Iconographie du manuscrit du Matenadaran no. 2877, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S. I, 1964, pp. 149–87, and II, 1965, pp. 185–222.
- Tables des Canons de deux manuscrits arméniens d'Asie Mineure du XIe siècle, in *Revue des Etudes Arméniennes*, N.S. III, 1966, pp. 91–117.
- MACLER, F. *L'Enluminure arménienne profane*. Paris, 1928.
- STRZYGOWSKI, J. *Das Etchmiadzin-Evangeliar*. Byzantinische Denkmäler II. Vienna, 1891.
- *Kleinarmenische Miniaturmalerei. Die Miniaturen des Tübingen Evangeliars MA. XIII. 1*. Tübingen, 1907.

SVIRIN, A. N. *Miniature painting in ancient Armenia* (in Russian). Moscow-Leningrad, 1939.

WEITZMANN, K. *Die armenische Buchmalerei des 10. und beginnenden 11. Jahrhunderts*. Istanbul Forschungen, 4. Bamberg, 1933.

شرح تصویرها

- ۱- دورنمای کوه آزارات .
- ۲- دژها و باروهای آنی .
- ۳- پیکره کوچک مفرغی اورارتی که شاید از آن الاهی اروپائی همسر هالدی باشد. بلندی ۱۲ سانتیمتر ، مضبوط در موزه تاریخی ارمنستان، ایروان .
- ۴- کاسه کوچک زرین با نقش دو شیر روبروی هم . پیدا شده در کرواکان، مضبوط در موزه تاریخی ارمنستان ، ایروان .
- ۵- سه پیکره مفرغی آفرودیت پیدا شده در ارزنجان . این شهر به روزگار کهن ارز نامیده می‌شد و مهمترین زیارتگاه این الاهی در آنجا برپا شده بود . مضبوط در موزه بریتانیا ، لندن.
- ۶- سکه‌های کیلیکیه به اندازه واقعی از مجموعه پل بد وکیان در نیویورک .
 - (a) سکه زرین لئون اول (۱۱۹۸-۱۲۱۹). روی سکه‌شاهرا بر اورنگ نمودار ساخته است از روبرو که صلیبی به دست راست دارد و فلوردولی به دست چپ، پشت سکه شیر از جانب چپ که صلیبی بر پشت دارد .
 - (b) دراهم تاجگذاری لئون اول (۱۱۹۸-۱۲۱۹). روی سکه ، مسیح ایستاده که پادشاه در برابر او تاج بر سر زانوده است. پشت سکه، دو شیر پشت به هم با صلیبی در میانشان.
 - (c) دراهم سیمین حاتم اول و زابل (۱۲۲۶-۱۲۷۰) . روی سکه ، شاه و شاهبانو تاج بر سر روبروی هم که صلیبی را به دست دارند. پشت سکه، شیر که به راست می‌نگرد و صلیبی به دست دارد.
 - (d) دراهم سیمین لئون دوم (۱۲۷۰-۱۲۸۹). روی سکه ، شاه تاج بر سر بر پشت اسب که به سوی راست می‌نگرد و عصای سلطنت به دست دارد . پشت سکه، شیر که به سوی راست می‌نگرد و صلیبی به دست دارد.

- (e) در اخم‌سیمین سمبات (۱۲۹۸-۱۲۹۶). روی سکه ، شاه تاج برسر از روبرو، پشت سکه، دوشیر پشت برهم باصلیبی میان ایشان .
- (f) سکه مسین لئون اول (۱۲۱۹-۱۱۹۸) . روی سکه ، سر پادشاه که به شیوه شیر نمودار شده است با تاجی برسر، پشت سکه ، صلیب بلندی با دستاره در طرفین.
- (g) در اخم تاجگذاری اوشین (۱۳۲۰-۱۳۰۸). روی سکه، پادشاه با تاج از روبرو با صلیبی بزرگ دست و فلوردولی بردست دیگر، پشت سکه، دوشیرپشت برهم و صلیبی میان ایشان .
- (h) سکه مسین حاتم اول (۱۳۰۷-۱۲۸۹). روی سکه، شاه چهارزانو نشسته از روبرو با عصای سلطنت در دست راست، پشت سکه ، صلیب .
- (i) سکه مسین لئون دوم (۱۲۸۹-۱۲۷۰). روی سکه، شیری از جانب چپ که راه می‌سپرد، پشت سکه، صلیبی با چهارستاره .
- ۷- تکه‌هایی از پارچه ابریشمی در درون جلد یک نسخه خطی ارمنی مورخ میان ۱۱۸۷ و ۱۲۱۲. مضبوط در ماتناداران در ایروان، شماره ۶۲۶۳.
- ۸- ویرانه‌های پرستشگاهی درگانی - برپا شده در قرن اول میلادی و مرمت شده در قرن سوم . مدخل با نه پله و پایه بعضی ستونها.
- ۹- کلیسای مرن از ۶۴۰-۶۳۹ گنبد استوار بر پایه‌ای هشت گوش.
- ۱۰- کلیسای اعظم تالین - قرن هفتم، نمای شمال شرقی.
- ۱۱- اشتاراک ، کلیسای معروف به کار مراور از قرن هفتم میلادی . نمای جنوب غربی.
- ۱۲- ماستارا، کلیسای اعظم یحییای مقدس از قرن هفتم . نمای شمال شرقی.
- ۱۳- آنی، کلیسای اعظم، بنای آن در ۹۸۹ در زمان سلطنت سمبات دوم آغاز و در ۱۰۰۱ به دست گاگیگ و شاهبانو کاترامید پایان یافت. طراح آن معمار تیرداد بود. نمای شمال غربی .
- ۱۴- واغارشاپات، کلیسای سن هرپسیمه مقدس بانی آن جاثلیق کومیتاس به‌سال ۶۱۸ بود.
- ۱۵- آنی، کلیسای ناجی مورخ ۱۰۳۶ . در سالهای اخیر نیمی از آن فروریخته است.
- ۱۶- قارص - کلیسای اعظم رسولان مقدس از قرن دهم. نمای شمال غربی.
- ۱۷- آغتامار، کلیسای صلیب مقدس. بانی آن گاگیگ اول آسترونی به سال‌های ۹۱۵ و ۹۲۱. هشتی پیشین بعدها افزوده شده است .
- ۱۸- ماراشن، کلیسای اعظم ساخته شده در ۹۸۶ تا ۱۰۲۹. نمای شمال غربی.
- ۱۹- آتی، نمازخانه‌ای که در قرن دوازدهم بر کلیسای رسولان مقدس افزوده گشت.
- ۲۰- اماگو - نوراوانک ، کلیسای مریم عذرا . از امیر بورتل مورخ ۱۳۳۹. پس از

- مرمت عکس‌برداری شده است. برکتیبه سر در پائین پیکر مریم عذرا و فرزند بر اورنگ درمیان فرشتگان مقرب، جبرئیل و میکائیل نمودار شده است و بر کتیبه سر در بالا، مسیح درمیان پطرس و پولس نمودار شده است.
- ۲۱- هاغبات، برج ناقوس از هامازاسپ در ۱۲۴۵، در سوی راست کلیسای نشانه مقدس برپا شده میان ۹۷۶ و ۹۹۱ قرار دارد.
- ۲۲- گارنی، پاره‌هایی از تزئینات گچکاری یک پرستشگاه.
- ۲۳- گارنی، سرستون ایونی یک پرستشگاه.
- ۲۴- سه دراحمی تیگران بزرگ (۹۵-۵۶ م. پ. م.) روی سکه، چهره شاه با تاج ارمنی، پشت سکه، الاهی تیخه انطاکیه با نوشته Basileos Tigranou (شاه تیگران). به قطر ۲٫۸ سانتیمتر. مضبوط در کتابخانه ملی فرانسه (پاریس)
- ۲۵- نمای بالای ستل (خاچکار) تالین که نمودار تعمید دادن است. در بالا فرشته‌ای که با یک تاج به‌سوی زیر پرواز می‌کند. درپائین کبوتری به سوی مسیح با تاجی از گورها که به‌نوک گرفته است فرود می‌آید. بخش پائین ستل خراب شده است. از قرن هفتم. بلندی ۱٫۲۰ سانتیمتر.
- ۲۶- نمای پشت همین ستل، در بالا فرشته‌ای که کره را به‌دست چپ دارد و دست راست را بلند کرده است، در پائین صورت کسی که عصائی صلیبوار به دست دارد.
- ۲۷- پایه ستل تالین به اندازه ۷۶ در ۸۶ سانتیمتر. از جلو: مریم عذرا و فرزند با تاج درمیان دوفرشته.
- ۲۸- یک ستل سنگی دیگر. در بالا، یکی از پاکان که کتابی به‌دست دارد. شاید این شمایل سن گرگوار «روشنگر» باشد، در پائین، شاه تیرداد در صورت خوک و پیش از ایمان آوردنش. از قرن هفتم. بلندی ۱٫۶۵ متر.
- ۲۹- پاره‌ای از یک سنگ پیدا شده در گورستان روستای ارتاشات بالا نزدیک دوین. تاکستان با صلیبهای برگی. از قرن ششم یا هفتم. به اندازه ۱٫۲ در ۰٫۶۵ متر.
- ۳۰- کلیسای مرن، نقشی بردروازه غربی با صورت یکی از پاکان و یک اهداء کننده به‌نام نرسه کامساراکان یا داوید شاهارونی به‌جانب چپ این نقش صورتی است از مسیح میان پطرس و پولس و در جانب انتهای چپ صورت اهداء کنندگان دیگری نقش شده است. دو فرشته که از روبرو نمودار شده‌اند بر کتیبه سر در نگاشته شده‌اند. اهداء کننده در بالاپوشی از خز با آستینهای بلند نموده شده است.
- ۳۱- کلیسای زورتنوتس، سرستونی از ستونهای تالار پذیرائی (۶۶۱-۶۶۶). بالهای شاهین بر دوسوی سرستون گسترده است.

۳۲- کلیسای زوارتنوتس . سرستونی به شکل زنبیل با تزئینات سبک ایونی از یکی از ستونهای تالار پذیرائی. نام نرسس بهحروف یونانی درمیان تزئینات نمودار شده است . درجای دیگری که دراین عکس دیده نمی‌شود لقب جاثلیق هم درج شده است .

۳۳- تالین - کلیسای اعظم از قرن هفتم، پیشانی نمای شمالی با تزئینات شاخه‌های انار.

۳۴- اغتامار ، کلیسای صلیب مقدس (۹۱۵-۹۲۱). بخش بالای نمای شرقی جانوران دوران در زیر سقف گنبد و پیرامون آن یوحنا قدیس نقش شده است که برکت می‌دهد و انجیلی به‌دست دارد: در پائین ، شاخه‌های تاک نقش شده است که در وسط آنها شاه جامی به دست ایستاده و خوشه انگور می‌چیند و دو خدمتکار با او همراهند. در درون دایره حضرت آدم نمودار شده است.

۳۵- اغتامار، کلیسای صلیب مقدس. انتهای سمت چپ نمای جنوبی. مجالسی از داستان یونس . یونس به دریا افکنده می‌شود و ماهی او را رهائی می‌بخشد و یونس در خواب در زیر درخت و سپس روبرو شدن و سخن گفتن او با پادشاه نینوا و مردم آن شهر، درمیان دوایر بالا استفن از شهیدان دوران کهن و زفانیا و الیشع نقش شده‌اند . نام صورت سوم را ننوخته‌اند.

۳۶- اغتامار - کلیسای صلیب مقدس ، نمای غربی. صورت شاه گاییک که ماکتی از کلیسا به دست دارد. ردائی با نقوش هندسی دوایر متحدالمرکز و پیچان درهم برتن دارد. بر بالایوش او نقشهای مرغان و دوایر و شاخ و برگ نمودار شده است. تاج شاه اندکی گزند دیده است ولی بازهم می‌توان تزئین بال مانند سوی راست آن را بازشناخت که تقلیدی است از تاجهای ساسانی.

۳۷- صورت شاه گاییک اول که اینک ناپدید شده است و زمانی کلیسای سن گرگوار را که وی درآنی برپا داشته بود می‌آراست. شاه درستها ماکتی از کلیسا گرفته است. گاییک جامه شرقی دربر دارد از قبائی بلند با آستینهای بلند و دستاری بزرگ.

۳۸- طاقچه‌ای در نمای شرقی کلیسای نشان مقدس درهاغبات (بنا شده در ۹۹۱). دوبرادر گورگن (گیوریکه اول) در سوی چپ و شاه سمبات دوم در جانب راست ماکتی از این کلیسا به‌دست دارند، سمبات که پادشاه آنی است دستاری بزرگ مانند گاییک اول (تصویر ۳۷) برسر دارد.

۳۹- لوحی ستونی از دیرساناهین از قرن دوازدهم. نقش برجسته ظریف وباریک.

۴۰- هاغبات - لوح ستونی برپا شده به دست هوهانس در ۱۲۷۳ به یادگارخودش و امیر سپهسالار سادون . در بالا مجلس صعود مسیح است به شیوه‌ای کوتاه شده و اجمالی. در پائین مسیح برصلیب که اهداء کنندگان در پائین صلیب و حواریون دوازدمگانه درحواشی هستند.

۴۱- اماغو - نوروانک . کلیسای یحیای تعمیر دهنده . نقش کتیبه سردر مورخ ۱۳۲۱ . مریم عذرا و فرزند بر اورنگ . در سوی چپ نیمته یک پیامبر و قسمتی از کتیبه و گل و بته .

۴۲- دروازه‌های چوبی کنده‌کاری که سابقاً جزئی از کلیسای رسولان مقدس درموش بود مورخ ۱۱۳۴ . پاکان سوار و دیگر سواران بر بالای در نقش شده‌اند . جانورانی برزمینه‌ای از سبزه در دوسوی در نگاشته شده‌اند . مضبوط درایروان درارمنستان موزه تاریخی .

۴۳- شیئی یادگاری سیمین سه پارچه ، ساخت ۱۲۹۳ در دیر اسکورا در کیلیکیه به دستور اسقف کنستانتین در قطعه وسط مجلس به صلیب کشیدن و درقطعات دوجانب صعود نگاشته شده است . در میان دوایر در مرکز پولس و پطرس و در جانب چپ یحیای تعمیر دهنده و داود و در جانب راست اسقف و شاه حاتم دوم زانوزده ، مضبوط در لنینگراد در موزه ارمنی‌تار .

۴۴- همان شیئی یادگاری با دوجانب بسته شده ، مرد ایستاده سن گرگوارروشنگر است و رسول تدلوس . در دوایربالاپطرس و پولس و در دوایرپائین اوستراتیوس و واردن قدیس پهلوان پیکار اوارایر در سده پنجم .

۴۵- جلد سیمین ساخت ۱۲۵۴ در هرومکا . مسیح بر اورنگ درمیان سنبولهای چهار نویسنده اناجیل ، نوشته‌های چهار طرف حاکی از تاریخ و نام اسقف استیانیوس است که این جلد را سفارش داده است . خود نسخه انجیل است با تصاویر که به سفارش همان اسقف در ۱۲۴۸ نوشته شده است . مضبوط در

Antilias (Lebanon) Catholicosate of Cilicio, Ms. No 1.

۴۶- پاره‌ای از نقاشی دیواری کلیسای لمبات (قرن هفتم) متضمن مکاشفات حزقیال درآمیخته با مکاشفات اشعیاء . درست چپ اندکی از هاله مسیح دیده می‌شود . در کنار او گردونه شعله‌ور و جانور شگفتی که بالهایش پر از چشم است .

۴۷- بخوردان مفرغی پیدا شده در آنی (سده دوازدهم و سیزدهم) . مجالس نگاشته شده عبارتند از: تولد و پرستش مجوسان و صلیب و رستاخیز . مضبوط در ایروان در موزه تاریخ طبیعی شماره ۱۳۱۶ .

۴۸- جلد عاج انجیل اچمیادزین از قرن ششم . روی جلد . در وسط مریم عذرا و کودک بر اورنگ درمیان فرشتگان و در دوسو مجالسی از زندگی مریم عذرا و کودکی مسیح و در پائین پرستش مجوس و در بالا صلیب در میان حلقه گل که فرشتگان می‌برند نگاشته شده است . مضبوط در ایروان مانناداران ، شماره ۲۳۷۴ .

۴۹- انجیل اچمیادزین . در ۹۸۹ در دیر نوروانک در استان سیونیک استنساخ و مصور شده است . مریم عذرا کودک را بر زانو دارد . دیگر تصویرهای این انجیل که در آغاز آن آمده است عبارتند از: مسیح درمیان پاکان و نویسندگان

چهار انجیل و قربانی کردن ابراهیم. مضبوط در ایروان در ماتناداران شماره ۲۳۷۴.

۵۰- انجیل اچمیادزین. پرستش مجوسان از قرن ششم یا هفتم میلادی. این یکی از دو برگه است که در پایان قرن دهم هجری برای نسخه افزوده شده است. مینیاتورهای دیگر این انجیل عبارتند از مبعث زکریا و مبعث مریم عذرا و بقیه. مضبوط در ایروان در ماتناداران شماره ۲۳۷۴.

۵۱- ونیز، کلیسای سن لازارو. انجیل معروف به انجیل طرابوزان. زیرا از آن شهر به ونیز آورده شده است. ورق ۳، ظهور مسیح. بعضی از مجالس این انجیل پرداخته نقاشان یونانی است. ولی این یکی از کارهای ارمنیان است که به تقلید از سبک بیزانسی ساخته شده است از قرن یازدهم. کتابخانه مخیتاریست، شماره ۱۴۰۰.

۵۲- انجیل شاهبانو ملکه مصور شده در ۸۶۲. بعدها شاهبانو آن را به دیر واراگ اهداء کرد. ورق ۸- صعود مسیح. مسیح و مریم عذرا در جامه ارغوانی. فرشتگان دوطرف جامه امپراطوری بیزانس بر تن دارند که عبارت است از بالاپوش ارغوانی بر ردای سفید و کفشهای سرخ. مضبوط در ونیز در کلیسای سن لازار و در کتابخانه مخیتاریست شماره ۱۱۴۴.

۵۳- همین انجیل ورق ۲. پایان نامه اوسیبیوس که در میان ایوانی با دوستون وکتیبه سر در تزئین شده است.

۵۴- فهرست مندرجات انجیل طرابوزان. تاجهای مقدس دوسوی ستونها آویخته شده است. این شیوه مخصوص تزئین فهرست مندرجات انجیلها بوده است.

۵۵- انجیل شاه گاگیک قارصی مصور شده پیش از ۱۰۶۴ م. صورت شاه و شاهبانو و دخترشان. این مینیاتور تا حدودی تباه گشته است. قباى ابریشمی ارغوانی شاه گاگیک با دواير بزرگی که بزرگترین آنها مروارید دوزی شده و در میان آنها نقش مرغی است تزئین شده است بر طراز یا حواشی سرآستین حروف کوفی نگاشته شده است. نقشهای سرابرده عبارت است از دواير بزرگی که در آنها فیلهای زین شده و دواير کوچکتری که در آنها مرغان یا گلها نگاشته شده است. مضبوط در اورشلیم درحوزه کلیسای بطریق ارمنی شماره ۲۵۵۶.

۵۶- انجیل مورخ ۱۰۳۸. ورق ۵ سمت چپ، مجلس تعمید مسیح. این نقاشی کاملاً بشیوه آبستره ساخته شده است. مضبوط در ایروان، ماتناداران شماره ۶۲۰۱.

۵۷- انجیل موغنی از قرن نوزدهم. ورق ۱۸ سمت چپ مجلس بازپسین شام. مینیاتورهای آغاز این انجیل متضمن رویدادهای برجسته زندگی مسیح هستند. مضبوط در ایروان، ماتناداران، شماره ۷۷۳۶.

- ۵۸- انجیل مترجمان ، مصور شده در ۱۲۳۲. در ارمنستان بزرگ . قصد نقاش در استیلز یا ساده کردن نقوش مخصوصاً در زمینه آبی مجلس مشاهده میشود. مضبوط در ایروان در ماتناداران .
- ۵۹- انجیل مصور حدود ۱۳۳۴ - ۱۳۳۶ م. به دست آواک نقاش. ورق ۵ سمت چپ. مجلس ورود مسیح به اورشلیم. مینیاتورهای تمام صفحه این نسخه شامل رویدادهای برجسته زندگی مسیح هستند. در انجیل موزه بریتانیا به شماره Or. 5304 مجالس پرداخته همین نقاش است ولی متأسفانه رنگ باخته‌اند. مضبوط در اورشلیم ، حوزه کلیسای بطریقی ارمنی شماره ۱۹۴۱.
- ۶۰- کتاب مقدس نسخه ارزنجان در ۱۲۹۶ به سفارش اسقف اعظم سرگیس و پسرش هوانس توسط سه کاتب به نامهای مخیتار و هاکیوپوس و موسس، ورق ۴۱۴ سمت چپ، مکاشفه حزقیال در کنار رود شبار. در پائین حزقیال در کنار رود آرمیده است که فرشته بدو طوماری می‌دهد که فرمان رفتن او است به سوی شرق . مضبوط در اورشلیم در حوزه کلیسای بطریقی ارمنی به شماره ۱۹۲۵.
- ۶۱- از نقاشیهای دیواری کلیسای سن گرگوار آنی که به فرمان تیگران هونتس در ۱۲۱۵ برپا شد. مجلسی است از زندگانی سن گرگوار «روشنگر».
- ۶۲- از نقاشیهای دیواری تباه شده کلیسای باغتاگر در آنی از قرن دوازدهم. سر مریم عزا . مضبوط در لنینگراد در ارمینتاژ.
- ۶۳- انجیل مصور در ۱۱۹۳ در دیر اسکورا در کیلیکیه برای امیر حاتم لامبرونی و برادرش اسقف اعظم نرسس لامبرونی به دست کاتب کنستانتین. ورق ۲. پایان نامه اوسیبوس به کاپیانوس. در میان دایره صورت کاپیانوس رسم شده است . مضبوط در ونیز در کلیسای سن لازارو در کتابخانه مخیتاریست به شماره ۱۶۳۵.
- ۶۴- انجیل مصور ۱۲۶۲ در هرومکا به دست تئودوروس روسلین برای کشیش تئودوروس از خویشان جاثلیق کنستانتین اول. ورق ۱۳۱ آغاز انجیل مرقس. نخستین حرف با شکل شیر مظهر مبشران تزئین شده است . مضبوط در بالتیمور در گالری والترزآرت - شماره ۵۳۹.
- ۶۵- انجیل کیلیکیه از قرن سیزدهم. ورق ۵۵ فهرست مندرجات . در میان مثلثها برهنگانی برپشت شیران نمودار شده‌اند . مرغان و چهارپایان با سر آدمی در آمیخته با گل و بته فضای وسط را پرمی‌کنند. مضبوط در ایروان در ماتنا- داران به شماره ۹۴۲۲.
- ۶۶- کتاب دعای نرسس نارکی مصور در ۱۱۷۳ به سفارش اسقف اعظم نرسس لامبرونی به دست گریگور کاتب. ورق ۷ سمت چپ ، صورت نرسس نارکی به هنگام نوشتن. مضبوط در ایروان در ماتناداران به شماره ۱۵۶۸.
- ۶۷- انجیل مصور در ۱۲۶۲ در هرومکا به دست تئودوروس روسلین. ورق ۶۶، فرشتگان

بامسیح پس از سوسه ابلیس سخن می‌گویند. مضبوط در بالتیمور، گالری والتر آرت به شماره ۵۳۹.

۶۸- انجیل مصور در ۱۲۶۸ در هرومکا به دست توروس روسلین برای جاثلیق کنستانتین. ورق ۱۸۲ مجلس تولد. مضبوط در اورشلیم در حوزه کلیسای بطریقی ارمنی به شماره ۳۶۲۷.

۶۹- انجیل مصور شده در کلیکیه برای امبرواساک در قرن سیزدهم. مکتب توروس روسلین. صفحه ۱۶۸. مجلس پرداختن سی سکه نقره به یهودا توسط یهود. مضبوط در واشنگتن در فریر گالری آوآرت به شماره ۳۲۱۸.

۷۰- انجیل مصور ۱۳۱۶ در طرسوس به دست لوون لازرتسی. ورق ۲۱ سمت چپ، صورت سن مانثو مضبوط در اورشلیم در حوزه کلیسای بطریقی ارمنی به شماره ۱۹۵۰.

۷۱- انجیل مصور در ۱۲۸۷ به سفارش اسقف اعظم یوحنا برادر حاتم اول، ورق ۱۰ سمت چپ، مجلس صلیب. مضبوط در ایروان در ماتناداران به شماره ۱۹۷.

۷۲- همین انجیل، ورق ۳۴۱ سمت چپ، اسقف اعظم کشیشی را دست‌گذاری می‌کند. مضبوط در ایروان در ماتناداران به شماره ۱۹۷.

۷۳- کتاب سرود مصور از ۱۳۳۵ در سیس به دست سرگیس پیتاک. ورق ۱ سمت چپ، آنا در کنار درختی با آشیانه پرستودعا می‌کند. این داستان در انجیل به رسمیت شناخته نشده‌ای از کودکی مسیح آمده است. و پشت سر آنا یواخیم ایستاده است. این مینیاتور در کنار سرود تولد مریم عذرا قرار دارد. مضبوط در اورشلیم در حوزه کلیسای بطریقی ارمنی به شماره ۱۵۷۸.

۷۴- انجیل مصور ۱۲۶۲ در هرومکا به دست توروس روسلین. ورق ۲۸۸ صورت امیر لئون و شاهزاده خانم کران که از مسیح برکت حاصل می‌کنند. مضبوط در اورشلیم در حوزه کلیسای بطریقی ارمنی شماره ۲۶۶.

۷۵- انجیل مصور در کلیکیه در ۱۲۷۲ به سفارش شاهبانو کران. ورق ۲۳، مجلس تعمید مسیح مضبوط در اورشلیم در حوزه کلیسای بطریقی ارمنی به شماره ۲۵۶۳.

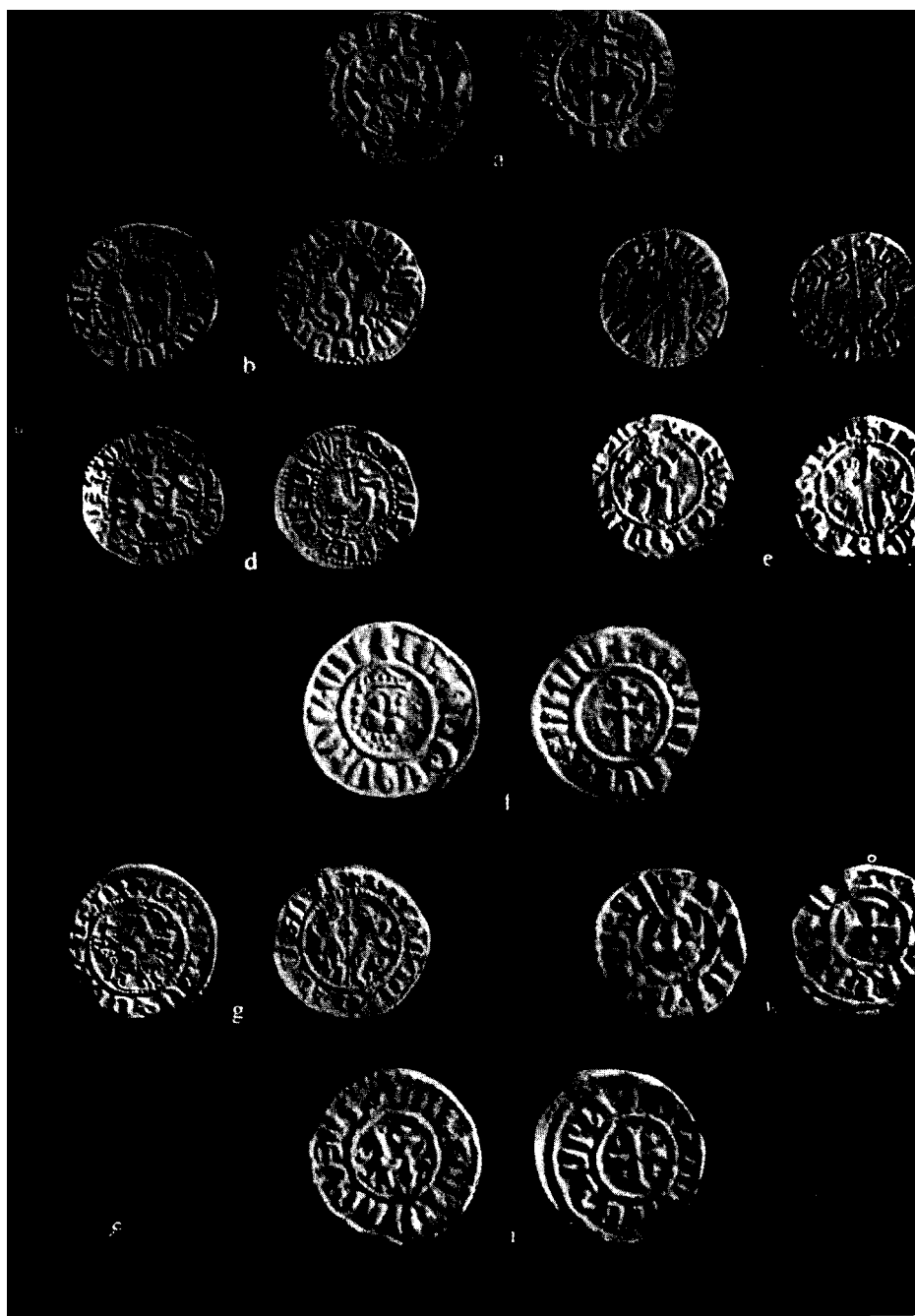
۷۶- ورق ۶۹ همان نسخه، مجلس ظهور مسیح.

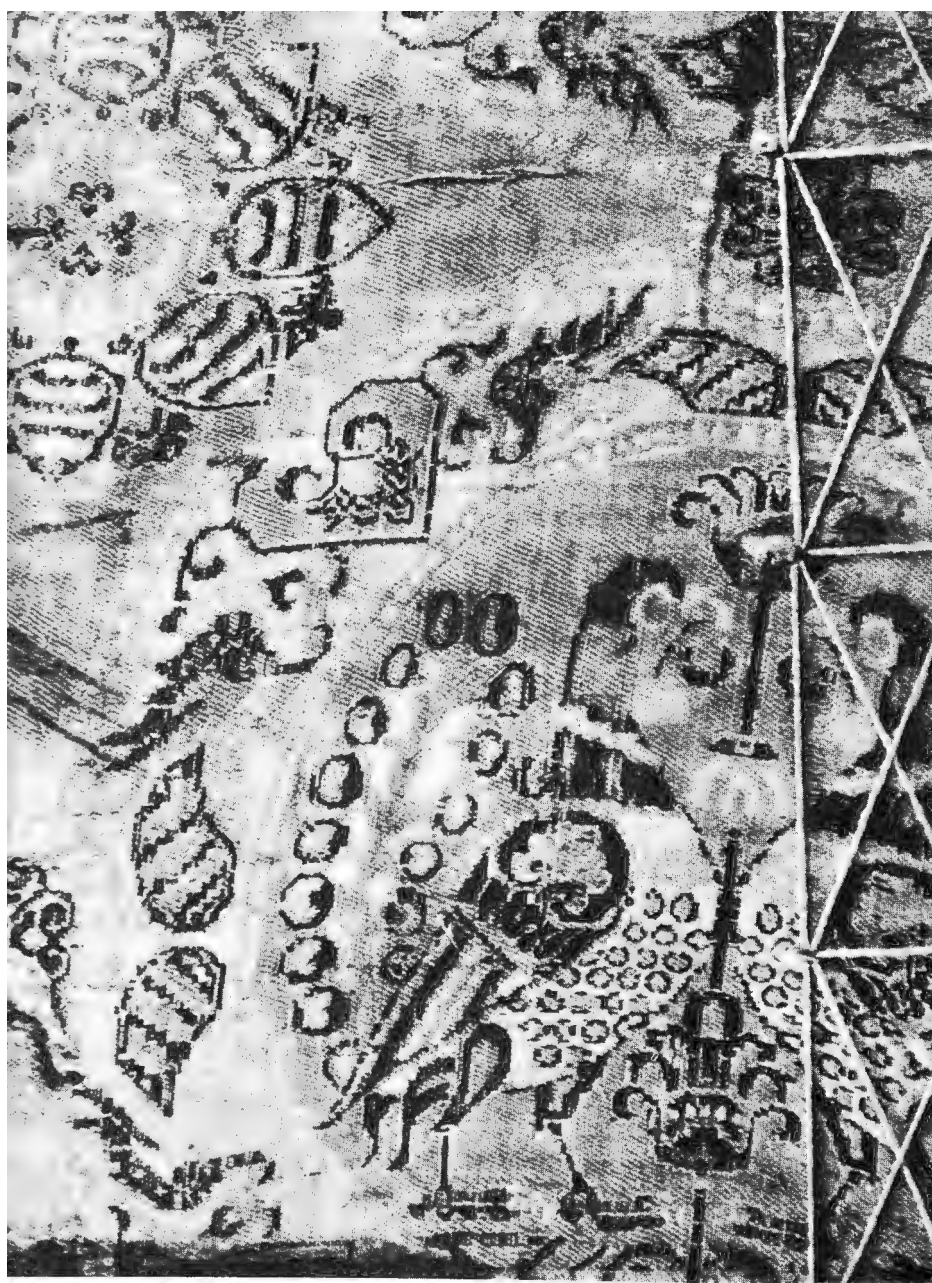
۷۷- ورق ۳۸۰ از همان نسخه، صورت شاه لئون و شاهبانو کران و فرزندانشان که از مسیح برکت حاصل می‌کنند. مسیح بر اورنگ در میان مریم عذرا و یحیای تعمید دهنده نشسته است. این نسخه در ۱۲۷۲ سال تاجگذاری ایشان مصور شده است.

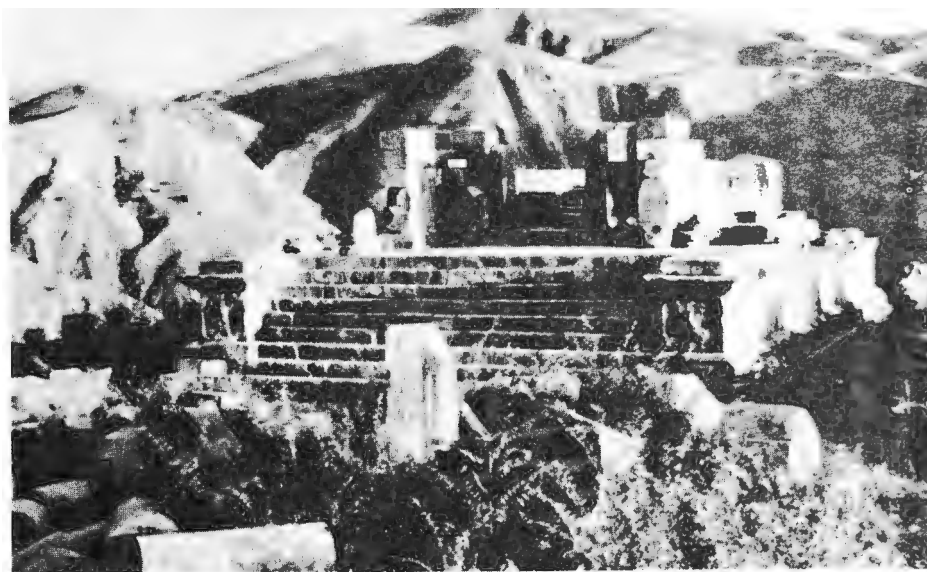
۷۸- انجیل مصور امیر واساک برادر شاه حاتم اول. از نیمه دوم قرن سیزدهم. واساک و دوپسرش توسط مریم عذرا به مسیح معرفی می‌شوند. مضبوط در اورشلیم در حوزه کلیسای بطریقی ارمنی به شماره ۲۵۶۸.











А



9











٢٧



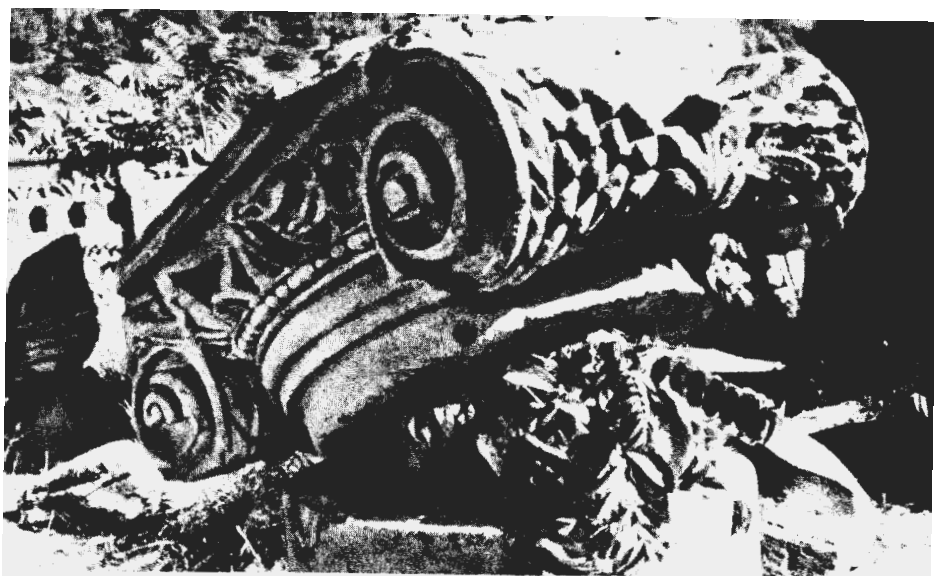
٢٨

٢٥



٢٦





٢٧ ٢٨

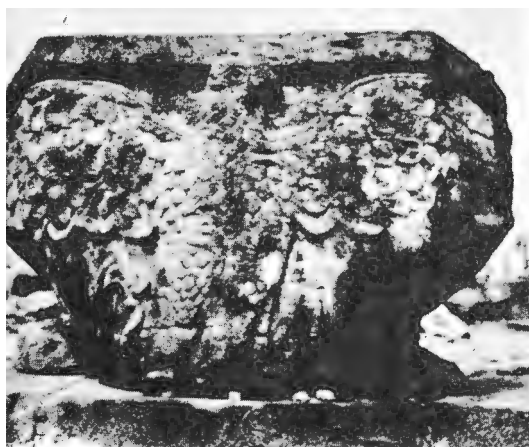




۲۹



۳۰



۲۱



۲۲



۲۳



۳۴

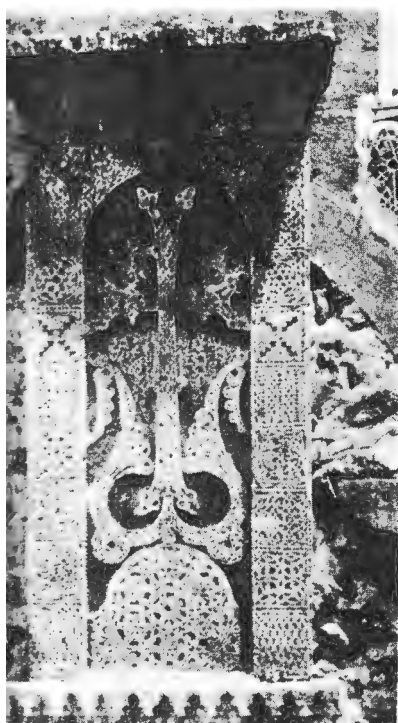
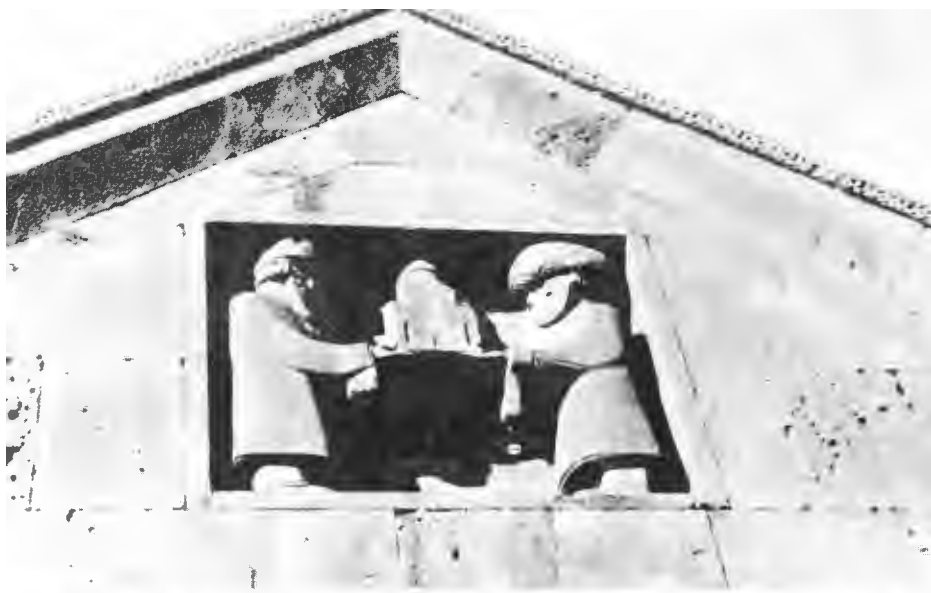


۳۵

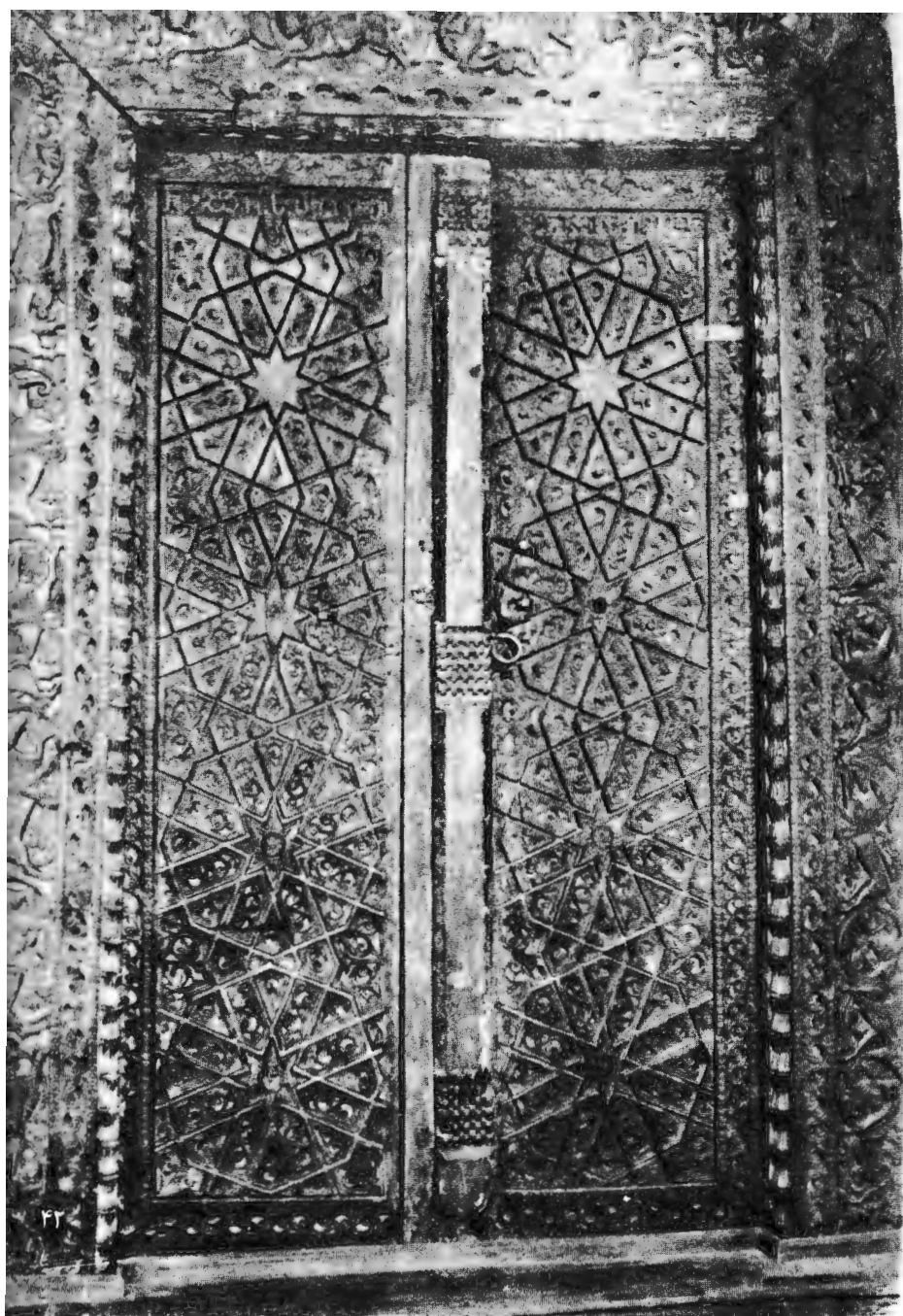


۳۶

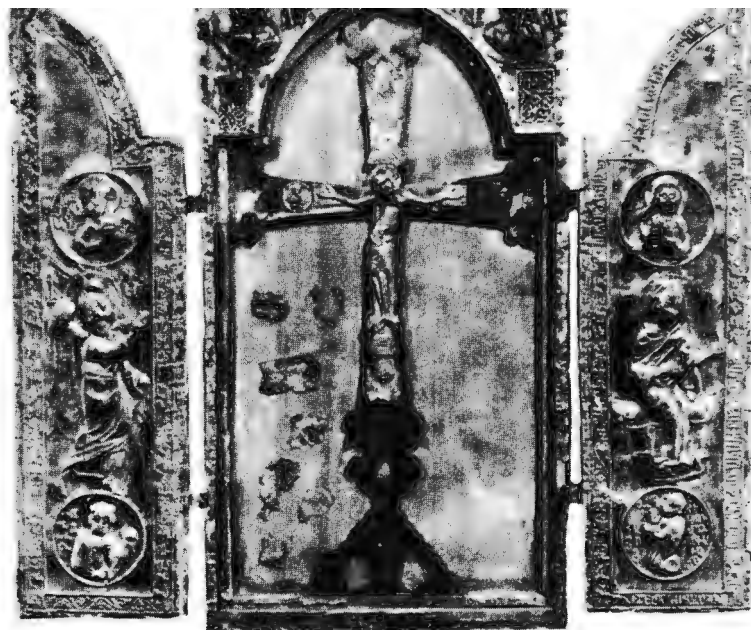








۴۳



۴۴



۴۵





۴۶



۴۷



48 49



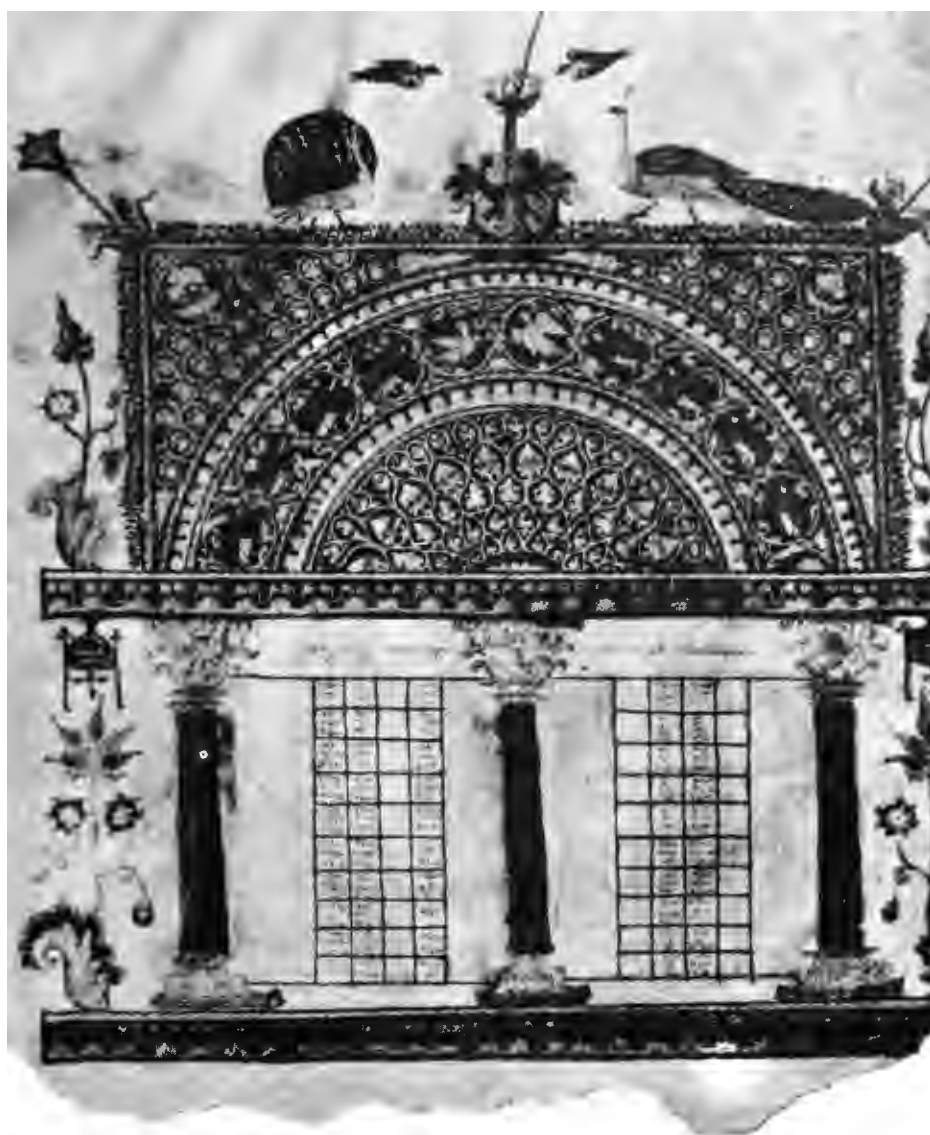
50



52



53

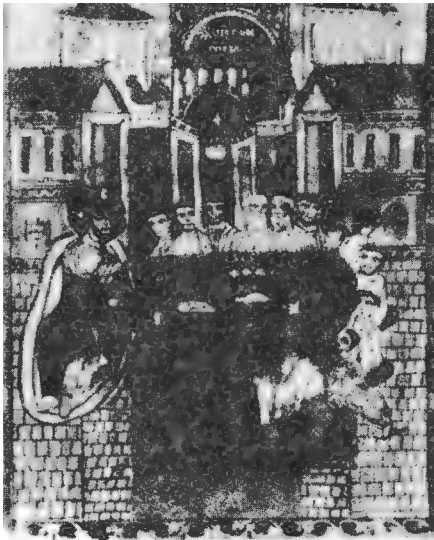




۵۵



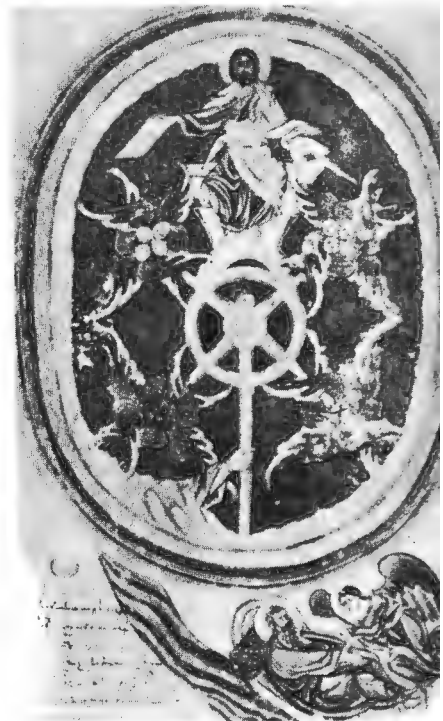
۵۶



57 58



59



60

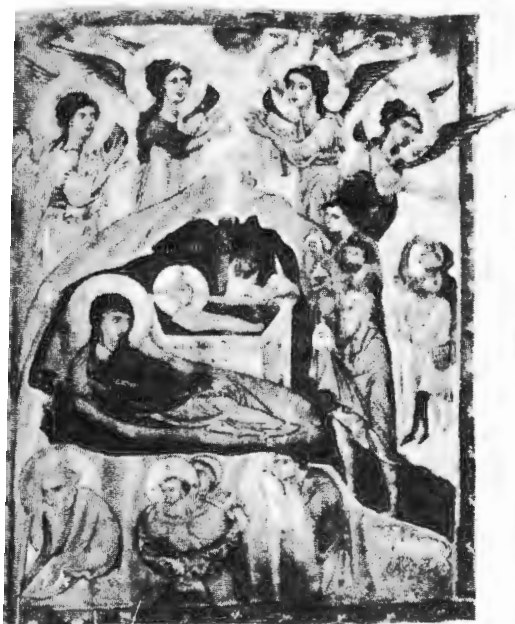


٤١



٤٢







Y. Y2



YI Y3







Y5
Y7



Y6
Y8



فهرست اعلام

آرتا کساتا ← آرتاشات	آ
آرتا کسیماد ۱۸	آبراه ۱۲
آرتا گسیاس آرتاشس	آبادانا / معماری ۱۴
آرتا واسد ۷۰،۶۹،۶۸	آپولون ۶۲،۶۱،۱۹
آرتسرونی ۴۸،۲۹،۲۸	آپیان ۲۲
آرتسن ۵۴،۵۳	آتن ۸۳،۷۰،۶۹
آرتمیس ۲۱،۱۹	آتنا ۶۲،۶۱
آردانوچ ۵۳	آتیس ۶۰
آرسیناس ۱۷	آتیکوس ۷۵
آرگوس ۶۲	آخوریان ۳۱،۱۹
آرگیشتی ۱۱،۱۰	آدیابن ۱۷
آرگیشتهینیلی ۱۹،۱۱	آذربایجان ۲۱
آرماویر ۱۰۵،۱۰۴،۶۲،۱۹	آرا ۶۰
آرمناک ۱۶	آرارات ۱۹،۱۵،۱۱،۷،۶،۵
آرمنی شوبریا ۱۶	۳۴،۲۹
آریتاکس لاستیورقی ۵۴	آرارات ← آرارات
آریستاکس لازتیورتی ۷۸،۷۷	آراکاتن ← آلاگوز
آرین برد ← اربونی	آراکلیان ۱۱۲،۱۰۷،۱۰۶،۸۷
آزات ۲۴	آرام ۱۷
آزاتان ← آزادان	آرپاچای ← آخوریان
آزادان ۴۶	آرتاشات ۵۵،۵۳،۲۴،۲۱،۲۰
آستفیک ۶۱	۱۰۴،۷۱،۶۸
آسوغیکسا ← تارون، استفان	آرتاشس ۶۳،۶۲،۴۴،۲۳،۲۰
آسیا ۸۱،۶۲،۵۶،۲۳	۱۰۴،۷۲،۷۱

آسیای صغیر	۱۱۰،۱۰۶،۲۳،۲۲	آمفیکراتس	۶۸
آسیای غربی	۱۱،۷	آموی	۵۹
آسیای میانه	۵۶،۵۴،۱۹	آنا بازیس	۱۷
آسیلیزن	۱۷ نیز نگاه کنید به	آناطولی	۹۲،۴۱،۳۹
ارزنجان		آنک	۶۳
آشتیشات	۶۱	آنانیا	۸۰
آشوت باکراتونی	۲۹،۲۸	آنانیاس شیراکی / آئاراکی / شرح حال	
آشوت دوم	۳۰، ۲۹		۸۰
آشوت سوم	۳۰	آناهیتا	۱۰۹،۷۱،۶۲،۶۱،۶۰
آشوت چهارم	۳۰	آنتیوکوس اول کماژن	۱۰۵،۶۱،۱۹
آشوت واسپوراکان	۵۱	آنتیوکوس سوم	۲۰
آشور	۶۱، ۹ / هنر ۱۴، ۱۲	آنی	۵۶، ۵۳، ۵۲، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲
آشور نصیرپال	۹		۱۰۲، ۱۰۰، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۸۵، ۸۲، ۶۰
آغتمار	۱۱۴، ۱۱۳، ۹۸، ۹۷، ۵۱		۱۳۵، ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۰۶
آفرودیت	۱۰۳، ۶۲، ۶۱	آنیبال کارتازی	۲۰
آکاثانگلوس	۷۶، ۶۴، ۶۱	آوارایار	۶۴، ۲۶
آلاجاچی	۳۱	آواک	۱۴۲
آلاگوز	۷، ۵	آوتیک	۵۴
آلانیان	۷۲، ۷۱	آیوازیان	۱۲۴
آلبانی	۸۱	آئین زرتشت	۷۶
آلبانیان	۲۹	آئین مانی	۷۶
آلتین تپه	۱۴، ۱۲	آئین مزدا	۷۷، ۲۶
آلشی	۹	الف	
آلکسیوس موصلی	۳۶	ابن حوقل	۵۵
آماتونیان	۸۸	ابن خلدون	۵۵
آمانوس	۴۰، ۳۹	اپاهونیک	۳۲
آمد	۷۳		

- آچار پروشیان ۱۲۱
 آدارنامه ۲۹
 آدزون ۹۲
 ادس ۷۴،۷۳،۷۰،۴۰
 اربونی ۱۴،۱۲،۱۱
 ارتاکسیان ۴۳
 ارتاواسد ← آرتاواسد
 ارتسرونی ۱۱۵
 اردشیر اول ۱۰۶
 ارز ۶۱
 ارز روم ۲۵ نیز نگاه کنید به
 تئودوزیوپولیس
 ارزنجان ۶۲،۵۶،۵۴،۱۷،۱۴
 ۱۳۵،۱۳۴،۱۰۳ نیز نگاه کنید به
 آسلیزن
 ارس ۳۱،۲۴،۲۰،۱۹،۱۱،۶،۵
 ۱۰۴،۶۷،۵۶،۵۵
 ارسترونیان ۱۲۸
 ارسطو ۸۲،۸۰،۷۶
 ارشرونیک ۲۸
 ارغون خان ۳۵
 ارك / تزئینات ۱۲ / معماری ۱۲
 ارگیشتی دوم ۱۱
 ارگیشتهینیلی ← آرگیشتهینیلی
 ارمزد ← اهورامزدا
 ارمنستان / آب و هوا ۶ / آثار ادبی
 ۸۰-۷۹ / آثار تاریخی ۷۶-۷۹
- آثار علمی ۸۳ آزادی مذهب ۲۷
 آئین مزداد ۷۳ / ادبیات شفاهی ۷۱-
 ۸۰،۷۲ / اشعار حماسی ۷۱،۷۲ /
 اقتصاد ۵۲،۵۶ / اوضاع اجتماعی
 ۴۳،۳۵،۳۴،۳۱ / اوضاع اقتصادی
 ۵۴،۳۶،۳۵ / اوضاع سیاسی ۲۳،۲۴
 ۲۸،۲۷ / بازرگانی خارجی ۲۰
 بناها ۸۷،۸۵ / پژوهشهای علمی
 ۸۱ / تاریخ نگاری ۷۷،۷۹ / تجارت
 ترانزیتی ۵۲،۵۵،۵۶،۱۰۱،۱۰۲ /
 تولیدات ۵۵،۵۶ / حکومت ۴۰ /
 خدایان ۶۰،۶۱،۶۲ / راهها ۵۲،۵۳
 ۵۶ / روابط سیاسی ۱۸،۲۱،۳۵،۴۲ /
 زنان ۴۴،۵۱ / سازمان فتودالی ۳۰ /
 سپاه ۲۶ / سکه ها ۵۵،۷۰،۱۰۲،۱۰۳ /
 صادرات ۵۵،۵۶ / طبقات اجتماعی
 ۴۳-۵۲،۴۷ / فرهنگ هلینیستی ۲۲ /
 قوانین و مقررات ۴۷،۴۸ / کشاورزی
 ۱۸ / کلیساها ۶۵،۶۶،۸۷،۸۸ /
 کوهستانها ۷۵،۷۰ / مدارس ۸۲
 ۸۳،۸۴ / مذهب ۳۵،۴۲ / مسیحیت
 ۶۳،۶۴ / مشخصات جغرافیایی ۵ /
 معماری ۵۱ / معماری مسیحی ۸۶
 ۸۸ / منابع طبیعی ۶ / نظام اجتماعی
 ۱۷،۱۸ / نظام فتودالی ۲۵،۴۷،۴۸ /
 نقاشی مینیاتور ۲۲،۱۴۳ / هنر ۱۲۷
 هنر سنگتراشی ۱۰۶،۱۰۷،۱۱۲
 ارمنستان ایران ۲۵ / اوضاع سیاسی ۲۶

۱۲۵	استیفان مقدس	۲۵	ارمنستان بیزانس
۱۰۸	اسحاق		ارمنستان چهارم ← ارمنستان بیزانس
۶۱،۲۰	اسکندر	۲۱	ارمنستان صغیر
۱۲۸،۶۳	اسکندریه	۱۴۳،۱۴۲،۱۴۱	ارمنستان کبیر
۱۲۰	اسکورا		ارمنیان / افسانه‌ها ۱۶ / جنگ‌ها ۲۶،
۵۵،۲۹،۲۷،۲۳	اسلام	۷۱،۴۰،۲۷	داستان‌های اساطیری
۱۲۰،۱۱۹،۱۱۴	اسماعیلو	۶۰ /	سلاح‌ها ۱۵ / منشأ نام ۱۷ /
۱۲۴	اشعیا		مهاجرت ۱۶، ۴۸، ۵۸، ۵۹ / نژاد ۱۵
۱۲۵	اشکانیان	۱۵	ارمیاء
۵۳،۵۲،۴۳،۲۳،۲۱	اشکانیان ارمنستان	۱۸	ارمنیان
۱۲۷،۱۰۴	اشکانیان ارمنستان	۸۱	اروپا
۴۶،۴۵،۲۴	اشک‌سوم	۸۶	اروپای غربی
۶۸	اشکناز		ارومیه ۱۱، ۲۵، ۲۹، ۱۰۶
۲۵	اعراب ← تازیان	۱۹	اروند اشات / معماری
	اغتامار ← آغتامار	۱۰۵	ازپانیریده
	اغتش	۱۰	ازراشکو
۱۱۱،۱۰۷،۱۰۶	اغلیش	۶۹	اژاسون
۲۶	اغیشه		استرابون ۱۷، ۲۰
۷۷	افرایم	۲۰	استاترزرین سکولی
۷۶	افریقا	۱۰۰، ۸۶، ۸۵	استرزیگوسکی
۸۱	افسوس	۱۲۸	استفان
۶۵	افلاطون	۱۵	استفان بوزنطی
۸۳، ۸۱	اقلیدس	۸۳، ۴۰	استفن
۵۳، ۵۲	اکباتان	۱۲۵، ۸۳، ۷۸، ۳۵	استفن اوربلیان
۲۶	البانیان	۱۳۰	

اوتیکید	۱۰۴	الفبای آرامی	۶۸
اوختانس	۷۹	الفبای آلبانیائی قفقازی	۷۴
اودوکوس	۶۷، ۱۵	الفبای ارمنی	۷۲، ۷۱، ۶۷، ۶۴
اور	۷		۷۴، ۷۳
اورارتو	۱۶، ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰	الفبای فارسی	۶۸
۱۷ / جنگها ۱۰-۱۱ / حکومت		الفبای گرجی	۷۴
مرکزی ۱۱ / معماری ۱۲ / هنر ۱۴		الفبای لاتین	۶۸
اورارتی	۱۹	الفبای یونانی	۶۸
اورارتیان	۱۷، ۱۴، ۱۱	اماگو	۱۰۱
اورانداشات	۲۰	امیر حسن دوم	۱۱۷
اوربلی	۳۴	انالوطیقا	۷۶
اورشلیم	۱۲۳، ۱۲۱، ۶۳، ۴۱	اناهیت ← آناهیتا	
	۱۳۹، ۱۲۵	اناهیتا ← آناهیتا	
اورونتس	۱۸، ۱۷	انجیل	۱۳۷، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۲، ۶۳
اورونتس چهارم	۱۹	انجیل اچمیادزین	۱۲۷، ۱۲۶
اورونتیان	۱۰۳، ۲۰، ۱۹، ۱۸	انجیل توروس تارون	۱۴۰، ۱۳۹
اورونتیان / شهرسازی	۱۹	انجیل شاه گایگ قارصی / نقاشی ۱۳۱	
اوریبدر	۶۹		۱۳۲
اوزان و مقادیر	۸۱	انجیل طرابوزان	۱۳۰
اوسیبوس	۱۲۷، ۶۳	انجیل لوقا	۱۳۷
اولیمپیودوروس کهتر	۷۶	انجیل ملکه / نقاشی	۱۲۸، ۱۲۷
اومک دیر گنیک	۵۴		۱۳۲
اوناپیوس	۶۹	انجیل موغنی / نقاشی	۱۳۲
اهورامزدا	۶۱، ۶۰	انجیل هاغبات / نقاشی	۱۳۴، ۱۳۳
ایاس	۵۷، ۵۶	انطاکیه	۷۰، ۶۹، ۴۱، ۳۹، ۳۸
ایبری	۳۲		۱۴۱، ۱۰۴
ایبریا	۵۳	اوتیکس	۶۵

ایبیریان	۲۹	۱۱۷،۹۶،۸۱،۷۸،۵۵،۵۳،۴۴،۳۲
ایتالیا	۵۹،۴۱،۱۴،۱۱	۱۳۰
ایران	۲۶،۲۴،۲۳،۲۱،۱۳،۷	باگرواند ۲۸
۱۰۵،۹۵،۸۸،۸۱،۷۷،۶۹،۵۵،۴۹		بالاوات ۱۰
۱۰۶ / سپاه ۲۶ / معماری ۸۶		بالکان ۹۴ / معماری ۸۵
ایرانیان	۴۳،۲۷	بایزید ۱۰۶
ایروان	۱۳۶،۱۳۲،۱۲۱،۱۱	بجنی ۸۳،۸۱
۱۴۲،۱۳۹،۱۳۷		بدشخ ۴۳
ایزابیل—زابل		بردگان ۴۷
ایشچوئینی	۱۰	بطریق ۶۳
ایشوا	۹	بطریق آتیکوس ۲۹
ایلعاذر	۱۴۰	بطلمیوس ۸۱
ب		بعل ۶۰،۱۶
بابرون	۳۹	بغازکوی ۹
بابل	۱۶،۱۵	بغداد ۵۵،۴۱
بارتلمی	۶۳	بلاذری ۵۵
بارشامین	۶۱	بلاش ۲۳
بارون	۴۸	بلژیک ۴۲
بازیل اول	۲۹	بنجی ۳۴
بازیل دوم	۳۲	بوشات ۱۰۶
بازیل قیصری	۶۹	بویهی ۵۵
بازیلیک	۹۲،۹۰،۸۹	بیانیلی ۱۰
باغ عدن	۱۲۸	بیتهخش—بدشخ
باکائه	۶۹	بیزانس ۲۹،۲۷،۲۶،۲۴،۲۳
باگاران	۹۳،۲۱،۱۹	۴۱،۴۰،۳۹،۳۸،۳۶،۳۴،۳۱،۳۰
باگاوان	۹۲	۷۵،۷۰،۶۴،۵۶،۵۵،۵۴،۵۳،۵۰
باگراتونیان	۳۱،۳۰،۲۹،۲۸	/ ۱۱۴،۹۶،۹۵،۸۸،۸۱،۷۸،۷۷

جامه‌ها ۱۴۱ / سیاست ۲۵ / کشور-	۵۷،۴۱	پیز
کشایی ۳۴،۳۲ / کلسیاه‌ها ۱۱۰،۶۵ /	۴۶	پیشه‌وران
معماری ۱۰۲،۸۶ / نقاشی ۱۳۲ /	۵	پینگول داغ
هنر ۱۳۰،۱۲۷،۸۵	۲۴	پیمان بیزانس و ایران
بیستون ۱۵	۵۳	پیمان بیزانس و ساسانیان
بین‌النهرین ۵۲،۲۴،۲۳،۲۱،۷	۲۴	پیمان صلح ایران و روم
۸۱،۵۵		
پ		
پاپوس اسکندرانی ۸۱	۸۳،۷۸	تاتو
پارتیان ← اشکانیان	۳۱	تاتوه
پارسیان ۱۸	۶۳	تادئوس
پتغنی ۱۱۱،۹۲	۳۲،۳۰،۲۸	تارون
پتی ۷۰	۷۸	تارون، استفن
پرگرین ۵۹	۷۷	تاریخ
پروپوس ۷۶	۷۹	تاریخ آلبانیان
پروشتیکا / معماری ۹۳	۷۸	تاریخ خاندان واستان سیونیک
پروکوپیوس ۵۳،۴۹،۳۶	۷۸	تاریخ شاپوه با گراتونی
پروهرسیوس ۷۰،۶۹	۷۷	تاریخ گرایش ارمنستان به مسیحیت
پطروس ۸۳،۸۲،۸۱	۷۹	تاریخ مردم تیرانداز
پطروناس ۳۶	۷۷	تاریخ واردان
پلوتارک ۶۹،۶۸،۵۲،۴۳،۲۰	۷۷	تاریخ هرقل
پلینی ۶۲	۴۳،۳۶،۲۹،۲۸،۲۷	تازیان
پمپه ۲۳	۱۲۷،۱۱۵،۸۱،۷۷،۵۳	
پنطوس ۵	۳۰	تاشیر
پنطیکاست ۶۳،۲۶	۲۸	تاشیرک
پورفیریوس ۸۲،۷۶	۱۲۵،۱۰۲	تالین
	۳۴	تامارا

تیخکوس	۸۰	تاوروس	۵۶،۲۱،۲۰،۵
تیخه انطاکیه	۱۰۴،۱۰۳	تبریز	۵۶
تیر ← آستفیک		تخت جمشید	۶۱
تیراتسشیان	۱۸	ترتولیان	۶۳
تیران	۶۹	ترشوما	۹
تیرداد	۷۷،۶۴،۶۳،۲۴،۲۳	ترکستان	۵۴
	۱۰۸،۹۷،۹۳،۸۸	ترکمان	۳۶
تیرداد سوم	۲۴	تشوب	۶۰
تیرداد، نام معمار	۹۶	تفسیر دعاهاى موسى	۷۵
تیری بازوس	۱۷	تفسیر بردیاتسرون	۷۶
تیکران آنی	۱۱۸	تفلیس	۲۵
تیگران	۵۲،۴۳،۲۳،۲۱،۱۸	تندراکنسی	۳۱
تیگرانوسرت	۶۲،۱۰۳،۱۰۴،۱۲۷، / جنگها ۲۱	تندروك	۵
	۶۸،۵۲،۲۱ /	تواریخ	۷۹
سقوط ۲۳ معماری ۲۲		توپراك قلعه	۱۲
تیگران هوننتس	۱۳۵،۵۴،۳۵	توتونیک	۴۱
تیگلات پیلسر	۹	تودوساك	۸۷
تیگلات پیلسر سوم	۱۱	تورامانیان	۹۴،۸۵
تیمائوس	۸۱	تورك	۶۰
تیموتائوس الوروس	۷۵	توروس اول	۳۹
تیمور	۳۶	توروس، پسر لئون	۴۰
تئودورا	۳۶	توروس تارونی / سبك نقاشی	۱۴۲
تئودور رشتونی	۲۷	توروس روسلین / سبك نقاشی ۱۳۷-۱۴۰	
تئودوزیوپولیس	۱۳۴،۵۳،۲۵	توشیه	۱۱،۱۰
نیز نگاه کنید به ارزروم		توکولتی، نینورتای اول	۹
تئودوزیوس	۷۵	توماس آرتسرونی	۷۸
تیول	۴۷،۴۶،۴۰	تومانف	۱۸

تئیشبائینی ۱۲،۱۱ نیزنگاه کنید

به کرمیر بلور

ج

جائلیق ژان پنجم ۷۸

جائلیق یحیی ۲۹

جائلیق یوحنا ۸۹

جاحظ ۵۶

جغرافیا ۸۱

جنگ آوارایر ۷۷

جنگ ارمنیان ۷۷

جنگ ایران و روم ۲۴

جنگ ماگتری ۲۰

جنگهای پارتیزانی ۲۹

جنگهای صلیبی ۷۹،۳۸

چ

چانتسلر ۴۸

چوبانیان ۱۳۱

چوبیناشویلی ۸۷

چین ۵۹

ح

حاتم اول ۷۹،۵۸،۴۸،۴۲،۴۱

۱۴۱

حاتمیان ۴۲،۴۱،۳۹

حتی ← هیتی

حزقیال ۱۲۵

حمدانیان ۳۱

خ

خاچاطوریان ۹۶،۹۴،۹۱،۸۹

۹۹،۹۸،۹۷

خاچکار ۱۲۰،۱۱۹

خالسدون ۶۵

خانبالغ ۵۹

خاور دور ← شرق دور

خاور نزدیک ← شرق نزدیک

خزر ۵۶،۵۴،۵۲،۲۱،۲۰،۶

خسرو ۶۳،۲۴

خورسباد ۱۴

خیزان ۱۴۲

د

دارا ۲۵

داریوش اول ۱۵

داستانهای سرزمین شرق ۷۹

دانشگاه قسطنطنیه ۳۶

دانیال ۱۰۹،۱۰۸،۷۳

داود دوم ۳۲

داود چهارم ۳۴

داود ساسون ۸۰

دجله ۵۶،۲۳،۲۱،۱۷

درامبات ۱۲۵

درمرن ۵۴

دریای سیاه ۵۵،۵۴،۵۳،۵۲،۱۹

دستور زبان دیونیزیوس تراکسی ۷۶

روستائیان ۵۲	دمشق ۱۲۴
روم ۶۹،۵۳،۵۲،۲۴،۲۳ /	دوران پارینه سنگی ۷
جنگها ۲۲	دوران مفرغ ۷
رومانوس لکانوس ۳۷	دوران نوسنگی ۷
روم شرقی ← بیزانس	دورنو ۱۳۷،۱۳۶،۱۳۴،۱۳۲
رومیان ۶۹،۲۴،۲۰	۱۴۲
ز	دوین ۵۳،۳۵،۳۴،۲۹،۲۵،۲۴
زابل ۴۱	۱۲۰،۱۱۲،۱۱۱،۱۰۷
زاکاریانها / تیول ۳۴	دیرتاتو ۱۳۰
زانگزور ۴۴،۲۰	دیرکلادزور ۱۴۲،۱۳۴
زبان ارمنی ۷۳،۶۸،۶۷،۱۶ /	دیپونوس کرتی ۶۲
ترجمه کتب ۸۳،۸۱،۷۶-۷۵	دیودوکوس ۷۶
زبان اورارتی ۶۸	دیونیز یوس اریاگیتی ۸۳
زبان سریانی ۷۴،۷۳	دیونیز یوس تراکسی ۸۲
زبان هندواروپائیان ۶۸،۶۷،۱۶	دیونیزوس تل مهری ۲۷
زبان یونانی ۷۴،۷۳،۶۹،۶۸	دیوینسیوس ۶۳
زنگزور ← زانگزور	ر
زنون ۳۵	رامشاپوه ۷۵،۷۳
زوارتنوتس ۱۲۴	رامیکها ۴۶
زیتون ۵۹	راندیا ۲۳
زیگیسموند ۴۸	ردیه بر تعریف شورای خالسدون ۷۵
ژئوس ۱۰۴	رسالات فیلون یهودی ۷۶
ژئوس المپ ۶۲	روبن سوم ۴۰
ژ	روبتیان ۴۲ / جنگها ۳۹ / سیاست ۳۹
ژان ← هوانس سارکاواگ	روسای دوم ۱۲،۱۱
ژان اودزون ۴۷	روستای قرمز ← قریة القرمز

۱۳۷	سباسته	۳۶	ژان کور کوآس
۷۷	سبئوس	۳۹	ژان کومنئوس
۴۵	سپاهیان	۵۹	ژرار
۶	سپیان	ژن ۵۴،۴۱ / امتیازات اقتصادی ۵۷	
ستایشگاهها ۱۴ / معماری ۱۴		۳۶،۲۵	ژوستینین
۱۴۱	سرکیس پیتسا	۴۰	ژوسلن
۳۶	سرگیس	۷۰	ژولین
۷۱	سرودهای کوغتن	س	
۱۰۴	سریگ	ساتانیدار ۷	
۸۱	سفرنامه	ساتنیک ۷۲،۷۱	
۱۱	سکاها	ساختمان تارتو ۹۹	
۶۲	سکیکیس	ساردوری ۱۰	
۵۴،۳۸،۳۵،۳۴،۳۲	سلجوقیان	ساردوی دوم ۱۳	
۱۳۳،۱۲۵،۱۱۸،۷۸		سارگن دوم ۱۱	
۷۹،۴۱،۳۹	سلجوقیان قونیه	سازنده - نرسس سوم	
۱۰۳،۶۸،۱۸	سلوکیان	ساسانیان ۶۴،۵۶،۲۴ / هنر ۱۱۱	
۹۴،۵۲	سلوکیه	۱۲۷،۱۱۶،۱۱۵،۱۱۴	
۴۸،۴۱	سمبات	ساگونیا ۱۰	
۲۹	سمبات باگراتونی	سامرا ۲۸	
۷۹	سمبات داروغه	ساموزات ۷۳	
۳۲،۳۰	سمبات سوم	ساناهین ۹۹	
۶۰	سمیرامیس	سان لورنزو / معماری ۹۳	
۱۷	سنت ریت	سهارونیان ۸۸	
سن ژرژ - گرگین		سهاک ۸۳،۷۵،۷۳	
۹۲	سن گایانه	سهاک باگراتونی ۷۷	
۱۰۸	سنگ مزار	سهامدین ۵۴	
سنگهای صلیب - خاچکار			

شهربانها ۱۸ / جامه ۵۰،۴۹	سوان ۳۴،۶
شهر هزار ويك كليسا—آنی	سوپیلولیوماس ۹
شهیدان ارمنی ۶۳	سوریه ۱۲،۱۱
شيراك ۸۰	سوزومنوس ۶۹
شیناکانها ۴۶	سوفنه ۲۱،۲۰
ص،ض	سیبل ۶۰
صربستان / معماری ۸۵	سیس ۱۲۱،۵۷
صلاح الدين ایوبی ۴۱	سیسرون ۶۹
صور ۴۱	سیسیلی ۵۷
صیدون ۱۰۷	سیکیون ۶۲
ضد فرقه‌ها ۷۶	سیواس ۵۶
ط	سیونیک ۳۱،۳۰،۲۹،۲۸،۲۰
طبری ۵۵	۱۱۵،۱۰۱،۹۹،۸۳،۷۸،۴۹،۳۵،۳۴
طرابلس ۴۱	۱۲۵،۱۱۷
طرابوزان ۸۲،۸۰،۵۶،۵۴،۵۳	ش
طرطوس ۵۷،۴۰،۳۹،۳۸	شاپور اول ۱۰۶
طیسفون ۵۲	شاپور دوم ۲۴
ع،غ	شام / ۵۶،۵۵،۴۲،۴۰،۳۹،۳۸
عباسیان ۵۳،۳۱،۲۷	۹۴
عربان—تازیان	شام / راههای بازرگانی ۵۲
عوامل ۸۱	شاهراه هخامنشی ۲۲
عهدجدید ۱۰۸	شرق دور ۵۴
عهدعتیق ۱۲۸،۱۰۸	شرق نزدیک ۱۱۱،۷۹
عیسی—مسیح	شلمهنرسوم ۱۰
غازارپارستی ۷۷	شنگاریت ۷
غلاطیه ۷۰	شوازی، اگوست ۸۵

۵۵	قریه القرمز	۷۷	نموند
۶۴	قسطنطین	ف	
۷۴،۶۵،۴۰،۳۴،۴۰	قسطنطنیه	فارقین ۲۱، نیز نگاه کنید به میافارقین	
۹۶،۸۳،۸۰،۷۹،۷۵	قفقاز	ومارتیروپولیس	
۷۹،۵۴،۲۸،۲۱،۲۰،۷	۸۱	فرات ۵۶،۲۳،۲۱،۲۰،۱۷،۱۶،۶	
	قفقاز جنوبی ۱۲	فرانسه ۴۲	
۷۴،۶۴،۶۳	قیصریه	فرانسیسی ۳۳	
ك		فرانکها ۵۰،۴۹،۴۸،۴۲	
۲۱	کپادوکیه	فریژی ۱۶،۱۵،۱۱	
۵۷	کاتالان	فریژیان ۶۷	
۱۶	کادموس	فریک ۸۰	
۹۰	کاساخ	فلسطین ۷۰،۵۶،۴۲،۴۰،۲۱	
۴۶	کاسبان	۱۰۷	
۷۶	کالیستنس کاذب	فلورانس ۵۷	
۶۰	کاماخ	فنیقیه ۲۱	
۸۸	کامسارا کانیان	فوجین ۵۹	
۱۴	کایالی دره	فوروم ۴۴	
۶۳،۳۸	کپادوکیه	فهرست تاج ۴۵	
۷۶	کتابخانه ایروان	فیدون ۸۱	
۱۳۰	کتابخانه مخیتارها	ق	
	کتاب داد گاهیان ← کتاب قوانین	قآن ۳۵	
۴۷	کتاب قوانین	قارص ۵۳،۳۴،۳۴،۳۰	
۸۳،۷۹،۷۵،۷۴	کتاب مقدس	قاطیقوریاس ۸۳،۷۶	
۱۱۵		قبرس ۴۱	
۷۱،۶	کر	قراقروم ۴۱	
		قرمز ۵۵،۷	

کلیسای ارروک ۹۰،۸۹	کراسوس ۶۹
کلیسای اسکندریه ۶۵	کران ۱۴۱،۱۳۲
کلیسای اشتاراک / معماری ۹۳	کراوتهایمر ۱۰۲
کلیسای اعظم ۹۷،۱۳۲	کرت ۶۲
کلیسای ایاصوفیه / معماری ۸۶ نیز	کرمیربلور ۱۴،۱۲ نیز نگاه کنید به
نگاه کنید به کلیسای سن صوفی	تئیشبائینی
کلیسای تالیش / معماری ۹۲،۹۱	کریمه ۱۰۷،۴۸
کلیسای تالین / معماری ۹۲،۹۱	کلخید ۱۷
کلیسای تاناهات ۱۱۷	کلده ۷
کلیسای تکور ۹۰	کلثوپاترا ۲۱
کلیسای داودسهارونی ۱۱۱	کلیسا ۸۴،۸۳،۵۹ / سازمان
کلیسای دجواری ۸۷	۴۷ / قوانین ۴۷ / معماری ۸۶،۸۹-
کلیسای دوین ۹۰	۱۰۱،۹۲،۹۰
کلیسای رسولان مقدس	کلیساهای ارتودوکس ۶۵
کلیسای زوارتنوتس ۱۱۲،۱۱۱ /	کلیساهای بیزانس ۱۳۵،۱۲۴
معماری ۹۷،۹۵-۹۴،۹۳	کلیساهای رومانسک ۱۱۶
کلیسای ساناهین ۱۱۶	کلیساهای سریانی / معماری ۹۲
کلیسای سن پتر / معماری ۸۶	کلیساهای شام ۱۱۰
کلیسای سن صوفی ۹۶ نیز نگاه	کلیساهای قفقاز ۱۱۰
کنید به کلیسای ایاصوفیه	کلیساهای کاتولیک ۶۵
کلیسای سن گرگوار ۱۱۸،۵۴ /	کلیسای آنتیسیون ۸۷
نقاشی ۱۳۵	کلیسای آغتامار / حجاری ۱۱۵ /
کلیسای سن گرگوار ابوغامرنس ۹۸،۳۳	نقاشی ۱۲۹،۱۲۸
کلیسای سن گرگوار تیگران هوننتس ۳۳	کلیسای آوان ۸۹
کلیسای سن گرگوار گایک اول ۹۷،۳۳	کلیسای آیساسی ۱۱۶
کلیسای سن هر پیسمه کلیسای هر پیسمه	کلیسای اچمیادزین ۶۴ / معماری ۹۲
قدیس	کلیسای ارتیک ۹۱

کومبرت کیلیسه / معماری ۹۷	کلیسای صلیب مقدس ۹۸،۹۷ /
کیدنوس ۵۷	تزئینات ۱۱۴،۱۱۳
کیراکوس ۷۹	کلیسای قارص - کومبرت کیلیسه
کیلیکیه ۴۱،۴۰،۳۹،۳۸،۳۶،۲۱	کلیسای کوچک مریم ۱۱۶
۱۲۱،۸۴،۵۷،۵۶،۴۹،۴۸،۴۲	کلیسای گرگوار قدیس ۱۱۶
۱۴۳،۱۲۲ / القاب اروپایی ۴۹،۴۸	کلیسای مادر مقدس ۹۹
جامه ۵۰ زبان ۴۹ سکه ۵۸	کلیسای مارماشن / معماری ۹۸،۹۷
کالهای تجارتی ۵۷-۵۹ / نسخه های	کلیسای مرن ۹۱
خطی ۱۴۰-۱۴۱ / نقاشی ۱۴۱،۱۳۹	کلیسای مریم سفید ۱۱۵
۱۴۲ / نقاشی مینیاتور ۱۴۲،۱۳۵	کلیسای مریم عذرا / نقاشی ۱۳۵
هنر ۱۲۰	کلیسای ناجی ۹۹،۹۸،۳۳
کیریان ۱۱	کلیسای نوراونک بغن ۱۱۵
کیوریکه دوم ۷۰	کلیسای هاریچ ۱۱۶
سی	کلیسای هاغبات ۱۱۶ / نقاشی
گارنی ۱۲۵،۱۲۳،۱۰۶،۸۸،۸۷	۱۳۵ / معماری ۱۰۰
گایک آسترونی ۷۸،۵۰،۲۹	کلیسای هرپسمه قدیس / معماری
۱۱۴،۱۱۳	۹۶،۹۵
گایک اول ۹۷،۹۶،۳۲،۳۱	کلیسای هو هانا وانک ۱۱۵
۱۱۶	کلیسای یحیی قدیس تعمیردهنده /
گایک واسپورا کان ۱۲۷،۹۷	معماری ۹۳
۱۲۸	کنراد اسقف اعظم مایانس ۴۰
گایک قارصی ۱۳۱،۵۶،۳۴	کنستانس ۶۹
گال ۶۹	کنستانس دوم ۵۸
گاهنامک - فهرست تاج	کنستانس یورفر و گینتوس ۵۶،۲۹
گیانه ۱۲۵،۶۴،۶۳	کورش / روابط سیاسی ۱۸
گرا بار ۸۶	کورشنامه ۱۸
	کوریکوس ۵۷

ل

لمبات / معماری	۹۳	گر جستان	۳۵،۳۴،۳۲،۲۸،۲۷
لوری	۷۰،۵۵،۳۴		۸۷،۵۵،۵۴،۵۳،۴۸،۴۱
لوکولوس	۶۹،۵۲،۲۳،۲۲	گر جیان	۱۰۹،۷۹،۳۴،۲۸،۲۶
لومبارون	۳۹	۱۲۵	
لوئی مقدس	۴۱	گر گوار	۶۴،۶۳
لهستان	۴۸	گر گوار آکانتس	۷۹
لیبانیوس	۷۰ / شاگردان	گر گوار درخشنده	۴۷
پسیپوس	۱۰۴	گر گوار روشنگر	۱۱۳،۹۳،۷۷
لئون	۱۴۱	۱۳۵	
لئون اول	۵۸،۵۷،۵۰،۴۰،۳۹	گر گوار ماگيستروس	۸۲،۸۱،۷۲
لئون دوم	۱۳۹،۴۱،۴۰ /	گر گوار نارك	۷۹
سیاست	۴۱	گر گوار نازیانزوس	۶۹
لئونتیوس	۷۰،۶۴	گر گورپاهلاوونی ← گر گوار ماگيستروس	
م		گر گین	۱۲۰
ماتناداران	۱۳۶،۱۳۲،۱۲۱،۷۶	گر نی	۷
	۱۴۲،۱۳۹،۱۳۷	گریکوری ماگيستروس	۳۴
ماتئوس ادسی	۷۹	گزنفون	۱۸،۱۷
ماجراهای اسکندر	۷۶	کنونیان	۴۴
مادها	۱۷،۱۵،۱۱	گگار	۱۳۵
مارتیروپولیس	۲۵،۲۱ نیز نگاه کنید	گکارد	۱۱۸
به میافارقین وفارقین		گلادزور	۸۴
مارسی	۵۷	گورکن ← ژان کورکوآس	
مارسیلیس اول	۹	گورهای سنگی	۱۴
مارکوپولو	۵۶	گولتپه	۷
ماریانه	۶۴	گیلکمیش	۱۰۹
		گیوک خان	۲۵

مشاهده ۸۶	ماريسا ۱۰۷
مصر ۱۱۰،۵۶	ماکو ۲۵
معماری پمپئی ۱۳۲	مامیستر ۵۷
مغولان ۵۴،۴۲،۴۱،۳۶،۳۵	مامیکونیان ۸۸،۴۴،۲۸
۸۰،۷۹،۵۹،۵۶،۵۵	مانانديان ۱۸
مکاشفات حزقیال ۱۳۵	مانوئل آما تونی ۱۱۱
ممالیک مصر ۱۴۱،۴۲	ماوراء الطبیعه ۷۶
منازکرت ۳۴،۳۲،۹	ماهمودچوغ ۱۱۱
مفتدثکیرث ← منازکرت	مترو دوروس ۶۸
منگوقاآن ۴۱،۳۵	متسامور ۲۰
منوآ ۱۲،۱۰	مخیتار گوش ۴۷
منی ۱۵	مدیترانه ۲۱،۱۹ / راههای
موسامیر ۱۴	بازرگانی ۵۲،۱۱
موسس در استخوانتسی ۷۹	مرغیون ۷۶
موسی خورنی ۶۱،۱۸،۱۷،۱۶	مرن ۱۲۵،۱۱۱،۱۱۰،۹۲
۸۱،۷۷،۷۱،۶۶،۶۲	مروژان ۶۳
موش ۱۳۶،۱۲۰،۱۴	مریم عذرا ۱۱۵،۱۱۱،۱۱۰،۱۰۸
مونپلیه ۵۷	۱۲۴،۱۲۱،۱۱۹،۱۱۸،۱۱۷،۱۱۶
مهاجران مسیحی ۳۸	۱۴۱،۱۴۰،۱۳۵،۱۲۵
مهر ۶۱،۶۰	مسروپ - ماشتوتس ۷۴،۷۳
مهرداد اوپاتورپنطوسی ۲۲،۲۱	۸۳،۷۷،۷۶،۷۵
میافارقین ۲۵،۲۱ نیز نگاه کنید به	مسلمانان ۵۸،۴۲،۴۰،۳۸
فارقین ومارتیروپولیس	مسیح ۱۱۵،۱۱۱،۱۱۰،۱۰۸
میترا ← مهر	۱۲۸،۱۲۷،۱۲۵،۱۲۲،۱۲۱،۱۱۹
میتروزانس ← مروژان	۱۴۱،۱۴۰،۱۳۵،۱۳۱،۱۳۰،۱۲۹
میژس ۱۹	مسیحیان ۶۳
میلان ۹۳	مسیحیت ۱۲۳،۶۸،۶۳،۲۶،۲۴

نمازخانه نوراوانک	۱۱۶،۱۰۱	میه	۸۵
نمرود داغ	۱۰۵،۶۱،۱۹،۶	ن	
ننه	۶۱	ناخاراها	۸۸،۴۶،۴۵،۴۳،۲۵
نوح	۱۶	۱۱۱ / وظایف	۴۴
نیسفوروس فوکاس	۳۸	ناثیری	۱۰،۹
نیقیه	۶۵،۴۱	نخجوان	۵۳،۲۹
نیک کوغب	۷۶	نرسس سوم	۹۳
نیکولای میستیکوس	۷۸	نرسس لامبروفی	۸۴،۷۹،۵۰
و		نرسه کامساراگان	۱۱۱
واختانگ ششم	۴۸	نرون	۲۴
واختانگ گورگاسلان	۲۷	نسخه‌های خطی	۸۳،۷۶،۷۵،۷۴
وارداپت	۸۴	۱۲۶،۱۲۱،۸۴ / تزئینات ۱۳۶	
واردان مامیکونیان	۳۵،۲۷،۲۶	نقاشی	۱۳۱،۱۳۰،۱۲۹،۱۲۸،۱۲۵
	۷۹		۱۴۱،۱۳۷،۱۴۳،۱۳۳،۱۳۲
واروآز	۱۹		۱۴۳
واساک	۴۹	نسخه‌های خطی لاتینی	۱۲۷
واسپوراگان	۷۸،۳۲،۳۰،۲۹،۲۸	نسخه‌های خطی یونانی	۱۲۷،۱۲۶
واغارشاپات	۹۶،۹۵،۹۳،۹۲،۷۵	نسطوریان	۶۵
وان	۳۲،۱۶،۱۴،۱۱،۱۰،۹،۶	نسطوریان چین	۵۹
	۱۴۲،۱۱۳،۵۵،۳۵	نصیبی	۷۰
وانانه	۳۰	نصیبین	۱۰۴،۲۴
واهاگان ← آناهیتا		نقاشی دیواری	۱۳۵،۱۳۰،۱۲۷
واهان مامیکونیان	۲۷	نمازخانه زاماتون	۱۰۱،۹۹
واهکا	۳۹	نمازخانه کرج	۱۰۷
ورپاتموس	۱۴	نمازخانه سن گرگوار	۹۸
ورتانس کرتوغ	۱۲۶،۱۲۵،۱۲۴	نمازخانه شبان	۱۰۱،۳۳

هزار آبگیر ← پینگول داغ	ورثرغنه ۶۱
هزارپت / حدود اختیارات ۴۵-۴۴	وروس ۱۷
هزاردان ۷	وقایعنامه اوسیوس ۷۵
هفائستوس ۶۲،۶۱	ونیز ۱۳۰،۵۵،۵۴،۴۱ /
هکائتوس ملطی ۱۵	امتیازات اقتصادی ۵۷
هلنیسم ۶۱،۱۹	ویلیام روبروک ۳۵
هندوستان ۵۳	۵
هوانس سارکاواگ ۸۲	هارتفورد ۱۳۹
هوردموس ۱۹	هارك ۱۶
هوریان ۶۰،۱۷،۱۰	هارون الرشید ۲۸
هوسپیان ۱۱۷	هاریچ ۱۱۱
هوسپیتالیه ۴۱	هاغبات ۱۰۱،۹۹،۸۴،۸۲
هولاگو ۳۵	هانری اول ۴۱
هومر ۸۳	هانری چهارم ۴۰
هونها ۲۷،۲۶	هایک ۶۰،۱۷،۱۶
هیاساآزی ۱۶،۹	هایکاش ۱۶
هیپولیتوس ۷۵	هایوتس دزور ۱۷
هیتون ← حاتم	هتومیان ← حاتمان
هیتی ۶۱،۹	هخامنشیان ۴۳،۱۹،۱۸،۱۷ /
ی	هنر ۱۰۵
یافت ۱۶	هراگلیوس ← تاریخ هرقل
یحیی، اسقف اعظم ۵۹	هرقل ۱۰۴،۴۲،۶۱
یحیی تعمیددهنده ۱۲۱،۱۱۵	هرودوت ۱۷،۱۶،۱۵
۱۴۱،۱۳۰	هرومکا ۱۲۱
یزدگرد سوم ۲۶	هرومکلا ۱۳۷
	هریپسیمه ۱۲۵،۶۴،۶۳

۲۱۸ / ارمنیان

۶۲ / هنر ۱۰۴، ۱۰۵	۶۵ یعقوبیان
۱۱۴ یونس	۱۱۹ یوحنا ی قدیس
۹ یونجه‌لو	۷۸، ۵۱، ۲۹ یوسف
۱۱۱ یوهان روحانی	یونان ۶۹، ۶۱، ۱۱ / پرستشگاهها
۱۳۸ یهودا	۱۹ فلسفه ۸۱-۸۲ / مجسمه‌سازی

کتابهای مرکز اسناد فرهنگی آسیا به زبان فارسی

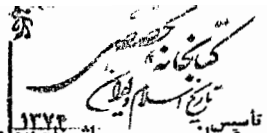
مجموعه کتابشناسیها و مدارك فرهنگی

منتشر شده است

- | | | |
|-------------|--|-------------------|
| ۲۵۳۴ پاییز | سازمانهای فرهنگی ایران | ۱- سعدلو، پرویز |
| ۲۵۳۵ زمستان | کتابشناسی موسیقی | ۲- مشایخی، ویدا |
| ۲۵۳۵ زمستان | کتابشناسی هنر | ۳- مافی، عباس |
| ۲۵۳۵ بهار | کتابشناسی تئاتر و سینما | ۴- تعاونی، شیرین |
| ۲۵۳۵ بهار | فهرست مستند اسامی مؤسسات
و سازمانهای فرهنگی ایران | ۵- بهنام، مهوش |
| ۲۵۳۵ بهار | کتابشناسی زبان و خط | ۶- گلبن، محمد |
| ۲۵۳۶ پاییز | کتابشناسی رسانه‌های گروهی | ۷- دستمالچی، مهین |

منتشر می‌شود

- | | | |
|--|--|------------------|
| | کتابشناسی گیلان | ۱- آقابخش، علی |
| | کتابشناسی قاجار
(از آغاز تأپیدایش انقلاب مشروطیت) | ۲- ناطق، هما |
| | کتابشناسی یزد و کرمان | ۳- بیدل، فریفته |
| | کتابشناسی تذهیب و نقاشی | ۴- گلبن، محمد |
| | فهرست جراید ایران | ۵- محلوچیان، آذر |



۶- عطیما، پرتی تاز - رازة نامه های دو و چند زبان فارسی

۷- پاکدامن، ناصر - کتابشناسی تهران

۸- گلبن، محمد - سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به روسیه

۹- ستوده، منوچهر - راهنمای قطغن و بدخشان

۱۰- ستوده، منوچهر - سفرنامه بدخشان

۱۱- ملك معیری، مهناز - نمایه موضوعی کتابهای اطلاعاتی کودکان

و نوجوانان

۱۲- افشار، ایرج - خطای نامه

۱۳- افشار، ایرج - کتابشناسی ایرانشناسی

۱۴- پرکار، پرویز - مجموعه اسناد مربوط به حق مؤلف

در سطح ملی و بین المللی

نشریه های ادواری

۱- فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات ایران - دوره اول شماره ۱-۴

(فصلنامه) ۲۵۳۵

۲- فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات ایران - دوره اول شماره ۱-۴

(فصلنامه) ۲۵۳۶

۳- فهرست اعلام چهارشماره سال دوم - تابستان ۲۵۳۷

فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات ایران

مجموعه فرهنگ آسیا

منتشر شده است

۱- شیوالینگاها، ساویتی (نویسنده) - عروسکهای خیمه شب بازی تیر ۲۵۳۷

علی آقابخشی (مترجم) - نقش آنها در اجتماع

۲- آشوری، داریوش - تعریفها و مفهوم فرهنگ - مرداد ۲۵۳۷

۳- سیرارپی در نرسیان (نویسنده) - ارمنیان

مسعود رجب نیا (مترجم)

منتشر می شود

۱- فرامرزی، محمدتقی (مترجم) - نمایش های سنتی و وسایل ارتباط

جمعی در ژاپن، جمهوری کره و فیلیپین

- ۲- نیانه تی لوکا (نویسنده)
ع. پاشایی (مترجم)
۳- شومان، ولگانگ (نویسنده)
ع. پاشائی (مترجم)
۴- امین مؤید، مجید (مترجم)
هنرهای سنتی نمایشی و وسایل
ارتباط جمعی درهند
۵- بهار، مهرداد
۶- آشوری، داریوش
اساطیر ایران
تاریخ چین کهن

مجموعه متون آموزشی علوم اطلاع رسانی و کتابداری
قواعد فهرستنویسی و رده بندی ساده مواد غیر چاپی
منتشر شده است

- ۱- حاذق، فریدون قواعد فهرستنویسی و رده بندی پاییز ۲۵۳۶
ساده مواد غیر چاپی
۲- حری، عباس شیوه بهره گیری از کتابخانه زمستان ۲۵۳۶
۳- سن ویل، دومینیک (نویسنده) راهنمای نمایه سازی زمستان ۲۵۳۶
عبدالحسین آذرنگ (مترجم) مدارك و گسترش
اصطلاحنامه توسعه
فرهنگی در کشورهای آسیا
۴- حری، عباس مراجع و بهره گیری از آنها زمستان ۲۵۳۶
۵- دانشی، محمدحسین اصطلاحنامه علم اطلاع رسانی و بهار ۲۵۳۶
عبدالحسین آذرنگ (مترجمین) دکوماناسیون

منتشر می شود

- ۱- فدائی عراقی، غلامرضا خدمات مراکز کتابداری
۲- ابرامی، هوشنگ کتاب و پدیده کم رشدی
۳- رامبد، محمد فراهم آوری مواد کتابخانه ای
۴- تعاونی، شیرین رساله ای در زمینه وسایل
وتجهیزات کتابخانه و مرکز اسناد
۵- باتلر، پی پرس (نویسنده) روشهای علمی و عملی نگهداری
کتاب
هوشنگ ابرامی (مترجم)

Published by ACDC

1. Traditional Performing Arts through the Mass Media in India. (N. Menon et al.).
2. Ramayana in the Arts of Asia. (K. M. Vatsyayana).
3. Marionettes and their Role in Society. (S. Shivalingaappa).
4. Traditional Performing Arts through the Mass Media in Japan, the Republic of Korea, and the Philippines. (T. Kawatoke et al.).
5. Les Spectacles Traditionnels et les Moyens de Communication de Masse en Asie du Sud-Est. (J. Brunet).
6. Seminar on Cultural Planning in Asia, Tehran, 23-27 February 1976, Final Report.
7. Asidoc Bulletin, Autumn 1976.
8. Asidoc Bulletin, Spring 1977.
9. Cultural Planning in Asia: Volume I.
10. Asidoc Bulletin, Autumn 1977.
11. Cultural Statistics. (N. T. Mathew).
12. Asidoc Bulletin, Spring 1978.
13. Cultural Planning in Asia: Volume 2.

